ایران

• پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۴
• ۱۳ صفر ۱۴۴۷
• ۷ آگوست ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۸۰۷
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

از ابتدای امسال اعطا شده است
۷۳ همت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری
۸

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات خبرداد
آغاز تولید فیبر نوری ایرانی در ونزوئلا
۱۳

وزرای راه ایران و قزاقستان رایزنی کردند
توسعه ترانزیت در کریدور شمال - جنوب
۷

دستور کار نخستین نشست کارگروه نظام پرداخت: ایجاد انگیزه و رفع تبعیض در میان کارکنان

حقوق و عملکرد در دولت تراز می‌شود

۲

توصیه پزشکیان در مورد بودجه‌نویسی ۱۴۰۵:
نگذاریم مردم زیر فشارهای اقتصادی خرد شوند

President.ir

۱

بیش از یک میلیون زائر از مرز مهران عبور کردند
ظرفیت همه نهادها در خدمت زائران اربعین
۱۴

یک پژوهشگر روابط بین‌الملل از سیاست خارجی دولت چهاردهم نوشت
ایران، از مدیریت بحران تا بازتعریف بازدارندگی
۴

بررسی میدانی اثرات پروژه‌های صنعتی بر بازار زمین و مسکن چابهار
بازار مسکن «مکران» توسعه زیرساختی یا حباب؟
۷

رئیس کل سازمان نظام پرستاری:
۱۰۰۰ پرستار داوطلب در جنگ ۱۲ روزه ثبت نام کردند
۶

درباره خبرنگارانی که همیشه خواسته‌اند چشم و گوش مردم باشند
جان‌سخت‌ها!
رواداری باید جای شکایت و تنگ‌نظری را بگیرد
۱۸ ۲۰

به بهانه سفر معاون اول رئیس جمهور به ترکمنستان بررسی شد
ایران؛ صدا و مسیر نجات کشورهای بی‌ساحل
یادداشت مشاور و دستیار ویژه معاون اول رئیس جمهور
۲

استیلی: برای ساختن به پرسپولیس آمدم نه جنگیدن
باشگاه‌ها اسم‌شان حرفه‌ای است، کارشان آماتور
۱۵

ارکستر ملی ایران تازه‌ترین اجرای خود را روی صحنه می‌برد
موسیقی با هر تفکری خوب است
۱۹

توصیه پزشکیان در مورد بودجه‌نویسی ۱۴۰۵:

نگذاریم مردم زیر فشارهای اقتصادی خرد شوند

رئیس‌جمهوری گفت: «هوای مردم را داشته باشید و نگذاریم مردم زیر چرخ فشارهای اقتصادی خرد شوند.» این سخنان مسعود پزشکیان عصر دیروز در سازمان برنامه و بودجه و خطاب به تدوین و تنظیم کنندگان بودجه سال آینده بیان شد. این جمله و دیگر نکاتی که رئیس‌جمهوری در این جلسه خطاب به مسئولان سازمان برنامه و بودجه بیان کرد، نشان می‌دهد رئیس‌جمهوری انتظار دارد و از مسئولان می‌خواهد که بودجه سال ۱۴۰۵ کشور سه ویژگی داشته باشد: عادلانه باشد، عملکردی باشد نه هزینه‌ای و در نهایت و مهم‌تر از همه، بودجه برای مردم تدوین شده باشد.

عملکرد، شفافیت و مردم معیارهای بودجه‌ای پزشکیان

عصر دیروز رئیس‌جمهوری با حضور در سازمان برنامه و بودجه از نزدیک در جریان روند برنامه‌ریزی‌های مربوط به بودجه سال ۱۴۰۵ قرار گرفت. رئیس‌جمهوری در سخنان خود ضرورت‌ها و الزامات تدوین بودجه برای سال‌های آینده را تبیین و تشریح کرد. اگر قرار باشد فقط با یک عبارت یا واژه، گفته شود که رئیس‌جمهوری در این جلسه چه گفت، می‌توان اینطور بیان کرد: «پزشکیان خواستار بودجه‌ای شد که «از مردم و کشور مسأله حل کند.» اما منظور رئیس‌جمهوری چه جور مسأله‌هایی است که بودجه باید آن را حل کند؟

مهم‌ترین «مسأله» بودجه‌ریزی در کشور که پزشکیان دیروز در سازمان برنامه و بودجه خواستار اصلاح آن شد، این بود که اساساً در نظام حکمرانی ما، بودجه‌ها براساس «هزینه» تدوین می‌شوند، نه براساس «عملکرد» یعنی ابتدا یک جای هزینه‌ای برای منابع یا پول‌هایی که در اختیار دولت هست تعریف می‌شود، مثلاً ساخت فلان فرودگاه در فلان شهرستان یا فلان پرداخت به فلان گروه اجتماعی و سپس در بودجه برای این هزینه‌های ایجاد شده، منابعی هم در نظر گرفته می‌شود. اما بودجه براساس عملکرد یا «مسأله محور» به این صورت خواهد بود که ابتدا مهم‌ترین نیازهای کشور احصا، مهم‌ترین مسأله‌های جامعه، شناسایی و سپس مشخص می‌شود که برای حل این مسأله، نه به صورت تمام و کمال، بلکه برای اینکه یک گام به سمت حل مسأله حرکت شود، چه منابعی باید تعریف شود.

مسأله دیگری که دیروز رئیس‌جمهوری روی میز تدوین کنندگان بودجه سالانه کشور در سازمان برنامه و بودجه گذاشت، شفافیت بود. اینکه پزشکیان گفت «امروز هزینه‌های بسیاری می‌شود بدون آنکه گره‌ای از مشکلات مردم را حل کند یا خروجی مشخصی برای کشور داشته باشد»، یا اینکه رئیس‌جمهوری از «پرداخت بدون ضابطه ردیف‌های دستمزدی همچون فوق‌العاده مدیریت به مدیران ناکارآمد» انتقاد کرد، ناشی از همین است. به دیگر سخن، می‌توان اینطور برداشت کرد که از نظر پزشکیان، ناکارآمدی و هزینه تراشی، روی دیگر نبود شفافیت است و این دو مسأله، با یکدیگر همپوشانی دارند. رئیس‌جمهوری دیروز درباره پرداخت یارانه‌ها، عدالت محور کردن آنها و شفافیت آنها نیز نکاتی را به مدیران سازمان برنامه و بودجه گوشزد کرد. اما در بیانی ساده و صمیمی، همه این مباحث را اینطور جمع‌بندی کرد: «در یک کلام هوای مردم را داشته باشید و نگذاریم مردم زیر چرخ فشارهای اقتصادی خرد شوند.»

انتقادها از بودجه‌ریزی و دستورکار برای اصلاح

جلسه روز گذشته رئیس‌جمهوری در سازمان برنامه و بودجه، با حضور رئیس دفتر رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر اقتصاد و جمعی از مدیران سازمان و نمایندگان مجلس برگزار شد. پزشکیان در سخنان خود، با تأکید بر اهمیت بودجه‌ریزی عملیاتی، نسبت به رویه‌های موجود در نحوه بودجه‌نویسی کشور انتقاد و بر ضرورت بهینه‌سازی در عملکرد بودجه تأکید کرد.

وی گفت: «در واقع روند فعلی تدوین بودجه، بر مبنای هزینه است، در صورتی که می‌بایست با محاسبه فنی یک پروژه یا یک خدمت، نسبت به اختصاص بودجه اقدام کرد که بدین ترتیب از بسیاری از مصادیق اتلاف منابع جلوگیری خواهد شد.»

رئیس‌جمهوری با بیان اینکه «دولت دارای امکانات و منابع بسیاری است که به هیچ عنوان از آن بهینه استفاده نمی‌شود»، اضافه کرد: «دولت و تمام دستگاه‌های حاکمیتی باید تلاش کنند که مشکلات را حل کنند و منطبق با نیاز آن مسأله هزینه کنند، در حالی که امروز در مجموعه حاکمیتی، هزینه‌های بسیاری می‌شود بدون آنکه گره‌ای از مشکلات مردم را حل کند یا خروجی مشخصی برای کشور داشته باشد.»

پزشکیان با انتقاد از پرداخت بدون ضابطه ردیف‌های دستمزدی همچون فوق‌العاده مدیریت به مدیران ناکارآمد، تأکید کرد: «اگر مدیری توانست همانند بخش خصوصی مسأله‌ای را حل کند، آن وقت مستحق پاداش‌های مدیریتی خواهد بود.»

رئیس‌جمهوری با تأکید بر اهمیت راهبرد ادغام و جلوگیری از موازی‌کاری در بهینه‌سازی استفاده از منابع، با ذکر تجربیات مدیریتی خود در وزارت بهداشت، به تشریح دو مفهوم ادغام درون‌سازمانی و برون‌سازمانی پرداخت و خواستار ادغام سازمان‌های موازی در تمامی نهادهای حاکمیتی شد.

تأکید پزشکیان بر عدالت در مسأله یارانه‌ها

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه باید سهم هر فرد از یارانه را به صورت واقعی در اختیار خود او قرار دهیم، بر اهمیت حفظ حقوق اقشار ضعیف در رابطه با کالاهایی که با ارز ترجیحی وارد کشور می‌شوند، تأکید کرد.

رئیس‌جمهوری با اشاره به دو اصل مهم در نگاه و شیوه مدیریت خود اظهار کرد: «اگر قرار است یارانه بدهیم، اولاً باید به صورت عادلانه تخصیص یابد و ثانیاً توجه بیشتر باید روی دهک‌های پایین اقتصادی باشد.»

پزشکیان در پایان، سخنان خود را در یک جمله جمع‌بندی کرد و خطاب به بودجه‌نویسان گفت: «در یک کلام، هوای مردم را داشته باشید و نگذاریم مردم زیر چرخ فشارهای اقتصادی خرد شوند.»

اقدام زودهنگام پزشکیان درباره بودجه

پزشکیان دیروز درحالی به سازمان برنامه و بودجه رفت تا فرآیند تدوین بودجه را ارزیابی کند که معمولاً لوایح سالانه بودجه در آذرماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود. بنابراین، رئیس‌جمهوری حدود ۴ ماه یا بیشتر، زودتر از موعد نهایی شدن سند بودجه ۱۴۰۵ کار بررسی از این فرآیند را آغاز کرده است. اما چرا؟ یک دلیل می‌تواند وقوف پزشکیان بر مشکلات بودجه‌ای کشور، پس از یک سال تکیه زدن بر صندلی ریاست جمهوری باشد. مسأله دوم، این واقعیت است که؛ درست است که لوایح بودجه در آذرماه نهایی می‌شوند، اما فرآیند عملیاتی آن از ماه‌ها قبل آغاز می‌شود. در این ماه‌های قبل از آذرماه که معمولاً در بودجه‌نویسی بسیار اهمیت دارد، اما اصلاً دیده نمی‌شود و به چشم نمی‌آید، اتفاقات مهمی می‌افتد. مهم‌ترین این اتفاقات این است که تا پیش از ارسال لوایح بودجه به مجلس، شاید برخی از سازمان‌ها یا نهادها یا مدیران، فرصت لابی و چانه‌زنی برای گرفتن سهم بیشتری از منابع کشور در سال آینده را داشته باشند. با توجه به همه این ملاحظات، می‌توان گفت، حضور دیروز پزشکیان به نوعی حمایت از مدیران سازمان برنامه و بودجه برای مقابله با این لابی‌ها و چانه‌زنی‌ها هم هست.

اخبار

پزشکیان در گفت‌وگوی تلفنی با نخست وزیر مالزی:

کشورهای اسلامی مانع ادامه جنایات در غزه شوند

رئیس‌جمهوری روز گذشته در گفت‌وگوی تلفنی با «انور ابراهیم» نخست‌وزیر مالزی، با تأکید بر اینکه «فجایعی که از سوی رژیم صهیونیستی در غزه روی می‌دهد، برای هیچ انسان آزاده‌ای قابل قبول نیست»، ابراز امیدواری کرد که «کشورهای اسلامی با دیپلماسی فعال و فشارهای دیپلماتیک مانع ادامه این جنایات در غزه شوند و در برابر آن با انسجام و وحدت و مسئولانه برخورد کنند.»

به گزارش ایرنا، مسعود پزشکیان یادآور شد: «ایران همواره از حقوق ملت مظلوم فلسطین دفاع کرده و دیگر کشورهای اسلامی نیز باید موضعی قوی‌تر و فعال‌تر اتخاذ کنند؛ تلاش جمعی در مقابله با جنایات رژیم صهیونیستی در غزه راهگشا خواهد بود.» وی با اشاره به جنگ تحمیلی اسرائیل علیه کشورمان، تصریح کرد: «گناه ما این است که از مردم مظلوم دفاع می‌کنیم و از ستمی که به این مردم مظلوم می‌رود متنفر هستیم؛ مستکبرین عالم این را گناه می‌دانند و برای همین به ما فشار می‌آورند.»

نخست‌وزیر مالزی هم با محکوم کردن جنایات اسرائیل در غزه گفت: «دولت مالزی بیانیه شدیداللحنی علیه جنایات اسرائیل در غزه صادر کرد و تلاش‌های دیپلماتیک وسیعی برای توقف نسل‌کشی در غزه در جریان است؛ امیدواریم با همکاری و همیاری سایر کشورهای اسلامی بتوانیم جلوی این جنایات را بگیریم.» انور ابراهیم با تأکید بر توجه ویژه دولت متبوعش به همکاری با ایران، به پزشکیان در زمینه تلاش برای تقویت تعاملات در همه حوزه‌ها اطمینان داد و گفت: «دولت و ملت مالزی برای ایران احترام ویژه‌ای قائل هستند.»

مسئولیت جدید برای دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی

مسعود پزشکیان رئیس جمهوری دیروز در حکمی، «علی‌اکبر احمدیان» دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی را به عنوان نماینده ویژه خود و رئیس «قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور» منصوب کرد. به گزارش ایرنا، در این حکم، ترکیب و یکپارچگی دو بال دولت و ملت، رفع موانع مشارکت مردم و ایرانیان خارج از کشور و نیز سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و به ثمر نشاندن ظرفیت‌های مردمی، به عنوان اهداف رئیس جدید این قرارگاه تعیین شده است.

یادداشت

ایران؛ صدا و مسیر نجات کشورهای بی‌ساحل

فائزه دولتی
مشاور و دستیار ویژه معاون اول رئیس‌جمهور

در روزگاری که ژئوپلیتیک منطقه‌ای دوباره اهمیت یافته و نبردها نه فقط با سلاح، که با خطوط ریلی، گذرگاه‌های مرزی و کریدورهای تجاری تعیین می‌شود، سفر معاون اول رئیس‌جمهور ایران به ترکمنستان، معنایی فراتر از یک حضور دیپلماتیک معمول داشت. دکتر محمدرضا عارف، در رأس هیأتی، در «سومین کنفرانس کشورهای در حال توسعه محصور در خشکی» در شهر آوازه حضور یافت؛ نشستی با محوریت همکاری‌های منطقه‌ای برای توانمندسازی کشورهایی که از دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد محروم‌اند. برای بسیاری از این کشورها، ایران نه فقط یک همسایه، که یک مسیر حیاتی است؛ راهی برای رسیدن به بازارهای جهانی، برای عبور از محدودیت‌های جغرافیایی و برای تنفس اقتصادی.
عارف در سخنرانی رسمی خود، با تأکید بر ظرفیت‌های ترانزیتی ایران، یادآور شد که جمهوری اسلامی نه‌تنها از مسیرهای جاده‌ای و ریلی پیشرفته برخوردار است، بلکه توانسته در سال گذشته، رکورد ۲۰ میلیون تُن ترانزیت کالا را به ثبت برساند. این آمار به‌خودی‌خود، پیامی روشن به کشورهایی چون افغانستان، ارمنستان، ترکمنستان، ازبکستان و دیگر همسایگان محصور در خشکی دارد: «ایران آماده است تا حلقه اتصال آنها با جهان باشد.»
اما آنچه این حضور را به سطحی فراتر برد، ورود عارف به مسائل سیاسی و انسانی بود. او در بخشی از سخنرانی خود، نگاهی به فاجعه انسانی غزه انداخت و جمله‌ای گفت که در فضای سالن طنین انداخت: «غزه، امروز محصورترین منطقه جهان است.» او خواستار توقف فوری حملات، آغاز آتش‌بس و ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه شد و از نهادهای بین‌المللی خواست سکوت خود را بشکنند. این سخن، زمانی بیان شد که بسیاری از رهبران جهانی، هنوز ترجیح می‌دهند در برابر فاجعه غزه، یا لب فرو بندند یا در لفافه حرف بزنند.
حضور عارف در حاشیه اجلاس نیز فعال و هدفمند بود. او در دیدار با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، به‌صراحت از بی‌عملی نهادهای بین‌المللی در قبال تجاوزات مکرر به حریم ایران و مردم فلسطین انتقاد کرد. از دبیرکل خواست موضعی روشن و مسئولانه در برابر جنایات آشکار اتخاذ کند و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در برابر حملات هسته‌ای به تأسیسات غیرنظامی ایران، به وظایف خود عمل کند.
دیدارهای دیگر او با رؤسای جمهور ترکمنستان، ارمنستان و لیبی نیز حامل پیام‌هایی روشن بود: توسعه همکاری‌های دوجانبه، اتصال پروژه‌های زیرساختی، هم‌افزایی در حوزه انرژی و ترانزیت، و مهم‌تر از همه، تکیه بر راه‌حل‌های بومی به جای مداخلات بیگانگان.
در پایان اجلاس، سندی تحت عنوان «برنامه آوازه ۲۰۳۴» منتشر شد؛ سندی که بر بهبود زیرساخت‌ها، دیجیتالی‌سازی مسیرهای ترانزیتی، تسهیل دسترسی به بازارها و گسترش همکاری میان کشورهای محصور در خشکی تأکید داشت. ایران، از اولین کشورهایی بود که از این سند استقبال و برای میزبانی کمیسیون‌های مشترک و پیگیری طرح‌ها اعلام آمادگی کرد.
سفر معاون اول رئیس‌جمهور به کنفرانس آوازه، از آن جنس مأموریت‌هایی است که کمتر مورد توجه افکارعمومی قرار می‌گیرد، اما در آینده نه‌چندان دور، اثرات عمیق آن در سطوح اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی منطقه نمایان خواهد شد. در زمانی که بسیاری، نقش خود را در منطقه تنها با موشک و بیانیه تعریف می‌کنند، ایران نشان داد که می‌توان با قدرت نرم، با دیپلماسی اقتصادی و با نگاه انسانی نیز محور تأثیر و نفوذ بود.
سفر عارف، صرفاً یک سفر رسمی نبود؛ یک موضع‌گیری بود. موضعی صریح، مدبرانه و هوشمندانه.

نتایج قابل توجه نخستین نشست کارگروه نظام پرداخت برای کارکنان

حقوق و عملکرد در دولت تراز می شود

گزارش

مهراوه خوارزمی
گروه سیاسی

پرداخت عادلانه حقوق و دستمزد به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در اصلاح ناکارآمدی‌های نظام اداری و اجرایی کشور، در دستور کار دولت قرار گرفته است. ایده‌ای که در صورت تدوین نظام‌نامه و اجرایی شدن اهداف چندگانه‌ای را محقق خواهد ساخت؛ اول، ایجاد انگیزه در کارکنان دولت با برطرف ساختن حس تبعیض و بازتاب نیافتن تلاش شخصی و غیرسازمانی افراد در حقوق دریافتی، و دیگر افزایش بهره‌وری و جلوگیری از اتلاف منابع انسانی و مالی، و در نهایت کاهش هزینه‌های پنهان.
دوشنبه گذشته اولین نشست کارگروه «نظام پرداخت حقوق کارکنان دولت مبتنی بر عملکرد» به ریاست جعفر حق‌پناه معاون اجرایی رئیس جمهوری در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد. اولین جلسه این کارگروه، حدود یک ماه پس از آن تشکیل شد که رئیس جمهوری پزشکیان در مراسم گرامیداشت روز ملی بهره‌وری، پرداخت ناعادلانه حقوق و توجه نکردن به ضرورت وجود توازن میان دستمزد و میزان تلاش و کار افراد را، یکی از دلایل کاهش انگیزه کارکنان دولت و نیز یکی از علل بروز کژکارکردی اداری دانست. در مواجهه با این معضل، رئیس جمهوری تغییر این وضعیت به نفع پرداخت عادلانه را نیازمند راه‌حل فوری اعلام کرد. پزشکیان در آن نشست دیدگاه خود پیرامون مسأله عدالت در حقوق و دستمزد را این‌گونه بیان کرد که «چرا کسی که کار نمی‌کند، حقوق می‌گیرد؟ و چرا میان افراد پرتلاش و کم‌کار تفاوتی نیست.» وی اضافه کرد: «در برخی موارد، افراد کم‌کار از تمام مزایا برخوردارند و فردی که مشغول کار واقعی است از این مزایا بی‌بهره می‌ماند. این ساختار ناعادلانه باید اصلاح شود.» بنا بر این ملاحظات، خواست اصلاح نظام پرداخت حقوق کارکنان دولت، چیزی نبود که به گذر زمان سپرده شود، شاید به دلیل این پیشینه که از روز اول شروع به کار دولت، دو عبارت «احقاق حق» و «اقامه عدالت» در زمره کلیدواژه‌های اصلی پزشکیان بود و در دولتش بازتعریف شد.
اینچنین بود که روز گذشته، علاءالدین رفیع‌زاده معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی «ایکس»، از برگزاری اولین نشست کارگروه نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد یک هفته پس از انتصاب اعضای این کارگروه از سوی رئیس جمهوری خبر داد. ۷ مرداد ماه سال جاری بود که حکم انتصاب رئیس جمهوری سید حمید پورمحمدی معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، سید رحمت‌الله اکرمی معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و خزانه‌دار کل کشور، غلامرضا تاجگردون رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی و سید احمدرضا دستغیب رئیس دیوان محاسبات کشور را به عضویت در«کارگروه نظام پرداخت مبتنی بر عملکرد» با ریاست قائم‌پناه و دبیری رفیع‌زاده منصوب کرد.
این کارگروه در حالی تشکیل شده است که همزمان ۳ دستگاه اجرایی یعنی سازمان‌های راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای و هواشناسی از دستگاه‌های تابعه وزارت راه و شهرسازی و شرکت ملی پست ایران از شرکت‌های تابعه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران به عنوان دستگاه‌های اجرای آزمایشی (پایلوت) طرح پرداخت حقوق بر اساس عملکرد انتخاب شدند.

> پرداخت عادلانه دستمزد به عنوان مؤلفه اصلاح ناکارآمدی نظام اداری در دستور کار دولت قرار گرفته، ایده‌ای که در صورت اجرایی شدن اهداف چندگانه‌ای را محقق خواهد ساخت؛ اول، ایجاد انگیزه در کارکنان دولت با برطرف ساختن حس تبعیض، افزایش بهره‌وری و جلوگیری از اتلاف منابع انسانی و مالی

عدالت دغدغه همیشگی در زمینه حقوق

تحقق عدالت در پرداخت‌ها یکی از دغدغه‌های جدی است که به دفعات مورد اشاره رئیس‌جمهوری قرار گرفته است، اما از حیث پیشینه بحث جدیدی نیست و در طول ادوار مختلف قوانین و مقررات مختلفی برای عادلانه و هماهنگ ساختن پرداخت‌ها تصویب و اجرا شده است. کما اینکه نظام پرداخت از اواخر دهه ۱۳۶۰ و در دهه ۱۳۷۰ با تدوین قانون نظام هماهنگ تکمیل شد و تلاش برای از بین بردن تبعیض و ایجاد هماهنگی میان حقوق پرداختی نهادهای مختلف با تصویب و اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری در دهه ۱۳۸۰ساختار منسجم‌تری پیدا کرد. در تمام این قانونگذاری‌ها دغدغه اصلی، ایجاد نظام تعیین حقوق و دستمزدی بود که در آن فاصله‌های ناعادلانه میان پرداخت حقوق کارکنان و مدیران و نیز بین حقوق بگیران یک وزارتخانه با وزارتخانه دیگر تا سر حد امکان به سمت عدالت و برابری نسبی حرکت کند و تناسبی میان حقوق با تحصیلات، سابقه و اهمیت شغل ایجاد شود. همچنان که در ادامه نیز قوانینی همچون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با هدف افزایش حقوق و مزایای این اقشار و قانون رتبه‌بندی معلمان برای ایجاد تعادل بین شایستگی‌های حرفه‌ای و پاداش‌های مالی معلمان تصویب شد.
با این حال این عدالت توزیعی تمامی آن معنایی نبود که می‌شد و باید از مفهوم عدالت برداشت کرد. چنانکه زمزمه بی‌عدالتی و اختلاف معنادار در پرداخت حقوق که دهه‌ها نقل پچ پچه‌های کارکنان و محافل اجتماعی بود، خرداد سال ۱۳۹۵ با افشای اسنادی از فیش حقوقی مدیران و مسئولان برخی شرکت‌های وابسته به دولت که تفاوت فاحشی با حقوق سایر کارمندان و حتی مقامات عالی‌رتبه کشور داشت، خبرساز شد؛ پرونده‌ای که مواجهه با آن یکی از پایه‌های تدوین و تصویب قانون شفافیت قوای سه‌گانه، دستگاه‌های اجرایی و سایر نهادها قرار گرفت تا در ذیل آن قانون با انتشار اطلاعات مربوط به حقوق و مزایای مدیران، مردم بتوانند عملکردشان را زیر نظر داشته باشند و در صورت مشاهده هرگونه تخلف یا انطباق نداشتن با قوانین، نسبت به آن اعتراض کنند.

دستمزد متناسب با عملکرد؛ روی دیگر عدالت

اینکه دستمزد کارکنان نهادهای دولتی و نهادهای حاکمیتی زیر مجموعه سایر قوا خواه ناخواه از بودجه عمومی و به قول عموم مردم بیت المال پرداخت می‌شود؛ زاویه‌ای دیگر از عدالت را در موضوع حقوق و دستمزد مشخص می‌کند. آنجا که در نمای نزدیک مردم و در نمای فراگیر مجموعه کشور باید متناسب با حقوقی که از بودجه عمومی به این کارکنان پرداخت می‌شود از خدمات آنها بهره‌مند شوند.
بر این اساس آنچه دولت از پی‌ریزی «نظام پرداخت حقوق کارکنان دولت مبتنی بر عملکرد» دنبال می‌کند، نه فقط ساماندهی پرداخت‌ها، ایجاد عدالت و شفافیت، رفع تبعیض بین کارکنان دستگاه‌های مختلف و جلوگیری از وجود پرداخت‌های غیرمتعارف در برخی دستگاه‌ها است؛ بلکه حرکت به سمت نظام پرداختی است که بر اساس بهره‌وری و عملکرد واقعی افراد باشد. نظامی که در قالب آن انگیزه کارکنان برای پاسخگویی و بهره‌وری افزایش یابد. هدفی که ایمان منصوری، رئیس امور مدیریت عملکرد سازمان اداری و استخدامی کشور آن را این‌گونه تبیین کرده است: «منطق پرداخت بر اساس عملکرد مبتنی بر عملکرد در راستای برقراری عدالت است که هر کس بهتر عمل کند پرداختی بهتری داشته باشد و کسی که ضعیف‌تر است پرداختی کمتری به او داشته باشیم. سازمان دادن به نظام پرداخت‌ها و نیز پاسخگو کردن در مورد عملکرد و رصد کردن اقدامات اهدافی هستند که پیگیری می‌شوند. از این طریق شاید بتوانیم قدری هزینه اداری را کاهش دهیم.»

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

اعضای کارگروه که نشست‌های آن به ریاست معاون اجرایی رئیس جمهور برگزار می‌شود، از سازمان برنامه و بودجه، سازمان اداری واستخدامی، دیوان محاسبات و مجلس هستند.

اصلاح نظام پرداخت‌ها؛ گام اساسی در بهره‌وری

یادداشت

محسن زنگنه
عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های هزینه‌ای در بودجه سالانه کشور، مربوط به حقوق و دستمزد کارکنان دولت و پرداخت‌های جبران خدمت است. این بخش رقم بسیار بالایی را به خود اختصاص می‌دهد و سهم عمده‌ای از منابع عمومی را مصرف می‌کند. با وجود این، خدماتی که در ازای این هزینه کلان به جامعه ارائه می‌شود، تناسبی با میزان این پرداخت‌ها ندارد و بهره‌وری این منابع به میزان قابل‌توجهی پایین است. در برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف شده است که ۲/۸ واحد درصد از رشد اقتصادی ۸ درصدی کشور را از محل ارتقای بهره‌وری تأمین کند. برای تحقق این هدف، لازم است تمرکز اصلاحات در بخشی صورت گیرد که بیشترین هزینه‌ها در آن انجام می‌شود؛ یعنی بخش حقوق و دستمزد. بحث در اینجا مربوط به کم یا زیاد بودن حقوق کارکنان دولت نیست، بلکه سخن از سهم بالای این پرداخت‌ها در ساختار کلی بودجه کشور است.
از این رو، یکی از راه‌های افزایش بهره‌وری و ارتقای رضایتمندی عمومی، اصلاح شیوه‌های پرداخت حقوق و مزایا است. یکی از رویکردهای مهم در این زمینه، تغییر نظام پرداخت از مدل سنتی مبتنی بر مؤلفه‌هایی چون سابقه کار، مدرک تحصیلی و شرایط خانوادگی، به مدل «پرداخت بر اساس عملکرد و کیفیت خدمات» است. در این رویکرد، به جای پرداخت مبلغی ثابت، دستمزدها بر مبنای میزان و کیفیت خدمات ارائه‌شده از سوی کارکنان تعیین می‌شود. این نگاه که مورد حمایت دکتر پزشکیان نیز قرار دارد، می‌تواند زمینه‌ساز طراحی مدلی باشد که در بودجه سال آینده عملیاتی شود. بر این اساس، برنامه هفتم توسعه نیز احکام مشخصی در این زمینه دارد. یکی از این احکام، اعطای «فوق‌العاده عملکرد» به کارکنان دولت است که بر مبنای کمیت و کیفیت خدمات ارائه‌شده قابل پرداخت خواهد بود. تحقق این تحول بزرگ، مستلزم دو پیش‌نیاز اساسی است: یکی اصلاح قوانین مرتبط با نظام پرداخت است. قوانین فعلی پرداخت حقوق و دستمزد، بر پایه شاخص‌هایی چون مدرک تحصیلی، سابقه، موقعیت شغلی و... بنا شده‌اند.
برای اجرای پرداخت مبتنی بر عملکرد، لازم است این چهارچوب‌های قانونی بازنگری و اصلاح شود. بنابراین، کارگروه مربوطه باید در نهایت لایحه‌ای برای اصلاح قوانین موجود به مجلس شورای اسلامی ارائه کند. دومین پیش‌نیاز؛ فرهنگ‌سازی و مدیریت تغییرات اجتماعی است. بدیهی است که اجرای چنین اصلاحی با مقاومت‌هایی روبه‌رو خواهد شد، بویژه از سوی افرادی که عملکرد پایین‌تری دارند. ممکن است کارکنان به نابرابری‌های جدید در پرداخت‌ها معترض شوند. لذا اجرای موفق این طرح نیازمند همراهی و فرهنگ‌سازی گسترده در میان کارکنان و بدنه اجرایی دولت است. در حال حاضر نیز، تفاوت‌های چشمگیر میان کارکنان رسمی، قراردادی و شرکتی، یکی از منابع نارضایتی جدی در فضای اداری کشور است. اصلاح نظام پرداخت می‌تواند گامی مؤثر در جهت رفع این تبعیض‌ها باشد. اگر دولت بتواند با قاطعیت این مسیر را دنبال کند، مدل کارآمدی طراحی و آن را به قانون تبدیل کند و همزمان ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن را به‌خوبی مدیریت کند، قطعاً شاهد یکی از مهم‌ترین تحولات در حوزه بهره‌وری و خدمات دولتی خواهیم بود.

سازمان ملی زمین و مسکن
معاونت املاک و حقوقی
اداره کل امور حقوقی و قراردادها

آگهی فراخوان عمومی

نوبت دوم

انتخاب مشاور مدیر طرح برای نظارت عالی بر حسن انجام فرآیند تهیه، بررسی و تصویب طرح‌های سازمان ملی زمین و مسکن

۱) نام و نشانی کارفرما: سازمان ملی زمین و مسکن به نشانی تهران، میدان ونک، خیابان شهید خدامی، چهارراه نیروی انتظامی، شماره ۵۶، تلفن: ۸۸۷۸۲۱۳۲ و با نمابر: ۸۸۷۸۲۱۳۳ نشانی تارنما: www.nlho.ir
۲) موضوع فراخوان: انتخاب مشاور مدیر طرح برای نظارت عالی بر حسن انجام فرآیند تهیه، بررسی و تصویب طرح‌های سازمان ملی زمین و مسکن

موضوع فراخوان	شماره نیاز سامانه ستاد
انتخاب مشاور مدیر طرح برای نظارت عالی بر حسن انجام فرآیند تهیه، بررسی و تصویب طرح‌های سازمان ملی زمین و مسکن	۲۰۰۴۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۸

۳)شرایط:
* تمامی مراحل برگزاری انتخاب مشاور از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
* تمامی شرکت‌کنندگان براساس اسناد ارائه شده در مرحله ارزیابی کیفی، امتیازدهی خواهند شد و درصورت اکتساب حداقل امتیاز در نظر گرفته شده در اسناد فراخوان، مجاز به شرکت در مراحل بعدی خواهند بود.
۴) محل، زمان و مهلت دریافت اسناد فراخوان: متقاضیان شرکت در فراخوان می‌توانند از ساعت ۸ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ تا ساعت ۱۶ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ نسبت به دریافت اسناد مذکور از طریق سامانه الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.
۵) محل، زمان و مهلت تحویل اسناد فراخوان: متقاضیان شرکت در فراخوان پس از دریافت اسناد و تکمیل آنها باید مدارک، مستندات گواهی صلاحیت‌ها و ارزیابی کیفی را حداکثر تا ساعت ۱۶ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۶ در سامانه (ستاد ایران) بارگذاری نمایند.
۶) محل و زمان بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی: جلسه هیأت انتخاب مشاور در ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ در محل سالن جلسات سازمان واقع در طبقه ششم (سالن کنفرانس) به نشانی مندرج در بند (۱) جهت بازگشایی تشکیل و نتایج از طریق سامانه الکترونیکی دولت اطلاع‌رسانی می‌گردد.

اداره کل امور حقوقی و قراردادها

بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

هر تهدیدی با واکنش شدید روبه رو خواهد شد

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای به مناسبت اربعین «شهدای اقتدار ایران» تأکید کرد: «هر گونه تهدید علیه امنیت و تمامیت سرزمینی کشور، با واکنش شدید و فراتر از تصورات دشمنان و بسیار سخت‌تر از آنچه در وعده صادق ۳ برای متجاوزین جنگ افروز رخ داد، روبه‌رو خواهد شد.» به گزارش ایرنا، سپاه پاسداران جنگ اخیر را «رویارویی مستقیم با آمریکا و رژیم صهیونیستی و پیروزی ملت ایران» توصیف و تأکید کرد: «برای اولین بار در تاریخ، ملت ایران در برابر جنگ تحمیلی و مستقیم قدرت‌های بزرگ استکباری امروز جهان، یعنی آمریکای جنایتکار و رژیم کودک‌کش صهیونیستی، سلحشورانه وارد میدان دفاع شد و با اقتدار و شجاعت، از این نبرد تاریخی سرافراز بیرون آمد. این پیروزی مسیر جدیدی را برای مقابله با تهدیدات دشمنان رقم زد.» این نهاد انقلابی با تأکید بر اینکه «ایران اسلامی در سایه خون‌های پاک شهیدان، به عنوان یکی از قدرت‌های انکارناپذیر جهان، آماده است تا هرگونه تهدید را به فرصتی برای تحقق سرنوشت محتوم دشمنان تبدیل کند»، از جمله دستاوردهای نیروهای مسلح در دفاع مقدس اخیر را، اجرای موفقیت‌آمیز عملیات‌های «وعده صادق ۳» و «بشارت فتح» عنوان کرد که طی آن «توانستیم به رغم تمام تهدیدات و فشارها، آتش‌بس را به رژیم صهیونیستی و آمریکا تحمیل کنیم.»

«ایران» جنایت‌های گروهک جیش‌الظلم در سیستان و بلوچستان را بررسی می‌کند

تروریسم نقاب‌دار

گزارش

علی عوض‌خواه
گروه سیاسی

گروهک تروریستی جیش‌الظلم که با نقابی از دروغ و فریب، خود را «جیش‌العدل» می‌خواند، در سال‌های اخیر به تهدیدی علیه امنیت مردم استان سیستان و بلوچستان ایران و ایالت بلوچستان پاکستان تبدیل شده است. این گروهک، به‌عنوان فرزند خلف گروهک تروریستی «جندالشیطان» و ادامه‌دهنده راه عبدالمالک ریگی، با ادعای دفاع از حقوق قوم بلوچ و اهل سنت، سعی در جلب حمایت مردم منطقه دارد، اما عملکرد خشونت‌بار و جنایتکارانه‌اش همچون کشتار غیرنظامیان، بویژه غیرنظامیان بلوچ و اهل سنت، نشان می‌دهد گروهک جیش‌الظلم نه‌تنها با جمهوری اسلامی ایران، بلکه فراتر از آن با مردم سیستان و بلوچستان دشمنی دارد. تروریسم کور و بی‌محابای این گروهک علیه هر هدفی و نیز تلاش برای ایجاد وقفه در فرآیند توسعه این استان، نمونه بارز این ادعاست.

این گروهک در سال‌های اخیر با انجام عملیات تروریستی، تخریب زیرساخت‌های عمرانی، هدف قرار دادن غیرنظامیان، حمله به مراکز دولتی که محل رجوع مردم عادی است و در کنار اینها، تلاش برای ایجاد ناامنی، دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ متوقف کردن توسعه جنوب شرق کشور و برهم زدن وحدت شیعه و سنی.

شکل‌گیری «ظلم» در امتداد «شیطان»

تحلیلگران امنیتی، گروهک «جندالله» یا «جندالشیطان» را پدرخوانده گروهک تروریستی «جیش‌الظلم» می‌دانند. به عبارت دیگر، جیش‌الظلم مستقیماً در امتداد گروهک تروریستی «جندالشیطان» شکل گرفت. «جندالله»، تأسیس شده از سوی عبدالمالک ریگی، با شعارهای به ظاهر قومی و مذهبی، ادعا می‌کرد برای دفاع از حقوق مردم بلوچ و اهل سنت دست به ترور می‌زند. این گروهک در دهه ۱۳۸۰ با حملات تروریستی مانند حادثه جاده تاسوکی (۱۳۸۴) که منجر به کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان اعم از زن و کودک شد، چهره واقعی خود را نشان داد. پس از دستگیری و اعدام عبدالمالک ریگی، «جندالشیطان» منحل شد، اما باقی‌مانده اعضا، تحت رهبری «صلاح‌الدین فاروقی»، گروهک «جیش‌الظلم» را تشکیل دادند. جیش‌الظلم با بالا بردن میزان خشونت در اقدامات تروریستی خود، رویکردهای خشن‌تر تکفیری را به عنوان ایدئولوژی خود برگزید.

هدف؛ حفظ محرومیت سیستان و بلوچستان

جیش‌الظلم با توسعه ایدئولوژی افراطی و تجزیه‌طلبانه جندالله، به شبکه‌های منطقه‌ای تروریسم پیوست و با استفاده از حمایت‌های برخی قدرت‌های خارجی، تلاش کرد توان عملیاتی خود را گسترش دهد. جیش‌الظلم با تکیه بر فقر و محرومیت سیستان و بلوچستان و نیز فقدان نظارت دقیق در مرزهای مشترک ایران و پاکستان، تلاش کرد پایگاه‌های بیشتری ایجاد کند تا لجستیک لازم برای عملیات تروریستی بیشتر را در اختیار داشته باشد.

اما بر خلاف ادعای دفاع از مردم بلوچ، این گروهک با تروریسم کور خود نشان داد دشمن اصلی مردم منطقه است، مردمی که نه‌تنها از گروهک حمایت نکردند، بلکه در مقابلش ایستادگی کردند. به این دلیل ساده که مردم بلوچ و اهل سنت نه‌تنها آماج تروریسم تکفیری جیش‌الظلم قرار گرفتند، بلکه عواقب این تروریسم در هزینه‌سازی برای توسعه استان را دریافتند.

به عنوان مثال این گروهک در بیانیه خود بعد از دو عملیات تروریستی در چابهار و راسک در فروردین‌ماه ۱۴۰۳، «ناکام گذاشتن طرح توسعه سواحل مَکران» را هدف این عملیات اعلام کرد.

از شعارهای قومی تا دشمنی با مردم منطقه

جیش‌الظلم در ظاهر ادعا می‌کند برای دفاع از حقوق قوم بلوچ و اهل سنت مبارزه می‌کند، اما عملکرد این گروهک تروریستی نشان می‌دهد اهداف واقعی آن فراتر از شعارهای قومی و مذهبی یا ایدئولوژی‌های برساخته با رگ و پی تکفیر است.

این گروهک به‌عنوان ادامه‌دهنده راه عبدالمالک ریگی، و البته غلیظ‌تر کردن ایدئولوژی تکفیر، هر فردی را که از امنیت و وحدت ملی مردم ایران حمایت کند، هدف قرار می‌دهد. حمله تروریستی به دادگستری زاهدان در ۴ مرداد ۱۴۰۴ که منجر به شهادت شهروندان بلوچ شد، نشان داد این گروهک هیچ ملاحظه‌ای برای جان غیرنظامیان، حتی بلوچ‌های اهل سنت ندارد.

این اقدامات با هدف ایجاد وحشت و تضعیف وحدت شیعه و سنی انجام می‌شود، اما آنچه عملاً اتفاق افتاد، آمیخته شدن خون شهدای اهل سنت و تشیع در این عملیات تروریستی و در نتیجه تقویت وحدت شیعه و سنی است. در حمله ۴ مردادماه به دادگستری زاهدان، ۳ تن از شهدای اهل سنت و ۳ نفر اهل تشیع بودند. در عملیات تروریستی این گروهک در فروردین سال گذشته در چابهار و راسک هم ۱۵ مدافع امنیت به شهادت رسیدند که ۷ تن از شهدا اهل سنت و بلوچ بودند. در حمله اخیر به دادگستری زاهدان، یک مادر بلوچ و کودک ۶ ماهه او به شهادت رسیدند.

در خدمت رژیم مسلمان‌کش

جیش‌الظلم با اقدامات خود به دنبال ایجاد بی‌ثباتی در مرزهای جنوب شرقی است. این گروه در سال‌های اخیر تلاش کرده توسعه منطقه را مختل و وحدت ملی ایران را تضعیف کند؛ اقداماتی که در راستای منافع رژیم صهیونیستی و قدرت‌های غربی است که از ناامنی ایران سود می‌برند.

این درحالی است که در سال‌های اخیر همه دولت‌ها توسعه استان را در دستور کار خود قرار دادند. بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ایجاد فرصت‌های شغلی و گسترش آموزش تنها بخشی از اقدامات دولت‌ها برای توسعه استان در سال‌های اخیر بوده است. اما به موازات افزایش اقدامات توسعه‌ای، اقدامات تروریستی این گروهک نیز افزایش می‌یابد.

> جیش‌الظلم در ظاهر ادعا می‌کند برای دفاع از حقوق قوم بلوچ و اهل سنت مبارزه می‌کند، اما عملکرد این گروهک تروریستی نشان می‌دهد اهداف واقعی آن فراتر از شعارهای قومی و مذهبی یا ایدئولوژی‌های برساخته با رگ و پی تکفیر است

نفرت مردم از گروهک

به دلیل مواردی که برشمرده شد اکثریت مردم سیستان و بلوچستان، بویژه اهل تسنن، بارها در مقابل اقدامات جیش الظلم ایستادگی کرده‌اند. علمای برجسته اهل سنت، بعد از هر عملیات، ترورهای آنان را محکوم کرده و آن را به ضرر منطقه و امنیت ملی دانسته‌اند. همچنین این واقعیت که اکثر قربانیان اقدامات تروریستی این گروهک در سال‌های اخیر از اهل سنت بوده‌اند، دروغ و تناقض شعارهای قومی و مذهبی آن را نشان می‌دهد.

پایگاه‌ها و جغرافیای عملیاتی

جیش‌الظلم عمدتاً در مناطق مرزی ایران و پاکستان، بویژه در ایالت بلوچستان پاکستان فعالیت می‌کند. مناطق کوهستانی «سبزکوه» در پاکستان یکی از پایگاه‌های اصلی این گروه معرفی شده است. مرزهای متخلخل ایران و پاکستان، همراه با فقر و ناامنی در ایالت بلوچستان پاکستان، به جیش‌الظلم امکان داد از این مناطق به‌عنوان پناهگاه، محل آموزش و پایگاه عملیاتی استفاده کند.

ارتباط با اسرائیل و پشتیبانی غرب

شواهد متعددی نشان دهنده ارتباط جیش‌الظلم با رژیم صهیونیستی و حمایت‌های مالی و لجستیکی غرب از آنان است. این گروهک به‌عنوان بخشی از استراتژی اسرائیل و حامیان غربی‌اش برای تضعیف ایران عمل می‌کند. به همین دلیل اقدامات تروریستی جیش‌الظلم اغلب مواقعی رخ می‌دهد که رژیم صهیونیستی در حوزه سیاسی یا نظامی، در برابر ایران با ناکامی مواجه شده است. به‌عنوان مثال، پس از جنگ اخیر که اسرائیل نتوانست به اهداف خود دست یابد، جیش‌الظلم با حملات به گشت پلیس چابهار و دادگستری زاهدان تلاش کرد تمرکز ایران را به مرزهای جنوب شرقی معطوف کند. این هماهنگی زمانی، نشان دهنده نقش این گروه به‌عنوان ابزاری برای منحرف کردن توجه ایران از تهدید خارجی است.

همچنین گزارش‌های رسانه‌ای، از جمله افشاگری‌های شبکه «پرس‌تی‌وی»، نشان می‌دهد موساد پس از دیدارهایی در لندن، اعضای جندالشیطان و بعدتر جیش‌الظلم را به استخدام درآورده و تحت طرحی با عنوان «پرچم دروغین» با آنان همکاری کرده است. این همکاری شامل آموزش، تأمین مالی و تسلیحات بوده است.

به لحاظ پشتیبانی رسانه‌ای نیز شبکه‌هایی مانند صدای آمریکا (VOA) و BBC فارسی بارها تلاش کرده‌اند اقدامات جیش‌الظلم را دفاع از حقوق بشر جلوه دهند. همچنین، سازمان منافقین (مجاهدین خلق) که سابقه همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی غربی را دارد، از اقدامات این گروه حمایت کرده و آموزش‌هایی به اعضای آن ارائه داده است. جملگی این موارد نشان می‌دهد جیش‌الظلم، با نقاب عدالت، به دنبال تداوم محرومیت و ناامنی در سیستان و بلوچستان و فراتر از آن، ایفای نقش به عنوان ابزاری برای رژیم صهیونیستی علیه امنیت ملی ایران است.

تشییع پیکر مطهر ۶ شهید حمله تروریستی جیش‌الظلم به ساختمان دادگستری زاهدان

> این اقدامات با هدف ایجاد وحشت و تضعیف وحدت شیعه و سنی انجام می‌شود، اما آنچه عملاً اتفاق افتاد، آمیخته شدن خون شهدای اهل سنت و تشیع در این عملیات تروریستی و در نتیجه تقویت وحدت شیعه و سنی است. در حمله ۴ مردادماه به دادگستری زاهدان، ۳ تن از شهدای اهل سنت و ۳ نفر اهل تشیع بودند

#دولت_کنار_مردم

همراه با ایستادگی ملت ایران، وزارتخانه ها و سازمان های مختلف دولت همه تلاش ها و تدابیر خود را برای مدیریت کشور در شرایط جنگ تحمیلی و رفع و تأمین نیازهای مردم در حوزه های مختلف معطوف کردند. مجموعه اقدامات، تدابیر و برنامه های دولت را باید همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته در نظر گرفت. زنجیره‌ای که یک سرآن به مرزها و گمرکات کشور برای تأمین و ورود کالاهای اساسی می رسد، یا یک سرآن به مزارع گندم و چای می رسد و سر دیگر آن به نام کالاهای اساسی و دارویی که مردم در شهرها و خیابان‌های خود دریافت می کنند. خدمت مهم تر دیگر دولت در این روزها، تأمین و پرداخت خسارت ایرانیانی است که در تجاوز دشمن، خانه و کاشانه خود را از دست داده اند یا خانه و کاشانه آنان آسیب دیده است. در این صفحه تلاش شده است بخشی از این اقدامات دولت، نه در قالب کلام، بلکه در قالب تصویر بیان شود.

وزارت راه و شهرسازی

مدیریت بحران

برنامه: افتتاح ۱۰ ایستگاه شتاب‌نگار زلزله
هدف: تهیه داده‌های دقیق لرزه‌ای برای مدیریت بحران
زمان: هفته جاری
گستره: استان کهگیلویه و بویراحمد

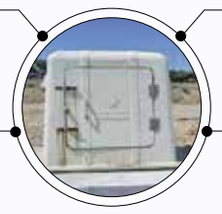

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

زنان سرپرست خانوار

برنامه: بهره‌مندی ۳ هزار و ۴۱۵ زن سرپرست خانوار از خدمات بهزیستی
هدف: انجام انواع حمایت‌ها مانند مستمری و پرداخت کمک هزینه کودک
زمان: درحال حاضر
گستره: استان همدان

وزارت نیرو

ناترازی

برنامه: ورود ۱۶۸ مگاوات نیروگاه خورشیدی به مدار
هدف: رفع ناترازی با تولید برق انرژی تجدیدپذیر
زمان: از ابتدای امسال
گستره: استان خراسان رضوی

برق

برنامه: آماده‌سازی ۶ هزار هکتار زمین
هدف: سرمایه‌گذاری برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی
زمان: سال جاری
گستره: استان کرمانشاه

وزارت جهاد کشاورزی

اشتغال

برنامه: ۵۳ میلیارد تومان تسهیلات صندوق کارآفرینی امید
هدف: ایجاد ۴۰۰ فرصت شغلی
زمان: از ابتدال سال انجام شد
گستره: استان همدان

قنات

برنامه: جهش ۸۵ درصدی اعتبار قنات
هدف: مرمت و احیای قنات
زمان: سال جاری
گستره: استان سیستان و بلوچستان

وزارت صنعت، معدن و تجارت

سرمایه گذاری

برنامه: جذب ۱۲ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری
هدف: رونق تولید در شهرک‌های و نواحی صنعتی
زمان: سال جاری
گستره: استان همدان

تجارت

برنامه: رشد ۲۵ درصدی صادرات از گمرکات
هدف: افزایش صادرات از مرز
زمان: ابتدای سال جاری
گستره: مرز آستارا در استان گیلان

ایران
با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران
دیده خواهید شد
الوفاق IRAN DAILY ایران online ایران ورزشی
خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷

عکس: president.ir

عبدالرضا فرجی‌راد، استاد ژئوپلیتیک در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

از سرگیری گفت‌وگوها محتمل‌تر از بروز درگیری جدید است

شکست بن‌بست در گرو ابتکار تازه در سیاست خارجی است

گفت و گو

از همان روزهای اول آغاز به کار دولت مسعود پزشکیان که با تلخ‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط ممکن همراه بود، فضای سیاست خارجی ایران وارد دوره‌ای دشوار و پیچیده شد. ترور اسماعیل هنیه، یکی از چهره‌های برجسته حماس، نقطه‌عطفی در این مسیر بود که نه‌تنها فضای سیاست خارجی کشور را به‌شدت متشنج کرد، بلکه دولت را وادار ساخت تا راهبردهای دیپلماتیک خود را در بستر نامتعارف، پرتنش و شبه‌جنگی بازتعریف کند. با توجه به این زمینه، پرسش اساسی این است که دولت پزشکیان چگونه توانسته است در چنین فضای بحرانی عملکرد خود را پیش ببرد و سیاست خارجی کشور را مدیریت کند؟ همچنین چه چشم‌اندازها و راهبردهایی برای آینده سیاست خارجی ایران، بویژه در مواجهه با تحولات جهانی و منطقه‌ای، متصور است؟ در این گفت‌وگو به بررسی کارنامه یک‌ساله سیاست خارجی دولت پزشکیان و چالش‌های پیش رو با عبدالرضا فرجی‌راد، استاد ژئوپلیتیک و صاحب‌نظر در حوزه سیاست خارجی پرداخته‌ایم. او عملکرد دولت در عرصه دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی، نقاط قوت و ضعف آن را ارزیابی کرده و پیشنهادهایی برای تقویت موقعیت ایران در نظام بین‌الملل ارائه می‌دهد.

با توجه به اینکه دولت آقای پزشکیان روزهای آغازین خود را با بحرانی جدی یعنی ترور آقای هنیه آغاز کرد و سپس درگیر جنگ شد، به نظر می‌رسد سیاست خارجی دولت چهاردهم در شرایطی غیرمتعارف و اغلب در بستر بحران و فضای شبه‌جنگی پیش رفته است. آقای عراقچی نیز بارها به این موضوع اشاره کرده‌اند که بسیاری از کنش‌های دیپلماتیک در چنین فضایی شکل گرفته است. با این شرایط، ارزیابی کلی شما از عملکرد و راهبرد سیاست خارجی دولت بویژه در نحوه تعامل با غرب چیست؟

دولت آقای پزشکیان در کمتر از یک سال با مشکلات جدی و کم سابقه‌ای روبه رو بوده است؛ مشکلاتی که هم در عرصه داخلی و هم بویژه در حوزه سیاست خارجی نمود یافته و حتی شامل تجاوزهایی از سوی آمریکا و اسرائیل نیز شده است. آقای پزشکیان در کارزار انتخاباتی خود یکی از شعارهای مهمش را «سیاست خارجی متوازن» معرفی کرد؛ یعنی برقراری روابط همزمان و متوازن با شرق و غرب.

در حوزه شرق، فعالیت دولت از همکاری و تعامل با روسیه آغاز شد و رئیس جمهوری سفرهایی به برخی کشورهای همسایه از جمله جمهوری آذربایجان و پاکستان داشت. اما در زمینه روابط با غرب، بویژه اروپا که مدنظر اصلی آقای پزشکیان در شعارهای انتخاباتی نیز بود، مشکلاتی جدی وجود داشت.

در طول این مدت، پنج دور مذاکره با اروپایی‌ها انجام شد، اما آنان تلاش کردند مواضع خود را با سیاست‌های آمریکا در دوره ترامپ تطبیق دهند و اعلام کردند تا زمانی که ایران با آمریکا به توافق نرسد، امکان پیشرفت در موضوع هسته‌ای و حتی روابط دوجانبه وجود ندارد. این رویکرد نشان داد که اروپا استقلال سیاسی کافی از واشنگتن ندارد. با وجود تلاش وزارت خارجه برای دستیابی به تفاهم با اروپا، طرف‌های اروپایی تعهدات خود در برجام را زیر پا گذاشتند و به بهانه غنی‌سازی ۶۰ درصدی ایران، با هماهنگی آمریکا مواضع سختگیرانه‌تری اتخاذ کردند.

برخلاف انتظار، برخی کشورها مانند آلمان حتی نقش تشویق کننده در این روند ایفا کردند و سیاست‌های اسرائیل را در مسیر توقف گفت‌وگوها با ایران تقویت نمودند. در کنار این، پنج دور مذاکره غیرمستقیم میان ایران و آمریکا انجام شد که اکنون در وضعیت توقف قرار دارد، هرچند همچنان امیدهایی برای ازسرگیری این گفت‌وگوها وجود دارد. بنابراین در چنین شرایطی امکان تحقق اهداف دولت در زمینه ترمیم بحران‌های سیاست خارجی به تدریج کاهش یافت.

روند مواجهه دولت در زمینه تعامل با غرب برای حل پرونده هسته‌ای مبتنی بر چه ملاحظاتی بود؟

به نظر من، دولت آقای پزشکیان با توجه به شرایط اقتصادی کشور نیازمند ارائه ابتکارات تازه در حوزه سیاست خارجی است. هرچند اقداماتی انجام شده است اما همچنان کمبود ابتکارات نوآورانه احساس می‌شود؛ اقداماتی که بتوانند تحقق شعار انتخاباتی دولت مبنی بر تلاش برای لغو تحریم‌ها را عملی سازند. در این مسیر دو هدف اصلی باید دنبال شود: اول، جلوگیری از وقوع هرگونه درگیری، حمله یا تجاوز جدید علیه کشور و ممانعت از آنکه آمریکا چراغ سبزی به رژیم صهیونیستی برای انجام چنین اقداماتی نشان دهد؛ به‌گونه‌ای که ایران از تهدیدات امنیتی دور بماند.

دوم، تلاش برای دستیابی به توافقی با اروپا که مانع از فعال شدن «مکانیزم ماشه» شود؛ چراکه فعال شدن این سازوکار پیامدهای سنگینی برای کشور خواهد داشت، از جمله تشدید تحریم‌ها، کاهش فروش نفت و حتی احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت.

چنین شرایطی نه تنها بحران‌های اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند، بلکه تهدیدات امنیتی جدیدی نیز ایجاد خواهد کرد.

به نظر می‌رسد آقای پزشکیان همچنان همان رویکردی را که در کارزار انتخاباتی خود مطرح کرده بود، دنبال می‌کند، اما در این مرحله نیاز است که فعالیت‌ها گسترده‌تر شود، امیدواری بیشتری به مردم تزریق گردد و ابتکارات تازه‌تری ارائه شود. همچنین هماهنگی در داخل کشور و کسب مجوزهای لازم برای اقدامات دیپلماتیک ضروری است تا دولت بتواند کشور را از این وضعیت حساس، سالم و با کمترین هزینه عبور دهد.

با توجه به تغییرات اخیر در ترکیب شورای عالی امنیت ملی به نظر می‌رسد دولت در پی اجرای رویکرد مورد نظر خود در سیاست خارجی در بستری همسوتر و هماهنگ‌تر باشد. از نظر شما این تغییرات تا چه اندازه می‌تواند بر نحوه شکل‌گیری و پیشبرد سیاست خارجی دولت تأثیرگذار باشد و مسیر تعاملات بین‌المللی ایران را دگرگون کند؟

اکنون دبیر شورای عالی امنیت ملی تغییر کرده و به نظر می‌رسد فردی بر این سمت منصوب شده که اولاً با دولت و سیاست‌های آن همخوانی بیشتری دارد و ثانیاً از توانایی و ظرفیت لازم برای مدیریت و جهت دهی هماهنگ‌تر شورا برخوردار است.

پیش‌تر برخی اعضای شورای عالی امنیت ملی با رویکرد سیاست خارجی دولت آقای پزشکیان مخالفت جدی داشتند؛ آنان مذاکرات را یک خطای اساسی تلقی می‌کردند و وقوع جنگ و درگیری را نه تنها مشکل زا نمی‌دانستند، بلکه آن را نوعی استقامت و پایداری می‌انگاشتند. با تغییر اخیر، به نظر می‌رسد این گروه در موقعیت ضعیف‌تری قرار خواهند گرفت.

> پیش‌تر برخی اعضای شورای عالی امنیت ملی با رویکرد سیاست خارجی دولت آقای پزشکیان مخالفت جدی داشتند؛ آنان مذاکرات را یک خطای اساسی تلقی می‌کردند و وقوع جنگ و درگیری را نه تنها مشکل زا نمی‌دانستند، بلکه آن را نوعی استقامت و پایداری می‌انگاشتند. با تغییر اخیر، به نظر می‌رسد این گروه در موقعیت ضعیف‌تری قرار خواهند گرفت

نیز تغییراتی محسوس رخ دهد، به ویژه با توجه به اینکه به زمان احتمالی فعال شدن «مکانیزم ماشه» نزدیک می‌شویم. از منظر یک تحلیلگر معتقدم نشانه‌هایی دیده می‌شود که برخی جریان‌ها در آمریکا برای آغاز گفت‌وگوها فعال شده‌اند.

برای نمونه، دو روز پیش معاون وزیر خارجه نروژ به تهران سفر کرد؛ سفری که کاملاً متمرکز بر موضوع هسته‌ای بود و هیچ ارتباطی با روابط دوجانبه یا همکاری‌های اقتصادی ایران و نروژ نداشت؛ زیرا ایران تحت تحریم‌های گسترده‌ای قرار دارد.

نروژ پیش‌تر نیز در دوران ریاست‌جمهوری جورج بوش پسر تجربه میانجیگری بین ایران و آمریکا را داشته که تجربه‌ای نسبتاً موفق بوده است. این بار نیز می‌توان آن را تجربه دوم دانست که احتمالاً در هفته‌های آینده به شکل‌گیری گفت‌وگوهایی با میانجیگری نروژ بین تهران و واشنگتن منجر شود. افزون بر این، حضور نروژ به‌عنوان عضو ناتو می‌تواند به ایجاد تفاهم بهتر میان ایران و اروپا نیز کمک کند.

یعنی می‌توان گفت مجموعه تحرکات دیپلماتیک اخیر از جمله تلاش‌ها برای میانجیگری و آغاز مجدد گفت‌وگوها قادر است به طور مؤثر زمینه‌های بروز مجدد تنش‌های نظامی را کاهش دهد و مسیر تحولات را از تقابل به سمت تعامل و مدیریت بحران سوق دهد؟

بله؛ نباید بیش از حد ناامید بود یا تصور کرد که جنگ دیگری به زودی در پیش است. من احتمال آغاز گفت‌وگو را بیشتر از احتمال بروز درگیری می‌دانم. همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره کرده‌ام، تغییرات اخیر در تیم سیاست خارجی و نقش جدید شورای عالی امنیت ملی که با تشکیل شورای دفاع بخشی از مأموریت‌های دفاعی آن به نهاد دیگری منتقل شده است، موجب خواهد شد این شورا تمرکز بیشتری بر سیاست خارجی و امنیت داخلی داشته باشد. این تمرکز، هماهنگی بیشتری میان وزارت خارجه و شورای عالی امنیت ملی ایجاد می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز ابتکارات جدیدی برای احیای مذاکرات شود.

باید توجه داشت که این صرفاً ایران نیست که به گفت‌وگو با آمریکا و اروپا نیاز دارد، بلکه آنها نیز به این تعامل نیازمندند. در آمریکا آقای ترامپ در آستانه انتخابات سنا قرار دارد و گروه «ماگا» و طرفدارانش از حمله اخیر به ایران ناراضی‌اند.

هرگونه درگیری جدید می‌تواند موجب ریزش قابل توجه حامیان ترامپ در این انتخابات شود؛ موضوعی که خود او به‌خوبی به آن واقف است. نشانه این امر را می‌توان در سکوت یا کاهش اظهارات ترامپ درباره حمله به ایران و غنی‌سازی در یکی دو هفته اخیر دید، برخلاف مواضع گذشته‌اش.

در اروپا نیز علاقه‌ای به فعال‌سازی مکانیزم ماشه وجود ندارد؛ زیرا آن را عامل افزایش تنش در منطقه و تهدیدی برای منافع خود می‌دانند. آنها همچنین نگران‌اند که فعال شدن این مکانیزم موجب خروج ایران از «ان‌پی‌تی» و توقف همکاری‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شود که در آن صورت، هیچ تصویری از فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دست نخواهند داشت.

در مجموع، هرچند تغییرات اخیر در ایران گسترده نیست، اما از نظر اثرگذاری مهم است و می‌تواند به شکل‌گیری تفاهمی برای آغاز مذاکرات کمک کند.

برخلاف فضای یأس‌آلودی که در جامعه شکل گرفته مبنی بر اینکه مکانیزم ماشه حتماً فعال خواهد شد یا حمله دیگری رخ می‌دهد، این امکان نیز وجود دارد که گفت‌وگو با آمریکا آغاز شود یا فرمول و راه حل سومی پیدا شود که مانع از فعال شدن این مکانیزم گردد.

> صرفاً ایران نیست که به گفت‌وگو با آمریکا و اروپا نیاز دارد، بلکه آنها نیز به این تعامل نیازمندند. در آمریکا آقای ترامپ در آستانه انتخابات سنا قرار دارد و گروه «ماگا» و طرفدارانش از حمله اخیر به ایران ناراضی‌اند. هرگونه درگیری جدید می‌تواند موجب ریزش قابل توجه حامیان ترامپ در این انتخابات شود

با توجه به اینکه مسئولان دولت از جمله آقای عراقچی بارها تصریح کرده‌اند که در ماه‌های اخیر سیاست خارجی کشور عمدتاً در وضعیت واکنشی قرار داشته و امکان کنشگری مستقل و ابتکاری به دلیل شرایط جنگ و فشارهای خارجی محدود بوده است و همچنین با در نظر گرفتن تغییرات اخیر در ساختار تصمیم‌گیری آیا می‌توان این تحولات را نشانه‌ای از درک ضرورت عبور از رویکرد صرفاً واکنشی و حرکت به سمت بازتعریف استراتژی سیاست خارجی در راستای افزایش ابتکار عمل، تنوع بخشی به ابزارهای دیپلماسی و کاهش تأثیرپذیری از بحران‌ها دانست؟

با تغییراتی که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی شاهد هستیم، این احتمال وجود دارد که در سیاست خارجی کشور

سیاست خارجی دولت چهاردهم؛ از مدیریت بحران تا بازتعریف بازدارندگی

یادداشت

عابد اکبری
تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل

نخستین سال فعالیت دولت چهاردهم در حالی آغاز شد که ساختار ژئوپلیتیکی منطقه با موجی از بحران‌های امنیتی و نظامی روبه‌رو بود. درگیری مستقیم میان ایران و اسرائیل در قالب جنگ ۱۲ روزه را شاید بتوان نقطه عطفی در سیاست خارجی دهه‌های اخیر ایران دانست؛ زیرا این نخستین بار بود که جمهوری اسلامی در یک مواجهه نظامی علنی با رژیمی وارد تقابل شد که پیش‌تر در لایه‌ای از نبرد نیابتی و بازدارندگی غیرمستقیم تعریف می‌شد. اما نکته کلیدی آن است که سیاست خارجی ایران در این مقطع نه صرفاً واکنش‌گر، بلکه به‌نوعی پیش‌دستانه طراحی‌شده بود. دستگاه دیپلماسی کشور، ضمن درک ماهیت ترکیبی بحران (نظامی، رسانه‌ای، روانی و حقوقی)، تلاش کرد همزمان در چند ساحت عمل کند:

با راه‌اندازی گفت‌وگوهای فوری با بازیگران مؤثر منطقه‌ای از جمله قطر، عمان، عراق و ترکیه، مانع از شکل‌گیری اجماع عربی علیه تهران شد.

با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی، روایت ایران از منشأ بحران به ویژه در رابطه با نقش اسرائیل در بی‌ثبات‌سازی منطقه را به شکلی نسبتاً موفق به افکار عمومی جهانی منتقل کرد.

با ایجاد کانال‌های پیام رسانی اضطراری با چین و روسیه، پیامدهای امنیتی در سطح شورای امنیت را مهار کرد.

در این چهارچوب، سیاست خارجی ایران در عمل از نقش یک «دیپلماسی پشتیبان جنگ» فراتر رفت و به بازیگر فعال در مدیریت بحران بدل شد. این تغییر نگرش، نیازمند نوعی آمادگی ساختاری در دستگاه دیپلماسی بود که در سال نخست دولت چهاردهم تقویت شد.

بازتعریف بازدارندگی در سیاست خارجی

یکی از تحولات مفهومی مهم در عملکرد دولت چهاردهم، بازتعریف مؤلفه‌های بازدارندگی در سیاست خارجی بود. تا پیش از این، بازدارندگی در ادبیات راهبردی ایران عمدتاً بر دو مؤلفه قدرت موشکی و عمق استراتژیک منطقه‌ای استوار بود. اما حوادث یک سال اخیر، به ویژه جنگ با اسرائیل، ضرورت بهره‌گیری از الگوی بازدارندگی ترکیبی را به‌وضوح آشکار کرد. پس از پایان جنگ، دولت چهاردهم نشان داد که بازدارندگی مؤثر، تنها در گرو قدرت نظامی نیست، بلکه باید شامل بازدارندگی دیپلماتیک (ایجاد هزینه سیاسی برای دشمن از طریق اجماع‌سازی منطقه‌ای)، بازدارندگی رسانه‌ای (مقابله با پروپاگاندای جنگ‌طلبانه اسرائیل) و بازدارندگی اقتصادی-نهادی نیز باشد.

برای نمونه، حضور فعال وزیر خارجه در نشست بریکس پلاس و تلاش برای پیوستن به پروژه‌های زنجیره‌ای در حوزه انرژی و ترانزیت اوراسیا، نشان‌دهنده آن است که دستگاه سیاست خارجی در حال انتقال به یک منطق بازدارندگی مرکب و لایه‌مند است.

این نوع بازدارندگی، در تئوری‌های نوین روابط بین‌الملل به «Deterrence by Integration» یا بازدارندگی از طریق پیوستگی شبکه‌ای معروف است؛ یعنی کشوری که در تار و پود تعاملات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی تنیده شده، هدف آسانی برای اجماع بین‌المللی علیه خود نخواهد بود.

ظرفیت‌سازی در دل بحران‌های موازی

در سال نخست دولت چهاردهم، جهان شاهد تنش‌ها و تحولات ژئوپلیتیک به‌شدت پیچیده‌ای بود: از تداوم جنگ اوکراین و اثرات آن بر نظم بین‌الملل گرفته تا بحران قفقاز جنوبی، ناآرامی‌های افغانستان، بحران‌های مزمن در یمن و سوریه، و چالش‌هایی در خلیج فارس. اما نکته قابل تأمل در سیاست خارجی ایران این بود که در این بافتار بحرانی، نه‌تنها خود را از فرورفتن در باتلاق درگیری‌ها دور نگاه داشت، بلکه در برخی موارد به بازیگر ثبات‌ساز تبدیل شد.

برای نمونه تلاش برای شکل‌دهی به مکانیسم چهارجانبه قفقاز میان ایران، روسیه، ارمنستان و آذربایجان، نشان از آن دارد که ایران در حال حرکت به سمت «کنشگر تنظیم‌گر نظم منطقه‌ای» است.

این تحول، از منظر نظری به افزایش «ظرفیت تاب‌آوری ژئوپلیتیکی» مربوط می‌شود؛ مفهومی که در ادبیات روابط بین‌الملل به توانایی یک دولت در مهار ضربه‌های خارجی و بازیابی سریع موقعیت راهبردی تعبیر می‌شود. ایران در سال نخست دولت جدید، نشان داد که می‌تواند بدون تقابل مستقیم، نقش مؤثری در کنترل بحران‌ها ایفا کند.

طراحی الگوی تعامل مدیریت‌شده در تعامل با غرب

یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های دولت چهاردهم، نحوه مواجهه با غرب، به‌ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا بود. پس از شکست مذاکرات برجامی در دولت پیشین، روابط ایران با غرب وارد مرحله‌ای از انجماد تعامل شد. در چنین فضایی، دو رویکرد افراطی مطرح بود: بازگشت به تقابل آشکار (خروج از NPT، تعلیق تعهدات پادمانی و...) یا تلاش برای احیای برجام به هر قیمت، ولو با عقب‌نشینی راهبردی.

دولت چهاردهم رویکردی میانه اما راهبردی را اتخاذ کرد: حفظ تعامل در سطح حداقلی اما مستمر، بدون ایجاد توهم نسبت به نیت واقعی غرب.

این رویکرد را می‌توان نوعی «تعامل مدیریت‌شده و هزینه‌محور» دانست؛ برای مثال، استفاده از کانال‌های دیپلماتیک موازی در وین، نیویورک و پایتخت‌های اروپایی با هدف خنثی‌سازی مکانیسم ماشه یا جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به فصل هفتم شورای امنیت، از هوشمندی دیپلماتیک حکایت دارد. همچنین، تکیه بر دیپلماسی هم‌راستاساز با چین و روسیه در شورای امنیت توانست سد راه بسیاری از ابتکارات ضد ایرانی غرب شود.

سازوکارهای بازتولید مشروعیت

یکی از تحولات قابل توجه در عملکرد دستگاه دیپلماسی در این سال، ارتقای سطح کیفی و محتوایی سخنگویی وزارت امور خارجه بود. سخنگوی وزارت خارجه در دولت چهاردهم، به عنوان چهره‌ای مسلط بر زبان رسانه و مفاهیم حقوق بین‌الملل، توانست گفتمان سیاست خارجی را از سطح واکنش‌های کلیشه‌ای فراتر ببرد و آن را در قالب چهارچوب‌های تحلیلی، حقوقی و متقاعدکننده به مخاطب جهانی منتقل کند.

اهم اقدامات وی شامل موارد ذیل می گردد؛

برگزاری نشست‌های منظم خبری با انسجام مفهومی و هدف‌گذاری پیام‌رسانی استراتژیک، پاسخگویی فعال به ادعاهای رسانه‌ای غربی درباره نقش ایران در منطقه

تبیین مؤثر مواضع ایران در موضوعاتی مانند حمایت از آرمان فلسطین، روند صلح در قفقاز و تحولات شورای حکام.

نقش سخنگو به‌عنوان بازوی دیپلماسی عمومی، در شرایطی که جنگ روایت‌ها به موازات جنگ نظامی در جریان بود، واجد اهمیت دوچندان شد. توانایی وی در مدیریت «بحران تصویری ایران» در افکار عمومی منطقه‌ای و بین‌المللی، از نقاط قوت جدی دستگاه سیاست خارجی در سال نخست دولت چهاردهم محسوب می‌شود.

> پس از پایان جنگ، دولت چهاردهم نشان داد که بازدارندگی مؤثر، تنها در گرو قدرت نظامی نیست، بلکه باید شامل بازدارندگی دیپلماتیک (ایجاد هزینه سیاسی برای دشمن از طریق اجماع‌سازی منطقه‌ای)، بازدارندگی رسانه‌ای (مقابله با پروپاگاندای جنگ‌طلبانه اسرائیل) و بازدارندگی اقتصادی-نهادی نیز باشد

چشم‌انداز پیش‌رو: فرصت‌های ساختاری در پرتو نظم در حال گذار

با گذشت یک سال از آغاز به‌کار دولت چهاردهم، سیاست خارجی ایران با مجموعه‌ای از فرصت‌های نوظهور نیز مواجه است. تحول در نظم بین‌الملل، ظهور قدرت‌های منطقه‌ای مستقل، افول هژمونی آمریکا، گسترش سازوکارهای غیرغربی مانند بریکس و اهمیت ژئواکونومیک ایران در کریدورهای تجاری اوراسیا، همه نشانه‌هایی از امکان بازیگری مؤثرتر ایران در آینده نزدیک است.

دستگاه دیپلماسی باید در سال دوم دولت با بازتعریف روایت ملی از منافع، تهدیدها و ظرفیت‌ها، به سوی یک سیاست خارجی ایجابی و پیش‌برنده حرکت کند. در این مسیر، بازآرایی ساختارهای داخلی، سرمایه‌گذاری در دیپلماسی اقتصادی و استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور در حوزه چانه‌زنی بین‌المللی، باید در اولویت قرار گیرد. در نهایت، آنچه سیاست خارجی ایران را در سال نخست دولت چهاردهم متمایز ساخت، تلفیق واقع‌گرایی راهبردی با اصول‌گرایی ایدئولوژیک بود؛ ترکیبی که اگر به درستی مدیریت شود، می‌تواند الگویی ماندگار برای حکمرانی خارجی در جهان چندقطبی آینده فراهم آورد.

عکس: AP

چرا روسیه از پیمان منع موشک های هسته ای میان برد خارج شد؟

جنگ سرد تسلیحاتی

گزارش

وحید کیانی
گروه بین‌الملل

در پی تشدید تنش‌ها میان مسکو و واشنگتن، آسوشیتدپرس به نقل از وزارت خارجه روسیه خبر داد که این کشور دیگر به تعلیق داوطلبانه استقرار موشک‌های میان‌برد پایبند نیست. خروج مسکو از این معاهده چندین دهه‌ای به نگرانی‌ها بابت آغاز رقابتی جدید، در حوزه این تسلیحات دامن زده است؛ رقابتی که یادآور دوران جنگ سرد خواهد بود.

پیمان منع موشک های هسته ای میان برد (آی‌ان‌اف) که در سال ۱۹۸۷ میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی امضا شد، استقرار موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد بین قدرت‌های نظامی پیشروی جهان را ممنوع می‌کرد. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۹ از این پیمان خارج شد و روسیه را به نقض ابتدایی این پیمان متهم نمود؛ اتهامی که مسکو آن را قویاً رد کرده است. با این حال، کرملین حاضر شد تا زمانی که آمریکا از استقرار این موشک‌ها پرهیز کند، خود نیز آنها را به کار نگیرد.

واکنش مسکو به تحریک واشنگتن

سال گذشته، ایالات متحده اعلام کرده بود که از سال ۲۰۲۶ و به صورت مقطعی، موشک‌های میان‌برد را در آلمان مستقر خواهد کرد؛ موضوعی که همان زمان با تهدید روسیه به «اقدامات متقابل» همراه شد.

وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای تصمیم به خروج از آی‌ان‌اف را در واکنش به برنامه‌های آمریکا و متحدانش برای توسعه و استقرار موشک‌های میان‌برد در اروپا و سایر نقاط جهان دانست و مشخصاً به طرح ایالات متحده برای استقرار موشک‌های تایفون و دارک ایگل در آلمان اشاره کرد. در این بیانیه آمده است: «اقدامات ایالات متحده و متحدانش موجب شکل‌گیری ظرفیت‌های موشکی بی‌ثبات‌کننده در نزدیکی روسیه شده که تهدیدی مستقیم علیه امنیت کشور ماست و پیامدهای زیانباری برای ثبات منطقه‌ای و جهانی دارد؛ از جمله تشدید خطرناک تنش میان قدرت‌های هسته‌ای.» وزارت خارجه روسیه تأیید کرد: دیگر خود را به محدودیت‌های خودخواسته‌ای که پیشتر در قالب معاهده نیروهای هسته‌ای میان‌برد پذیرفته بود، ملزم نمی‌داند.

خروج مسکو از آی‌ان‌اف همچنین سه روز پس از آن صورت گرفت که دونالد ترامپ دستور داد دو زیردریایی هسته‌ای آمریکا در پاسخ به تهدید هسته‌ای دیمیتری مدودف، رئیس جمهوری پیشین روسیه و معاون کنونی شورای امنیت این کشور مجدداً جابه‌جا شوند. شامگاه دوشنبه، مدودف با انتشار پستی در شبکه اجتماعی اکس با اشاره به بیانیه وزارت خارجه روسیه در رابطه با خروج از آی‌ان‌اف، آن را نتیجه سیاست‌های «ضدروسی» کشورهای عضو ناتو دانست. او در ادامه هشدار داد: «منتظر گام‌های بعدی باشید.»

در عین حال، مسکو تلاش کرده تا جابه‌جایی زیردریایی‌های آمریکایی و خروج روسیه از آی‌ان‌اف را کم‌اهمیت جلوه داده و بر پرهیز از تنش هسته‌ای تأکید کند. روز دوشنبه، دیمیتری پسکوف در مورد تصمیم ترامپ برای جابه‌جایی زیردریایی‌ها گفت: «روسیه همواره مسأله عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را با جدیت دنبال می‌کند و معتقد است که همه طرف‌ها باید در استفاده از ادبیات هسته‌ای، نهایت احتیاط را به خرج دهند.» هرچند مشخص نیست کرملین چه انگیزه‌ای از کنارگذاشتن معاهده آی‌ان‌اف دارد، اما چهار روز پیش از این اقدام، آسوشیتدپرس در نقل قولی از ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه خبر داد که تولید جدیدترین موشک‌های هایپرسونیک (ارشنیک) در این کشور آغاز شده و قرار است همین امسال در بلاروس مستقر شوند. این موشک‌ها از نوع میان‌برد بوده و ذیل ممنوعیت پیمان آی‌ان‌اف قرار می‌گیرند.

> وزارت خارجه روسیه تأیید کرد: اقدامات ایالات متحده و متحدانش موجب شکل‌گیری ظرفیت‌های موشکی بی‌ثبات‌کننده در نزدیکی روسیه شده که تهدیدی مستقیم علیه امنیت کشور ماست و پیامدهای زیانباری برای ثبات منطقه‌ای و جهانی دارد

فرمانده نیروی موشکی روسیه اعلام کرده موشک جدید ارشنیک که برای اولین‌بار در نوامبر گذشته علیه اوکراین استفاده شد، بردی دارد که می‌تواند سراسر اروپا را هدف قرار دهد.

این موشک همچنین توان حمل کلاهک‌های متعارف و هسته‌ای را داراست. پوتین نیز در تمجید از این موشک گفته که سرجنگی‌های متعدد آن با سرعتی تا ۱۰ برابر سرعت صوت به سوی هدف شیرجه می‌زنند و قابل رهگیری نیستند؛ به طوری که حتی در حملات متعارف نیز قدرت تخریبی آنها می‌تواند به اندازه یک حمله هسته‌ای باشد. او هشدار داده اگر کشورهای عضو ناتو به اوکراین اجازه دهند از موشک‌های دوربرد خود برای حمله به خاک روسیه استفاده کند، ممکن است از ارشنیک علیه آن کشورها استفاده شود.

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین در پاسخ به اینکه روسیه چه زمانی و در کجا موشک‌های میان‌برد را مستقر خواهد کرد، گفت: «این موضوعی نیست که از پیش اعلام شود. روسیه دیگر محدودیتی برای خود قائل نیست و اگر لازم بداند، حق دارد اقدامات مقتضی انجام دهد.»

فروپاشی آی‌ان‌اف و بازگشت روح جنگ سرد

فروپاشی کامل معاهده آی‌ان‌اف و تنش‌های فزاینده میان روسیه و غرب بر سر جنگ اوکراین، نگرانی‌ها درباره بازگشت به رقابتی خطرناک در سطح جنگ سرد را در غرب افزایش داده است؛ رقابتی که در آن، موشک‌های بسیار سریع و مسلح به کلاهک هسته‌ای می‌توانند در عرض چند دقیقه و بدون آنکه به دشمن امکان دفاع بدهند، به پایتخت آن اصابت کنند. رسانه‌های رسمی روسیه حتی مدعی شده‌اند که موشک اورشنیک می‌تواند پایگاه هوایی رامشتاین در آلمان را تنها در ۱۵ دقیقه هدف قرار دهد.

همانطور که گفته شد، آمریکا هنگام خروج از معاهده آی‌ان‌اف مدعی شده بود که عملاً فقط واشنگتن به این توافق پایبند مانده بود. تا آن زمان، پنتاگون از محدودیت‌های این توافق ناخشنود بود، چرا که طبق مفاد آن، آمریکا اجازه نداشت هیچ موشک میان‌بردی را در آسیا مستقر کند؛ منطقه‌ای که چنین تسلیحاتی برای دفاع از تایوان، جزیره‌ای قانوناً متعلق به چین است، بسیار حیاتی تلقی می‌شوند.

اتهام‌زنی‌های مربوط به نقض این توافق از سوی روسیه به سال ۲۰۱۴ بازمی‌گردد، زمانی که دولت باراک اوباما اولین‌بار این مسأله را مطرح کرد.

بر اساس آی‌ان‌اف، استقرار موشک‌های بالستیک و کروز زمین‌پایه با برد ۵۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر ممنوع هستند. در پی این توافق، بیش از ۲۶۰۰ موشک آمریکایی و شوروی منهدم شدند؛ اقدامی که در زمان خود گام مهمی به شمار می‌رفت.

تنها توافق بزرگ باقی‌مانده در زمینه کنترل تسلیحات میان مسکو و واشنگتن پیمان «استارت نو» است؛ اما پوتین در سال ۲۰۲۳ اعلام کرد روسیه مشارکت خود در این توافق را تعلیق کرده است. این پیمان نیز سال آینده منقضی می‌شود.

فیلیپ بریدلاو، ژنرال بازنشسته و فرمانده پیشین نیروهای آمریکایی در اروپا طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ گفت که از اقدام اخیر روسیه چندان شگفت‌زده نشده است؛ خصوصاً آنکه این تصمیم بلافاصله پس از تهدید ترامپ به اقدامات سخت‌گیرانه‌تر علیه مسکو در قبال جنگ اوکراین اتخاذ شد.

او اظهار کرد: «این شیوه‌ای کاملاً آشناست که روسیه هر وقت بخواهد غرب را بترساند یا از تصمیم باز بدارد، آن را به کار می‌برد. هر بار که غرب در آستانه اتخاذ تغییری مهم باشد، مثل ارسال سلاح‌های جدید به اوکراین، شاهد چنین واکنش‌هایی از سوی مسکو هستیم.»

بِن اِیریس، خبرنگار باسابقه دِیلی‌تلگراف که حوزه روسیه را پوشش می‌دهد، معتقد است که اقدام روسیه در جهت بازگذاشتن درب‌های بازگشت به توافق‌های دوران جنگ سرد است.

او توضیح داد: «کرملین علاقه‌مند است به توافق‌های امنیتی دوران جنگ سرد بازگردد و پس از پیشنهاد بایدن برای تمدید معاهده استارت نو در ژانویه ۲۰۲۱ که سال آینده منقضی می‌شود، بلافاصله پیشنهاد تمدید معاهده آی‌ان‌اف را به عنوان گام بعدی مطرح کرد.»

ایریس خاطرنشان کرد: «تصمیم اخیر روسیه برای نادیده گرفتن معاهده آی‌ان‌اف سطح تنش‌ها را افزایش می‌دهد و سیاست اوکراین در هدف قرار دادن روزافزون اهداف داخل روسیه که متحدان کی‌یف بارها آن را به خاطر مدیریت تنش‌ها منع کرده‌اند، بر آتش این تنش‌ها می‌دمد.»

جوزف عون و نواف سلام چه هدفی از خلع سلاح مقاومت دارند؟

کودتا علیه طائف

خاورمیانه

در دنیای سیاست می‌گویند خطرناک‌ترین سیاستمدار کسی نیست که از انتقاد نمی‌ترسد، بلکه کسی است که اصلاً به آن اهمیت نمی‌دهد.

در لبنان امروز، به نظر می‌رسد که ارکان قدرت از این تعریف فراتر رفته‌اند و به خدایانی نزدیک‌تر شده‌اند که انتقاد را نمی‌شنوند و وقتی هم که می‌شنوند، اهمیتی به آن نمی‌دهند. تنها کسانی که احساس می‌کنند مصونیتشان مطلق و کافی است تا از هرگونه پرسش، پاسخگویی یا حتی بررسی مصون بمانند، توانایی انجام این کار را دارند.

همه ما می‌دانیم که قدرت جدیدی که در ابتدای امسال پدیدار شد، نه به تأیید مردم، نه به تأیید احزاب یا نمایندگان سیاسی و نه به هیچ یک از سازوکارهای سنتی برای انتخاب، انتصاب یا تشکیل نیاز نداشت. این رؤسای جمهوری، وزرا، مدیران و مقامات بر این اساس عمل می‌کنند که نهادی که به آنها مصونیت و پوشش برای دسترسی به مناصبشان داده است، تنها نهادی است که حق پرسش یا پاسخگویی به آنها را دارد. بر این اساس، تنها چیزی که واقعاً از آن می‌ترسند، قیم خارجی است.

آنچه قبل، حین و بعد از جلسه سه‌شنبه دولت اتفاق افتاد، نه یک اتفاق عادی بود و نه یک جزئیات پیش پا افتاده. حتی اگر این مرجع از اجرای تصمیمات خود ناتوان باشد، خطر نه در توصیف خود اقدام، بلکه در مورد مسیری که آشکار می‌کند کشور از این پس تحت مدیریت آنها به سمت آن می‌رود، نهفته است.

هر کسی که با تصمیم خلع سلاح مقاومت موافقت کند، وقتی تصمیم به هدر دادن دارایی‌های دولت که از شروع به جست‌وجوی راه‌هایی برای نقد کردن آن گرفته تا آنچه از اموال دولت باقی مانده است، بگیرد، و حتی خطرناک‌تر از آن، وقتی نهادهای امنیتی و نظامی مستقیماً تحت سلطه قیمومیت آمریکایی-سعودی قرار گیرند، که منحصراً برای خدمت به منافع دشمن اسرائیلی کار می‌کند، افکار هیچ‌کس مانع او نخواهد شد.

مذاکرات سه‌شنبه برخی اختلافات در عملکرد رئیس جمهوری ژوزف عون و نخست‌وزیر نواف سلام را آشکار کرد. اگرچه درست است که رئیس جمهوری عون به دنبال دستیابی به یک راه‌حل مصالحه‌ای بود که همه را راضی کند و سعی کرد وزرای درگیر در بحث‌ها را متقاعد کند، اما واقعیت‌ها آنچه را که سلام قبل از جلسه گفته بود، ثابت کرد؛ اینکه عون هیچ موضعی اتخاذ نخواهد کرد که مانع تصمیم نهایی شود، حتی اگر منجر به ناراحتی حزب‌الله و رئیس مجلس، نبیه بری شود. مشخص شد که عون، مانند سلام، قصد ندارد هیچ اقدامی انجام دهد که او را به رویارویی با طرف‌های آمریکایی و سعودی بکشاند.

> آنچه نواف سلام روز سه‌شنبه انجام داد و آنچه رئیس جمهور و همه حاضران در جلسه دولت با آن موافقت کردند، همه تنها یک هدف را دنبال می‌کنند: تضعیف چهارچوب حاکم بر زندگی قانونی و ملی در لبنان

نزدیکان رئیس جمهوری، عدم تعویق جلسه را با این ادعا توجیه کردند که او نمی‌خواسته با نخست‌وزیر درگیر شود. با این حال، واقعیت، همان‌طور که همه می‌دانند، این است که عون اهمیت زیادی برای افکار سلام قائل نیست و تمایلی به ورود به هیچ گونه درگیری با واشنگتن یا ریاض ندارد، گذشته از این، اینکه او شخصاً با اصل خلع سلاح مخالف نیست.

در مورد نخست‌وزیر، مشکل او تنها با نحوه برخوردش با دشمن آغاز نشد. از لحظه تشکیل دولتش، او کاملاً به سمت دیگر متمایل شد. او مانند پادشاه اردن و فرماندار منطقه رام الله، کاملاً مطیع اقتدار یک قیمومیت خارجی شد. دغدغه او نه تنها خشنود کردن واشنگتن و ریاض، بلکه برداشتن گام‌های محکم برای تضعیف پروژه مقاومت و مقابله با اشغالگری است.

تحولات اخیر نشان داده است که سلام بدون تعهد قبلی‌اش به سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولتش، از چشم‌پوشی از حملات اسرائیل گرفته تا مانع‌تراشی در بازسازی، امتناع از تأمین بودجه نیازهای آسیب‌دیدگان و کارشکنی در هر نهادی که به محیط مقاومت خدمت می‌کند، تا مشارکتش در خطرناک‌ترین توطئه از سال ۱۹۸۹: کودتا علیه توافق طائف و نابودی یکباره قانون اساسی، به جایگاه فعلی‌اش نمی‌رسید!

آنچه نواف سلام روز سه‌شنبه انجام داد و آنچه رئیس جمهوری و همه حاضران در جلسه دولت با آن موافقت کردند، همه تنها یک هدف را دنبال می‌کنند؛ تضعیف چهارچوب حاکم بر زندگی قانونی و ملی در لبنان.

پذیرش برگه رضایت از واشنگتن و ریاض چیزی جز پذیرش صریح سوق دادن کشور، هرچند به تدریج، به آستانه انفجار نیست. شاید این افراد خود را فریب می‌دهند که جنگ جاری اسرائیل و آنچه سوریه از زمان سرنگونی بشار اسد شاهد بوده است، ممکن است پوشش یا پشتیبانی برای مقابله با پروژه مقاومت، نه تنها به عنوان یک سلاح، بلکه به عنوان یک ایده، سازمان و پایگاه مردمی برای آنها فراهم کند.

منبع: الاخبار

حزب‌الله: حفظ سلاح مقاومت، ضروری است

برش

حزب‌الله لبنان تأکید کرد تصمیم دولت این کشور درباره انحصار سلاح، کاملاً منفعت اسرائیل را محقق می‌کند و لبنان را در برابر دشمن اسرائیلی بدون هیچ بازدارندگی قرار می‌دهد.

حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای اعلام کرد: دولت نواف سلام، نخست وزیر لبنان در اتخاذ تصمیمی برای خلع لبنان از سلاح مقاومت در برابر دشمن اسرائیلی مرتکب اشتباه بزرگی شد چرا که این مسأله منجر به تضعیف قدرت لبنان و موضع آن در برابر ادامه تجاوز اسرائیل و آمریکا می‌شود و آنچه را که اسرائیل نتوانست در تجاوز خود علیه لبنان به دست آورد، برای آن محقق می‌کند. ما با نبردی با اسرائیل مواجه شدیم که منجر به توافقی برای ملزم کردن اسرائیل به توقف تجاوز خود و عقب‌نشینی از لبنان شد.

در بیانیه حزب‌الله آمده است: این تصمیم نقض واضح و مخالفت با بیانیه وزارتی دولت است که در بند پنجم آن آمده است که دولت بر اساس منشور وفاق ملی در توافق‌نامه طائف ملزم به اتخاذ اقدامات لازم برای آزادی تمام اراضی لبنان از اشغالگری اسرائیل و گسترش حاکمیت بر تمام خاک خود و استقرار ارتش لبنان در منطقه مرزی است.

حفظ قدرت لبنان و سلاح مقاومت در راستای قدرت لبنان و جزو اقدامات لازم است. تلاش برای افزایش قدرت لبنان با مسلح کردن ارتش و تقویت آن برای بیرون راندن دشمن اسرائیلی از خاک لبنان از جمله اقدامات لازم است. در بیانیه حزب‌الله لبنان آمده است: این تصمیم نتیجه دیکته‌های تام باراک، فرستاده آمریکاست. این تصمیم کاملاً منفعت اسرائیل را محقق می‌کند و لبنان را در برابر دشمن اسرائیلی بدون هیچ بازدارندگی قرار می‌دهد.

در این بیانیه تأکید شده است: خروج وزرای حزب‌الله و جنبش أمل از جلسه بیانگر مخالفت با این تصمیم و مخالفت مقاومت و مخالفت مردمی گسترده با تصمیم تسلیم شدن لبنان در برابر قیمومیت آمریکا و اشغالگری اسرائیل است.

این اقدام حاکمیت لبنان را از بین می‌برد و دست اسرائیل را برای بازی کردن با امنیت، سرزمین، سیاست و آینده لبنان باز می‌گذارد.

در بیانیه حزب‌الله لبنان آمده است: ما مایل به مذاکره و پایان تجاوز اسرائیل علیه لبنان و آزادسازی سرزمین خود و آزادی اسرا و تلاش برای بازسازی و آماده بررسی استراتژی امنیت ملی هستیم. ابتدا باید توافق توسط اسرائیل اجرا شود و دولت باید به عنوان اولویت اقدامات لازم برای آزادسازی تمام خاک لبنان از اشغالگری اسرائیل را اتخاذ کند.

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

نگاه اسرائیلی ها به جنگ با تهران: مطلوبِ ممکن

مرکز مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS) یکی از مراکز مهم و باسابقه درون سرزمین‌های اشغالی است که خروجی‌های آن بواسطه شخصیت‌های شاغل در آن همواره بسیار مورد توجه بوده است.

یکی از اقدامات مستمر این مرکز از سال ۲۰۰۵، انتشار نظرسنجی‌های دقیق و گسترده از جامعه صهیونیستی با تفکیک برخی شکاف‌های اجتماعی مثل اعراب اسرائیلی، یهودیان، حریدی‌ها و... است.

نظرسنجی‌های پایانی هر سال میلادی این مرکز که بخشی از آن به نخست‌وزیر و رئیس جمهوری اعطا می‌شود، بواسطه استمرار آن و ظرفیت مقایسه با سال‌های پیشین، همواره مورد توجه بوده است.

حال این مرکز به بهانه تحولات اخیر، نظرسنجی‌ای از جامعه صهیونیستی منتشر کرده است که نکات حائز توجهی دارد.

در این ستون کوتاه به سه سؤال مرتبط با جنگ با ایران می‌پردازیم.

یکی از سؤالات که غیرمستقیم نگاه آنها به جنگ اخیر با ایران را نشان می‌دهد و البته قطعاً متأثر از چالش‌ها و اختلافات میان نخست‌وزیر و رئیس ستادکل ارتش اسرائیل هم هست، میزان اعتماد به نتانیاهو و ایال ضمیر است.

براساس نتایج در جامعه یهودی، میزان اعتماد به نتانیاهو ۳۷ درصد اما میزان اعتماد به ضمیر رئیس ستادکل ارتش ۷۳ درصد است. اختلاف میزان اعتبار و اعتماد ضمیر می‌تواند یکی از دلایل تنش‌های روزهای اخیر در فضای اسرائیل باشد. تنشی که بیشتر از سوی طرفداران نتانیاهو دنبال می‌شود و به بهانه مخالفت‌های ضمیر با اشغال دوباره نوارغزه او را به کودتا و نافرمانی متهم و خواستار استعفایش در صورت عدم اطاعت کامل از کابینه و تصمیمات سیاسی‌اند.

اما مقبولیت رئیس ستادکل ارتش نشان می‌دهد از مجموع عملکرد او رضایت نسبی وجود دارد. با آنکه میزان رضایت از ارتش ۸۸ درصد بوده است.

در بخش دیگری از نظرسنجی حول نگرش صهیونیست‌ها به نتایج جنگ غزه و ایران سؤال شده است. علی رغم اینکه اعتراضات و مخالفت‌هایی بالاخص از سوی برخی شخصیت‌ها در روزهای اخیر در خصوص سیاست جنگی نتانیاهو مقابل ایران یا عدم آزادی اسرا دیده و شنیده می‌شود، اما همچنان این گزاره که از نتایج روزهای ابتدایی جنگ با ایران بیرون آمده بود، برقرار است که می‌توان گفت: «جامعه صهیونیستی اقدام نظامی علیه تهران را لازم و موفقیت‌آمیز می‌داند.»

براساس نظرسنجی مرکز مطالعات امنیت ملی ۷۰ درصد ارتش اسرائیل را هم در جنگ غزه و هم جنگ با ایران پیروز می‌دانند و از آن رضایت دارند.

براساس نظرسنجی، یهودیان صهیونیست در پاسخ به میزان رضایت از جنگ ۱۲ روزه، تنها ۵ درصد گزینه عدم رضایت بالا را انتخاب کرده‌اند.

۲۲ درصد متوسط و ۷۱ درصد کامل یا حدوداً از دستاوردهای جنگ علیه تهران رضایت داشته‌اند.

این رضایت نسبی البته لزوماً به معنی پایان نبرد و تنش هم نیست.

براساس سؤال دیگری ۶۱ درصد معتقدند اسرائیل در طی یک سال آینده مجبور خواهد بود دوباره حمله به تهران را تکرار کند، این درحالی است که تنها ۲۲ درصد با امکان تکرار جنگ مخالفت کرده‌اند.

باید توجه داشت که نظرسنجی‌ها برساخته از روایت رسانه‌ای ساخته شده در ذهن‌هاست.

این مسأله هیچ ربط مستقیمی به آنکه چه کسی پیروز جنگ ۱۲ روزه ایرانِ همدل در مقابل تهاجم بزرگ اسرائیلی-آمریکایی با همراهی سرویس‌ها و کشورهای دیگر است، ندارد. بلکه نشان می‌دهد که آمادگی ذهنی صهیونیست‌ها برای تکرار جنگ را می‌توان با ساده‌سازی مسأله، مثبت ارزیابی کرد.

مسأله‌ای که با اقدامات رسانه‌ای و البته نبرد در حیطه خاکستری می‌توان دستکاری و کاهشی کرد.

گزارش

«ایران» از افزایش روزهای ناسالم هوا گزارش می‌دهد

مرگ ۱۴ درصد از بیماران قلبی با آلودگی هوا

گروه اجتماعی/ آلودگی هوا تأثیرات بسیاری بر سلامت افراد دارد. براساس پژوهش‌های انجام شده در سال ۱۴۰۲، ۱۴.۷ درصد از مرگ‌ومیر افراد ناشی از بیماری‌های قلبی، به دلیل مواجهه طولانی‌مدت با ذرات معلق است. دکتر عباس شاهسونی، معاون مرکز تحقیقات کیفیت هوا و تغییر اقلیم و استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با اشاره به این موضوع می‌گوید: «دوباره غلظت ذرات معلق افزایش یافته به طوری که در برخی از ایستگاه‌ها، شاخص کیفیت هوا ناسالم و خطرناک گزارش می‌شود. اما علت اصلی این گرد و غبار، پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم، خشکسالی‌ها و کاهش بارندگی طی چند سال گذشته است. همین موضوع باعث شده بسیاری از مناطق اطراف تهران مستعد گرد و غبار شوند و با کمترین میزان افزایش وزش باد، ذرات گرد و غبار وارد اتمسفر شود.»

وی با اشاره به تفاوت ذرات گرد و غبار و ذراتی که از آلاینده‌ها در هوا وجود دارد، می‌گوید: «فقط ذرات زیر ۱۰ میکرون می‌توانند وارد سیستم تنفسی بدن شوند، اما ذرات گرد و غبار معمولاً بزرگ‌تر از ۱۰ میکرون هستند به همین دلیل باید میان ذرات ناشی از طوفان گرد و غبار و ذرات ناشی از احتراق خودروها تفکیک قائل شویم. جنس ذراتی که در طوفان‌های گرد و خاک وجود دارد، بیشتر از سیلیس، آهن، آلومینیوم و سایر عناصری که در خاک یافت می‌شوند، است. اما ذراتی که ناشی از آلاینده‌های خودروهاست، شامل ترکیبات آلی و فلزات سنگین هستند. بررسی‌هایی در مورد شاخص کیفیت هوا از ابتدای شروع فصل تابستان ۱۴۰۴ تا ۳۱ تیرماه انجام شده است که نشان می‌دهد در شهر تهران فقط شش روز هوای خوب (پاک)، ۷۴ روز هوای قابل قبول، ۳۷ روز ناسالم برای گروه‌های حساس، ۴ روز ناسالم، یک روز بسیار ناسالم و دو روز خطرناک را پشت سر گذاشته‌ایم. در سال گذشته در همین بازه زمانی ۵ روز هوای خوب (پاک)، ۹۴ روز هوای قابل قبول، ۲۴ روز ناسالم برای گروه‌های حساس و یک روز ناسالم برای همه گروه‌ها داشتیم. نتایج این بررسی نشان می‌دهد طوفان‌های گرد و غبار سبب افزایش ذرات معلق در تهران و کاهش کیفیت هوا نسبت به سال گذشته شده‌اند.»

شاهسونی با اشاره به مقایسه کیفیت هوا از یکم فروردین تا ۳۱ تیرماه با مدت مشابه سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ می‌گوید: «در بازه ۱۲۴ روز فروردین تا ۳۱ تیرماه، تعداد روزهای قابل قبول به نسبت روزهای قابل قبول سه سال گذشته تقریباً ۷ درصد کاهش داشته و در همین مدت، تعداد روزهای ناسالم برای گروه‌های حساس، ناسالم برای همه افراد جامعه و خطرناک هم افزایشی بوده است.»

بیش از ۳۰ هزار مرگ منتسب به ذرات معلق ۲.۵ pmآلودگی هوا به عنوان دومین عامل مرگ‌ومیر زودرس در دنیا شناخته شده است. شاهسونی درباره آمار مرگ‌ومیر منتسب به آلودگی هوا در کشور می‌گوید: «طبق آخرین نتایج کتاب کمی‌سازی مرگ‌های منتسب به ذرات معلق در سال ۱۴۰۲ که توسط مرکز تحقیقات کیفیت هوا و تغییر اقلیم دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شده است، ۳۰ هزار و ۶۰۰ مرگ منتسب به ذرات معلق ۲.۵ pm در ۵۷ شهر کشور داشتیم. آلودگی هوا مهم‌ترین عامل مرگ‌های ناشی از منابع غیرواگیر محسوب می‌شود. بخشی از شهروندان به ذرات هوای آلوده حساس‌تر هستند از جمله زنان باردار، کودکان، سالمندان و افراد با بیماری‌های خاص که این آلودگی باعث افزایش بیماری‌های تنفسی در این گروه می‌شود. همچنین طوفان‌های گرد و غبار بیماری‌های قلبی و عروقی را تشدید می‌کند و میزان مصرف داروهای تنفسی را هم افزایش می‌دهد. به طور میانگین ۱۴.۷ درصد از مرگ‌ها به دلیل ایسکمیک قلب (انسداد عروق کرونری) در سال ۱۴۰۲ منتسب به مواجهه طولانی با ذرات معلق ۲.۵ pm در کشور بوده است، همچنین ۱۴.۹ درصد از مرگ‌های سکته مغزی هم منتسب به همین ذرات است. این اعداد در مناطقی که طوفان گرد و غبار در بازه زمانی بیشتری وجود دارد، مثل زابل در سیستان و بلوچستان، اهواز، ایرانشهر و... بیشتر است.»

به گفته معاون مرکز تحقیقات کیفیت هوا و تغییر اقلیم، زمانی که وضعیت هوا در شرایط ناسالم است، مردم تا می‌توانند کمتر در فضای باز حضور پیدا کنند، اما در صورتی که مجبور به خروج از منزل هستند، حتماً از ماسک‌های مناسب استفاده کنند. همچنین فعالیت‌های ورزشی را کاهش دهند. همواره توصیه می‌شود، بیشتر سبزیجات، میوه‌ها و غذاهای سبک میل کنند، حتی آب زیاد در این ایام می‌تواند کمک‌کننده باشد.

زمانی که شاخص کیفیت هوا روی عدد ۰ تا ۵۰ باشد، هوای خوب (پاک) خوانده می‌شود اما این عدد هر چه افزایش پیدا کند و در عدد ۱۰۱ تا ۱۵۰ قرار گیرد، کیفیت هوا برای گروه‌های حساس جامعه ناسالم است؛ مثل زنان باردار، کودکان، سالمندان، افراد با بیماری‌های خاص، افراد چاق و حتی سیگاری‌ها هم در این دسته قرار می‌گیرند. شاهسونی توضیح می‌دهد: «گروه‌های حساس جامعه ۳۰ درصد جمعیت شهری مثل تهران را تشکیل می‌دهند. اگر جمعیت تهران را ۱۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، حدود سه میلیون نفر در شاخص کیفیت هوای بالاتر از ۱۰۰ دچار مشکل می‌شوند. حالا اگر این عدد بیشتر شود، یعنی به ۱۵۰ تا ۲۰۰ برسد، هوا ناسالم برای همه گروه‌های جامعه است و اگر روند آلودگی به بالای ۳۰۰ برسد، وضعیت هوا خطرناک محسوب می‌شود. افرادی که در چنین هوایی مجبور به خروج از منزل هستند، باید ساعت حضورشان را به کمترین زمان ممکن برسانند و حتماً از ماسک‌های استاندارد از جمله N ۹۵ استفاده کنند. اگر این ماسک‌ها در دسترس نبود، ماسک‌های طبی مورد تأیید وزارت بهداشت هم کمک‌کننده است به شرطی که به درستی روی سیستم تنفسی دهان و بینی قرار گرفته باشد.»

رئیس کل سازمان نظام پرستاری:

۱۰۰۰ پرستار داوطلب در جنگ ۱۲ روزه ثبت نام کردند

گزارش خبری

محدثه جعفری
گروه اجتماعی

حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد پرستاران مورد خشونت کلامی قرارگرفته‌اند. خشونت علیه کادر درمان پایانی ندارد، چند روز پیش ویدیویی در فضای مجازی منتشر شد که حمله به پرستار خانمی در درمانگاه شهر یاسوج را به تصویر می‌کشید. شاید همه پرستاران تجربه درگیری فیزیکی با بیماران و همراهان‌شان را نداشته باشند اما اکثریت، مورد خشونت کلامی قرار گرفته‌اند. بنابراعلام رئیس کل سازمان نظام پرستاری با مستقر شدن نیروهای پلیس در بیشتر مراکز درمانی برای حفظ جان کادر درمان، خشونت و درگیری فیزیکی کاهش پیدا کرده، اما تمام نشده است.

دکتر احمد نجاتیان رئیس کل سازمان نظام پرستاری در پاسخ به سؤال «ایران» درباره رسیدگی به موضوع خشونت علیه کادر درمان در نشست خبری بیان کرد: «بیشتر مکاتبات ما با دادستانی کل کشور است. هفته‌ای که گذشت معاون دادستانی گزارشی برای سازمان نظام پرستاری ارسال کرد، مبنی براینکه طی دو مرحله به دادگستری‌های کل کشور و دادستانی‌های استان‌ها اعلام کرده‌اند، موضوع خشونت علیه کادر درمان جزو اولویت‌های دادگستری‌ها قرار گیرد. همچنین جلساتی در دانشگاه‌های علوم پزشکی با حضور نیروی انتظامی برای بررسی موضوع خشونت علیه کادر درمان برگزار شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، پلیس در برخی بیمارستان‌ها مستقر شده و حضور پلیس در مراکز درمانی افزایش یافته است. اکنون در حال جمع‌آوری اطلاعات از میزان حضور نیروهای انتظامی در بیمارستان‌ها هستیم و درآینده می‌توانیم آمار حضور نیروهای پلیس را ارائه دهیم.»

پرونده‌های خشونت علیه کادر درمان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود اما این موضوع برای پس از حادثه است. دکتر نجاتیان برای جلوگیری از ایجاد خشونت هم به «ایران» گفت: «کمیته پرستاری مجلس شورای اسلامی پیشنهاد داده است که یک قانون در مجلس برای خشونت علیه کادر درمان نوشته شود. اما این طور نیست که مردم خشم خاصی به پرستاران داشته باشند و این نشان از عدم رضایت از خدمات دریافتی است. افرادی که به بیمارستان مراجعه می‌کنند با مشکلاتی مواجه هستند و گاهی مسائلی مانند ازدحام جمعیت و کمبود پرستار سبب نارضایتی شده و به تنش می‌انجامد. برای حل این معضل نه تنها باید خدمات خود را بهبود ببخشیم، بلکه باید آموزش‌های لازم را در اختیار پرستاران قرار دهیم که این کار در حال انجام است.»

> تخت‌های بیمارستانی حدود ۲۵ درصد طی سال‌های گذشته افزایش پیدا کرده و از ۱۱۷ هزار تخت به ۱۶۰ هزار تخت رسیده است. براساس استاندارد، نسبت پرستار به ازای تخت ۱.۸ است اما درحال حاضر این نسبت در کشور ما ۰.۰۹ پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی است

ثبت نام هزار پرستار داوطلب در دفاع مقدس ۱۲ روزه

رئیس کل سازمان نظام پرستاری با بیان اینکه جنگ ۱۲روزه مهم‌ترین موضوع دو ماه گذشته محسوب می‌شود، گفت: «این جنگ، تمام ابعاد کشور را تحت تأثیر قرار داد. سازمان نظام پرستاری تلاش کرد در کنار مسائلی مانند حفظ امنیت سازمان، حفظ اطلاعات در پدافند غیرعامل با وزیر بهداشت و مجلس ارتباط دائمی داشته باشد. همچنین بازدیدهای مستمر از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی طی دوران جنگ در تهران و چه در شهرستان‌ها داشتیم. برای جلوگیری از کمبود پرستار در دفاع مقدس دوم فراخوانی برای حضور پرستاران داوطلب داشتیم که در نتیجه آن حدود هزار پرستار ثبت‌نام کرده‌اند تا اگر جنگ طولانی شد به چرخه نیروهای خدمت‌رسان سلامت اضافه شوند.»

جامعه پرستاری، پنج شهید طی دوران جنگ به کشور تقدیم کرد. دکتر نجاتیان با بیان این موضوع توضیح داد: «این احتمال وجود دارد که تعداد شهدای پرستار به دلیل حضور آنها در مجموعه‌های نظامی افزایش یابد و در انتظار دریافت اطلاعات نهایی درباره آنها هستیم. اما یکی از مشکلات نیروهای ما برای حضور در مراکز بیمارستانی در آن دوران صف‌های طولانی برای پمپ بنزین بود که به‌رغم مکاتباتی که با وزارت نفت انجام دادیم، نتوانستیم شرایط را برای نیروهای کادر درمان فراهم کنیم که مجبور نباشند در صف‌های طولانی زمان هدر دهند. به همین دلیل باید به موضوعاتی از این دست بیندیشیم تا در شرایط مشابه بتوانیم اقدامات لازم را بموقع انجام بدهیم.»

توجه دولت چهاردهم به معوقات پرستاران

سازمان نظام پرستاری، دومین نهاد بزرگ حرفه‌ای در نظام سلامت پس از نظام پزشکی است، رئیس کل سازمان نظام پرستاری با تأیید این مطلب توضیح داد: «قبل از شروع به کار دولت چهاردهم اعتراضات پرستاری به اوج رسیده بود که ناشی از معوقه کارانه پرستاران و پرداخت نشدن حدود۵ ماه اضافه کاری ساعتی ۲۵ هزار تومان بود. در ابتدای دولت چهاردهم معوقات به ۹ ماه رسیده بود و در برخی استان‌ها ۱۸ ماه هم تأخیر پرداخت داشتند. همین ناعدالتی‌ها باعث شد، درخواست صدورگواهی حسن سابقه یا «گوداستندینگ» برای مهاجرت افزایش پیدا کند. همچنین میزان ترک خدمت هم درحال افزایش بود. اما دولت چهاردهم با اهتمام وزارت بهداشت به حوزه پرستاری، تلاش کرد میزان معوقات کارانه پرستاران تا پایان اسفندماه سال گذشته به ۶ ماه برسد و در بخش پرداخت اضافه کاری، عقب افتادگی‌ها به ۴ ماه کاهش پیدا کرد.»

او با بیان اینکه میزان معوقات پرستاران به دلیل شرایط جنگی اخیر دوباره افزایش یافته است، گفت: «میزان معوقات پرستاران در حوزه کارانه واضافه‌کار به حدود ۸ ماه رسیده است. امیدوارم با بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور، این مشکل حل شود.»

خطر تعطیلی بیمارستان‌ها، پرستار کم است

نجاتیان با بیان اینکه کمبود پرستار در کشور با وجود ۱۵ هزار فارغ التحصیلی در سال، بسیار محسوس است، گفت: «راهکار جبران کمبود پرستار، افزایش ظرفیت آموزشی نیست. میزان تربیت پرستاران دو و نیم برابر شده، اما همچنان با کمبود پرستار مواجه هستیم. در حال حاضر شاهد تعطیلی بخش‌های بیمارستانی به‌دلیل کمبود نیروی پرستاری هستیم. حتی خطر تعطیلی بیمارستان‌ها هم وجود دارد و آسیب این کمبود متوجه مردم است. استان تهران درحال اضافه کردن دو هزار تخت بیمارستانی است که در چندسال آینده هم به بهره‌برداری می‌رسد، اما هیچ فکری برای جذب پرستار جدید نشده است.»

او با بیان اینکه ۱۶۰ هزار پرستار در کشور مشغول به کار هستند و به همین تعداد برای جذب نیروی جدید نیاز داریم، گفت: «تخت‌های بیمارستانی حدود ۲۵ درصد طی سال‌های گذشته افزایش پیدا کرده و از ۱۱۷ هزار تخت به ۱۶۰ هزار تخت رسیده است. براساس استاندارد، نسبت پرستار به ازای تخت ۱.۸ است اما درحال حاضر این نسبت در کشور ما ۰.۰۹ پرستار به ازای هر تخت بیمارستانی است. بررسی‌ها بیانگر این است که نسبت پرستار به تخت نه تنها افزایش پیدا نکرده، بلکه کاهشی بوده است. کمبود پرستار، مشکلی چندبعدی است و باید با نگاه چندبعدی هم به آن ورود کرد.»

ترغیب کنندگان به خرید طلا و جاکلیدی در نیمه ماه صفر چه انگیزه ای برای این کار در فضای مجازی دارند؟

مرز باریک میان باور و خرافه

گزارش

سمیه افشین‌فر
گروه اجتماعی

خرید وسیله‌ای خاص در روزی خاص، توصیه‌ای است که هر چه به روزهای نیمه صفر نزدیک می‌شویم، در فضای مجازی بازنشر می‌شود. چند سالی است بدون استناد به هیچ روایت دینی و فقط بر پایه توصیه‌های بلاگرها و اینفلوئنسرهای فضای مجازی مردم را به باوری خرافی ترغیب می‌کنند. افرادی در فضای مجازی به مردم توصیه می‌کنند برای خانه‌دار شدن در روز سیزدهم از ماه صفر جاکلیدی بخرند، یا برای بچه‌دار شدن در این روز عروسکی تهیه کنند یا برای پولدار شدن، خرید قطعه‌ای هر چند کوچک از طلا را در برنامه‌هایشان بگنجانند. طرفداران این باور عقیده دارند حالا که در این روز شانس و اقبال به در خانه‌تان آمده، نباید فرصت را از دست بدهید. به گفته فعالان اقتصادی، سال گذشته با همین شایعات که از سوی برخی افراد در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، گروه زیادی از مردم برای خرید طلا به بازار رفتند و برخی از کالاهایی مثل جاسوئیچی که در زمان‌های دیگر قیمت چندان بالایی ندارند، در این روز با قیمت‌های بالا به فروش رسیده است. هر چند مواردی که در مورد خاص‌بودن روز ۱۳ صفر در فضای مجازی مطرح می‌شود پایه و اساس شرعی، عرفی یا رسمی ندارد و یک پدیده خرافاتی ساخته و پرداخته فضای مجازی است اما چرا برخی از مردم جذب فریب وعده‌های خرافی از این دست می‌شوند؟ فاطمه علایی، روانشناس معتقد است: «بیشتر کسانی که چنین خرافه‌هایی را باور می‌کنند، افرادی هستند که توان نه گفتن ندارند، یعنی برخی از افراد هر چه را می‌شنوند، می‌پذیرند. همین باعث می‌شود تا این افراد با شنیدن و دیدن مداوم در مورد موضوعی مثل خرید کردن در روزی خاص، برای برآورده شدن حاجت و آرزویی جذب می‌شوند و عزم‌شان را برای خرید جزم می‌کنند.» اما این گروه فقط افرادی نیستند که جذب باورهای خرافی می‌شوند، این روانشناس می‌گوید: «خودشیفته‌ها و کسانی که خودشان را بالاتر از دیگران می‌دانند در گروه بعدی قرار می‌گیرند. آنها چون خودشان را بالاتر از بقیه می‌دانند، علاقه‌مندند که همیشه با دیگران تفاوت داشته باشند. آنها همیشه می‌خواهند خودشان را بالاتر و آگاه‌تر از دیگران نشان دهند و برای آگاهی از آینده‌ای که برای همه نامعلوم است به باورهای خرافی و حتی فالگیری و رمالی روی می‌آورند.» او تأکید می‌کند: «به هر حال کسانی که به دنبال این باورها می‌روند از کار خود رضایت نسبی هم به دست می‌آورند.» این روانشناس می‌گوید: «اینکه فرد با قطعه‌ای کوچک از طلا برای خود احساس می‌کند قدمی به یک آرزو نزدیک شده، شاید چندان خطرناک هم نباشد، همین حرکت در حقیقت احساس رضایت در فرد ایجاد می‌کند. اما موضوع زمانی جدی تلقی می‌شود که خرافه به باور تبدیل شود و اکثریت افراد به چنین باورهایی روی بیاورند. یعنی به جای تلاش و کسب راه‌های درست، علمی و منطقی برای رسیدن به اهداف و آرزوهای خود به انجام کارهای خرافی بپردازند.»

این روانشناس تأکید می‌کند: «مشکلات اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی حتی شکست‌های عاطفی از زمره مواردی هستند که افراد را به سمت خرافه و باورهای خرافی سوق می‌دهند.» علایی با اشاره به اینکه رواج باورهایی از این دست گاهی به افزایش اختلافات خانوادگی منجر می‌شود، می‌گوید: «بسیاری از افراد برای این‌که به این باور عمل کنند، خود و خانواده را تحت فشار قرار می‌دهند، گاهی خرید یک قطعه طلای کوچک به جدالی بی پایان در زندگی زناشویی و آسیب دیدن روابط بین فردی منجر می‌شود. همه این موارد نشان می‌دهد که باید قبل از انجام هر عملی، اهداف و برنامه‌های خود از انجام آن کار را برای خودمان ارزیابی کنیم و بدانیم آیا تحت تاثیر جو عمومی این کار را انجام می‌دهیم یا براساس استدلال و منطق خودمان. اگر جوابی برای پرسش‌هایمان داشتیم و از انجام آگاهانه کار مطمئن بودیم مشکل خاصی وجود ندارد. اما باید هوشیار باشیم که مرز بین باور و خرافه بسیار باریک است و کوچک‌ترین لغزشی در باورها می‌تواند، ما را به ورطه خرافه بیندازد.»

> چند سالی است بدون استناد به هیچ روایت دینی و فقط بر پایه توصیه‌های بلاگرها و اینفلوئنسرهای فضای مجازی مردم را به باوری خرافی ترغیب می‌کنند. افرادی در فضای مجازی به مردم توصیه می‌کنند برای خانه‌دار شدن در روز سیزدهم از ماه صفر جاکلیدی بخرند

رئیس جهاد دانشگاهی:

دستاوردهای مهمی در حوزه صنایع دفاعی داشتیم

گزارش خبری

غزل رضایی ثانی
گروه اجتماعی

۱۶ مرداد ماه چهل و پنجمین سالگرد ایجاد جهاد دانشگاهی است. جهاد دانشگاهی با هدف توسعه علم و فرهنگ و با استفاده از ظرفیت دانشجویان در حوزه‌های مختلف ایجاد شد و پس از گذشت چهل و پنج سال جهاد، رسالت خود را همچون گذشته پیش می‌برد. علی منتظری در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به دستاوردهای شاخص جهاد می‌گوید: «جهاد دانشگاهی در طول سال‌های فعالیت خود اقدامات علمی بسیاری داشته که گاهی اوقات برخی از این اقدامات نه ثبت شده و نه آماری از آن در جایی وجود دارد. برخی هم اقدامات فرهنگی بوده، مثلاً یکی از دستاوردهای فرهنگی جهاد دانشگاهی ترویج گفتمان علمی در دانشگاه‌های کشور است. اگر به چهار دهه اخیر نگاه کنید می‌بینید، این جهاد دانشگاهی بود که با پرداختن به تحقیقات کاربردی و تأسیس مراکز علمی و تحقیقاتی اهمیت تحقیق و پژوهش را در کشور نمایان کرد.»

او با اشاره به دستاوردهای حوزه دفاعی جهاد دانشگاهی می‌گوید: «علاوه بر این جهاد دانشگاهی با انجام پروژه‌های بسیار شاخص مثل سلول‌های بنیادی، حوزه صنعت و دفاعی دستاوردهای مهمی داشته است. مثلاً ما در حوزه دفاعی پژوهش‌های شاخصی به سرانجام رسانده‌ایم که امروز هم در حال استفاده است. همچنین بخشی از قدرت دفاعی ما در کشور از سوی جهاد دانشگاهی به عنوان یک نهاد علمی و پژوهشی به ثمر رسیدند.»

منتظری درباره اقدامات جهاد دانشگاهی در حوزه سلول‌های بنیادی نیز توضیح می‌دهد: «در حوزه سلول‌های بنیادی فناوری تولید، تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی از اقدامات مهم ماست. البته سال‌هاست در کشور از سلول‌های بنیادی بالغ در درمان استفاده می‌شود و ما در آن دخالتی نداشتیم، اما در مورد تولید، تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی پیشتاز هستیم و جهاد دانشگاهی حرف اول را در این زمینه می‌زند.»

او درباره هوش مصنوعی و فعالیت‌های جهاددانشگاهی دراین زمینه می‌گوید: «ما به تازگی مرکز راهبری پژوهش و پیشرفت هوش مصنوعی را راه‌اندازی کردیم و فعالیت‌هایی برای آن در نظر گرفته‌ایم. ولی عمده‌ترین کاری که جهاد دانشگاهی انجام می‌دهد تأسیس اندیشکده‌هاست. این اندیشکده‌ها برای استفاده از ظرفیت نخبگانی استان‌ها، برای حکمرانی بهتر و در راستای کمک به مردم و تسهیل امور مردم، طراحی شده است.»

رئیس جهاد دانشگاهی درباره هدف اندیشکده‌های جهاد دانشگاهی می‌گوید: «این اندیشکده‌ها شرایطی فراهم می‌کنند تا هر دانشجویی که علاقه‌مند است، بتواند عضو جهاد دانشگاهی شود و در هر زمینه‌ای مانند فرهنگ، پژوهش و فناوری با جهاد همکاری کند. اما این موارد عنوان شده شغل نیستند بلکه یک نوع پرداختن به توانمندی و تربیت صحیح فکری و عملی دانشجویان برای آینده است. اگر به این کار توجه شود در آینده بسیار مؤثر خواهد بود.»

> این اندیشکده‌ها شرایطی فراهم می‌کنند تا هر دانشجویی که علاقه‌مند است، بتواند عضو جهاد دانشگاهی شود و در هر زمینه‌ای مانند فرهنگ، پژوهش و فناوری با جهاد همکاری کند. اما این موارد عنوان شده شغل نیستند بلکه یک نوع پرداختن به توانمندی و تربیت صحیح فکری و عملی دانشجویان برای آینده است

بررسی میدانی اثرات پروژه‌های صنعتی بر بازار زمین و مسکن چابهار

تحولات بازار مسکن «مکران»؛ توسعه زیرساختی یا حباب قیمتی؟

گزارش

سیهلا یادگاری
گروه اقتصادی

با شتاب‌گیری پروژه‌های توسعه‌ای در سواحل مکران، بازار زمین و مسکن چابهار به کانون تحولات اقتصادی تبدیل شده است. این گزارش با بررسی میدانی قیمت‌ها، تحلیل علل رشد تقاضا و واکاوی ادعای «همترازی قیمت‌ها با تهران»، نشان می‌دهد که موتور محرکه بازار نه شایعات انتقال پایتخت، که حضور صنایع کلان و سرمایه‌گذاران غیربومی است – پدیده‌ای که همزمان «رونق ساخت‌وساز» و «بحران تأمین مسکن بومیان» را خلق کرده است.

اخیراً مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، ادعا کرده بود که قیمت زمین و مسکن در سواحل مکران به نرخ گران‌ترین مناطق شهر تهران رسیده که به گفته او دلیل آن مطرح شدن بحث «انتقال پایتخت» به سواحل جنوبی است. فعالان بازار مسکن چابهار اما می‌گویند افزایش تقاضا و تأثیر آن بر قیمت در حداقل دو سال اخیر بیشتر شده که دلیل آن توسعه سواحل، حضور تجار و سرمایه‌گذاران و راه‌اندازی پتروشیمی و مجتمع‌های فولادی است و موضوعی مانند انتقال پایتخت علت افزایش قیمت مسکن در این منطقه نیست. فعالان بازار مسکن چابهار می‌گویند شاید چند روز تحت تأثیر اخبار انتقال پایتخت، بازار تحولاتی داشته باشد اما این تحولات محدود به همان چند روز است و علت افزایش تقاضای مسکن در چابهار به‌خاطر افق توسعه‌ای منطقه است.

خریداران زیاد شدند

فایل‌های عرضه شده در پلتفرم‌ها و دفاتر املاک چابهار نشان می‌دهد قیمت مسکن در گرانترین مناطق مکران حتی با مناطق متوسط شهر تهران قابل مقایسه نیست، مثلاً قیمت آپارتمان ۱۰۰ متری لاکچری در چابهار بین ۴ تا ۵ میلیارد است و اجاره همین مسکن نیز ۱۵۰ میلیون تومان رهن و ماهانه ۱۵ میلیون تومان کرایه است. جعفرآبرون، فعال حوزه مسکن و ساخت و ساز در چابهار می‌گوید تغییر قیمت مسکن در چابهار تحت تأثیر حواشی نیست، وقتی بحث انتقال پایتخت مطرح شد، برخی سرمایه‌گذاران به دنبال خرید ملک یا زمین در این منطقه بودند اما مقدار سرمایه آنها ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان بود که نقدینگی کمی محسوب می‌شود و به معامله منجر نمی‌شد.

به گفته این فعال بازار ملک، حداقل قیمت واحد مسکونی تا ۱۰۰ متر، ۴ تا ۵ میلیارد تومان است. در چابهار ملک به‌خاطر برنامه‌های توسعه‌ای و حضور سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی رو به رشد است.

توسعه مکران و بویژه طرح‌های توسعه‌ای چابهار، گسیل سرمایه به این منطقه را در پی داشته که در افزایش تقاضا برای ملک در چابهار تأثیر زیادی دارد. فعالان حوزه مسکن در چابهار معتقدند، چون آینده منطقه رو به توسعه است و مردم هم این موضوع را درک کرده‌اند، افزایش تقاضا برای ملک بالا رفته است. البته قدرت خرید مردم بومی منطقه به خرید آپارتمان چند میلیاردی نمی‌رسد و خریداران بیشتر از سرمایه‌گذاران و تجار غیربومی هستند. تغییر دیگری که در وضعیت بازار مسکن در چابهار رخ داده، افزایش تقاضای اجاره و افزایش قیمت اجاره‌بهاست.

کارکنان صنایع مشتری واحدها

به گفته فعالان مسکن در چابهار، متقاضیان اجاره در این منطقه هم بیشتر افراد غیر بومی هستند و این تقاضا از زمان راه‌اندازی کارخانه‌های فولاد و پتروشیمی افزایشی شده است. مثلاً قیمت اجاره واحد دو خوابه ۸۰ متری که ماهی ۱۰ میلیون تومان بوده اکنون به ۱۵ میلیون با رهن ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان رسیده است.

فعالان اجتماعی و اقتصادی در سواحل مکران می‌گویند صنایع باید برای کارکنان خود مسکن بسازند و قبل از شروع به کار تکلیف مسکن کارکنان را روشن می‌کردند اما این اتفاق نیفتاده و تقاضای مسکن کارکنان صنایع راه‌اندازی شده به ساخت و ساز بومی منتقل شده است.

یکی از مشاورین املاک در چابهار می‌گوید تقریباً ماهانه ۱۰۰ معامله اجاره‌بها در کارگزاری‌های مسکن انجام می‌شود که بیشتر آن برای کارکنان صنایع است.

مشکل دیگر حضور کارکنان صنایع در بازار مسکن چابهار این است که چون این افراد از مسکن بیشتر به عنوان خوابگاه استفاده می‌کنند، مالکان نیز تمایل دارند واحد خود را به این متقاضیان اجاره بدهند چون معتقدند استهلاک خانه کمتر خواهد بود. این موضوع تأمین مسکن برای بومیان منطقه را با مشکل مواجه کرده است.

ساخت و ساز مسکن در چابهار به گفته فعالان این حوزه، با وجود افزایش قیمت تعرفه‌ها، رونق دارد و سرمایه‌گذاران زیادی در بخش مسکن در چابهار درحال سرمایه‌گذاری هستند. ساخت مسکن در چابهار در حال حاضر حدود متری ۳۵ میلیون تومان است که این قیمت در ساخت و ساز لاکچری و نهاده‌های لوکس به متری ۴۵ تا ۵۰ میلیون تومان می‌رسد.

> فعالان بازار مسکن چابهار می‌گویند شاید چند روز تحت تأثیر اخبار انتقال پایتخت بازار تحولاتی داشته باشد اما این تحولات محدود به همان چند روز است و علت افزایش تقاضای مسکن در چابهار به‌خاطر افق توسعه‌ای منطقه است

براساس این گزارش در چابهار دو نوع زمین برای ساخت واحدهای مسکونی در حال عرضه است. زمین تفکیکی با سند تک برگ که قیمت آن بیشتر است، در مناطق گران قیمت شهر عرضه این زمین متری تا ۴۵ میلیون تومان و در مناطق ضعیف شهر متری ۳۰ میلیون تومان است. برخی زمین‌ها نیز در اختیار شهرداری است که واگذار می‌شود و سند تفکیکی ندارد، قیمت این زمین‌ها هم متری حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان است.

فعالان حوزه مسکن می‌گویند فقر زیرساخت‌ها و نبود فعالیت اتحادیه‌ها و صنوف در چابهار باعث شده تا قیمت کالاها در این منطقه بالا باشد و افزایش قیمت اجناس در افزایش قیمت ملک هم تأثیر گذاشته است.

یکی از فعالان اقتصادی در منطقه مکران می‌گوید وقتی زیرساخت‌ها در این منطقه توسعه نیافته و مثلاً در بندر گردشگری با ساحل بکر بریس، که ۷ هزار نفر جمعیت دارد هنوز آب شرب با تانکر بین ساکنان توزیع می‌شود، امکان ندارد تقاضا برای مسکن و ملک در آنجا بالا برود. افزایش تقاضا و رشد قیمت فقط در چابهار مشاهده می‌شود که علت آن حضور سرمایه‌گذاران و شرکت‌های سرمایه‌گذاری است.

توسعه مکران برنامه بالا دستی است

مهدی امیدی، عضو هیأت مدیره شرکت عمران شهرهای جدید با رد ادعای جهش غیرعادی قیمت ملک در چابهار می‌گوید: «اقتصاد دریا محور، توجه به حوزه سکونت و کار و فعالیت در کنار دریا، مربوط به سیاست‌های کلی تعیین شده در دهه ۸۰ است و ربطی به امروز یا دیروز ندارد که بگوییم مثلاً افزایش تقاضای مسکن در سواحل به‌خاطر موضوعاتی مانند انتقال پایتخت است.»

وی با اشاره به برنامه‌های توسعه مکران می‌افزاید: «وزارت راه و شهرسازی به عنوان متولی آمایش کالبدی، مدیریت خردمندانه سرزمین را در پیش گرفته و موضوع توسعه فضاهای ساحلی تحت عنوان سکونتگاه‌های ساحلی و طرح توسعه سواحل جنوب کشور در دستور کار این وزارتخانه قرار گرفته است. بحث توسعه فضاهای ساحلی محدود به سکونت نیست و اشتغال، اقتصاد دریا محور، تعامل با کشورهای همسایه و... در این طرح دیده شده و طرح جوانب مختلف توسعه‌ای را در بر می‌گیرد.»

به گفته امیدی، حدود ۸۰۰ کیلومتر ساحل داریم که تحت عنوان سواحل مکران است، خط ساحلی که دریای عمان تا قسمت‌هایی از استان هرمزگان را در بر می‌گیرد، همیشه به‌خاطر دسترسی به آبهای آزاد مورد توجه بوده است. در قالب طرح‌های مصوب، توسعه بندر چابهار در جریان است اما آن چیزی که تحت عنوان افزایش بی‌رویه قیمت زمین و مسکن در سواحل مکران عنوان شده را درست نمی‌دانیم. توسعه چابهاردر قالب یک مدیریت خردمندانه سرزمینی است نه در قالب یک طرح شتاب زده. توسعه مکران در قالب اسناد آمایش سرزمینی، طرح‌های کالبدی ملی، طرح‌های ناحیه‌ای و توسعه شهری و آن چیزی که لازمه توسعه به معنای واقعی است، انجام می‌گیرد.

عضو هیأت مدیره شرکت عمران شهرهای جدید می‌گوید: «بحث انتقال پایتخت در ذهنیت برخی افراد به غلط تعبیر شده است. در این بحث تلاش دولت این است که ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، ظرفیت توسعه فضای سرزمینی و توسعه اقتصادی کشور به‌صورت همه جانبه و پایدار در سواحل جنوبی نیز متمرکز شود و ظرفیت‌های مغفول مانده در این منطقه بالفعل شود.»

امیدی با اشاره به اینکه توسعه با رشد متفاوت است، می‌گوید: «از عوامل و شاخصه‌های کلیدی توسعه، تحول زیرساخت‌ها در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. مثلاً وقتی در مورد گردشگری صحبت می‌کنیم، ظرفیت‌های گردشگری باید در کنار مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه منطبق باشد، بنابراین همه اینها نیازمند یک سند استراتژیک یا یک سند مدیریت خردمندانه فضای سرزمینی است که در دستور کار دولت قرار گرفته است.»

وی با اشاره به تشکیل کارگروه بررسی توسعه مکران با حضور دستگاه‌های مختلف و به مدیریت معاونت معماری و شهرسازی وزارت راه و شهرسازی، توضیح داد: «همه عوامل دخیل در توسعه سواحل برنامه‌ای برای توسعه متوازن منطقه را در حال تدوین دارند.»

وی می‌گوید: «طبق دستورالعمل کارگروه توسعه سواحل مکران، توسعه در قالب مدیریت خردمندانه سرزمینی شکل می‌گیرد و قرار نیست به یکباره و هیجانی اتفاقاتی را رقم بزنیم که به جای توسعه دچار رشد ناپایدار شویم. رشدی که نامتوازن باشد، مطمئناً زیان‌های جدی در پیش خواهد داشت.»

به گفته عضو هیأت مدیره سواحل مکران، در ابتدا برای توسعه سواحل، ۲۷ نقطه در سند اول شورای عالی معماری و شهرسازی مطرح شد اما قرار نیست در این ۲۷ نقطه شهر جدید ساخته یا جمعیت جابه‌جا شود. این مناطق به عنوان ظرفیت‌های توسعه در نظر گرفته شده‌اند.

عضو هیأت مدیره شرکت عمران شهرها با اشاره به معضل حاشیه نشینی در چابهار گفت: «موضوع دیگر در چابهار، ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی این منطقه است که نیاز به یک عزم جدی بین بخشی دارد. تا زمانی که دیگر دستگاه‌های خدمات رسان وظایف خود را در منطقه انجام ندهند، موضوع حاشیه نشینی در سواحل حل نمی‌شود. برای توسعه همه جانبه مکران نیازمند یک عزم جدی و هم افزایی بین بخشی هستیم.»

شاخص‌های قیمتی بر اساس داده‌های میدانی

شاخص	وضعیت فعلی	رشد سالانه
قیمت خرید آپارتمان ۱۰۰متری لوکس	۴-۵ میلیارد تومان	بیش از ۳۵ درصد
اجاره واحد ۸۰متری (دوخوابه)	۱۵ میلیون تومان + ۱۵۰ میلیون رهن	بیش از ۵۰ درصد
قیمت زمین سند تفکیکی	متری ۳۰-۴۵ میلیون تومان	بیش از ۴۰ درصد
هزینه ساخت هر متر مربع	۳۵-۵۰ میلیون تومان	بیش از ۲۵ درصد

آناتومی تقاضای مسکن و تغییرات ساختاری آن در چابهار

گروه خریدار	سهم بازار	توان مالی	انگیزه
سرمایه‌گذاران غیربومی	۷۰درصد	بیش از ۵ میلیارد تومان	بهره‌برداری از رشد آتی منطقه
تجار منطقه‌ای	۲۵درصد	۳-۴ میلیارد تومان	استفاده اداری-مسکونی
بومیان	کمتر از ۵ درصد	زیر ۱ میلیارد تومان	تأمین مسکن شخصی

برش

مکران در مسیر توسعه

مکران ۸۰۰ کیلومتر منطقه ساحلی در جنوب شرقی و در استان سیستان و بلوچستان است. این منطقه در امتداد دریای عمان قرار دارد و از مرز ایران و پاکستان در گواتر شروع شده و تا نزدیکی بندر کراچی در پاکستان ادامه دارد. سواحل مکران با موقعیت راهبردی و ظرفیت‌های تجاری، گردشگری، صنعتی، اقتصادی و کشاورزی اتصال به آب‌های آزاد اقیانوس هند، فرصت توسعه و رونق در کشور است. مکران تنها یک خط ساحلی نیست؛ آزمایشگاهی برای سنجش بلوغ مدیریت توسعه‌ای ایران است. موفقیت در این آزمون، نیازمند عبور از «شعارهای کلان» به «اجرای هماهنگ خرد» است.

یادداشت

بحران آب از حفر چاه تا پمپ‌های غیرمجاز

مسعود تابش
استاد دانشگاه تهران و رئیس هیأت مدیره انجمن آب و فاضلاب ایران

ادعای «بی اهمیتی صرفه‌جویی در بخش شرب به دلیل سهم کم آن در مقایسه با کشاورزی» نادرست است. این استدلال هم نقش حیاتی آب شرب در بقا و سلامت جامعه را نادیده می‌گیرد و هم تفاوت ماهوی مدیریت این دو بخش را مغفول می‌گذارد. تأمین آب بهداشتی، پایه‌ای غیرقابل چشم‌پوشی برای سلامت عمومی و کیفیت زندگی است و مدیریت یکپارچه آن ضرورتی انکارناپذیر است. زیرا نه تنها بقا و حیات جامعه به‌طور مستقیم به آب وابسته است بلکه سلامت و بهداشت عمومی نیز بدون تأمین مطمئن آب بهداشتی ممکن نیست.

مدیریت آب شهری دو بُعد کمی و کیفی حیاتی دارد. روزانه میلیاردها تومان صرف تأمین و تصفیه آب با بالاترین استانداردها می‌شود؛ در حالی که این سطح از دقت و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی اعمال نمی‌شود. در واقع این اقلیم کشور است که به شهروندان دیکته می‌کند چگونه آب را مصرف کنند. پس هر قطره از آب شرب که در آب لوله‌کشی منازل می‌بینیم، ارزش ذاتی و اقتصادی بسیار بالایی دارد و جلوگیری از هدر رفت آن به هر شکلی مهم است.

هشدارهای دیرهنگام

با توجه به اینکه در حال حاضر کشور در شرایط خشکسالی برای چندمین سال متوالی قرار دارد، شرکت‌های آب و فاضلاب برای رفع تنش‌های آبی در شهرها اقدام به حفر چاه‌های جدید می‌کند تا مقدار آب بیشتری از منابع زیرزمینی دریافت و در دسترس مردم قرار دهد اما راهکار این نیست بلکه باید اصلاح در نحوه مصرف رخ دهد تا منجر به رفع بلندمدت مشکل شود. زیرا با این روش تنها شاهد فرونشست‌های متعدد در دشت‌ها و خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها هستیم. ازسوی دیگر به دلیل شرایط بحرانی که تهران امسال در آن قرار گرفته، مسئولان آبفا باید با برنامه‌ریزی پیش دستانه و اطلاع رسانی به موقع، جامعه را برای مدیریت این چالش آماده کنند. اما متأسفانه شاهد بودیم که به جای اقدامات پیشگیرانه، زمانی به شهروندان هشدار داده شد که کار از کار گذشته بود، آن هم با بیانی نگران‌کننده مبنی بر تهیه پمپ و مخزن توسط خود مردم!

پیامدهای تصمیمات نادرست

یکی از مشکلاتی که پس از اعلام قرار دادن پمپ و مخزن ایجاد شد، این بود که مردم اقدام به نصب پمپ قبل از مخزن و بعد از کنتور آب کردند که این امر نشأت گرفته از نبود آگاهی و آموزش بود. در واقع چنین نحوه نصبی کاملاً غیرقانونی و غیر فنی است زیرا زمانی که پمپ بعد از کنتور نصب می‌شود، نه تنها منجر به قطعی آب سایر مشترکان منطقه می‌شود بلکه کیفیت آبی که وارد لوله می‌شود نیز کاهش می‌یابد. علت این امر این است که در چنین شرایطی آلودگی و فرسودگی لوله‌ها همراه آب وارد سیستم آبی ساختمان می‌شود.

بحران ساختاری و راه‌حل بنیادین

مسأله تنش‌های آبی و کمبود آب را نمی‌توان صرفاً با نگاهی کوتاه‌مدت یا با عباراتی کلی مانند رسیدن به روز صفر آب تحلیل کرد. واقعیت این است که تهران و بسیاری از شهرهای ایران سال‌هاست با چالش کمبود آب و عدم تعادل بین عرضه و تقاضا دست و پنجه نرم می‌کنند. آنچه اکنون رخ داده، تشدید این بحران به نقطه‌ای بحرانی است که بیش از پیش توجه همگان را به خود جلب کرده است. شرکت‌های آب و فاضلاب هر ساله هشدار می‌دهند که تعدادی از شهرها در تابستان با تنش آبی مواجه خواهند شد. راهکار متداول آنها حفر چاه‌های جدید و در برخی موارد اجرای طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای است. با این حال، این اقدامات صرفاً بر افزایش موقتی ظرفیت تأمین آب متمرکز است و به اصلاح الگوی مصرف توجهی ندارد. در نتیجه، حتی با وجود توسعه منابع آبی، مشکل کمبود آب به صورت پایدار حل نشده و چرخه تنش‌های آبی تکرار می‌شود.

وضعیت هشداردهنده منابع آبی ایران

میانگین بارندگی ایران که پیش از این ۲۵۰ میلی‌متر بود، اکنون به حدود ۲۰۰ میلی‌متر کاهش یافته است. این در حالی است که متوسط جهانی بارش‌ها بین ۷۵۰ تا ۸۰۰ میلی‌متر قرار دارد. در شرایطی که کشور ما در زمره مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان قرار گرفته، تنها راه نجات، اصلاح الگوی مصرف در تمامی بخش‌ها اعم از شرب، کشاورزی و صنعت است. این یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر دولت باید شفاف و بدون تعارف با افکار عمومی صحبت کرده و شرایط را شرح دهد.

همچنین استانداردهای بین‌المللی به ما می‌گوید باید از منابع آب تجدیدپذیر، ۲۰ درصد را مصرف و ۸۰ درصد را باقی بگذاریم، حتی اگر مصرف به ۴۰ درصد هم برسد، قابل تحمل است اما بیشتر از ۴۰ درصد، وارد تنش آبی می‌شود؛ ما اکنون ۹۰ درصد آب تجدیدشونده در دسترس خود را مصرف می‌کنیم و تقریباً چیزی باقی نمی‌گذاریم.

راه نجات ما تغییر الگوی مصرف است

با وجود حجم ۱۰۰ میلیارد مترمکعبی منابع آب تجدیدپذیر سالانه کشور، برنامه‌های انتقال آب حداکثر ۲ میلیارد مترمکعب (۲ درصد) را پوشش می‌دهد. این میزان نه تنها نیازهای اساسی را مرتفع نمی‌سازد، بلکه از سه بعد اقتصادی، راهبردی و فنی-زیست‌محیطی بحران زاست. بنابراین این تصور که خلیج فارس می‌تواند مشکل کم‌آبی مرکز کشور را حل کند، توهمی خطرناک است. تنها راه نجات، اجرای فوری برنامه‌های مدیریت تقاضا در سه بخش شرب، کشاورزی و صنعت است که باید از هم‌اکنون به صورت جدی آغاز شود.

اخبار

تأکید وزرای راه ایران و قزاقستان بر توسعه ترانزیت از کریدور شمال-جنوب

وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران و وزیر حمل و نقل قزاقستان برای توسعه همکاری‌های حمل و نقلی و تدوین نقشه راه مشترک توافق کردند.

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی کشورمان که محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور را برای شرکت در سومین اجلاس کشورهای خشکی‌بست (Land Lock) سازمان ملل در بندر آوازه ترکمنستان همراهی می‌کرد، با نورلان سورانبایف وزیر حمل و نقل قزاقستان دیدار کرد.

وزیر راه و شهرسازی جمهوری اسلامی ایران در این دیدار که با هدف تقویت همکاری‌های حمل و نقلی و تدوین نقشه راه مشترک میان دو کشور برگزار شد، ضمن تبریک به همتای قزاقی به مناسبت انتصاب اخیر، از مواضع سازنده قزاقستان در حمایت از ایران از جمله در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، قدردانی کرد و سفرهای متقابل مقامات عالی‌رتبه طرفین را بیانگر سطح عالی همکاری‌ها دانست.

صادق ضمن تأکید بر اهمیت توسعه ترانزیت و پروژه‌های زیرساختی مشترک به نقشه راه مسیر شرقی راهگذر شمال-جنوب که با محوریت قزاقستان و همکاری سایر کشورها تدوین شده است، اشاره کرد و خواستار پیگیری‌های لازم و جدیت طرف قزاقستانی در تسریع اجرای مفاد سند همکاری شد که توسط معاونین وزرای حمل و نقل کشورهای قزاقستان، روسیه، ترکمنستان و ایران به امضا رسیده بود.

در ادامه، ضرورت و اهمیت تقویت شقوق حمل میان دو کشور و نیز اهم ملاحظات طرفین مورد بررسی قرار گرفت. همچنین پیشنهاد تدوین یک سند پنج‌ساله جامع برای تمامی بخش‌های حمل و نقلی کشور مطرح شد که مورد استقبال نورلان سورانبایف وزیر حمل و نقل قزاقستان قرار گرفت و بر عدم محدودیت پذیرش پروازهای ایرانی تأکید کرد.

سپس طرفین بر سر بررسی عاجل ظرفیت‌های دریای خزر برای جهش همکاری‌های حمل و نقلی توافق کردند و وزیر حمل و نقل قزاقستان پیشنهاد همکاری در پروژه‌های مشابه «پل خزر» با کشور آذربایجان را مطرح کرد که با استقبال همتای ایرانی مواجه و مقرر شد جزئیات مراتب مورد بررسی و پیشبرد قرار گیرد.

همچنین در جریان مذاکرات مربوط به تحقق هدفگذاری سه میلیارد دلاری تجارت طرفین به توسعه بنادر ایران و افزایش تردد تجاری از طریق تنوع بخشی مسیرهای حمل و نقلی به بنادر ایران توجه ویژه ای شد و برگزاری نشست‌های چندجانبه با حضور کشورهای همسایه برای ارتقای همکاری‌های لجستیکی، به تفکیک مسیرهای منتهی به قفقاز و اروپا، مورد تأکید قرار گرفت.

در پایان، وزرای دو کشور برای تشکیل کمیته مشترک تدوین اسناد همکاری و نقشه راه جامع ایران و قزاقستان پیش از سفر رئیس جمهوری اسلامی ایران به آستانه توافق کردند و مقرر شد برای تسریع در برنامه‌ریزی‌های آینده، جلسات دورسخنی برگزار شود.

نوسازی ناوگان مسافری با ورود ۳ هزار اتوبوس بین شهری

ناوگان مسافری جاده‌ای به حدود ۸ هزار اتوبوس بین شهری نیاز دارد تا کمبودها در این بخش مهم حمل و نقلی رفع شود. رضا اکبری، رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای با اشاره به موضوع نوسازی ناوگان گفت: «با وجود طرح‌ها و برنامه‌های مختلف، در سال‌های اخیر نوسازی ناوگان که قرار بود از واردات و تولید داخل انجام گیرد، موفق نبوده است.»

وی افزود: «سال گذشته واردات اتوبوس شروع شد اما فقط ۲۰۰ دستگاه اتوبوس وارد کشور شده است؛ چند دستگاه هم در گمرکات منتظر ترخیص هستند، برای ایام اربعین در چند روز اخیر ۲۵ دستگاه اتوبوس وارد شده و احتمالاً ۴۰ دستگاه دیگر هم وارد شود.»

اکبری خاطرنشان کرد: «امیدواریم تا آخر امسال یک هزار دستگاه و تا پایان سال آینده ۲ هزار دستگاه اتوبوس جدید و در مجموع ۳ هزار دستگاه اتوبوس به ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای اضافه کنیم.»

وی با اشاره به شروع سفرهای اربعین گفت: «طرح اربعین از اول مرداد امسال شروع شده و تا سه روز بعد از اربعین ادامه می‌یابد و بعد از آن طرح سفرهای دهه پایانی ماه صفر را داریم که حجم زیادی زائر به مشهد می‌روند.»

وی با بیان اینکه سازمان راهداری تدارک ویژه‌ای برای این روزها در نظر گرفته است و مدیران استانی در پایانه‌ها مستقر شده‌اند تا اگر مشکلاتی از نظر کمبود بلیت پیش آمد، بتوانند برطرف کنند، افزود: «پیش بینی ما این بود که اگر ۵ درصد به زائران اتوبوسی امسال افزوده شود، نیاز به ۱۱ هزار دستگاه خواهیم داشت در حالی ۶ هزار دستگاه اتوبوس داریم و کمتر از ۵ هزار دستگاه کمبود داریم. برای جبران کمبود اتوبوس از ناوگان دستگاه‌های دولتی و نیز شرکت‌های طرف قرارداد با صنایع مذاکره کردیم و توانستیم ابلاغ معاون اول رئیس جمهور را برای دستگاه‌ها اخذ کنیم که از ۲۱ تا ۲۷ مرداد ناوگان دستگاه‌های اجرایی در اختیار زوار اربعین باشد و به جد پیگیری این موضوع هستیم. در برخی استان‌ها توانسته‌ایم بخشی از ناوگان صنایع را به چرخه اربعین اضافه کنیم.»

اکبری گفت: «امسال برای یکسان‌سازی نرخ کرایه سفر مسافت مراکز استان‌ها تا مرز را بر اساس نفر-کیلومتر محاسبه کردیم که ۱۸۲۷ تومان به ازای هر نفر-کیلومتر شد. مثلاً از تهران تا مهران ۸۸۰ هزار تومان برای اتوبوس ۴۴ نفره و یک میلیون و ۴۶۲ هزار تومان برای ناوگان ۲۵ نفره است و یک میلیون و ۱۴۳ هزار تومان هم برای اتوبوس‌های ۳۲ نفره خواهد بود. تمامی نرخ‌های بلیت پایانه‌های مرزی بعد از اربعین به نرخ سابق خود بازمی‌گردد و تقریباً قیمت بلیت‌ها نصف می‌شود.»

خبر

از ابتدای امسال اعطا شده است

۷۳ همت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری

جلسه هم اندیشی رئیس کل بانک مرکزی و مدیران عامل شبکه بانکی با رئیس و اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این جلسه مدیران شبکه بانکی و اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس با طرح دغدغه‌ها و مسائل روز پیش روی مردم و فعالان اقتصادی بر افزایش همکاری و تعامل میان مجلس شورای اسلامی و شبکه بانکی با هدف بهبود فرآیند قانونگذاری و حل مشکلات با راهکارهای پیش‌بینی شده تأکید کردند.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، محمدرضا فرزین در این جلسه با قدردانی از همکاری‌های کمیسیون اقتصادی مجلس به اقدامات مختلف بانکی، پولی و ارزی بانک مرکزی از ابتدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه کشورمان اشاره کرد و گفت: «همواره با کمیسیون‌های مختلف همکاری لازم را داشته‌ایم اما کمیسیون اقتصادی در موضوعات مرتبط به صورت تخصصی اظهارنظر کرده است و در عین حال به دلیل تسلط لازم بر مسائل اقتصادی، همکاری لازم را با دستگاه‌های اجرایی در زمینه حل مشکلات مردم و فعالان اقتصادی داشته و دارند. تعامل بانک مرکزی با کمیسیون اقتصادی موجب می‌شود مسائل تخصصی شبکه بانکی بدرستی و در جایگاه خود پیش برود.»

عالی‌ترین مقام بانک مرکزی با اشاره به برخی مسائل روز نظام بانکی تصریح کرد: «در حال حاضر قانون بانک مرکزی وظایف بسیار زیادی را برعهده بانک مرکزی و شبکه بانکی گذاشته است. برای نمونه در حال حاضر جلسات هیأت عالی به صورت مداوم و هفتگی در حال برگزاری است تا از این طریق، آیین‌نامه‌ها و مواد قانونی در زمان مقرر خود در هیأت عالی به تصویب برسد.»

فرزین تأکید کرد: «مفاد قانون به گونه‌ای است که باید اثرگذاری‌ها در رابطه میان بانک مرکزی و شبکه بانکی و یا در سیاست گذاری‌های پولی و نظام پرداخت، حتماً مدنظر قرار گیرد. همچنین به موجب قانون مذکور در زمینه رمزپول‌ها اختیارات جدیدی به بانک مرکزی داده شده است که این اختیارات نیاز به آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های جدید دارد. هم‌اکنون این موضوعات در دستور کار هیأت عالی بانک مرکزی است تا با لحاظ تمام شرایط و نظرات کارشناسی، به تصویب و اجرا برسد.»

وی با اشاره به همزمانی اجرای قانون برنامه هفتم توسعه با قانون بانک مرکزی گفت: «در قانون برنامه هفتم توسعه برای مثال به تخصصی شدن بانک‌ها تأکید شده است و اساسنامه‌های مرتبط با آن می‌بایست تهیه شود و یا برخی دیگر از مفاد قانون محکم مانند واگذاری شرکت‌های بانک‌ها موجب شده است که وظایف بانک مرکزی و تهیه آیین‌نامه‌ها توسعه یابد که این مباحث نیز در دستور کار هیأت عالی بانک مرکزی قرار دارد.»

وی تأکید کرد: «اگر قانون بانک مرکزی و برنامه هفتم توسعه به درستی اجرا شوند، روابط جدیدی میان بانک مرکزی، شبکه بانکی، مردم و فعالان اقتصادی برقرار خواهد شد و اصلاح اساسی شبکه بانکی در عمل، اجرا می‌شود و با این هدفگذاری، محورهای قانونگذار که مبتنی بر کنترل تورم، رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی است محقق خواهد شد.»

فرزین با اشاره به آمار پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری حتی در دوران جنگ ۱۲ روزه تحمیلی گفت: «شبکه بانکی از ابتدای سال جاری تاکنون ۷۳ هزار میلیارد تومان تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری به حدوداً ۳۴۰ هزار نفر از متقاضیان پرداخت کرده است. مبلغ پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج حدوداً ۵۹ همت است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶ درصد رشد دارد. پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه فرزندآوری نیز از مرز ۱۴ همت گذشته است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از رشد ۵ درصدی برخوردار است.»

رئیس هیأت عالی بانک مرکزی در این جلسه از مدیران عامل بانک‌ها خواست شبکه بانکی در پرداخت تسهیلات خرد و تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری به مردم مطابق بخشنامه بانک مرکزی و با رعایت اعتبارسنجی، با حداکثر یک ضامن عمل کرده و مدیران عامل شبکه بانکی نیز بر رعایت این بخشنامه در تمام شعب بانک‌ها نظارت مستقیم داشته باشند.

«ایران» از واردات بهار ۱۴۰۴ گزارش می‌دهد؛ «طلا» اول شد «تلفن همراه» پنجم

ارزها کجا خرج شد؟

گزارش

گروه اقتصادی

عملکرد واردکنندگان در بهار امسال نسبت به بهار سال گذشته در جدیدترین آمار سازمان توسعه تجارت منعکس شده است. اگرچه واردات از نظر ارزشی رشد اندکی را تجربه کرده، ولی از لحاظ وزنی کاهش یافته است. این افت‌وخیز نشانه‌ای از متأثر شدن واردات از قیمت‌های جهانی است. نکته‌ای که در خصوص واردات کالا همیشه نظرها را به خود جلب می‌کند، اقلامی است که بیشترین ارزبری را دارند.

گزارش مذکور نشان می‌دهد، «طلا» بیشترین ارزبری را در بهار داشته است. این کالا از زمانی که واردات آن به عنوان رفع تعهد ارزی شناخته شد، در جمع کالاهای عمده وارداتی قرار گرفت. تسهیل در رفع تعهد ارزی صادرکنندگان، مهم‌ترین هدف اضافه شدن این شیوه برای بازگشت ارز به کشور بود. از سوی دیگر در بهار امسال ۶ ردیف تعرفه از ۲۰ ردیف تعرفه اول کالاهای وارداتی مربوط به خودرو و قطعات آن بوده که به نظر می‌رسد با آزادسازی واردات خودرو، این گروه کالایی سهم بیشتری از واردات را به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، واردات تلفن همراه هوشمند نیز که همیشه ارزبری آن زیر ذره‌بین بود، در بازه زمانی سه ماهه امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته هم از نظر وزنی و هم از نظر ارزشی، روندی کاهشی را طی کرده و در رده پنجم واردات قرار گرفته است.

واردات در بهار

در فروردین ماه امسال یک میلیون و ۸۵۴ هزار تن کالا به ارزش ۲ میلیارد و ۹۰۹ میلیون دلار به کشور وارد شده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته از نظر ارزشی رشد ۴ درصدی داشته و از لحاظ وزنی با افت ۲۵ درصدی روبه‌رو بوده است. در اردیبهشت اما ارزش کالاهای وارداتی با ۱۳ درصد کاهش به ۵ میلیارد و ۵۴۱ میلیون دلار رسید و وزن این کالاها ۲۰ درصد افزایش یافت و ۴ میلیون و ۷۶ هزار تن را ثبت کرد. در خردادماه اما هم از نظر وزنی و هم از نظر ارزشی، شاهد کاهش واردات بوده‌ایم. وزن کالاهای وارداتی با افت ۱۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ۳ میلیارد و ۹۳ میلیون دلار رسید و ارزش این کالاها نیز با در نظر گرفتن کاهش ۱۸ درصدی، ۴ میلیارد و ۵۵۱ میلیون دلار را به ثبت رساند. در مجموع در بهار امسال واردات کشور، به ۹,۰۱۳ هزار تن و به ارزش ۱۳,۰۲۹ میلیون دلار رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴ درصد از نظر وزن و ۱۲ درصد از نظر ارزش کاهش داشته است.

تنوع کالاهای وارداتی

آمارهای سازمان توسعه تجارت نشان می‌دهد، متنوع‌ترین کالاها در اردیبهشت‌ماه (۲۱۰۶ قلم) به کشور وارد شده‌اند که البته نسبت به بازه مشابه سال قبل کاهش ۱۰ درصدی داشته است. بر اساس داده‌های این گزارش، در فروردین‌ماه، ۱۵۰۲ نوع کالا به ایران وارد شده و در خردادماه هم ۱۹۴۲ نوع کالای وارداتی ثبت شده است.

واردات در چهار بخش عمده

واردات در بهار امسال به تفکیک بخش‌های عمده بیانگر آن است که صنعت بیشترین ارزبری را داشته؛ اگرچه هم از نظر وزنی و هم از نظر ارزشی روندی کاهشی را نسبت به مدت مشابه سال قبل تجربه کرده است. بخش کشاورزی نیز اگرچه از نظر وزنی تغییری نسبت به بهار ۱۴۰۳ نداشته ولی ارزش واردات این بخش با کاهش مواجه شده و در رده دوم ارزبری قرار گرفته است. در بخش معدن و صنایع معدنی هم افت ارزش و وزن را در واردات شاهد هستیم و بخش پتروشیمی و پایه نفتی نیز مانند بخش معدن در ارزبری روندی نزولی داشته است. داده‌های این گزارش نشان می‌دهد، ۶۳ درصد واردات مربوط به بخش صنعت بوده، ۲۲ درصد مربوط به کشاورزی، ۱۳ درصد مربوط به معدن و صنایع معدنی و ۲ درصد مربوط به پتروشیمی و پایه نفتی.

واردات کالاهای صنعتی: در بخش صنعت بیشترین واردات مربوط به خودرو و نیروی محرکه است که سهم آن ۱۴,۴ درصد از کل واردات است. صنایع برق و الکترونیک، ماشین‌سازی و تجهیزات، صنایع غذایی و کالاهای شیمیایی نیز در رده‌های بعدی قرار دارند. کمترین سهم از بخش صنعت هم مربوط به صنایع ورزشی و خلاق است.

واردات کالاهای کشاورزی: در بخش کشاورزی بیشترین ارزبری مربوط به محصولات حیوانی و صنایع آن است که سهم ۹,۴ درصدی را از کل ارزش واردات بهار در اختیار دارد. پس از آن غلات، انواع بذر و دانه، گل و گیاه دارویی و زینتی و صنعتی، خشکبار و میوه و تره‌بار قرار گرفته‌اند.

واردات کالاهای معدنی: بیشترین کالاهایی که در بهار در بخش معدن و صنایع معدنی به ایران وارد شده، فلزات گرانبها بوده که ۹۷۲ میلیون دلار ارزش داشته و سهم ۷,۵ درصدی از ارزش واردات سه‌ماهه دارد. محصولات تخت فولادی با سهم ۱,۶ درصدی از کل ارزش واردات بهار در رده بعدی قرار گرفته، هرچند از نظر ارزش و وزن با کاهش روبه‌رو بوده است. سایر صنایع معدنی، فلزی و آلومینیوم و مصنوعات آن نیز با کاهش ارزبری مواجه بوده‌اند و در ردیف‌های بعدی قرار دارند.

واردات در بخش پتروشیمی و پایه نفتی: بیشترین ارزبری در این بخش مربوط به مواد اولیه پلیمری است که سهم ۱,۲ درصدی را از کل ارزش واردات به خود اختصاص داده است. البته این کالا هم از نظر وزن و هم ارزش نسبت به مدت مشابه سال گذشته روند کاهشی را تجربه کرده است. سایر پتروشیمی با سهم ۰,۶ درصد از کل ارزش واردات بهار در رده دوم قرار گرفته و از نظر وزن و ارزش با کاهش روبه‌رو بوده است. نکته جالب در این بخش، قرار گرفتن کود اوره در لیست واردات است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در بهار سال گذشته واردات کود اوره صفر بوده، ولی امسال شاهد ارزبری یک میلیون دلاری این کالا هستیم. بنابراین هم از نظر وزن و هم ارزش، رشد ۱۰۰ درصدی در واردات کود اوره اتفاق افتاده است.

> آنچه درخصوص مصارف ارزی مهم است، کالاهایی است که ارزبری داشته‌اند. در آمارهای مذکور، بیشترین ارزبری مربوط به کالاهای اساسی یا استراتژیک است که می‌توان از آن به عنوان ارزبری خوب یاد کرد. تنها دو کالای مصرفی بین ۲۰ قلم کالای وارداتی دیده می‌شود که شامل تلفن همراه و خودرو است

کالاهای عمده وارداتی بهار

بیشترین ارزبری در بهار امسال مربوط به «طلای خام برای مصارف غیرپولی» است. واردات این کالا در سه ماهه اول امسال ۹۶۵ میلیون دلار و وزن آن ۱۱ کیلوگرم بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، اگرچه از نظر ارزشی رشد داشته ولی از لحاظ وزنی کاهش یافته است.

دومین کالای وارداتی در بهار امسال، ذرت دامی بوده که با یک درصد کاهش ارزش، واردات آن به ۸۸۳ میلیون دلار رسیده ولی وزن این کالا با یک درصد افزایش ۲ میلیون و ۸۳۸ هزار تن ثبت شده است.

برنج در بهار سومین کالای ارزبر محسوب می‌شود که هم از نظر وزن و هم ارزش، شاهد رشد واردات آن بوده‌ایم. در سه ماهه اول امسال ۴۶۵ هزار تن برنج به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار به کشور وارد شده که از نظر ارزش رشد ۶۱ درصدی داشته و از لحاظ وزن با افزایش ۶۸ درصدی روبه‌رو بوده است.

چهارمین کالای ارزبر در بهار، روغن دانه آفتابگردان است که رشد ارزشی ۱۲۱ درصدی و افزایش وزنی ۴۹ درصدی را تجربه کرده است. به عبارتی در سه ماهه اول امسال ۴۹۳ میلیون دلار از این کالا با وزن ۳۴۱ هزار تن به کشور وارد شده است.

تلفن‌های هوشمند نیز در این بازه زمانی به عنوان پنجمین کالای ارزبر معرفی شده‌اند. ارزش واردات این کالا ۳۷۲ میلیون دلار بوده که نسبت به بازه مشابه سال گذشته ۲۲ درصد افت داشته و وزن این کالای وارداتی نیز با کاهش ۲۲ درصدی به ۶۰۰ کیلوگرم رسیده است.

واردات دانه سویا تاریخته با افت ۳۸ درصد در ارزش، در سه ماهه اول امسال به ۲۷۵ میلیون دلار رسیده و وزن آن نیز با کاهش ۲۵ درصدی، ۵۲۴ هزار تن برآورد می‌شود.

گندم معمولی با ارزبری ۲۲۶ میلیون دلاری، جو به استثنای بذر با ارزبری ۲۱۰ میلیون دلاری، کنجاله سویا با ارزبری ۱۹۲ میلیون دلاری و پالم اویل با ارزبری ۱۸۳ میلیون دلاری به ترتیب در ردیف‌های هفتم تا دهم کالاهای عمده وارداتی قرار گرفته‌اند.

ارزش واردات «خودروی سواری با حجم سیلندر ۱۵۰۰ سی‌سی» در بهار امسال ۱۶۷ میلیون دلار و ارزبری «اجزا و قطعات مدارهای مجتمع شده» و «تراکتورها فقط با موتور پیستونی درون‌سوز تراکمی» هر یک معادل ۱۲۰ میلیون دلار برآورد شده است.

همچنین «شکر تصفیه نشده» که در بهار امسال در جمع ۲۰ قلم کالای عمده وارداتی قرار گرفت، در بازه مشابه سال گذشته هیچ وارداتی به ایران نداشته، ولی امسال ۱۰۳ میلیون دلار ارزبری داشته است. «قطعات منفصله برای تولید تراکتور» و «سلول‌های فتوولتاییک» هر یک وارداتی به ارزش ۸۹ میلیون دلار داشته‌اند. واردات «موتورسیکلت» در بهار نیز ارزشی معادل ۸۶ میلیون دلار داشته و آمار ورود «قطعات منفصله تولید خودروی سواری بنزینی با حجم ۲۰۰۰ سی‌سی» ارزبری ۸۶ میلیون دلاری را نشان می‌دهد. علاوه بر این، واردات «قطعات منفصله برای تولید خودروهای سواری یا ساخت داخل» ارزشی معادل ۸۵ میلیون دلار و واردات «ماشین‌های نورد گرم و سرد شده برای فلزات» ارزشی معادل ۸۴ میلیون دلار دارد.

ارزبری خوب؛ ارزبری بد

در سال‌های گذشته به‌خصوص از سال ۹۷ تا کنون، موضوع مصارف ارزی به نقل محافل فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران تبدیل شده است. رسانه‌ها نیز از این جمع به دور نیستند و با تکیه بر آمارهای واردات که مصارف ارزی را نشان می‌دهد، به واردات یورش می‌آوردند. این در حالی است که آنچه درخصوص مصارف ارزی مهم است، کالاهایی است که ارزبری داشته‌اند. در آمارهای مذکور، بیشترین ارزبری مربوط به کالاهای اساسی یا استراتژیک است که می‌توان از آن به عنوان ارزبری خوب یاد کرد. تنها دو کالای مصرفی بین ۲۰ قلم کالای وارداتی دیده می‌شود که شامل تلفن همراه و خودرو است. البته سیاست‌های ارزی نیز به سمتی پیش رفته که بانک مرکزی در تخصیص و تأمین ارز برای واردات سختگیری‌های زیادی نشان می‌دهد و گاهی حتی مواد اولیه تولیدکنندگان هم به سختی تأمین ارز می‌شود. بنابراین کارشناسان عنوان می‌کنند که هر افزایش وارداتی لزوماً بد نیست؛ همانگونه که هر کاهش وارداتی نشانه مثبت به همراه ندارد.

عکس: علی محمدی / ایران

واردات ماهانه (میلیون دلار)

ماه	ارزش	تغییر ارزشی	وزن	تغییر وزنی
فروردین	۲,۹۰۹	▲ ۴٪	۱.۸۵۴ میلیون تن	▼ ۲۵٪
اردیبهشت	۵,۵۴۱	▼ ۱۳٪	۴.۰۷۶ میلیون تن	▲ ۲۰٪
خرداد	۴,۵۵۱	▼ ۱۸٪	۳.۰۹۳ میلیون تن	▼ ۱۳٪
مجموع بهار	۱۳,۰۲۹	▼ ۱۲٪	۹,۰۱۳ میلیون تن	▼ ۴٪

کالاهای با تغییرات چشمگیر

کالا	وضعیت	ارزش (میلیون دلار)	تغییرات	توضیحات
کود اوره	رشد انفجاری	۱	▲ ۱۰۰٪	واردات در ۱۴۰۳: صفر
شکر تصفیه‌نشده	ورود جدید	۱۰۳	-	عدم واردات در دوره مشابه ۱۴۰۳
سلول‌های فتوولتاییک	رشد قابل توجه	۸۹	-	نشانه‌ای از توسعه انرژی خورشیدی

گزارش بازوی پژوهشی مجلس نشان می‌دهد

شکاف فزاینده قیمت تمام‌شده و تعرفه تکلیفی برق

تحلیل

گروه اقتصادی

صنعت برق ایران با شکاف عمیق بین درآمدها و هزینه‌های تولید مواجه است، به‌طوری که انباشت بدهی‌های وزارت نیرو به تولیدکنندگان خصوصی، کاهش سرمایه‌گذاری در توسعه نیروگاه‌ها و ناترازی مداوم عرضه و تقاضا را به دنبال داشته است. این بحران، بویژه در فصول گرم، منجر به اجرای سیاست‌های «مدیریت مصرف» و خاموشی‌های تحمیلی بر صنایع انرژی‌بر شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با بررسی تأثیر اصلاح تعرفه‌گذاری برق صنایع طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، عنوان کرده که این سیاست هرچند گامی ضروری برای بهبود اقتصاد برق بوده، اما نیازمند بازنگری در شاخص‌ها و مکانیزم‌های تعیین قیمت است تا همزمان عدالت بین صنایع و پایداری تأمین انرژی را تضمین کند.

بروز سه بحران در صنعت برق

مصرف برق طی یک دهه اخیر رشد متوسط ۵ درصدی را تجربه کرده و در سال ۱۴۰۲ به ۳۳۳ میلیون مگاوات ساعت رسیده است. در این میان بخش صنعت، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق در کشور بوده و سالی ۵,۵ درصد، مصرف این بخش رشد می‌کند. با اینکه از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ تعداد مشترکان برق صنعتی سالی ۴ درصد افزایش پیدا کرده است.

به طور مثال برای تولید یک واحد کالا به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵ در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۸۷ درصد برق بیشتری مصرف شده که نشان‌دهنده تمرکز بر توسعه صنایع با شدت مصرف برق بالا یا افزایش هدررفت برق در این بخش طی این سال‌هاست.

با اصلاحاتی که در نظام تعرفه‌گذاری برق ذیل قوانین بودجه کشور در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و همچنین ماده ۳ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق انجام شد، روند صعودی این شاخص، متوقف و روند کاهشی آغاز شد که به نظر می‌رسد یکی از دلایل این مسأله، اصلاحات تعرفه‌های برق باشد.

از دیدگاه نویسندگان این گزارش، شکاف فزاینده بین قیمت تمام‌شده و قیمت تکلیفی برق، هسته اصلی مشکلات این صنعت است. چرا که به‌طور متوسط، تعرفه‌های برق طی دو دهه گذشته، تنها ۶۰ درصد ارزش واقعی خود را حفظ کرده‌اند.

این اتفاق منجر به بروز سه بحران بزرگ در صنعت برق شده است: اول اینکه، نبود مکانیزم درست قیمت‌گذاری موجب شده تا بدهی وزارت نیرو به تولیدکنندگان خصوصی به سطح بی‌سابقه‌ای برسد. دوم، انگیزه سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های جدید (به‌ویژه سیکل ترکیبی و تجدیدپذیر) کاهش یابد. و دست آخر اینکه، شدت مصرف انرژی در بخش صنعت بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ حدود ۸۷ درصد افزایش پیدا کند؛ اتفاقی که نشان‌دهنده توسعه صنایع پرمصرف بدون توجه به بهره‌وری انرژی است.

> مصرف برق طی یک دهه اخیر رشد متوسط ۵ درصدی را تجربه کرده و در سال ۱۴۰۲ به ۳۳۳ میلیون مگاوات ساعت رسیده است. در این میان بخش صنعت، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق در کشور بوده و سالی ۵,۵ درصد، مصرف این بخش رشد می‌کند

اصلاحات قانونی

همان‌طور که گفته شد، قوانین بودجه ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و سپس قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق (۱۴۰۱)، محور اصلی تغییرات بودند. مرکز پژوهش‌ها می‌گوید با این قوانین، نوآوری‌هایی نیز در سطح صنعت برق رخ داده است. از جمله اینکه، تعیین تعرفه صنایع بر مبنای متوسط نرخ قراردادهای تبدیل انرژی (ECA) به اضافه هزینه سوخت و انتقال انجام و صنایع به گروه‌های مختلف (فولاد، مس، پتروشیمی، سیمان و...) با ضرایب تعدیل خاص تفکیک شده است. در این اصلاحات همچنین بر سه شاخص برای تعیین عادلانه‌تر تعرفه‌ها تأکید شده است: سهم درآمدهای صادراتی، شدت مصرف انرژی و سهم هزینه برق در قیمت تمام‌شده محصولات.

بازوی پژوهشی قوه مقننه اضافه می‌کند که اصلاح تعرفه‌های برق صنایع، دستاوردهایی داشته است. چنانکه درآمدهای شرکت توانیر از ۱۶,۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۰ به ۵۳,۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ افزایش پیدا کرده است. این یعنی بیش از ۲۳۰ درصد رشد درآمد برای رگولاتوری صنعت برق فقط در دو سال!

از طرف دیگر، اصلاح تعرفه‌ها موجب شد تا رشد شاخص شدت مصرف برق صنعت پس از دو دهه افزایشی بودن، بالاخره در سال ۱۴۰۲ کاهشی شده و توان مالی صنعت برق برای نوسازی شبکه‌های فرسوده نیز بالا رفت.

چالش‌های باقی‌مانده

با این حال مرکز پژوهش‌های مجلس معتقد است که صنایع در کشور از نظر اهمیت یکسان نیستند و در تعیین تعرفه برق باید به نقش صنایع در زنجیره‌های اقتصادی کشور توجه ویژه‌ای شود. به طور مثال، صنایع سیمان و فلزات اساسی سهم صادراتی مشابهی دارند، اما تعرفه برق برای فلزات اساسی چندین برابر سیمان است، درحالی که شدت مصرف برق سیمان دو برابر است.

نویسندگان این گزارش می‌گویند، تعرفه‌های انرژی می‌تواند یکی از ابزارهای دولت برای جهت‌دهی به سمت استراتژی توسعه صنعتی مطلوب باشد. در حالی که هم‌اکنون تمایزی بین صنایع حیاتی (مثل فولاد) و سایرین در تعرفه‌گذاری وجود ندارد. این موضوع به بار مالی نامتوازن منجر شده است. به طور مثال برخی صنایع انرژی‌بر (مانند آلومینیوم) تا ۱۰ درصد هزینه‌های خود را صرف برق می‌کنند.

پیشنهادهای سیاستی برای بهبود نظام تعرفه‌گذاری

در این گزارش برای تبدیل تعرفه‌گذاری به ابزاری کارآمد در توسعه صنعتی، چهار راهکار کلیدی پیشنهاد شده است: اول، ارائه فرمول پیش‌بینی‌پذیر برای تعرفه برق صنایع است. در این پیشنهاد وزارت نیرو باید تعرفه‌ها را بر مبنای وزن‌دهی منطقی به شاخص‌های قانونی محاسبه کند. پیشنهاد دوم، در نظر گرفتن شاخص «تأثیر صنایع بر زنجیره‌های تأمین راهبردی و اقتصادی کشور» برای تعیین تعرفه است. پیش‌نیاز این کار، تدوین سیاست‌های صنعتی منسجم برای کشور است.

پیشنهاد سوم، تأمین برق صنایع از طریق بازارهای غیرمتمرکز و بازتوزیع یارانه در پایان زنجیره است که با توسعه معاملات برق در بلندمدت از طریق قراردادهای دوجانبه و بورس انرژی قابل اجراست.

پیشنهاد چهارم نیز راه‌اندازی بازار گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی است که دو وزارت نیرو و نفت با نظارت بر تأمین منابع حساب بهینه‌سازی مصرف انرژی و تأسیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی در میان‌مدت قادر به انجام آن هستند. موفقیت پایدار این سیاست مستلزم سه تحول است: جایگزینی رویکرد سلیقه‌ای با فرمول‌های شفاف مبتنی بر داده، تبدیل تعرفه‌گذاری به ابزاری برای حمایت هدفمند از صنایع مادر و تلفیق راهکارهای قیمتی (تعرفه) و غیرقیمتی (گواهی صرفه‌جویی). بدون این اصلاحات، خطر بازگشت به چرخه معیوب «بدهی صنعت برق - کمبود سرمایه‌گذاری و ناترازی انرژی صنایع» دور از انتظار نخواهد بود.

دارایی	زمان نگهداری	مالیات	توضیحات
ملک اول	کمتر از یک سال	۳۵٪	هر ۵ سال یک بار قابل نقض و معاف از مالیات است
	بین یک تا دو سال	۲۵٪	هر ۵ سال یک بار قابل نقض و معاف از مالیات است
	بیش از دو سال	۰٪	
ملک دوم افراد عادی یا ملک سوم سرپرست خانوار	ملک اول را پیش از یک سال از خرید ملک دوم بفروشد	۰٪	
	ملک دوم را ۲ تا ۵ سال بعد از خرید بفروشد	۲۵٪	۵۰ درصد تورم در قیمت واقعی محاسبه و تعدیل می‌شود
	ملک دوم را ۵ سال بعد از خرید بفروشد	۲۵٪	۱۰۰ درصد تورم در قیمت واقعی محاسبه و تعدیل می‌شود
خودرو اول	کمتر از یک سال	۲۵٪	هر ۵ سال یک بار قابل نقض و معاف از مالیات است
	بیش از یک سال	۰٪	
خودرو دوم افراد عادی یا سوم سرپرست خانوار	خودرو اول را پیش از شش ماه از خرید خودرو دوم بفروشد	۰٪	
سایر دارایی‌ها	معافیت	مالیات مازاد بر معافیت	
طلا، ارز و رمز ارز	۵ برابر معافیت مالیاتی سالانه در ۵ سال	۲۵٪	با معافیت مالیاتی ۲۸۸ میلیون تومانی، تا یک میلیارد ۴۴۰ میلیون تومان سود معاف از مالیات است

قانون مالیات بر عایدی سرمایه برای اجرا ابلاغ شد

حمله به سفته‌بازی با تور مالیاتی جدید؟

تحلیل

آرمان علایی
کارشناس بازارهای مالی

قانون «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» که در دنیا به مالیات بر عایدی سرمایه (CGT) موسوم است، از سوی رئیس مجلس به دولت ابلاغ شد. پنج بازار مسکن، خودرو، طلا، ارز و رمزارز به عنوان دارایی‌های غیرمولد هدف این تور مالیاتی جدید هستند. هم‌زمان، با ایجاد معافیت برای محصولات مالی بازار سرمایه به طور ضمنی، هدایت سرمایه به بازار مولد دنبال می‌شود. افزایش درآمدهای «پایدار» دولت، هدف دیگر قانون است تا وابستگی بودجه به منابع ناپایدار مانند نفت کاهش یابد. پس پرسش اصلی آن است که «آیا سفته‌بازی مهار می‌شود یا مشابه قوانینی مانند مالیات بر خانه‌های خالی این تور مالیاتی بدون ماهی می‌ماند؟» تجربه جهانی و داخلی نشان می‌دهد دست کم به سه دلیل نباید انتظار معجزه فوری از این سیاست داشت. اول، معافیت‌های متنوعی است که در قانون دیده شده و در مجموع، کمتر از ۵ درصد مردم مشمول واقعی این مالیات خواهند بود. دوم، نبود زیرساخت‌های شناسایی درآمد و غیرشفاف بودن معاملات در بازارهای سفته‌بازی مانند مسکن و بویژه ارز و طلاست که ردیابی درآمد افراد از خرید یا فروش را بسیار دشوار می‌کند. سوم، ظرفیت‌های محدود جذب سرمایه در بازارهای مولد یعنی بازار سرمایه است که سبب می‌شود انگیزه چرخش جریان سرمایه خیلی بالا نباشد. بنابراین، قانون گام مثبتی محسوب می‌شود، بویژه آنکه در آن نوعی لحاظ اثر رشد تورمی ارزش دارایی‌ها دیده شده، اما نباید از آن انتظار پایان سفته‌بازی را داشت که مسأله‌ای است ساختاری و نیازمند اصلاحات اساسی در حکمرانی اقتصادی است. در مجموع به نظر می‌رسد قانون جدید رکود در بازار مسکن را تعمیق کند و تقاضای سفته‌بازی خودرو را کاهش دهد، اما در بازارهای ارز و طلا کم‌اثر است. بازار سرمایه اما می‌تواند از این فرصت بهره ببرد و با بهبود زیرساخت‌ها و اعتمادسازی بیشتر، زمینه جذب حداکثری بخشی از این منابع، هرچند محدود را فراهم کند.

بازار مسکن، هدف اصلی قانون جدید

این قانون پنج بازار را به‌طور مستقیم هدف قرار داده است: مسکن، خودرو، طلا، ارز و رمزارز. تجربه کشورهای مختلف، بویژه اقتصادهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که اصلی‌ترین انگیزه برای اجرای این مالیات در سطح جهانی، مهار سفته‌بازی در بازار مسکن و جلوگیری از رشد غیرمنطقی قیمت املاک بوده است. برای مثال، انگلستان پس از جنگ جهانی دوم در پی موج شدید سفته‌بازی و افزایش مداوم قیمت مسکن، یکی از اولین کشورهایی بود که مالیات بر عایدی سرمایه را اجرا کرد.

در ایران نیز در کنار مالیات بر خانه‌های خالی، قانون مالیاتی جدید به عنوان یک ابزار سیاستی در نظر گرفته شده تا با کاهش سوداگری و افزایش عرضه واقعی دارایی‌ها، بازار را از رفتارهای مخرب سفته‌بازانه پاک‌سازی کند. با این حال، تجربه جهانی و داخلی نشان می‌دهد نباید انتظار معجزه فوری از این سیاست داشت؛ چرا که تأثیر آن بر کنترل تورم دارایی‌ها معمولاً کوتاه‌مدت و محدود است.

مورد خاص ایران در بازار خودرو

بازار خودرو موردی خاص بین بازارهای هدف به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد ایران تنها کشوری باشد که خودرو را مشمول مالیات بر عایدی کرده؛ آن هم به این دلیل که در سال‌های اخیر، با ممنوعیت واردات و کاهش عرضه، خودرو به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی دو سال گذشته، بازار خودرو به سمت مصرفی شدن بازگشته است و این تغییر نه به دلیل وضع مالیات، بلکه در نتیجه باز شدن مسیر واردات خودروهای خارجی بوده است.

نیت خوب برای ارز و طلا، اما ردیابی دشوار

بازار ارز و طلا نیز با توجه به تأثیر مستقیم نرخ ارز بر قیمت کالاها و تورم عمومی، در فهرست بازارهای هدف قرار گرفته‌اند. هدف از این اقدام، کنترل تقاضای سوداگرانه و مهار نوسانات قیمتی است. با این حال، ردیابی معاملات در این بازارها، بویژه ارز، به دلیل حجم بالای فعالیت‌های غیررسمی، بسیار دشوار خواهد بود. از سوی دیگر، ورود رمزارزها به این قانون نیز موضوعی تازه و پیچیده است که با چالش‌های اجرایی خاصی روبه‌روست.

آیا مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند موفق شود؟

تجربه ایران در اجرای مالیات‌هایی مانند مالیات بر خانه‌های خالی یا املاک لوکس نشان داده که بدون زیرساخت‌های لازم، حتی بهترین سیاست‌ها هم ناکام می‌مانند. بنابراین، سؤال کلیدی این است که آیا مالیات بر عایدی سرمایه هم به همان سرنوشت دچار خواهد شد یا می‌تواند به سیاستی موفق تبدیل شود؟

در طراحی این قانون، معافیت‌های گسترده‌ای در نظر گرفته شده تا بخش عمده مردم مشمول مالیات نشوند. برآوردها نشان می‌دهد که در مجموع، کمتر از ۵ درصد مردم مشمول واقعی این مالیات خواهند بود.

این قانون سه هدف اصلی را دنبال می‌کند:

۱. مهار سوداگری و سفته‌بازی
۲. برقراری عدالت مالیاتی
۳. افزایش درآمد دولت

اما تحقق این اهداف وابسته به چند عامل کلیدی است: اجرای دقیق، سامانه‌های نظارتی پیشرفته و وجود یک بازار سرمایه کارآمد و قابل اتکا برای جذب سرمایه‌های خارج‌شده از بازارهای غیرمولد. در شرایط فعلی که عمق بازار سرمایه ایران کافی نیست و سابقه حبابی شدن بازار سهام مانند سال ۱۳۹۹ هنوز در ذهن‌ها باقی مانده، تحقق این اهداف با چالش‌های جدی مواجه است.

> اصلی‌ترین انگیزه برای اجرای این مالیات در سطح جهانی، مهار سفته‌بازی در بازار مسکن و جلوگیری از رشد غیرمنطقی قیمت املاک بوده است. برای مثال، انگلستان پس از جنگ جهانی دوم در پی موج شدید سفته‌بازی و افزایش مداوم قیمت مسکن، یکی از نخستین کشورهایی بود که مالیات بر عایدی سرمایه را اجرا کرد

تجربه جهانی؛ مالیات بر عایدی نه معجزه، نه بی‌اثر

بررسی تجارب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که مالیات بر عایدی سرمایه به‌تنهایی نمی‌تواند همه مشکلات بازار دارایی را حل کند، اما در صورت طراحی هوشمندانه و اجرای دقیق، می‌تواند مؤثر باشد. در مقابل، چنانچه طراحی این قانون نامناسب یا نرخ‌های آن غیرمنطقی باشد، ممکن است نتیجه معکوس به بار آورد؛ مانند تجربه بریتانیا که کاهش معافیت‌ها بدون در نظر گرفتن رفتار بازار، به افت شدید درآمد مالیاتی منجر شد. امروز نیز، با وجود سابقه طولانی مالیات بر عایدی سرمایه در کشورهای پیشرفته، بسیاری از آنها هنوز در حال بازطراحی و بهینه‌سازی این مالیات هستند. در کشورهای در حال توسعه نیز، پیاده‌سازی این سیاست مالیاتی با احتیاط و رویکرد تدریجی در حال انجام است. در نهایت، مالیات بر عایدی سرمایه در ایران اگر با شفافیت، عدالت، تعدیل تورم و زیرساخت اجرایی مناسب همراه باشد، می‌تواند به سیاستی مفید بدل شود؛ اما اگر به‌درستی اجرا نشود، ممکن است به یکی دیگر از قوانینی تبدیل شود که تنها روی کاغذ باقی می‌ماند. همچنین باید به یاد داشت که اثرگذارترین مالیات‌ها، مالیات بر درآمد شخصی و مالیات سالانه بر املاک است و مالیات‌هایی از جنس عایدی سرمایه در کشورهایی مانند انگلیس کمتر از ۲ درصد درآمد دولت را تشکیل می‌دهند.

نقد شما

موانع پیشنهاد خصوصی‌سازی برای توسعه بازار سرمایه

محمد نوربخش در پیامی صوتی این‌گونه گفت: «کلیات بحث شریک کردن مردم در ثروت‌های عمومی مانند نفت، گاز و زیرساخت‌ها کاملاً خوب و اقدام صحیحی است. اما عملی شدن آن در هاله‌ای از ابهام است. اول، تجربه خصوصی‌سازی در ایران نشان داد که گرچه مالکیت شرکت‌ها از کنترل دولت درآمد، اما مدیریت شرکت‌ها مانند قیمت‌گذاری، تعیین مدیران و... همچنان در اختیار دولت باقی ماند. اتفاقی که حتی از شرایط پیش از خصوصی‌سازی بدتر است. بنابراین، واگذاری شرکت‌های یادشده در یادداشت اگر با همین الگو باشد، ممکن است حتی بحرانی تازه برای بورس رقم بزند. مشکل دوم آن است که در ایران، منابع طبیعی جزو انفال است و برخلاف مورد آرامکوی عربستان، حتی اگر شرکت نفت واگذار شود، دولت همچنان بر چاه‌های نفت و گاز مدعی خواهد بود. مثال واضح آن شرکت‌های معدنی است که اکنون در بازار سهام فعال هستند و به دلیل نداشتن مالکیت به معادن دائم با ریسک تغییرات نرخ بهره مالکانه دولت و تصمیمات خلق‌الساعه مواجهند. پس ایده خوب، اما اجرایی شدن آن در هاله‌ای از ابهام است.»

مصطفی بهشتی‌روی در گروه هاما (هم‌اندیشی اقتصاد و مالی ایران) به این پیشنهادها این گونه پاسخ داد: «مشکلات عدم توسعه اقتصادی کشور به مراتب فراتر از مبحث رونق بازار سرمایه است. سهام شرکت‌های موصوف را در بورس عرضه کنید، می‌شود یک سهام عدالت جدید. چند صباحی باعث رونق معاملات و احیاناً افزایش حجم کارمزدهای معاملاتی خواهد شد و همین. تا زمانی که درهای اقتصاد کلان و توسعه کشور بر همان پاشنه می‌چرخد، این پیشنهادها مشابه کندن همان قنات‌هایی است که اگرچه به آب نمی‌رسند، ولی برای چاه‌کن‌ها اندکی نان می‌شود.»

پیام الیاس کردی یادداشت را اینگونه ارزیابی کرد: «مهم‌ترین وجه مثبت ورود شرکت‌های بزرگ به بورس ایجاد شفافیت مالی و احتمال افزایش کارایی در این شرکت‌هاست. اما پیچیدگی‌هایی نظیر تحریم و بوروکراسی شدید چالش مهمی برای این کار است مشابه شرایطی که در سهام عدالت شاهد هستیم. درباره اوراق گواهی صرفه‌جویی می‌تواند کارایی صنایع و مردم را در مصرف بهبود بخشد؛ اما ناآگاهی نسبت به این ابزارها یک چالش مهم است که باید روی آن کار بیشتری شود. نهایتاً، چنین پیشنهادهایی مثبت است اما به معنای رفع مسأله ناترازی نیست و برای حل آنها نیازمند تغییرات ساختاری از جمله قیمت‌گذاری است.»

مرکز ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی (۱۵۲۶) بستری برای افزایش تعامل و اعتماد مؤدیان

افزایش چشمگیر حجم داده‌های میدانی مرکز ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی (۱۵۲۶) در سال ۱۴۰۳، با ثبت بیش از ۹۰۰ هزار تماس و رشد ۷۲ درصدی نسبت به سال گذشته جایگاه این مرکز را به‌عنوان مهمترین مرجع نظام‌مند در دریافت، تحلیل و پردازش داده‌های عملیاتی نظام مالیاتی تثبیت کرده است.

این داده‌ها نقش مؤثری در بهینه‌سازی فرآیندها، شناسایی گلوگاه‌های اجرایی و پشتیبانی از تصمیم‌سازی مدیریتی ایفا می‌کنند. نظام مالیاتی امروز، بیش از هر زمان دیگری نیازمند درک عمیق و چندوجهی از فعالان اقتصادی است تا بتواند پاسخگوی انتظارات رو به رشد جامعه و پیچیدگی‌های روزافزون اقتصادی باشد. این درک، تنها از مسیر دریافت نظام‌مند و تحلیل هوشمندانه اطلاعات حاصل از تعاملات مستقیم با مؤدیان به دست می‌آید. آنچه در گذشته شاید به مثابه یک فرآیند صرف اداری تلقی می‌شد، اکنون به ستون فقراتی برای نوآوری در سیاست‌گذاری و ارتقای کارایی عملیاتی تبدیل شده است. سازمان امور مالیاتی، با اتکا به این چشم‌انداز تحول، در حال بازتعریف شیوه‌های تعامل و بهره‌برداری از داده‌های حاصل از این تعاملات است.

گذار از رویکردهای سنتی مستلزم ساختارهایی است که قادرند جریان اطلاعات را به شکلی مؤثر، شفاف و تحلیل‌پذیر مدیریت کنند. این رویکرد، نه تنها به شناسایی و رفع موانع موجود کمک می‌کند، بلکه امکان طراحی راهکارهایی نوآورانه و پیشگیرانه را نیز فراهم می‌سازد. در این راستا، داده‌های دریافتی از مؤدیان، به‌عنوان منبعی حیاتی برای ارزیابی عملکرد، اصلاح فرآیندها و جهت‌دهی به سیاست‌های کلان عمل می‌کنند. هدف، ایجاد یک چرخه بازخورد مستمر و پویاست که در آن، هر تعامل، فرصتی برای یادگیری سازمانی و ارتقای شفافیت، دقت و اثربخشی نظام مالیاتی فراهم می‌آورد.

سازمان امور مالیاتی کشور در سال‌های اخیر، با درک عمیق از اهمیت و نقش محوری دریافت و پردازش هوشمندانه اطلاعات مؤدیان، «مرکز پاسخگویی ۱۵۲۶» را به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی خود معرفی کرده است. این مرکز با بر عهده گرفتن مسؤولیت‌هایی چون ارتقای کیفیت خدمات، تسهیل و تسریع در انجام امور مالیاتی مؤدیان و پاسخگویی به سؤالات و مشکلات عمومی در زمینه مالیات، نقش به‌سزایی در بهبود تعاملات سازمانی ایفا می‌کند.

اقدام‌های مرکز ۱۵۲۶ در بهبود فرآیندها و کاهش هزینه‌های عملیاتی

مرکز ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی ۱۵۲۶ با اتخاذ رویکردی سیستماتیک، به رفع چالش‌های نرم‌افزاری همکاران و کاهش هزینه‌های عملیاتی پرداخته است. این مرکز با بهینه‌سازی فضای اداری و تسهیل فرآیندها، اقدام به کاهش مراجعات حضوری غیرضروری مؤدیان می‌کند. هر تعامل و پرسش مؤدیان به‌عنوان داده‌ای ارزشمند تلقی می‌شود و این داده‌ها به بستری برای تحلیل عمیق‌تر مشکلات و روندهای اجرایی، اصلاح فرآیندهای داخلی و تدوین سیاست‌گذاری‌های هدفمند تبدیل می‌گردند. با بهره‌گیری از این رویکرد هوشمندانه مرکز ۱۵۲۶ به ستون فقراتی برای نوآوری و افزایش کارایی در نظام مالیاتی تبدیل شده و نقشی حیاتی در ارتقای کیفیت خدمات و بهبود تجارب مؤدیان ایفا می‌کند.

بسترهای ارتباطی مرکز ۱۵۲۶

همچنین مرکز پاسخگویی ۱۵۲۶ سازمان امور مالیاتی به‌عنوان یک کانون کلیدی در فرآیند ارتباط با مؤدیان، به‌طور مداوم در تلاش است تا خدمات خود را بهینه کند و به نیازهای مالیاتی مؤدیان پاسخ دهد. این مرکز با فراهم آوردن تماس تلفنی ۲۴ ساعته، به مؤدیان این امکان را می‌دهد که در هر زمان از خدمات مشاوره‌ای و پاسخگویی کارشناسان بهره‌مند شوند. همچنین، مؤدیان می‌توانند به‌صورت غیرحضوری از طریق اپلیکیشن و وب‌سرویس مرکزمورد استفاده قرار گیرند. با ارسال درخواست‌ها و مدارک به آدرس ایمیل tax.gov.ir.۱۵۲۶ فرآیند تعامل تسهیل می‌شود. علاوه بر این، استفاده از سامانه پیام‌گیر صوتی و صندوق پستی مرکز به مؤدیان اجازه می‌دهد تا پیام‌های خود را در هر زمان ثبت کنند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به پاسخ‌های مکانیزه و کارآمد دست یابند.

این روش‌های ارتباطی به‌طور چشمگیری می‌توانند به افزایش شفافیت و کاهش هزینه‌های عملیاتی کمک کنند. با هدف جمع‌آوری داده‌های دقیق و ساختارمند، مرکز ۱۵۲۶ به بررسی و تحلیل نیازهای مالیاتی مؤدیان پرداخته و این داده‌ها را به‌اطلاعات قابل اتخاذ برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مالی تبدیل می‌کند. این رویکرد، اطمینان از پاسخگویی سریع و بهینه به کلیه نیازهای مؤدیان را تضمین می‌کند و باعث ایجاد ثبات و رضایتمندی در روابط مالیاتی می‌شود.

رشد ۷۲ درصدی پاسخگویی مرکز ۱۵۲۶

مرکز پاسخگویی ۱۵۲۶ در سال ۱۴۰۱ موفق به ثبت بیش از ۱۶۳ هزار تماس ورودی شد. این آمار در سال ۱۴۰۲ به بیش از ۵۱۴ هزار تماس افزایش یافته که نشان‌دهنده رشد سه برابری در تعاملات مؤدیان با این مرکز است. از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا پایان آن سال، مرکز ۱۵۲۶ توانست بیش از ۹۰۰ هزار تماس پاسخ دهد، که بیانگر رشد ۷۲ درصدی در حجم تماس‌ها نسبت به سال مشابه می‌باشد. همچنین، در ادامه این روند، از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا تیرماه سال جاری ۲۶۰,۶۹۹ تماس جدید توسط این مرکز مورد پاسخگویی قرار گرفته است. این مرکز توانسته توسط ۷۵ هزار مؤدی امتیاز ۴٫۵ از ۵ را کسب کند.

لازم به ذکر است از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا پایان ماه جاری، تعداد ۷,۴۱۸ درخواست ثبت‌شده مؤدیان از طریق پرتال اختصاصی در سامانه tax.gov.ir.۱۵۲۶به‌صورت سیستمی بررسی و پاسخ داده شده است.

اقدام‌های در حال توسعه مرکز پاسخگویی ۱۵۲۶

در راستای تحقق اهداف نظام مالیاتی، اقدام‌های متعددی به اجرا درآمده است. نخست، تیکت‌های ثبت‌شده توسط مؤدیان در پورتال ۱۵۲۶ به‌منظور پیگیری بهتر و جلوگیری از مغفول ماندن مشکلات، پس از بررسی‌های داخلی سازمان درصورت لزوم به بخش‌های ذی‌ربط ارجاع داده می‌شود تا رسیدگی لازم صورت گیرد و ضمن تکریم مؤدیان، رضایتمندی آنان افزایش یابد. دوم، با ارسال پیامک‌های نظرسنجی به مؤدیان، فرآیند سنجش سطح رضایت و بهبود پاسخگویی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سوم، مشکلات و اختلافات احتمالی مؤدیان، از طریق ارسال پیامک به مدیران مرتبط، جهت پیگیری سریع‌تر اعلام می‌شود. در نهایت، پایش مستمر و پالایش سامانه‌ها و فرآیندهای اجرایی به‌منظور شناسایی و رفع مسائل احتمالی پیش از وقوع، همواره در دستور کار قرار دارد.

بررسی روند عملکرد مرکز پاسخگویی ۱۵۲۶ سازمان امور مالیاتی کشور، بیانگر تثبیت جایگاه این مرکز به‌عنوان مهمترین مرجع نظام‌مند دریافت، پردازش و تحلیل داده‌های میدانی از جامعه مؤدیان است؛ داده‌هایی که به‌طور مستقیم به توسعه زیرساخت‌های تصمیم‌سازی، پایش راهبردی و اصلاح فرآیندهای مالیاتی منتهی شده‌اند. رشد مستمر حجم تماس‌ها و درخواست‌های ثبت‌شده طی سال‌های اخیر، نه صرفاً یک شاخص افزایش تقاضا، بلکه مبین ارتقای اعتماد عمومی به کیفیت و کارآمدی مدل ارتباطی جدید این سازمان است؛ مدلی که بر پایه فن‌آوری اطلاعات، ساماندهی هوشمند داده‌ها و پاسخگویی شفاف بنا شده است.

تجربه مرکز ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی ۱۵۲۶ نشان داد که جمع‌آوری هدفمند بازخوردهای عملیاتی و تحلیل عمیق آن‌ها، زمینه‌ساز ارتقای مستمر سامانه‌های عملیاتی، افزایش دقت در شناسایی گلوگاه‌های اجرایی و تولید راهکارهای ساختاری متناسب با نیاز واقعی مؤدیان شده است. مهم‌تر آنکه داده‌های حاصل از هر تعامل، بستر خلق راهکارهای مبتنی بر شواهد و تقویت فرآیند بازتعریف سیاست‌های سازمانی را فراهم آورده است.

در نهایت، ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی ۱۵۲۶ امروز نه فقط یک مجموعه پاسخگو به پرسش‌ها و درخواست‌های مؤدیان، بلکه به یکی از ارکان اصلی پویایی، چابکی و نوآوری در نظام مالیاتی کشور تبدیل شده است. تداوم این رویکرد داده‌محور و سرمایه‌گذاری هدفمند در توسعه سامانه‌های ارتباطی و تحلیلی، نقش به‌سزایی در افزایش شفافیت، ارتقای کیفیت خدمات و استحکام زیرساخت‌های حکمرانی مالیاتی خواهد داشت و زمینه تحقق اهداف کلان تحول دیجیتال و تعالی عملکرد سازمان را مهیا می‌سازد.

نماینده آستانه اشرفیه در مجلس مطرح کرد:

مشارکت مردم در اقتصاد و تقویت اقتصاد مقاومتی با نشان‌دار کردن مالیات‌ها

نماینده آستانه اشرفیه در مجلس شورای اسلامی گفت: نشان‌دار کردن مالیات‌ها یک فرصت برای مالیات‌دهندگان است که در روندهای اقتصادی و حکمرانی کشور مشارکت داشته باشند و خودشان محل هزینه‌کرد مالیات‌شان را مشخص کنند.

ابراهیم نجفی اسپیلی نماینده آستانه اشرفیه در مجلس درخصوص اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها طی سال گذشته و ادامه آن در سال جاری با افزایش اعتبار تصریح کرد: نشان‌دار کردن مالیات‌ها مزیت‌های زیادی برای کشور دارد. باید مردم نسبت به این طرح آگاهی پیدا کنند و در این راستا گام بردارند.

وی ادامه داد: براساس قانون امکانی برای مالیات‌دهندگان به وجود آمده است که محل هزینه‌کرد مالیات پرداختی‌شان را مشخص کنند. به این ترتیب، مؤدیان از میان پروژه‌های پیشنهاد شده انتخاب می‌کنند که مالیات‌شان در کدام حوزه به کار گرفته شود.

نماینده آستانه اشرفیه در مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: نشان‌دار کردن مالیات‌ها با هدف افزایش مشارکت مردم در روندهای مالیاتی و اقتصادی کشور به اجرا گذاشته شده است و طی سال گذشته نتایج خوبی از آن به دست آمد. به همین دلیل، مجلس نیز به ادامه اجرای آن بسیار مصمم بود و دولت نیز در سال دوم قرار است که پروژه‌های جدیدی با اعتبارات حدود ۱۸ هزار میلیارد تومانی را اجرایی کند.

نجفی گفت: نشان‌دار کردن مالیات‌ها در واقع یک فرصت برای مالیات‌دهندگان است که در روندهای اقتصادی و حکمرانی کشور مشارکت داشته باشند و خودشان محل هزینه‌کرد مالیات‌شان را مشخص کنند و موجب تحقق اقتصاد مقاومتی و مردمی خواهد شد. مردم باید بیش از پیش درباره این طرح آگاهی پیدا کنند و مالیات‌شان را در چارچوب این طرح بپردازند.

وی در پایان گفت: طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها و مشارکت یافتن مردم در تعیین محل مصرف مالیات از طرح‌های اجرایی بسیار قوی و مثبت بوده است که مستقیما به شفافیت و رضایت مردم منتهی خواهد شد و با قدرت باید تداوم یابد.

بازار خودرو

ادامه روند کاهشی قیمت‌ها در بازار خودرو

در چهارمین روز هفته، بازار خودروی کشور همچنان با روند نزولی قیمت‌ها مواجه بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد فاصله قیمتی میان سامانه فروش خودروهای وارداتی و بازار آزاد در برخی مدل‌ها در حال کاهش است، اگرچه نوسانات افزایشی نیز در بعضی مدل‌ها دیده می‌شود.
تویوتا کمری هیبرید در سامانه عرضه خودروهای وارداتی با قیمت ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان و در بازار آزاد با کاهش ۲۰۰ میلیون تومانی، از ۵ میلیارد و ۹۰۰ میلیون به ۵ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان رسید.
در مقابل، فیات ۵۰۰، ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومانی در سامانه فروش، در

بازار آزاد با افزایش ۱۰۰ میلیون تومانی از ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون به ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسید.
اوتار ۱۱ نیز در سامانه با قیمت ۴ میلیارد و ۱۹۸ میلیون تومان عرضه شد. این خودرو در بازار آزاد با افت ۱۰۰ میلیون تومانی، از ۷ میلیارد به ۶ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان کاهش یافت.
مرسدس‌بنز C200 لانگ با کاهش ۱۰۰ میلیون تومانی در بازار آزاد از ۱۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون به ۱۲ میلیارد تومان رسید. ب‌ام‌و iX1 مدل ۲۰۲۵ در سامانه فروش ۶ میلیارد تومان قیمت خورد و در بازار آزاد با افت ۱۰۰ میلیون تومانی، از ۷ میلیارد و ۳۰۰ میلیون به ۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان کاهش یافت. نیسان سیلفی مکس ادیشن از معدود مدل‌هایی بود که ثبات قیمتی را حفظ کرد. این خودرو در سامانه با قیمت ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قیمت خورد و در بازار آزاد نیز بدون تغییر، ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شد.

معنای توقف واردات

کاهش تعرفه، تصمیم درست دولت بود؛ توقف واردات بازار را بر هم می‌زند

گزارش

ساراغضنفری
دبیر گروه خودرو

بازار خودرو در شوک توقف واردات و بازگشت تعرفه ۱۰۰ درصدی خواهد رفت. بازار خودروی ایران که در ماه‌های گذشته به لطف واردات نسبی، افت نرخ ارز و امید به تعدیل سیاست‌های تعرفه‌ای تا حدی به آرامش رسیده بود، حالا در معرض یک شوک جدید قرار گرفته؛ توقف موقت واردات خودرو و بازگشت ناگهانی تعرفه واردات به ۱۰۰ درصد. اگرچه که دیوان عدالت اداری فعلاً نظری قاطع درباره این ماجرا صادر نکرده اما شروع ماجرا باز هم بر بازار خودرو تأثیرگذار است. این موضوع که از دل مصوبه دولت و نظر دیوان عدالت اداری در بررسی شکایتی علیه مصوبه دولت بیرون آمد، پیامدهایی فراتر از یک تغییر حقوق ورودی ساده دارد. بازار نه تنها به لحاظ روانی، بلکه در ساختار عرضه، قیمت‌گذاری و حتی انتظارات تورمی تحت تأثیر این چرخش قرار خواهد گرفت. پیش از این، دولت تلاش کرده بود با تعرفه‌های پله‌ای ۲۰ تا ۴۰ درصدی، فضا را برای واردات خودروهای اقتصادی و کم‌مصرف باز کند؛ حرکتی که می‌توانست به‌نوعی فشار انحصار داخلی را تعدیل کند و تنوعی نسبی به سبد مصرفی مردم ببخشد. اما اکنون با اعلام نظر دیوان عدالت اداری و احتمال بازگشت تعرفه ۱۰۰ درصدی، تمام معادلات تغییر کرده است.

شوک روانی و توقف ریزش قیمت‌ها

در روزهای اخیر، بازار خودروهای وارداتی شاهد کاهش قیمت‌ها بود؛ نه فقط به‌خاطر نرخ ارز، بلکه به‌دلیل انتظاری که از ادامه واردات با تعرفه‌های منطقی شکل گرفته بود. حالا با توقف واردات و احتمال اجرایی شدن تعرفه بالا، تقاضای سفته‌بازانه باز خواهد گشت. سرمایه‌گذاران و دلالان برای جلوگیری از افزایش قیمت در آینده، ممکن است اقدام به خرید فوری کنند، که همین می‌تواند ترمز ریزش قیمت‌ها را بکشد یا حتی معکوس کند.

> بازگشت تعرفه ۱۰۰ درصدی واردات خودرو به‌معنای دو برابر شدن قیمت پایه خودروهای وارداتی است

کاهش عرضه و افزایش شکاف طبقاتی

بازگشت تعرفه ۱۰۰ درصدی به‌معنای دو برابر شدن قیمت پایه خودروهای وارداتی است. در یک اقتصاد عادی شاید این یک ابزار کنترلی بر واردات باشد، اما در ایران، که تولید داخلی پاسخ‌گوی نیاز نیست و تنوع محصول نیز پایین است، این سیاست تنها موجب افزایش قیمت تمام‌شده و خروج خودروهای وارداتی از دسترس طبقه متوسط می‌شود. افزایش تعرفه در فضای فعلی نه‌تنها منجر به رونق تولید داخل نخواهد شد، بلکه افزایش قیمت‌ها و عدم اهتمام لازم نسبت به ارتقای کیفیت خودروهای داخلی را نیز بدنبال خواهد داشت. در واقع، این تعرفه نه به نفع مردم است و نه حتی تولید؛ تنها به بقای انحصار کمک می‌کند.

بازار خودرو به ثبات نیاز دارد

بازار خودرو، بیش از آن‌که به بخش‌نامه و قانون وابسته باشد، به ثبات تصمیمات نیاز دارد. اینکه دولت در کمتر از چند ماه، از تعرفه پایین به تعرفه بالا برگردد، آن‌هم بدون برنامه‌ریزی قبلی، باعث بی‌اعتمادی سرمایه‌گذار و واردکننده می‌شود. بازگشت تعرفه ۱۰۰ درصدی اگرچه ممکن است از نظر برخی نهادهای حقوقی تطابق با قانون بودجه داشته باشد، اما از منظر اقتصادی حرکتی غیرکارآمد و مخرب است. توقف واردات در شرایطی که بازار هنوز از کمبود عرضه رنج می‌برد، تنها به التهاب بیشتر، گسترش واسطه‌گری و دور شدن از عدالت اقتصادی منجر خواهد شد. برای بهبود بازار خودرو، آنچه بیش از همه نیاز داریم، ثبات، شفافیت و نگاه توسعه‌گرا به رقابت و رفاه مصرف‌کننده است، نه بازگشت به انحصار و محدودیت. البته توضیحات دیوان عدالت اداری حکایت از آن دارد که این نهاد هنوز تصمیم نهایی در این باره نگرفته است و فعالان بازار خودرو امید دارند این موضوع با تعامل و در بستر قانون حل و فصل شود. در توضیح این نهاد آمده است: «دیوان عدالت اداری تاکنون در هیأت تخصصی هیچ گونه تصمیمی در خصوص ابطال یا عدم ابطال مصوبه دولت اتخاذ ننموده و پس از بررسی در راستای اعمال ماده ۸۴ قانون دیوان عدالت اداری اتخاذ تصمیم خواهد نمود و عنداللزوم پرونده جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی دیوان ارسال خواهد شد.»

افزایش فراخوان خودروها؛ نشانه پیشرفت یا زنگ خطر؟

ترجمه

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

کلمه «فراخوان» معمولاً بار منفی به همراه دارد، اما در دنیای امروز، موضوع به این سادگی نیست. هیچ خودرویی از همان ابتدا کاملاً بی‌نقص نیست و حتی برترین محصولات بازار نیز ممکن است مشمول فراخوان شوند. فراخوان به معنی وجود یک مشکل است که در خودروهای سواری به معنای ریسک ایمنی واقعی است. اما این موضوع نباید باعث نگرانی بیش از حد شود. این روزها به نظر می‌رسد تعداد فراخوان‌ها زیاد شده است. آیا این یعنی خودروها کمتر قابل اعتماد یا ایمن شده‌اند؟ یا شاید تولیدکنندگان بیشتر مسئولیت‌پذیر شده و مشکلاتی را که قبلاً پیگیری نمی‌کردند، حالا جدی‌تر دنبال می‌کنند؟

آیا تعداد فراخوان‌ها اخیراً افزایش یافته است؟

پاسخ این سؤال مثبت است. سال گذشته، سازمان ملی ایمنی ترافیک بزرگراه‌های آمریکا (NHTSA) گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد، تعداد فراخوان‌ها بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ روندی کلی افزایشی داشته است. اما سال ۲۰۲۴ کمی متفاوت بود؛ خودروسازان فقط ۴۴۵ فراخوان صادر کردند که شامل حدود ۲۹ میلیون خودرو می‌شد که نسبت به سال ۲۰۲۳ کاهش داشت. سال ۲۰۲۵ هم تا نیمه اول سال روند کاهش در تعداد خودروهای فراخوان شده، ادامه داشته است.
طبق گزارش «BizzyCar»، سیستمی تخصصی در مدیریت فراخوان برای نمایندگی‌ها، بیش از ۱۰.۷ میلیون خودرو در نیمه اول ۲۰۲۵ فراخوان شده‌اند. اما تعداد کمپین‌های فراخوان در سال ۲۰۲۵ کمی افزایش یافته است؛ تاکنون ۲۲۹ کمپین فراخوان صادر شده که سهم فورد ۸۸ مورد، یعنی حدود ۳۶ درصد از کل فراخوان‌هاست. محصولات فورد بیش از ۴۰ درصد کل خودروهای فراخوان شده در ۲۰۲۵ را تشکیل می‌دهند.
دلایل زیادی برای افزایش تعداد فراخوان‌ها و خودروهای فراخوان شده طی ۲۲ سال گذشته وجود دارد. فروش سالانه خودروهای جدید در آمریکا معمولاً بین ۱۴ تا ۱۷ میلیون دستگاه است، اما خودروها بشدت پیچیده‌تر شده‌اند. خودروی معمولی امروز بسیار پیچیده‌تر از ۲۰ سال پیش است. سیستم‌های ایمنی فعال، تعلیق‌های تطبیقی، ترمز و فرمان برقی، سیستم‌های سرگرمی چند صفحه‌ای، قوای محرکه هیبریدی و غیره، تنها چند نمونه از امکاناتی هستند که ممکن است باعث نیاز به فراخوان شوند. علاوه بر این، زنجیره تأمین جهانی خودرو نیز بسیار پیچیده‌تر شده است. حتی یک مشکل کوچک در قطعات غیر بحرانی می‌تواند باعث فراخوان گسترده‌ای در قاره‌ها و شرکت‌های مختلف شود. انتظارات مشتریان نیز تغییر کرده است. وقتی مردم عبارت «فراخوان خودرو» را می‌شنوند، معمولاً خاطراتی مانند آتش‌سوزی فورد پینتو، مشکل بزرگ کیسه هواهای تاکاتا، مشکل سوئیچ جرقه‌زنی جنرال موتورز یا رسوایی دیزل‌گیت فولکس‌واگن را به یاد می‌آورند. این حوادث بدنامی زیادی برای برندها به همراه داشتند. جنرال موتورز تا حد زیادی توانست اعتبارش را حفظ کند، اما نام تاکاتا همیشه با کیسه‌های هوای خطرناک همراه خواهد بود. فولکس‌واگن هم هنوز پس از ده سال با عواقب دیزل‌گیت دست و پنجه نرم می‌کند. فراخوان فورد پینتو نزدیک به ۵۰ سال پیش اتفاق افتاد و هنوز درباره آن صحبت می‌شود. فراخوان‌هایی که سرخط خبرها را به خود اختصاص می‌دهند، نه‌تنها برای خودروسازان هزینه‌بر هستند، بلکه به‌شدت به اعتماد مشتریان و تصویر برند لطمه می‌زنند.

> هیچ خودرویی بدون نقص نیست و همیشه مشکلاتی وجود دارد. به همین علت خودروسازان ترجیح می دهند به‌جای تبدیل این مشکلات به معضلات بزرگ، به‌سرعت اقدام کرده و فراخوان‌هایی برای ایرادات جزئی صادر می‌کنند

تسلا؛ رکورددار فراخوان

هیچ خودرویی بدون نقص نیست و همیشه مشکلاتی وجود دارد. به همین علت خودروسازان ترجیح می دهند به‌جای تبدیل این مشکلات به معضلات بزرگ، به‌سرعت اقدام کرده و فراخوان‌هایی برای ایرادات جزئی صادر می‌کنند. نمونه‌ای جالب از این تغییر رویکرد، شرکت تسلا است. این خودروساز برقی در سال ۲۰۲۴ بیش از ۵.۱ میلیون دستگاه خودرو را فراخوان کرد؛ بیش از هر خودروساز دیگری در آمریکا. اما نکته مهم این است که بخش بزرگی از این فراخوان‌ها، صرفاً با به‌روزرسانی نرم‌افزاری از راه دور حل شد.
در حالی که فراخوان‌ها دیگر فقط به ایرادات ایمنی یا آلایندگی مربوط نمی‌شوند، اما همچنان می‌توانند نشانه‌ای از چالش‌های عمیق‌تر در یک برند یا مدل خاص باشند.

روند افزایش فراخوان‌ها طی دو دهه اخیر

داده‌های منتشرشده از سوی سازمان ملی ایمنی ترافیک آمریکا (NHTSA) نشان می‌دهند، روند افزایش فراخوان‌ها طی دو دهه اخیر پیوسته بوده است. البته سال ۲۰۲۴ یک استثنا بود؛ تنها ۴۴۵ مورد فراخوان شامل حدود ۲۹ میلیون خودرو ثبت شد که نسبت به سال قبل کاهش داشت. در نیمه اول سال ۲۰۲۵، خودروسازان کمی بیش از ۱۰.۷ میلیون خودرو را فراخوان کرده‌اند. اما تعداد کمپین‌های فراخوان همچنان رو به افزایش است؛ ۲۲۹ مورد تاکنون ثبت شده، که سهم فورد به تنهایی ۸۸ مورد (حدود ۳۶ درصد) از آن‌هاست. این افزایش دلایل متعددی دارد. اول اینکه خودروها پیچیده‌تر از همیشه شده‌اند. از سیستم‌های ایمنی فعال و ترمز برقی گرفته تا نمایشگرهای چندگانه و پیشرانه‌های هیبریدی، هر کدام از این فناوری‌ها احتمال ایجاد نقص و در نتیجه نیاز به فراخوان را بیشتر کرده‌اند. از سوی دیگر، زنجیره تأمین جهانی هم بیش از پیش در هم تنیده و پیچیده شده است. بروز مشکل در یک قطعه کوچک ممکن است ده‌ها مدل از چند برند مختلف را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش انتظارات مشتریان و سخت‌گیری نهادهای نظارتی نیز از عوامل مهم دیگر هستند. مشتری امروز، برخلاف گذشته، انتظار عملکرد بی‌نقص از خودروی نو دارد. همین انتظارات، خودروسازان را به پاسخ‌گویی بیشتر و صدور فراخوان حتی برای ایرادات جزئی سوق می‌دهد.

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کشت و صنعت دام و طیور سبز ایرانیان

به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۴۲۱۵۲۲ و به‌شماره ثبت ۶۱۵۷۷۲ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای حسین نراقی به‌شماره ملی ۰۰۵۹۰۸۵۱۲۶ به سمت نایب رئیس هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۴ آقای حسن نراقی به‌شماره ملی ۰۰۶۶۷۵۸۷۲۶ به سمت مدیرعامل و رئیس هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۴ آقای جلیل قهرمانی به‌شماره ملی ۴۹۴۸۹۹۳۶۳۸ به سمت عضو هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۴ انتخاب گردیدند کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری شرکت با امضای مدیر عامل همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۹۸۰۰۳۲

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کارگزاری بانک رفاه کارگران

به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۷۷۵۳۵ و به‌شماره ثبت ۱۰۳۸۴۳ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ و مجوز شماره ۱۲۲/۱۴۰۴-۱۷۷۷۱۶/۱۴۰۴/۰۴/۱۱ سازمان بورس اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی آگاهان و همکاران حسابداران رسمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۹۰۲۸۴ به سمت بازرس علی‌البدل تا پایان سال مالی مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آزموده کاران حسابداران رسمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۴۰۳ مورد تصویب قرار گرفت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۹۸۰۰۲۷

آگهی فراخوان

سرمایه‌گذاری برای تولید — نوبت دوم

شرکت عمران شهر جدید ایوان کی در نظر دارد براساس بند - صورتجلسه شماره ۱۰۱۰/ ۰۵-۱۴۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۵ هیأت‌مدیره شرکت عمران شهر جدید ایوان کی نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط اقدام نماید. لذا از پیمانکاران و شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد جهت دریافت، تکمیل و بارگذاری اسناد به‌شرح ذیل اقدام نمایند:
۱- موضوع: انجام خدمات ایاب و ذهاب شرکت عمران شهر جدید ایوان کی.
۲- نوع مناقصه: عمومی یک‌مرحله‌ای.
۳- شماره ثبت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ۲۰۰۴۰۹۳۸۹۴۰۰۰۰۰۹ است. کلیه مراحل مناقصه از دریافت و بارگذاری اسناد مناقصه و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه ستاد (www.setadiran.ir) انجام می‌شود.
۴- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: کیلومتر ۵۵ جاده تهران _ مشهد. شهر جدید ایوان‌کی - شرکت عمران شهر جدید ایوان‌کی. دورنگار: ۰۲۳۳۴۵۲۱۷۷۲.
۵- مدت پیمان: ۱۲ ماه شمسی.
۶- مبلغ برآورد اولیه: ۶۸،۳۰۴،۰۰۰،۰۰۰ (شصت و هشت میلیارد و سیصد و چهار میلیون) ریال
۷- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مطابق جدول ۴ از بند «الف» ماده ۶ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ به مبلغ ۳،۴۱۵،۲۰۰،۰۰۰ (سه میلیارد و چهارصد و پانزده میلیون و دویست هزار) ریال.
۸- مجوز فعالیت: گواهی‌نامه صلاحیت شرکت‌های خدماتی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی امور حمل و نقل که می‌بایست دارای اعتبار باشد.
۹- دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد: از ساعت ۰۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۵ تا ساعت ۱۶:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸
۱۰- تحویل اسناد مناقصه:
۱-۱۰- به‌صورت الکترونیکی تا ساعت ۱۶:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ در سامانه ستاد بارگذاری شود.
۲-۱۰- به‌صورت فیزیکی (فقط پاکت "الف") تا ساعت ۱۳:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ به‌دبیرخانه شرکت عمران شهرجدیدایوان کی تحویل شود.
۱۱- زمان و محل بازگشایی پاکت اسناد مناقصه "پاکت‌های الف، ب و ج": ساعت ۱۱:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۹، در سالن اجتماعات شرکت عمران شهر جدید ایوان کی.
۱۲- هزینه خرید اسناد مناقصه از سامانه ستاد ۴،۰۰۰،۰۰۰ (چهار میلیون) ریال می‌باشد.
۱۳- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
رضا خانی عضو هیأت‌مدیره و سرپرست شرکت عمران شهر جدید ایوان کی

AUCTION SJSCO. PF140401

Sirjan Jahan Steel Company is pleased to announce the sale and export of 20,000 MT **Pellet Fines** on basis of FAS at the Buyer's warehouse in Bandar Abbas, IRAN according to INCOTERMS 2020. We invite interested bidders to obtain tender documents by sending an email sales@sjsco.ir.
All documentation will be provided electronically.
All bids on conformity to tender instruction should be submitted no later than **Monday, August 11, 2025**.
For further inquiries, please contact us at:
Tel: +2186084642

نوبت دوم
CH2=CH2

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی شماره مناقصه: م ن/۲/ ۴۰۴

شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام) B.I.P.C

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.
۱- موضوع مناقصه: احداث سایت دپوی نمک در واحد استحصال نمک شرکت پتروشیمی بندرامام
۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: هجده / ۱۸ ماه تمام شمسی.
۳- مبلغ برآورد مناقصه ۸،۶۱۱،۴۰۱،۰۹۰،۴۳۱ ریال، می‌باشد.
۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال، می‌باشد.
۵- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۵-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۶- مهلت توزیع اسناد: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲
ضمناً مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.
۷- داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۷-۱) آگهی تأسیس (درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)
۷-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۷-۳) گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی از سوی اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی (به استناد دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه ایمنی امور پیمانکاری، اخذ تأییدیه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان جهت شرکت‌هایی که مرجع صادرکننده گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی آنها خارج از استان باشد، از سوی مناقصه‌گران الزامی است.)
۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: ساختمان حراست پتروشیمی بندرامام ؛ تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۴/ ۰۶/ ۱۲
۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی: آدرس فوق‌الذکر - سالن کنفرانس ساختمان مرکزی، مورخ ۱۴۰۴/ ۰۶/ ۳۱ ساعت ۱۰ صبح خواهد بود.
تذکر۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفتر خانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.
تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.
تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
تذکر۵: مناقصه‌گرانی که دارای حداقل پایه ۲ ابنیه از سازمان برنامه و بودجه و ظرفیت آزاد کاری می‌باشند، می‌توانند در فرآیند مناقصه حاضر شرکت نمایند.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

آگهی مزایده عمومی

شماره مزایده ۱۴۰۴-۲۰۳-۰۲-۱-۰۱-۱۲ — نوبت اول

- نام دستگاه مزایده گزار: شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران- بافق
- موضوع مزایده: فروش مقدار ۵۰ هزار تن محصول گندله آهن با عیار ۰/۵ ± ۶۵ درصد به‌صورت تحویل در معدن سنگ آهن مرکزی ایران- بافق جهت مصرف داخلی به‌شرح ذیل:
- مبلغ و نوع سپرده شرکت در مزایده: مبلغ ۷۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هفتاد و پنج میلیارد ریال)
الف) یک فقره چک بانکی به نفع شرکت سنگ آهن مرکزی ایران-بافق
ب) واریز وجه نقد به‌حساب شماره ۰۱۱۰۳۹۱۸۹۲۰۰۰ بانک ملی شعبه آهنشهر کد ۳۵۶۵ یا شبا به‌شماره IR ۸۰۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰۱۱۰۳۹۱۸۹۲۰۰۰ در وجه شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران
- زمان فروش اسناد: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۶ لغایت ۱۴۰۴/۰۵/۲۲
- زمان تحویل اسناد مزایده: تا آخر ساعت اداری ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷
- محل تحویل اسناد مزایده: یزد- میدان امام حسین - ابتدای بلوار شهید بهشتی - دفتر شرکت سنگ آهن مرکزی-دبیرخانه کمیسیون معاملات شماره تماس ۳۶۲۸۵۶۳۰-۰۳۵ داخلی ۶
- زمان بازگشایی اسناد: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۸
- نحوه خرید اسناد: واریز مبلغ ۴۰۰،۰۰۰ ریال به‌حساب شماره ۰۱۱۰۳۹۱۸۹۲۰۰۰ بانک ملی شعبه آهنشهر کد ۳۵۶۵ و ارسال فیش واریزی به‌همراه درخواست کتبی خرید اسناد به ایمیل: sale@icioc.ir
- حضور شرکت‌کنندگان در زمان بازگشایی پاکات بلامانع است.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ذیل تماس حاصل فرمایید.
تلفن: ۳۱۴۵۴۴۴۹-۰۳۵
پست الکترونیکی: sale@icioc.ir
شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران- بافق

دکتر قلابی داروهای شیشه‌ای تجویز می‌کرد

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ پزشک قلابی که با ساخت داروهای لاغری آغشته به ماده مخدر شیشه مراجعانش را معتاد کرده بود از سوی پلیس دستگیر شد.

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده با شکایت زن جوانی به پلیس آغاز شد. وی در تشریح ماجرا گفت:«من وزن زیادی داشتم و مدت‌ها بود دنبال راهی برای کاهش وزنم بودم تا اینکه در اینستاگرام با صفحه یک دکتر طب سنتی به نام «دکتر شفا» آشنا شدم. در صفحه این دکتر که دنبال‌کننده‌های زیادی هم داشت با پست‌هایی مواجه شدم که در آنها بیمارانش مدعی شده بودند با داروهای خاص و سنتی وزنشان کاهش یافته و خود دکتر نیز عکس‌هایی در کنار افراد معروف منتشر کرده بود. با دیدن عکس‌ها به او اعتماد کردم و راهی مطبش شدم. دکتر شفا به من داروهایی داد و در ازای آن مبلغ زیادی پول گرفت. من با مصرف داروها خیلی زود کاهش وزن پیدا کردم اما بعد از مدتی متوجه علائمی در خودم شدم؛ علائمی که نشان از اعتیاد داشت و من با خوردن آن داروها معتاد شده بودم. تصور می‌کنم داخل داروها مواد مخدر بوده و مرا معتاد کرده است.»

به دنبال شکایت زن جوان، تحقیقات به دستور بازپرس مهدی صانعی آغاز شد.

در ادامه تحقیقات، کارآگاهان با شکایت‌های مشابهی مواجه شدند. شاکی دیگری عنوان کرد:« این دکتر طب سنتی مدعی بود با داروهایش می‌تواند بیماری سرطان را درمان کند و حتی می‌گفت کسانی را که قرص برنج خورده‌اند، می‌تواند درمان کند. زمانی که می‌خواستیم وارد مطب شویم باید گوشی تلفن همراهمان را در اختیار نگهبان قرار می‌دادیم و داروهایی هم که پزشک توصیه می‌کرد باید از خودش تهیه می‌کردیم و فردای آن روز داروها را با پیک برایمان ارسال می‌کرد.»

با این شکایت‌ها، بازپرس شعبه دوم دادسرای جرایم پزشکی دستور انتقال نمونه داروها به آزمایشگاه را صادر کرد تا بررسی شود. آزمایش‌های پزشکان متخصص نشان می‌داد مواد مخدر شیشه در ساخت این داروها استفاده شده است. داروهایی که باعث شده بود زنان و دختران جوان دچار توهم و اعتیاد شدید شوند. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد فرد مورد نظر نه‌تنها پزشک طب سنتی نیست، بلکه فقط مدرک تحصیلی دیپلم دارد و تا به حال دو مرتبه به اتهام مداخله در امور پزشکی بازداشت شده است.

در ادامه تحقیقات، کارآگاهان راهی مطب دکتر قلابی شده و او را بازداشت کردند. اما بررسی‌ها نشان می‌داد وی داروهایش را در خانه‌ای در غرب تهران نگهداری می‌کند. بدین ترتیب مأموران راهی خانه‌اش که بیشتر شبیه آزمایشگاه بود شدند و تعداد زیادی قرص و دارو کشف کردند؛ داروهایی که در آن ماده مخدر شیشه استفاده شده بود. این در حالی بود که در بازرسی از خانه دکتر طب سنتی ۲۰۰ گوشی تلفن همراه نیز کشف شد.

در ادامه تحقیقات دکتر قلابی که دستش رو شده بود، لب به اعتراف گشود و گفت:«تحصیلاتم دیپلم است اما علاقه زیادی به پزشکی دارم و دلم می‌خواست شیمیدان می‌شدم. همین علاقه باعث شد در این زمینه مطالعه کنم و آزمایشگاه کوچکی تأسیس کرده و در زمینه لاغری فعالیتم در آزمایشگاه را ادامه دهم.»

او ادامه داد:«دو صفحه اینستاگرامی داشتم و همچنین در آزمایشگاهم داروهایی درست می‌کردم و روی هر کدام از آنها یک اسم می‌گذاشتم. از شیشه برای ساخت این داروها استفاده می‌کردم چون می‌دانستم شیشه باعث لاغری شدید و زودهنگام می‌شود. برای اینکه بتوانم مشتری جلب کنم با فتوشاپ تصاویری از خودم با افراد مطرح درست می‌کردم و در صفحه اینستاگرامم قرار می‌دادم. من حتی برای جلب اعتماد، خودم را به نام یکی از پزشکان معروف و مطرح معرفی می‌کردم.»

با اعتراف مرد جوان، تحقیقات برای شناسایی سایر شاکی‌های این پزشک قلابی ادامه دارد.

دستگیری صیادان غیرمجاز کرخه

صیادان غیرمجاز که با دستگاه شوک الکتریکی در کرخه ماهیگیری می‌کردند دستگیر شدند.

علی‌سجاد جلالی، رئیس پارک ملی کرخه به ایلنا گفت: «مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست با همکاری پاسگاه شهید عباس نادری شوش و با استناد به گزارش‌های مردمی، یک قایق ماهیگیری را با سه سرنشین که در حال صید ماهی در رودخانه کرخه با دستگاه الکتروشوک بودند، شناسایی کردند. متهمان هنگام انتقال ادوات صید غیرمجاز با یک دستگاه خودروی سمند، با دیدن مأموران قصد فرار داشتند که با اقدام به‌موقع و شلیک هشدار، خودرو متوقف و یکی از متهمان دستگیر شد و همدستانش فرار کردند.» جلالی با بیان اینکه از این افراد دو باتری بزرگ، یک دستگاه الکتروشوک و تعداد زیادی ماهی کشف و ضبط شده است، گفت: «متهمان دارای سوابق صید غیرمجاز هستند و پرونده آنها براساس قانون شکار و صید به مراجع قضایی ارجاع شد.» سروان صادق سعدی، رئیس پاسگاه شهید عباس نادری شوش نیز اعلام کرد:« متهمان متواری با اقدامات اطلاعاتی شناسایی و به پاسگاه احضار شدند و پس از بازجویی، آنها نیز برای طی مراحل قانونی به دستگاه قضایی معرفی شدند.»

۵ کشته در نزاع باغ پسته

نزاع مسلحانه به علت اختلافات ملکی در باغات پسته روستای سیوکی تربت‌حیدریه ۵ کشته و ۴ زخمی برجا گذاشت. محمدحسین حسن‌نژاد، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان تربت‌حیدریه گفت: «صبح چهارشنبه خبر نزاعی خونین در یکی از باغات پسته به پلیس اعلام شد و بلافاصله دادستان، بازپرس ویژه قتل، نیروهای انتظامی، پلیس آگاهی، پزشکی قانونی و سایر عوامل امنیتی و قضایی در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد ۲ طرف این نزاع از گذشته اختلافاتی داشتند که پرونده‌ای هم با همین موضوع در دادگستری ثبت شده است و این درگیری بر سر باغ پسته (زمین و محصول) بوده است. در این درگیری ۵ نفر از طرفین درگیری کشته و ۴ نفر نیز زخمی شده‌اند. ضاربین از محل متواری شده بودند و اقدامات لازم و گسترده‌ای برای شناسایی و دستگیری متهمان در دستور کار قرار گرفته است.»

مرگ ۲ کارگر در آتش‌سوزی انبار

آتش‌سوزی در یک کارگاه مصنوعات چوبی در محله علی آباد جاده ساوه منجر به مرگ ۲ کارگر افغانستانی شد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در تشریح جزئیات این حادثه گفت: «ساعت ۷:۳۳ صبح چهارشنبه، یک مورد آتش‌سوزی در کارگاه و انبار نگهداری مصنوعات چوبی و کارتن، به آدرس جاده ساوه، محله علی‌آباد قاجار اعلام شد. سه ایستگاه آتش‌نشانی، به‌همراه تانکر آب و خودروی حامل تجهیزات تنفسی، از تهران به‌عنوان نیروی کمکی به محل اعزام شدند. عوامل آتش‌نشانی علی‌آباد قاجار و آتش‌نشان‌های محلی نیز در محل حضور داشتند.» او ادامه داد: «محل آتش‌سوزی، یک سوله مسقف به وسعت حدود ۵۰۰ متر بود که محل نگهداری مقدار زیادی مصنوعات چوبی، تخته و کارتن بود. سوله کاملاً شعله‌ور بود و بخشی از سقف نیز تخریب شده و با وجود حجم زیادی از حرارت و شعله‌های فراوان که به بیرون زبانه می‌کشید، آتش‌نشانان عملیات مهار را ادامه دادند و از گسترش بیشتر آتش و سرایت آن به کارگاه‌ها، انبارها و کارخانه‌های همجوار جلوگیری کردند. حین عملیات، پیکر دو کارگر افغانستانی که در میان دود و شعله‌های زیاد، محبوس و دچار سوختگی شده بودند پیدا شد که از محل خارج و تحویل عوامل اورژانس داده شدند اما فوت کرده بودند. ساعتی بعد نیز آتش مهار شد.»

خبر پلیس

رئیس پلیس راهور فراجا:

افزایش نگران کننده تلفات جاده ای در ۳ استان مرزی

گروه حوادث: رئیس پلیس راهور فراجا از افزایش ۳ درصدی جانباختگان تصادفات در استان‌های مرزی کشور در بازه زمانی یازده‌روزه - چهارم تا چهاردهم مرداد امسال- نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر داد.

سردار تیمور حسینی گفت: «در این مدت در پنج استان مرزی شامل ایلام، کرمانشاه، خوزستان، کردستان و آذربایجان غربی، تعداد جان‌باختگان ناشی از تصادفات به ۷۷ نفر رسید که در مقایسه با مدت مشابه قمری سال گذشته، افزایش ۳ درصدی معادل ۲ نفر را نشان می‌دهد. همچنین در این مدت- چهارم تا چهاردهم مرداد- یک هزار و ۷۸۳ نفر در تصادفات جاده‌ای مجروح شدند که در مقایسه با سال گذشته با کاهش ۱۷ درصدی معادل ۳۵۸ نفر همراه بوده است. از این میان، پنج نفر از فوتی‌ها زائرانی بودند که در مسیر حرکت به سوی مرز مهران جان باختند. این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل که هشت نفر فوت شده بودند، ۳۸ درصد کاهش یافته است.»

حسینی خاطرنشان کرد:« از نظر زمانی، بیشترین تصادفات در ساعات بین ۱۶ تا ۲۰ عصر رخ داده که سهمی معادل ۲۵ درصد از کل تصادفات داشته است. نکته قابل تأمل، افزایش ۴ درصدی سهم تصادفات در بازه ۸ تا ۱۲ صبح و افزایش ۲ درصدی در بازه ۱۲ شب تا ۴ صبح نسبت به سال گذشته است. این موضوع نیازمند توجه بیشتر به کنترل محورهای مواصلاتی در این ساعات و تأکید جدی‌تر بر لزوم استراحت کافی و پیشگیری از خستگی و خواب‌آلودگی رانندگان است.»

وی همچنین گفت: «در میان استان‌های مرزی، سه استان ایلام، آذربایجان غربی و کردستان با افزایش نگران‌کننده تلفات مواجه بوده‌اند. در استان ایلام، تعداد فوتی‌ها به ۹ نفر رسیده که نسبت به سال گذشته با افزایش ۵ نفری معادل ۱۲۵ درصد همراه بوده است.

در آذربایجان غربی نیز تعداد فوتی‌ها ۱۷ نفر گزارش شده که نسبت به سال قبل، رشد ۳۱ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین در استان کردستان، ۱۴ نفر در تصادفات جان باخته‌اند که این رقم نیز نسبت به سال گذشته، معادل ۴۰ درصد افزایش داشته است. استان ایلام علاوه بر این، با ثبت ۱۴۶ مجروح، نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش ۲۱ نفری معادل ۱۷ درصد را تجربه کرده است که نشان می‌دهد این منطقه نیازمند اتخاذ تدابیر پیشگیرانه جدی‌تر و افزایش تمهیدات ترافیکی است.»

جدول سودوکو ۴۸۱۸

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۳		۷		۶	۴			
۲			۵	۷				
					۱		۷	۶
۷	۲				۳		۸	۵
		۴		۵		۹		
۸	۵		۴				۱	۳
۹	۸		۶					
				۳	۷			۸
			۸	۴		۶		۱

متوسط

۵		۲	۶					
	۷			۵		۹	۶	
۹			۸	۳				
	۱	۷						۲
۲								۳
۴						۶	۸	
				۸	۱			۹
	۹	۸		۴			۵	
					۶	۴		۸

سخت

		۴		۱			۷	
۸				۶				
۳	۶							۴
			۱				۸	
	۱	۷		۲		۵	۶	
	۸				۹			
۹							۵	۲
				۴				۳
	۵			۳		۹		

خیلی سخت

		۹						
			۳			۹		۴
		۴	۹			۲	۱	۳
			۴	۳			۶	
۵								۲
	۶			۹	۸			
۲	۷	۵			۹	۸		
۶		۱			۷			
						۱		

حل جدول سودوکو شماره ۴۸۱۸

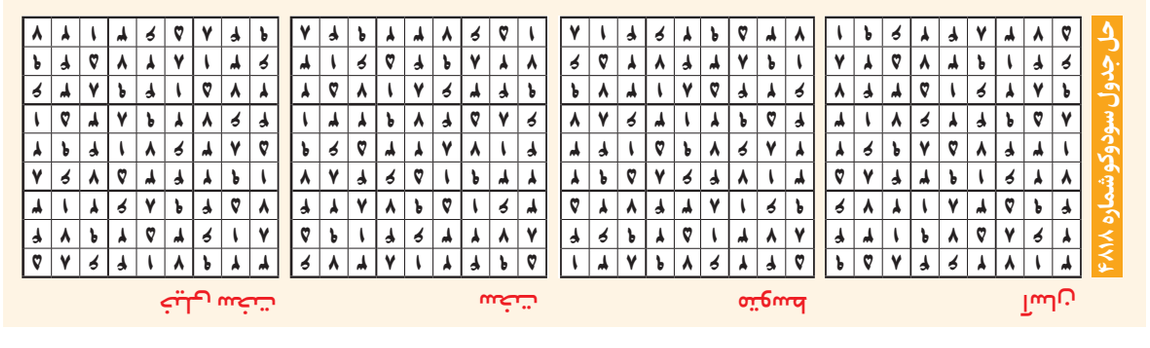

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۸۰۷

جدول عادی

افقی:

۱- ورزش زیبایی‌اندام - خوش‌رفتار و خوش برخورد
۲- بیهوده، دروغکی - بزرگترین قاره - ملیح
۳- نام مردانه - دیرنشین - ایستاده
۴- حجم چرب! - والده - شهری حومه لاریجان آمل - خاک سرخ
۵- تصدیق ترکی - یکی از بزرگ‌ترین شهرهای «ژاپن» - رفیق شفیق
۶- نوشته شده - ایوان و مهتابی - نام مردانه فرنگی
۷- ۹۲ سانتیمتر - غیبت کردن - اندازه دستی!
۸- تاج - همدم، معشوق - کمک
۹- ایستگاه پیک‌ها - دستگاه پیاده‌روی - اندک و کم
۱۰- حرف اضافه - برادر - فراوان‌ترین ترکیب اکسیدی موجود در پوسته زمین
۱۱- بازی شوترآنلاین - استانی در شرق تهران - ردیف
۱۲- ضمیر اجتماعی - بخش مرغوب گوشت - با «لرز» آید - قربانی
۱۳- سومین شهر بزرگ «ایتالیا» - نغمه‌خوانی - برش کنگره‌ای
۱۴- شهر «پل دختر» - امر از زدودن - به‌حد کمال نرسیده
۱۵- رفاقت‌آمیز - بیماری شبکیه چشم

عمودی:

۱- بازیگر فیلم «پیرپسر» (روی پرده سینما) - بنده را از آن کلاهی نیست
۲- تشویش، اضطراب - نسیم شب - لباس شنا
۳- ناشناس - داروی روی زخم - یدک ماشین
۴- بهینه‌سازی سایت برای موتورهای جست‌وجو - مقابل «تندی و سرعت» - از گروه‌های خونی - وسیله‌ای برای ترمز در خودرو
۵- اضافه و غیرضروری - خلاف کرده - بله شیرازی
۶- زاییدن - کج و مایل - از دیگران نقل‌قول کردن
۷- آسانی - محصل تنبل! - گاه بر اندام افتد
۸- اشاره به‌کسی که نخواهند اسمش را ببرند - قدم برداشتن - رشته‌کوهی در جنوب شهر تبریز
۹- آبزی لذیذ - سومین صنعت درآمدزا در جهان - نوعی کامیون
۱۰- گویش محلی استان هرمزگان به خصوص بندرعباس - نرم شدن - قمر مشتری
۱۱- رودآرام - مقابل «زمینی» - ناچار
۱۲- گذرگاه - چاشنی گوجه‌ای - زندانی در تهران - هر چیز بد و زشت
۱۳- ریاضیدان فرانسوی - پیام‌های صوتی - مرادف «بهمان»
۱۴- حرف مجهول ریاضی - مقابل «تأهل» - یک نوع گل سرخ
۱۵- بلا و فرصت‌طلب - رشته دانشگاهی

جدول ویژه

افقی:

۱- مرکز «سیرالئون» - اثر «جووانی بوکاچیو»
۲- لایه محافظ - شهری در شمال غربی مدینه منوره - شخصیتی در شاهنامه
۳- بی‌حرکت - شخصیت کارتونی - ستاره
۴- بسیار نور دهنده - برج معروف اروپا - بندپایی سمی - ریاضیدان نابغه
۵- بخیه درشت - مناسب - کاغذی نامرغوب
۶- به حد کمال رسیدن - از لوازم آرایشی - خدای قلندر
۷- سمت چپ - پیش‌پرده اپرا - نامی دخترانه
۸- بهتان زدن - حرف نهم یونانی - تحمیل
۹- پیشوندی به‌معنی سوی - برابر ده متر - ذلیل
۱۰- یازده! - روح و جان - گلی خوشبو
۱۱- آگهی دیواری - فیلم حمید نعمت‌الله - بازیکن فقید کامرونی
۱۲- هواپیمای عجول - شریک زندگی - آغوش - یار «مهره»
۱۳- وسیله و ابزار - طبق تشریفات - وسیله توزین
۱۴- مایع ضدعفونی - بی‌باکی - علت، برهان
۱۵- نسبت دادن ناآگاهانه اعمال، عیب‌ها و امیال ناپسند خود به دیگران - نام تجاری نوعی سس فلفل تند

عمودی:

۱- واحد پول کشور «مالی» - حسرت
۲- سخت و محکم - چند سفیر - دیوار
۳- کل و سراسر - شرکت خودروساز هندی - شهر «کانادا»
۴- ظرف رختشویی - تکرار شده - تاقچه قدیمی - نیست شدن
۵- خبرگزاری «ایتالیا» - داروها - منقار مرغان
۶- کلام شگفتی - شتر بی‌کوهان - شهر «یخدان فروتقه»
۷- فیلمی با بازی نگار عابدی - سدی در آذربایجان شرقی - رخوت
۸- خنک - طاووس اسپانیولی - چهلمین کشور بزرگ جهان از نظر مساحت
۹- مقابل «ریز» - ماشین چاپ - بیماری ستور
۱۰- بهره‌هوشی - جیره غذای روزانه - حرف مفعولی
۱۱- صدمه - شهر استان فارس - خلق و خو
۱۲- نمونه خروار است - سیاهدانه معطر - دسر منجمد - خرقه
۱۳- بیماری در دارالمجانین - آرامش و بی‌حرکتی - واحد مکالمه تلفن
۱۴- سریالی با حضور الهام طهموری - مانند - علم مطالعه خواص طبیعت
۱۵- بانگ - اثر «پاتریک مودیانو»

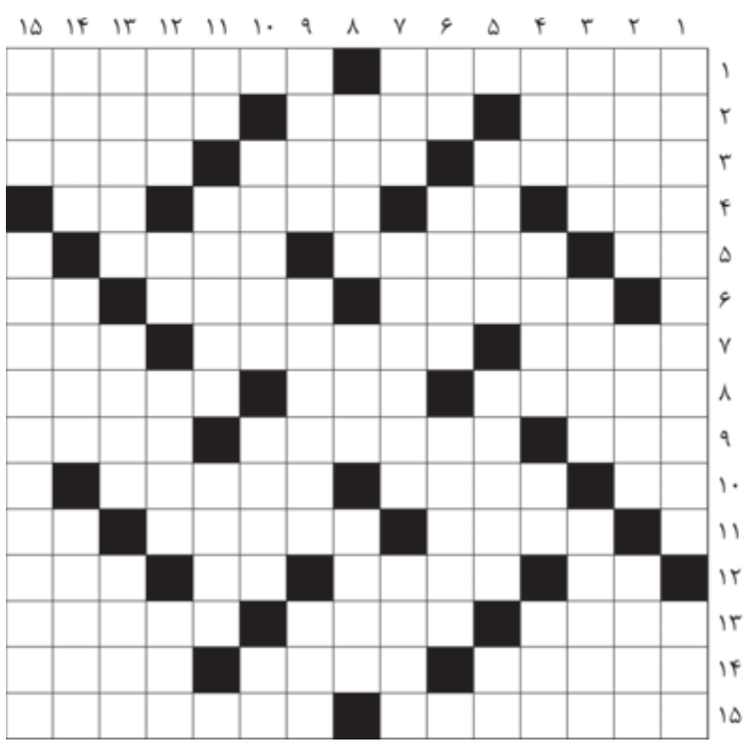

حل جدول عادی شماره ۸۸۰۶

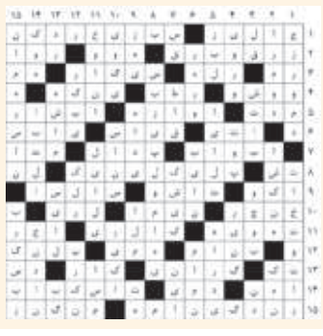

حل جدول ویژه شماره ۸۸۰۶

مصاحبه

رویای نایب قهرمان ۸۰۰ متر آسیا برای قهرمانی جهان

امیریان: با رکوردزنی در لیگ سهمیه می‌گیرم

گروه ورزشی / علی امیریان دونده ۸۰۰ متر ملی‌پوش، این روزها رویای حضور در قهرمانی جهان را با ورودی مستقیم در سر دارد. او با ثبت رکورد یک دقیقه و ۴۴ ثانیه و ۹۷ صدم ثانیه در قهرمانی آسیا، تنها ۴۷ صدم ثانیه با ورودی رقابت‌های دوومیدانی قهرمانی جهان فاصله دارد. امیریان که از جمع ۶۵ نفر اول رنکینگ جهانی خارج شده، با جا ماندن از مسابقه هند، تنها یک راه برای تحقق آرزوی خود یعنی دویدن کنار غول‌های نیمه‌استقامت دنیا دارد؛ رکوردزنی در لیگ دوومیدانی ایران، آن هم قبل از پایان مهلت. او هر چند کار سختی دارد اما می‌گوید:«من بعد از نایب قهرمانی آسیا نفر ۴۸ رنکینگ جهانی شدم اما با تجاوز رژیم صهیونی نتوانستم در مسابقه بین‌المللی بدوم و با سقوط ۱۰ پله‌ای، از جمع ۵۶ نفر اول خارج شدم. از طرفی ویزایم برای مسابقه هند جور نشد تا بدشانسی‌ام تکمیل شود. حالا تنها یک شانس برای گرفتن سهمیه قهرمانی جهان دارم و آن هم رکوردزنی در لیگ برتر دوومیدانی است که ۲۷ مردادماه آغاز و ۵ شهریورماه هم مهلت سهمیه تمام می‌شود.»
البته او در نبود رقیبی سرسخت، برای تحقق آرزویش کار راحتی ندارد:«می‌دانم رکوردزنی، وقتی تنهایی کار راحتی نیست. چرا که در مسابقه ۸۰۰ متر باید یک دونده دو را بکشد. معمولاً در لیگ الماس یا قهرمانی جهان و آسیا، یک دونده کمک‌کننده، بقیه دونده‌ها را می‌کشد، اما من آن را در لیگ ایران ندارم، مگر اینکه از کسی بخواهم به من کمک کند. حتی در جام کازانف قزاقستان هم شرایط مناسبی برای رکوردزنی نداشتم، چرا که فضای استادیوم بسته نبود و باد زیاد اجازه نداد خودم به تنهایی رکورد خوبی بزنم، اما در لیگ دوومیدانی همه تلاشم را می‌کنم.»
نایب قهرمان ۸۰۰ متر آسیا، این روزها بدون مربی و با برنامه سابق تمرین می‌کند:«من بعد از قهرمانی آسیا و اتفاقی که در کره جنوبی برای مربی‌ام افتاد، فعلاً مربی جدیدی مدنظرم نیست چرا که فدراسیون پیگیر کار او هست و من هم منتظر می‌مانم تا برگردد. این روزها من تنها هستم و با برنامه‌های قبلی‌ام تمرین می‌کنم.»

سوژه

توافق ۴ ساله استقلال با سحرخیزان

فرمول ملی‌پوش شدن در دست ساپینتو

گروه ورزشی / پس از چند هفته مذاکره و گمانه‌زنی، به نظر می‌رسد استقلال به شرایط بهتری در بحث مذاکرات نقل و انتقالاتی رسیده و بعد از قطعی شدن انتقال یاسر آسانی به این تیم، حالا توافق نهایی این باشگاه با سعید سحرخیزان، ستاره فصل گذشته خط حمله تیم اورنبورگ روسیه انجام شده است.
ابتدا گفته می‌شد استقلال علاقه‌مند است با این بازیکن به طور قرضی توافق کند، اما حالا مذاکرات برای پیوستن دائمی سحرخیزان به استقلال با قراردادی چهار ساله در مرحله نهایی قرار دارد.
این بازیکن در آخرین مسابقه تیمش در لیگ روسیه نیز غایب بود تا شایعات جدایی وی از اورنبورگ و پیوستن به استقلال بیش از گذشته قوت بگیرد.
این مهاجم که سابقه بازی در هوادار و گل‌گهر را دارد، به اردوی تیم ملی دعوت شده اما فرصت بازی رسمی زیر نظر امیر قلعه‌نویی را پیدا نکرده است و شاید انتقال به استقلال در سال منتهی به جام جهانی و تبدیل شدن به گزینه اول خط حمله این تیم، بتواند اقدامی مؤثر و بزرگ برای پوشیدن پیراهن تیم ملی توسط سحرخیزان در جام جهانی ۲۰۲۶ باشد. سحرخیزان که بر اساس قوانین کارگروه ناظر بر قراردادها در فوتبال ایران، نمی‌تواند به طور قرضی راهی استقلال شود، در ۳۰ مسابقه فصل گذشته لیگ روسیه برای اورنبورگ ۸ بار گلزنی کرد اما نتوانست مانع از سقوط تیمش به دسته پایین‌تر شود؛ هرچند که در نهایت با حکم دادگاه و به شکلی غیرفوتبالی، اورنبورگ به لیگ برتر روسیه بازگشته است.

وزیر ورزش یار پانزدهم تیم پیاتزا

گروه ورزشی / قرار بود اردوی تیم ملی والیبال، ساعت ۱۵ در سالن زنده‌یاد یزدانی خرم‌آباد آغاز شود، اما آغاز اردو کمی به تعویق افتاد. پس از پایان تمرین تیم جوانان، همه به تکاپو افتادند تا سالن را برای حضور وزیر ورزش آماده کنند تریبونی در وسط سالن قرار گرفت، با پیراهن تیم ملی شماره ۱۵ و یک توپ والیبال روی کف‌پوش سالن. کم‌کم ملی‌پوشان وارد سالن شدند. همه‌چیز برای ورود میهمان ویژه مهیا بود. اما جلسه خصوصی احمد دنیامالی، وزیر ورزش، با سیدمیلاد تقوی، رئیس فدراسیون والیبال، به طول کشید و باعث شد حضور وزیر در سالن با تأخیر همراه شود. با ورود وزیر، روبرتو پیاتزا سرمربی تیم ملی و سید میلاد تقوی در کنارش ایستادند و بازیکنان نیز در ردیفی منظم مقابل آنان صف بستند. دنیامالی خطاب به بازیکنان گفت: «من امروز در تمرین تیم ملی والیبال حضور پیدا کردم تا پیام دولت را به شما برسانم. سلام نظامی شما در زمان جنگ ۱۲روزه، نشان اقتدار ملی و روحیه سلحشوری شما بود. امیدوارم در آینده نیز خبرهای خوبی از تیم ملی بشنویم تا دل مردم شاد شود.» مرتضی شریفی، کاپیتان جدید تیم ملی نیز از وزیر ورزش خواست که حمایت‌ها و توجه بیشتری به والیبال شود. در پایان، بازیکنان با امضای توپ والیبال و اهدای پیراهن شماره ۱۵ تیم ملی، هدیه‌ای به وزیر تقدیم کردند. پس از ثبت عکس یادگاری، وزیر ورزش سالن را ترک کرد.

تراکتور - استقلال
رقابت هیجان‌انگیز یا بازی تدارکاتی

سوپرجام بی‌فایده

ایلیا بهزاد اول/ پس از چندین فصل برگزاری رقابت سوپرجام ایران در میانه فصل، سرانجام قرار است دیدار استقلال و تراکتور در مسابقه سوپرجام ایران روز ۲۰ مرداد به میزبانی ورزشگاه نقش جهان بین قهرمان لیگ برتر و جام حذفی در فصل گذشته برگزار شود. سؤال در خصوص برگزاری این مسابقه این‌جاست که طی سال‌های اخیر، دیدار سوپرجام چه آورده‌ای برای فوتبال ایران و باشگاه‌های حاضر در آن داشته است؟ در فوتبال ایران، خبری از درآمدهای تبلیغاتی قابل توجه نیست و ورزشگاه‌های میزبان مسابقات سوپرجام نیز نتوانسته‌اند چندان روی برگزاری این مسابقه در سال‌های اخیر مانور تبلیغاتی بدهند. با اینکه سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال، برای باشگاه‌های حاضر در سوپرجام و تیم قهرمان این رقابت، هیچ پاداش خاص و ویژه‌ای را در نظر نمی‌گیرند و به همین دلیل، تنها فایده سوپرجام را می‌توان برگزاری یک بازی باکیفیت برای تیم‌های حاضر در این رقابت در نظر گرفت؛ فایده‌ای که حتی در سال‌های اخیر و با توجه به برگزاری سوپرجام در میانه فصل، چندان مورد توجه باشگاه‌ها قرار نمی‌گرفت. حالا استقلال و تراکتور، خوش‌شانس هستند که یک هفته پیش از مسابقه حساس در هفته اول لیگ، فرصت تقابل با یکدیگر در سوپرجام را دارند تا نقاط قوت و ضعف خود را در یک دیدار رقابتی شناسایی کنند. در فوتبال جهان اما سوپرجام، به عنوان یک مسابقه کاملاً سودده شناخته می‌شود. برگزاری سوپرجام اسپانیا و ایتالیا به صورت چهارجانبه در عربستان، طی سال‌های اخیر موجب درآمدزایی ویژه برای باشگاه‌های حاضر در این مسابقات شده است.
در سوپرجام انگلیس نیز درآمد حاصل از این بازی، وقف کمک به تیم‌هایی می‌شود که در سطوح پایین‌تر فوتبال انگلیس قرار دارند و هدف از برگزاری این مسابقه بجز آغاز رسمی فصل انگلیس، کمک به تیم‌های رده پایین فوتبال کشور نیز هست.

نفس‌های تازه
روی نیمکت‌های لیگ

چرخه را تغییر بدهید

گروه ورزشی / یکی از نکات امیدوارکننده و جذاب در خصوص لیگ بیست و پنجم که از روز ۲۷ مرداد آغاز خواهد شد، حضور چند سرمربی جدید و جوان روی نیمکت تیم‌های لیگ برتری است. پرسپولیس برای اولین بار به عنوان یک تیم حرفه‌ای بزرگسالان، به وحید هاشمیان اعتماد کرده و این سرمربی برای اولین بار حضور روی نیمکت پرسپولیس را در این فصل تجربه خواهد کرد.
شمس آذر قزوین در اقدامی جالب و دور از انتظار، وحید رضایی را به عنوان سرمربی جدید خود انتخاب کرده و قاسم حدادی فر اسطوره باشگاه ذوب‌آهن نیز در روزهای سخت این باشگاه به لحاظ مالی، چالش بزرگ هدایت کادر فنی این تیم را قبول کرده است. در کنار این سه سرمربی تازه وارد لیگ برتر، پیروز قربانی پس از عملکرد موفق و قهرمانی مقتدرانه در لیگ یک نیز برای اولین بار هدایت یک تیم لیگ برتری را تجربه می‌کند.
حضور این چهار سرمربی جوان و تازه کار در لیگ برتر ایران که طی سال‌های اخیر وارد یک چرخه باطل و تکراری در ایده‌های فنی شده، می‌تواند خبر خوبی برای فوتبال کشور باشد. به شرطی که سیستم نتیجه‌گرا و نه‌چندان آینده‌نگر فوتبال کشور، اجازه نفس کشیدن و عرض اندام را به این سرمربیان جوان بدهد و باشگاه‌ها خیلی زود از اعتماد به این سرمربیان جوان و تازه‌نفس، پشیمان نشوند.
برای خروج فوتبال ایران از شرایط روتین فعلی که خبری از پرورش استعدادها در لیگ و کاهش میانگین سنی تیم ملی نیست، هیچ چیز بیشتر از نگاه آینده‌نگر و کار اصولی از سوی باشگاه‌ها بر پایه جسارت مربیان تازه‌وارد و نوگرا، نمی‌تواند چاره‌ساز باشد و امیدواریم که در لیگ برتر این فصل، شاهد ایده‌ها و خلاقیت‌های جدید از سوی سرمربیان جوان لیگ برتری باشیم؛ سرمربیانی که می‌توانند طی سال‌های آینده، تبدیل به سرمایه‌های اصلی فوتبال ایران در بحث مربیگری شوند.

گزارش «ایران» از رشد نرخ قراردادهای مدافعان لیگ برتر که باشگاه‌ها را به دردسر انداخت

کابوس دستمزدهای نجومی

محمدرضا رحیم‌پور/ تجربه نشان داده در لیگ برتر ایران، تیمی به موفقیت می‌رسد که ابتدا در خط دفاعی، ساختاری مستحکم داشته باشد. همین واقعیت باعث شده با نزدیک شدن به فصل جدید، نگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری به مدافعان میانی دوخته شود؛ جایی که نقل‌وانتقالات پرهیاهو و افزایش عجیب قیمت‌ها، این پست را به مهم‌ترین سوژه تابستان فوتبال ایران تبدیل کرده است.

امیر قلعه‌نویی در پست دفاعی بیشتر بر بازیکنان باتجربه‌ای چون کنعانی‌زادگان پورعلی‌گنجی، شجاع خلیل‌زاده و عارف آقاسی متمرکز بوده و تنها حضور چهره جوانی مثل زارع، روزنه‌ای از امید به آینده را زنده نگه داشته است

طرح: حامد حسینی

1 زارع و آقاسی دو نام یک تابستان پرهیاهو

بدون شک، دو نام بزرگ نقل‌وانتقالات امسال، زارع و آقاسی بودند. زارع پس از مذاکرات طولانی با استقلال و پرسپولیس، راهی روسیه شد و اندونگ، هم‌تیمی‌اش در گل‌گهر، نیز به همان مقصد رفت تا بهترین خط دفاع فصل گذشته عملاً از هم بپاشد. آقاسی هم سرانجام پس از شایعات فراوان، پیراهن استقلال را بر تن کرد و بار دیگر ثابت شد که مدافعان طراز اول، سوژه اصلی رقابت میان تیم‌های بزرگ هستند و از این میان، بیشترین سود به جیب دلال‌ها رفت و بازار نقل‌وانتقالات بیش از همیشه ملتهب شد.
افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها در این پست کار را به جایی رساند که برخی تیم‌ها عطای مدافعان داخلی را به لقایش بخشیدند و سراغ گزینه‌های خارجی رفتند.

افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها در پست دفاعی کار را به جایی رساند که برخی تیم‌ها عطای مدافعان داخلی را به لقایش بخشیدند

2 تیم ملی و نگرانی‌های ساختاری

با نگاهی به لیست‌های اخیر تیم ملی می‌توان فهمید که انتخاب‌های امیر قلعه‌نویی در پست دفاعی بیشتر بر بازیکنان باتجربه‌ای چون کنعانی‌زادگان، پورعلی‌گنجی، شجاع خلیل‌زاده و عارف آقاسی متمرکز بوده و تنها حضور چهره جوانی مثل زارع، روزنه‌ای از امید به آینده را زنده نگه داشته است. با این حال، میانگین بالای سنی این خط دفاعی، نگرانی‌هایی برای جام جهانی آینده به‌وجود آورده است. واقعیت آن است که فوتبال ایران، برخلاف دوران کی‌روش که ساختار دفاعی‌اش مثال‌زدنی بود و مدافعان زیادی را از لیگ ایران به سایر نقاط دنیا صادر می‌کرد، امروز با بحران کمبود استعداد در این پست روبه‌روست. همین ضعف باعث شده باشگاه‌ها ناگزیر به جذب گزینه‌های خارجی شوند؛ اتفاقی که به‌نوعی اعتراف به کمبود مدافعان آماده در لیگ داخلی است.

3 آزمون بزرگ فصل جدید

با این شرایط، فصل پیش‌رو را می‌توان آزمونی سرنوشت‌ساز برای مدافعان لیگ برتر دانست. بازیکنانی که هر اشتباهشان زیر ذره‌بین قرار دارد و هر درخشش‌شان می‌تواند سکوی پرتابی برای حضور در تیم ملی یا حتی انتقال به لیگ‌های معتبرتر باشد. به‌نظر می‌رسد امسال بیش از هر زمان دیگری، رقابت قهرمانی از مسیر خط دفاعی می‌گذرد؛ جایی که ثبات، کیفیت فردی و هماهنگی گروهی، حرف اول را خواهد زد.

4 عملکرد فصل گذشته؛ سنگرهایی که فرو ریختند

در لیگ برتر فصل گذشته، گل‌گهر با تنها ۱۶ گل خورده بهترین آمار دفاعی را ثبت کرد، اما این تیم حالا دو ستون اصلی‌اش، محمدمهدی زارع و عثمان اندونگ، را از دست داده که هر دو به احمد گروژنی روسیه رفتند. تراکتور هم که با ۱۹ گل خورده در جایگاه دوم قرار داشت، با جدایی عارف آقاسی، ملی‌پوش تأثیرگذارش، ضربه بزرگی به ساختار این تیم وارد شد و با وجود اینکه محمدرضا زنوزی وعده جذب مدافع خارجی را داده بود، اما حالا فرشاد فرجی، بازیکن سابق پرسپولیس به‌عنوان جانشین او معرفی شده است. پرسپولیس، با ۲۰ گل خورده سومین خط دفاعی برتر بود که در تابستان امسال با جدایی دو مهره خود در این خط روبه‌رو شد. سرخ‌ها بدون گئورگی گولسیانی و فرجی وارد فصل جدید می‌شوند و حسین ابرقویی را از خیبر به‌عنوان مهره‌ای جویای نام به خدمت گرفته است. استقلال هم پس از ناکامی فصل قبل، علاوه بر خرید آقاسی، رستم آشورماتوف ازبک را به ترکیب اضافه کرده تا همزمان هم روی تجربه داخلی و هم خارجی سرمایه‌گذاری کند. در این میان، سپاهان با ثبات کامل پا به میدان گذاشته و ترکیب دانشگر، یزدانی و حزباوی را حفظ کرده است؛ تصمیمی که شاید مزیت هماهنگی را برای‌شان به همراه داشته باشد.

جای خالی استعدادیاب

مهدی پاشازاده
مدافع سابق تیم ملی فوتبال ایران

در سال‌های اخیر، در پُست دفاع، بازیکنانی داشته‌ایم که لژیونر کشورهای قطر و امارات بوده‌اند. اما واقعاً نمی‌توان به چنین بازیکنانی عنوان لژیونر به معنای واقعی کلمه اطلاق کرد. اگر به گذشته نگاه کنیم، به‌جز من و رحمان رضایی، دفاع وسط تأثیرگذار و شش‌دانگ دیگری به آن معنا در سطح بالای فوتبال اروپا نداشته‌ایم. متأسفانه نسل جدید ما در این پست با کمبود بازیکن سطح بالا مواجه است. متأسفانه در تیم‌های بزرگ، کمتر به جوان‌ها میدان داده می‌شود و نتیجه‌گرایی مانع بزرگی برای بازی دادن به جوان‌هاست. البته این مسأله مستقیماً به طرز فکر سرمربی هم بستگی دارد. اما واقعیت این است که ساختار درستی برای کشف و پرورش استعداد در فوتبال ما وجود ندارد. ما نه مدیر ورزشی حرفه‌ای داریم، نه استعدادیاب! در کشورهای پیشرفته، برای کشف استعداد، به استعدادیاب‌ها حقوق مشخص می‌دهند. اما در ایران، حتی این نگاه هم وجود نداشته. نمونه‌اش بازیکنی مثل زارع که اگر دید درستی وجود داشت، استقلال زمانی که این بازیکن در تیم‌های پایه‌اش بازی می‌کرد، می‌توانست او را قرضی به تیم‌های دیگر بفرستد تا وقتی ستاره شد، مجبور نباشد برای جذب او مبلغ زیادی هزینه کند. این یک حلقه گم‌شده در فوتبال ماست.

استقلال پس از ۷۵ سال به بسکتبال بازگشت

شاهین طبع به دنبال افتخاری جدید با آبی‌ها

گروه ورزشی / باشگاه استقلال بعد از تیمداری در حوزه فوتبال آقایان و بانوان، این‌بار گام در عرصه‌ای تازه اما آشنا گذاشته است؛ بسکتبال. تیم بسکتبال استقلال که اولین قهرمانی‌اش را در سال ۱۳۲۹ جشن گرفته بود، پس از حدود ۷۵ سال وقفه، بار دیگر به میادین بازگشت. آبی‌پوشان پایتخت با جذب مهران شاهین‌طبع، سرمربی سابق تیم ملی بسکتبال مردان و فرزانه جمامی، از مربیان نام‌آشنای بسکتبال زنان، به عنوان سرمربیان تیم‌های مردان و زنان استقلال، بازگشت رسمی خود به این رشته را اعلام کردند.
نقش فریده شجاعی، عضو هیأت‌مدیره باشگاه در احیای دوباره تیم بسکتبال استقلال پررنگ بوده است. البته پیشینه استقلال در بسکتبال به حضور چهره‌های برجسته‌ای چون عنایت‌الله آتشی نیز بازمی‌گردد؛ فردی که نه‌تنها در دوران فعالیت تیم بسکتبال استقلال بلکه در روند توسعه رشته‌های مختلف ورزشی این باشگاه نیز نقشی کلیدی ایفا کرد. همچنین نام خانواده مرحوم منصور پورحیدری همواره با نام استقلال گره خورده و در بسکتبال نیز حضوری معنادار داشته است. از دیگر نام‌های برجسته دنیای بسکتبال که علاقه خود به این باشگاه را پنهان نکرده‌اند، می‌توان به حامد حدادی و صمد نیکخواه‌بهرامی، دو اسطوره نسل طلایی بسکتبال ایران، اشاره کرد. هرچند آنها فرصت حضور رسمی در تیم استقلال را پیدا نکردند، اما حمایت معنوی‌شان از این بازگشت قابل توجه است. کارشناسان معتقدند با حضور چهره‌ای کارکشته چون مهران شاهین‌طبع و مدیریتی منسجم، تیم بسکتبال استقلال در کوتاه‌مدت می‌تواند به موفقیت‌های قابل‌توجهی دست یابد. باشگاهی که دو ستاره آسیایی در فوتبال را در کارنامه خود دارد، این‌بار در پی سومین ستاره است؛ ستاره‌ای که شاید این‌بار از آسمان بسکتبال بر سینه آبی‌پوشان بنشیند.

جانشین سیدحسین از مادرید آمد

استقلال، احیاگر دروازه‌بان سابق رئال؟

گروه ورزشی / روز گذشته آنتونیو آدان گزینه اول خارجی تیم استقلال برای پست دروازه‌بان به تهران رسید تا شاهد عقد قرارداد این دروازه‌بان ۳۸ ساله با استقلال تهران به عنوان جانشین سیدحسین حسینی درون دروازه استقلال باشیم.
آدان که پرورش یافته آکادمی باشگاه رئال مادرید است، در فصل ۲۰۱۲-۲۰۱۳ و پس از ایجاد تنش میان ایکر کاسیاس و خوزه مورینیو، ۸ بار درون دروازه رئال ایستاد و پس از آن، تیم دوران کودکی خود را به مقصد کالیاری ایتالیا ترک کرد.
پس از حضور کوتاه در کالیاری، حرفه او با حضور در رئال بتیس و صعود به لالیگا به همراه این تیم احیا شد تا آدان بار دیگر در سطح اول فوتبال اروپا حضور پیدا کند.

۳۰ حضور در ترکیب بتیس برای فصل ۲۰۱۷-۲۰۱۸ و در مجموع ۱۶۴ بازی برای این تیم، باعث شد تا اتلتیکو مادرید برای جذب این بازیکن به عنوان دروازه‌بان ذخیره، یک و نیم میلیون یورو هزینه کند.
طی دو فصل حضور در اتلتیکو، آدان تنها ۷ بار برای این تیم به میدان رفت اما این دوره حضور، باعث شد تا اسپورتینگ لیسبون روی آدان به عنوان دروازه‌بان اول خود حساب باز کند.
انتقالی که با ۱۵۶ بازی، ۶۸ کلین‌شیت، دو قهرمانی لیگ پرتغال، دو قهرمانی سوپرجام پرتغال و یک جایزه دروازه‌بان فصل پرتغال برای آدان در اسپورتینگ همراه بود. مصدومیت ۱۲۳ روزه او در فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۴ اما باعث شد تا آدان در فصل گذشته، از اسپورتینگ جدا شود و حالا پس از یک مصدومیت سنگین و یک فصل غیبت، استقلال می‌تواند فرصتی برای احیای دوران حرفه‌ای این دروازه‌بان باتجربه و ۳۸ ساله باشد.

زلزله همیشه مرگ‌آور نیست

تازه‌ترین تحقیق دانشمندان چینی نشان می‌دهد زمین لرزه زمینه‌ساز تجدید حیات در اعماق زمین می‌شود

علم

محبوبه ستارزاده
گروه علم و فناوری

دانشمندان چینی با شبیه‌سازی زلزله، دریافتند نیروی ناشی از جابه جایی گسل‌ها در پوسته زمین می‌تواند انرژی مورد نیاز برای حیات در اعماق کره زمین را فراهم کند. در واقع این مطالعه، بینش جدیدی درباره چگونگی بقای حیات در اعماق تاریک و تحت فشار سیاره ما ارائه می‌دهد. یافته‌های چنین تحقیقی، این ایده که نور خورشید منبع نهایی انرژی برای کل حیات است را به چالش می‌کشد و عملاً می‌تواند درک ما از احتمال وجود موجودات زنده در سیارات دیگر را متحول کند.

یک منبع انرژی ثابت

مدت‌ها تصور می‌شد که در اعماق زمین، بدون نور خورشید و مواد مغذی محدود، جایی وجود نداشته باشد که حیات بتواند در آن شکوفا شود، اما ظاهراً به هرحال حیات راهی پیدا می‌کند. پیش از این، اکوسیستمی از موجودات پروکاریوتی یا پیش‌هسته‌ای (موجودات تک سلولی بدون هسته و اندامک‌های غشادار مانند میتوکندری)، شناخته شده بود که در شرایط سخت رشد می‌کنند و به انرژی حاصل از واکنش‌های شیمیایی بین آب و سنگ وابسته هستند. در حالی که دانشمندان معتقد بودند گاز هیدروژن، منبع انرژی شناخته شده‌ای برای این موجودات محسوب می‌شود، اما منشأ اکسیدانت‌های ضروری برای متابولیسم آنها همچنان به عنوان یک راز باقی مانده بود. حالا به نظر می‌رسد این تحقیقات جدید، می‌تواند از این راز پرده بردارد. این تحقیق در واقع نشان داد که هرگونه فعالیت لرزه‌ای و شکستگی پوسته زمین می‌تواند به عنوان یک منبع انرژی ثابت عمل کرده و حیات در اعماق زمین را تقویت کند (اکسیدانت به موادی گفته می‌شود که با واکنش‌های شیمیایی باعث اکسیداسیون در مواد دیگر می‌شوند). تیم تحقیقاتی مؤسسه ژئوشیمی گوانگژو، جابه‌جایی نسبی در دوطرف گسل پوسته زمین در زمان وقوع زمین لرزه را در آزمایشگاه‌هایی مجهز شبیه‌سازی کردند. این تیم با تمرکز بر کانی سیلیکات رایج یعنی «کوارتز»، در نهایت دریافتند میکروب‌هایی که در اعماق زمین زندگی می‌کنند، می‌توانند انرژی مورد نیاز خود را از شکستگی‌های سنگ‌ها در اثر زلزله دریافت کنند.

سنگ‌های انرژی زا

شکستگی سنگ‌ها در اثر حرکت گسل‌ها، نیروی مورد نیاز برای تجزیه آب و ایجاد ترکیباتی غنی را فراهم می‌کند و زمینه‌ساز حیات در اعماق کره می‌شوند. جابه جایی گسل‌ها می‌تواند جفت‌های اکسایش-کاهش مختلفی ایجاد کند (جفت‌های اکسایش-کاهش (ردکس) به واکنش‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها، یک گونه الکترون از دست می‌دهد و گونه دیگر الکترون دریافت می‌کند). همچنین آهن به عنوان عنصر رایج در سنگ‌ها و آب‌های زیرزمینی، می‌تواند نقش کلیدی در این واکنش‌ها ایفا و منبع انرژی پایداری برای حیات در اعماق زمین و به‌طور بالقوه روی سایر اجرام سیاره‌ای فراهم کند.

روزنامه ساوت چاینا مورنینگ پست گزارش داد که محققان در این پژوهش، دو نوع اساسی از شکستگی سنگ‌ها را بازسازی کرده‌اند. اول شکستگی‌های کششی که در آن سنگ‌ها ترک می‌خورند و سطوح جدیدی را در معرض آب قرار می‌دهند و دیگری شکستگی‌های برشی که در آن گسل‌ها به طور مداوم سنگ‌ها را در آب خرد می‌کنند. انرژی مقطعی حاصل از شکستگی سنگ‌ها باعث تجزیه مولکول‌های آب و ایجاد مولکول‌های بسیار واکنش‌پذیری به نام رادیکال‌های آزاد می‌شود. پس از آن، این رادیکال‌های آزاد، گاز هیدروژن (H_2) به عنوان یک سوخت شناخته شده برای حیات زیرسطحی عمیق و اکسیدان‌های مهمی مانند پراکسید هیدروژن (H_2O_2) را ایجاد می‌کنند که از آنها می‌توان به عنوان منبع انرژی برای حیات میکروبی یاد کرد. همچنین این مطالعه نشان داد که ترکیبات تولید شده توسط زلزله، با آهن واکنش می‌دهند و آن را به اشکال مختلف آهن دو ظرفیتی (Fe^{2+}) و آهن سه ظرفیتی (Fe^{3+}) تبدیل می‌کنند. این تبدیل، به نوبه خود بر ژئوشیمی سایر عناصر تأثیر می‌گذارد و در نهایت متابولیسم میکروبی را حفظ می‌کند. لازم به ذکر است که بسته به شدت زلزله، میزان انرژی تولید شده واقعاً قابل توجه است. چرخه اکسایش آهن، بر ژئوشیمی سایر عناصر حیاتی مانند کربن، نیتروژن و گوگرد نیز به عنوان عناصر لازم برای حفظ حیات میکروبی، تأثیر می‌گذارد. در واقع می‌توان گفت جریان مداوم الکترون‌ها که توسط انرژی مکانیکی شکستگی سنگ و واکنش‌های شیمیایی بعدی هدایت می‌شود، یک «شبکه برق زیرزمینی» برای حفظ جوامع میکروبی منحصر به فرد ایجاد می‌کند.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات خبر داد

آغاز تولید فیبر نوری ایرانی در ونزوئلا

فاوا

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات که در نشست مشترکی با اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی شرکت کرده بود تا گزارشی درباره وضعیت ارتباطات در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ارائه دهد، در بخشی از سخنانش یادآور شد: « در راستای گسترش «دیپلماسی فناوری» کارخانه ایرانی فیبرنوری در ونزوئلا وارد مدار تولید شده است.» ستار هاشمی با اشاره به اینکه در جنگ ۱۲ روزه، با جنگ سایبری با پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین حملات مواجه بودیم، گفت: «روزانه ۲۰ هزار حمله به درگاه‌های ورودی و سامانه‌ها انجام می‌شد. اما با تلاش‌های انجام شده آسیب‌های این حملات به حداقل رسید و تماس و ارسال پیامک برقرار بود.» وی با بیان اینکه تعامل حداکثری با شرکت مخابرات در این جنگ به ایجاد پایداری در شبکه ارتباطی بسیار کمک کرد، اظهار کرد: « ما امروز با شناسایی نقاط ضعف خود در این حوزه به دنبال برطرف کردن آن هستیم.» وزیر ارتباطات با اشاره به اینکه وزارت ارتباطات پیشران تمام اتفاقات در کشور است، گفت: «با این حجم از توقعات جامعه و تکالیف برنامه هفتم، بودجه ۱۴۰۴ این وزارتخانه، کمترین رشد را تجربه کرد که امیدواریم نمایندگان در بودجه ۱۴۰۵ برای تحقق این اهداف کمک کنند.» هاشمی «دیپلماسی فناوری» را یکی از اولویت‌های وزارت ارتباطات دانست و افزود: «در همین یک سال گذشته، این دولت اقداماتی برای صادرات فناوری به کشورهای شاخ آفریقا، آمریکای لاتین و روسیه انجام داده است که امیدواریم صادرات این حوزه در افق برنامه، ۱۰ برابر افزایش داشته باشد.» عضو کابینه دولت با اشاره به توافقات انجام شده با ونزوئلا اعلام کرد: «بر اساس این توافقات کارخانه فیبرنوری ایرانی احداث شده در این کشور به تازگی راه‌اندازی شده و تولیدات خود را آغاز کرده است و شرکت‌های دانش‌بنیان کشورمان نیز در زیرساخت‌های ارتباطی ونزوئلا فعال شده‌اند.» وزیر ارتباطات با اشاره به برگزاری مزایده باند فرکانسی نسل پنجم تلفن همراه ۳۶۰۰ و ۳۸۰۰، یادآور شد: « اپراتورهای منتخب در حال تجهیز و توسعه رسمی نسل پنجم تلفن همراه در کشور هستند و تلفیق نسل پنجم با فیبرنوری، تأثیر قابل‌توجهی در بهبود کیفیت شبکه خواهد داشت.» هاشمی با اشاره به تلاش وزارت ارتباطات برای توسعه ارتباطات روستایی، از تشکیل قرارگاه هوشمندسازی مصرف انرژی برای کاهش ناترازی خبر داد و اعلام کرد، گزارش پیشرفت کار به صورت هفتگی ارائه می‌شود.

حوزه فاوا

■ احسان چیت‌ساز، معاون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه فاوا و اقتصاد دیجیتال وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، در رشته‌توئیتی در شبکه اجتماعی ایکس به اظهارات رئیس شورای شهر تهران واکنش نشان داد. مهدی چمران به تازگی گفته است در تاکسی‌های برخط که زیر نظر شهرداری و سازمان تاکسیرانی فعالیت می‌کنند، امنیت و شناسایی رانندگان برقرار است، اما سایر پلتفرم‌ها بدون مجوز قانونی فعالیت دارند. معاون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در ایکس نوشت: «رگولاتوری حوزه پلتفرم‌های هوشمند حمل‌ونقل، مطابق قانون در صلاحیت شهرداری نیست.» در بند «ح» ماده ۶۶ صراحتاً آمده است: «مسئولیت صدور پروانه تمام خدمات ارتباطی، فناوری اطلاعات و هوشمندسازی، سکوهای پیام‌رسان و... بر عهده وزارت ارتباطات است. عبارت سکوهای هوشمند شامل پلتفرم‌های تاکسی اینترنتی نیز می‌شود.»

دنیای موبایل

■ شنیده‌ها حاکی است اپل قصد دارد سری جدید آیفون ۱۷ را ۹ سپتامبر (۱۸ شهریورماه) معرفی کند. این تاریخ که پیش‌تر نیز به‌عنوان محتمل‌ترین گزینه برای رونمایی آیفون مطرح شده بود، اکنون با شواهد جدید تقویت شده است.

■ سامسونگ در نسل بعدی گوشی‌های پرچمدار خود به یک دستاورد مهندسی بزرگ دست پیدا خواهد کرد. براساس اطلاعات فاش شده، گلکسی S۲۶ اج با وجود بهره‌مندی از بدنه‌ای باریک‌تر از نسل قبل، به باتری بسیار بزرگ‌تر ۴۴۰۰ میلی‌آمپرساعتی مجهز خواهد شد و می‌تواند مشکل شارژدهی را به عنوان یکی از نقاط ضعف S۲۵ اج برطرف کند.

■ موتورولا در همکاری با شرکت جواهرسازی سواروفسکی، از مجموعه جدیدی شامل گوشی تاشوی ریزر ۲۰۲۵ و هندزفری موتو بادز لوپ رونمایی کرده که شروعی برای سری جدیدی به نام Motorola Collections است. روی گوشی ریزر ۲۰۲۵، تعداد ۳۵ جواهر دست‌ساز در یک الگوی سه‌بعدی با رنگ Ice Melt کار شده و در ساخت آن از چرم مصنوعی برای القای حس لوکس بودن استفاده شده است. هندزفری موتو بادز لوپ نیز روی بخش حلقوی خود کریستال‌های سواروفسکی دارد.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ با تجهیز جمینای گوگل به قابلیت Storybook، این هوش مصنوعی با دریافت یک توصیف ساده، کتاب داستان مصور ۱۰ صفحه‌ای همراه با تصویر تولید می‌کند و حتی می‌تواند آن را با صدای بلند بخواند.

■ علی بابا از مدل هوش مصنوعی جدیدی با نام Qwen-Image رونمایی کرده است که به کاربران امکان می‌دهد محتواهایی مانند پوستر فیلم، اسلایدهای ارائه، بنر برای ویترین فروشگاه، اشعار دست‌نویس و اینفوگرافی حاوی متن تولید کنند.

کوتاه از فناوری

■ فناوری فراصوت، باتری‌های ایمپلنت‌های کاشته در بدن از جمله ضربان‌سازها، محرک‌های عصبی و سامانه‌های دارورسانی را در کمتر از دو ساعت و بدون نیاز به جراحی شارژ می‌کند.

■ مایکروسافت به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس خود، از محصولی نوستالژیک رونمایی و کفش‌هایی با تم ویندوز XP راهی بازار کرده است. طراحی این کفش‌ها از والپیپر معروف Bliss الهام گرفته شده و آسمان آبی و تپه‌های سبز نمادین آن را تداعی می‌کند. این کفش‌ها همچنین با یک بسته شش‌تایی از آویزهای تزئینی عرضه می‌شوند که شامل آیکون‌های خاطره‌انگیزی مانند لوگوی قدیمی MSN، اینترنت اکسپلورر و نشانگر ماوس است.

همراه با غول‌های فناوری

■ گوگل اعلام کرده باگ‌هانتر یا شکارچی باگ هوشمند این شرکت به نام Big Sleep، توانسته ۲۰ آسیب‌پذیری امنیتی را کشف و گزارش کند.

خبرهای علم

■ شیشه نازک و شفافی که الکترودهای محرک با میدان الکتریکی، درون آن تعبیه شده‌اند، می‌تواند در عرض چند ثانیه خودش را تمیز کند و تا ۹۸ درصد ذرات را بدون استفاده از آب، مواد شیمیایی یا انرژی زیاد، پاک کند.

کهکشان

■ به گفته شان دافی، رئیس موقت ناسا، آژانس فضایی آمریکا قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ یک رآکتور هسته‌ای ۱۰۰ کیلوواتی روی ماه بسازد چراکه ماه بسیار کند می‌چرخد و شب روی ماه حدود دو هفته زمینی طول می‌کشد، پس انرژی خورشیدی، گزینه خوبی برای یک پایگاه سرنشین‌دار نیست.

استرالیا با «ابرباتری» برق تولید می کند

فناوری

قدرتمندترین باتری جهان با نام Waratah در استرالیا راه‌اندازی می‌شود. ظرفیت پیش‌بینی‌شده این ابرباتری، ۸۵۰ مگاوات و ۱۶۸۰ مگاوات‌ساعت خواهد بود و می‌تواند انرژی لازم برای تقریباً یک میلیون خانه را به مدت یک ساعت تأمین کند.

این ابرباتری که توسط شرکت Akaysha Energy مدیریت می‌شود، درحال حاضر نیز فعالیت محدودی دارد ولی گفته می‌شود استفاده از این باتری‌ها تا پایان ۲۰۲۵ به حداکثر خواهد رسید. به این ترتیب عملاً از پایان سال جاری میلادی، پس از تکمیل و راه‌اندازی نهایی این باتری‌ها استرالیا به عنوان نخستین کشوری محسوب می‌شود که از این باتری‌ها برای تولید برق استفاده می‌کند. هدف از طراحی این باتری، افزایش ثبات شبکه برق کشور استرالیا است که تحت‌فشار فزاینده‌ای قرار دارد.

استرالیا تصمیم دارد تا سال ۲۰۳۵ بتدریج نیروگاه‌های زغال‌سنگ را از مدار خارج کند و به همین دلیل سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های پاک را آغاز کرده است. این باتری، در سواحل مرکزی ایالت نیو ساوت ولز واقع شده است و در مواقع قطعی‌های ناگهانی برق، نقش مهمی ایفا خواهد کرد. برخی از کارشناسان معتقدند که این باتری عملا مانند یک جاذب شوک غول‌پیکر عمل می‌کند به بیان دیگر اختلالات ناگهانی در شبکه برق را متعادل می‌کند که سهم بزرگی در پایداری برق این کشور ایفا خواهد کرد. درواقع این باتری ها به کمک پنل‌های خورشیدی نصب شده بر پشت بام‌ها آمده که از نور خورشید، انرژی تولید می‌کنند.

گفته می‌شود که این ابرباتری می‌تواند علاوه بر افزایش تولید انرژی‌های تجدیدپذیر، به مراکز پرمصرف مانند سیدنی، نیوکاسل و ولونگونگ هم برق ارائه دهد. این امر موجب تأمین پایدارتر برق پاک می‌شود. گفتنی است که این تأسیسات در محل یک نیروگاه زغال‌سنگ قدیمی در شمال سیدنی ساخته شده و مساحتی در حدود ۱۴ هکتار را در بر می‌گیرد.

بهترین و برترین کالا را به طور آنلاین بخرید

استارتاپ

آرزو کیهان
گروه علم و فناوری

در دنیای پرهیاهوی خرید آنلاین، جایی که انتخاب‌های بی‌پایان می‌توانند سردرگمی ایجاد کنند، هوش مصنوعی وارد میدان شده تا تجربه‌ای شخصی و هوشمندانه را رقم بزند؛ تجربه‌ای که در آن هر کلیک، گامی به‌سوی انتخابی دقیق‌تر و هماهنگ‌تر با سلیقه کاربر است تا بتواند راحت‌تر مناسب‌ترین لباس را به صورت آنلاین خریداری کند.

در این حوزه استارتاپ‌های مختلفی در حال فعالیت هستند و در این میان، یکی از بهترین نمونه‌ها را می‌توان استارتاپ Daydream دانست.

در حالی که غول‌های فناوری ازجمله متا، آمازون، گوگل و OpenAI نیز وارد این حوزه شده‌اند، اما برگ برنده این پلتفرم، در شناخت عمیق‌تر از صنعت مد و خرده‌فروشی است. این استارتاپ، به کاربر کمک می‌کند بدون هدر دادن وقت برای دیدن صدها دست لباس و کیف و کفش، خرید آنلاین شخصی‌تر و دقیق‌تری داشته باشد، درست مانند اینکه از یک مشاور مد و لباس کمک گرفته باشد. تنها کافی است کاربر دقیقاً مشخص کند با چه هدفی و دنبال چه محصولی است، تا این اپلیکیشن به وی کمک کند. «جولی بورنستین»، مدیرعامل این استارتاپ دراین باره به CNN می‌گوید: «پلتفرم Daydream که تاکنون ۵۰ میلیون دلار از سرمایه‌گذارانی چون Google Ventures و «کارلی کلاوس»، مدل مشهور آمریکایی جذب سرمایه داشته، درست مانند یک مشاور مد و لباس دیجیتال عمل می‌کند. به دنبال اعلام نیاز کاربران، این اپ با فناوری تشخیص متن هوشمند خود، پیشنهادهایی از میان بیش از ۸ هزار برند، به کاربر ارائه می‌دهد. در این پلتفرم، هوش مصنوعی با تحلیل رفتار کاربر در زمینه خرید، سلیقه وی را شناسایی می‌کند و درست مانند یک مشاور مد، محصولاتی متناسب با سلیقه، بودجه و نیاز خاص فرد پیشنهاد می‌دهد.

چت بات این پلتفرم مانند یک انسان به سؤالات مشتری پاسخ می‌دهد و کاربر را در زمینه‌های مختلف، از انتخاب سایز تا ست کردن لباس‌ها راهنمایی می‌کند.

این پلتفرم برخلاف بسیاری از بازیگران بزرگ تجارت الکترونیک، از نمایش محصولات بر اساس تبلیغات پولی خودداری کرده و تأکید دارد که اولویت نمایش باید بر اساس تناسب واقعی با نیاز کاربر باشد، نه پرداخت برندها. در مقابل، هنگام نهایی کردن خرید، کاربران به وب‌سایت برند اصلی هدایت می‌شوند و Daydream در ازای فروش، ۲۰ درصد سهم دریافت می‌کند.

این شرکت همچنان در حال بهینه‌سازی مدل‌های هوش مصنوعی خود و جمع‌آوری بازخورد کاربران است. نسخه آزمایشی وب این پلتفرم، ماه گذشته به‌صورت عمومی در دسترس قرار گرفت و استقبال زیادی از آن شد. قرار است اپلیکیشن آن نیز پاییز امسال عرضه شود.

آینده استفاده از هوش مصنوعی در مد، فراتر از خرید خواهد بود و در آینده، خریداران می‌توانند با کمک این فناوری، آیتم‌های مدنظر خود را با لباس‌های موجود در کمدشان ترکیب و هماهنگ کنند.

پاکسازی سواحل با روبات ایرانی

روباتیک

تیمی از مهندسان جوان ایرانی در یک شرکت استارتاپی، موفق به طراحی و ساخت روباتی هوشمند برای جمع‌آوری زباله‌های بازیافتی از سواحل شدند؛ روباتی که با استفاده از فرچه قدرتمند، سنسورهای دقیق و باتری‌های لیتیومی، محیط ساحلی را از بطری‌های پلاستیکی پاکسازی می‌کند.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، سالانه بیش از ۱۱ میلیون تن پلاستیک وارد اقیانوس‌ها می‌شود که مقدار قابل‌توجهی از آنها از طریق سواحل وارد آب‌های آزاد شده است. در ایران نیز بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که سواحل شمال و جنوب کشور بویژه در ایام تعطیلات، با افزایش چشمگیر پسماندهای رهاشده مواجه هستند که بخش عمده‌ای از آنها شامل بطری‌های پلاستیکی، ظروف یک‌بار مصرف، نایلون و ته‌مانده مواد غذایی است. انباشت این زباله‌ها نه‌تنها چهره طبیعی سواحل را مخدوش کرده، بلکه حیات جانوران دریایی را نیز به‌طور مستقیم تهدید می‌کند؛ چراکه بسیاری از گونه‌ها این پسماندها را با غذا اشتباه گرفته و دچار مسمومیت یا خفگی می‌شوند. این بحران زیست‌محیطی، لزوم اقدام‌های نوآورانه برای پاکسازی سواحل و جلوگیری از ورود زباله‌ها به دریا را بیش از پیش ضروری ساخته است.

به گزارش ایسنا، یک تیم استارتاپی برای حفظ محیط زیست و کاهش آلودگی‌های پلاستیکی سواحل، اقدام به طراحی و ساخت روباتی کرده که به صورت خودکار زباله‌های بازیافتی را از سطح ساحل جمع‌آوری می‌کند. این روبات با استفاده از فرچه‌ای که از یک سو به موتور و از سوی دیگر به یک هولدر متصل است، زباله‌ها را از سطح شن‌های ساحلی جدا می‌کند. موتور دی‌سی وظیفه چرخاندن این فرچه را برعهده دارد و نقش مهمی در عملکرد مکانیکی روبات ایفا می‌کند.

در بخش طراحی الکترونیک، از برد Arduino Mega به‌عنوان مغز اصلی روبات بهره گرفته شده و چهار عدد سنسور اولتراسونیک نیز به‌عنوان چشم‌های هوشمند روبات برای تشخیص موانع و زباله‌ها به‌کار رفته است. برای تأمین انرژی مورد نیاز، سه عدد باتری لیتیومی در بخش تغذیه تعبیه شده و یک فرچه قدرتمند نیز وظیفه اصلی جمع‌آوری زباله‌ها را برعهده دارد. برای اجرای دقیق و تمیز اتصالات هم از سیم‌های سوکت‌دار XH استفاده شده تا فرآیند سیم‌کشی روبات به راحتی انجام شود.

ایران در «ایران»

مشهد آماده میزبانی زوار در دهه آخر صفر

مشهد- برای جلوگیری از خاموشی چراغ‌های راهنمایی، ۵۰ نقطه حساس فرماندهی ترافیک در سطح شهر مشهد همزمان با دهه آخر صفر به باتری‌های پرظرفیت تجهیز شدند.

«غلامحسین مظفری» استاندار خراسان رضوی با اعلام این خبر اظهار کرد: «صدها باتری پرظرفیت برای مدیریت خاموشی چراغ فرماندهی در تقاطع‌های مشهد با هدف ارتقای کیفیت مدیریت ترافیک در این کلانشهر تأمین شد.»

وی ادامه داد: «این اقدام به منظور تکمیل زیرساخت‌های راهبری ترافیک در برابر خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده برق، بویژه در آستانه دهه پایانی صفر و اوج حضور زائران بارگاه منور رضوی اجرا می‌شود.» استاندار خراسان رضوی با تأکید بر ضرورت استمرار نظم ترافیکی در کلانشهر مشهد ادامه داد: «با توجه به ضرورت حذف تقاطع‌های حیاتی از جدول خاموشی‌های سراسری، این باتری‌ها نقش کلیدی در حفظ کارآمدی چراغ‌های راهنمایی، سامانه‌های کنترلی و آرامش روانی شهروندان خواهد داشت.»

وی خاطرنشان کرد: «این اقدام در راستای صیانت از شأن زائران و مجاوران و با هدف بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های شهری برای ارتقای کیفیت خدمت‌رسانی انجام گرفت و گامی مؤثر در مسیر پایداری و نظم شهری محسوب می‌شود.»

استاندار گیلان:

با بهزراعی نیازی به واردات برنج نداریم

رشت - با بهره از تکنولوژی‌های نوین و اجرای طرح‌های بهزراعی نیاز کشور به واردات برنج رفع می‌شود. هادی حق شناس استاندار گیلان با اعلام این خبر اظهار کرد: «مؤسسه تحقیقات برنج کشور در رشت طی چند دهه اخیر تحقیقات مختلفی را در زمینه کشت برنج انجام داده و هم اینک شیوه نوین کاشت، داشت و برداشت در مقیاس کوچک در این مؤسسه انجام شده است.»

وی با تأکید براینکه دوسوم از مصرف برنج کشور در داخل تولید می‌شود، افزود: «اگر بتوانیم این شیوه را در مقیاس بزرگ و در مزارع برنج شمال کشور انجام دهیم به طور حتم در تولید برنج خودکفا خواهیم شد و نیازی به واردات نخواهیم داشت.»

نماینده عالی دولت در گیلان ادامه داد: «در شیوه جدید و در کاشت برنج نیاز به غرقابی نیست و میزان مصرف آب در تولید برنج حدود ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت.» استاندار گیلان اضافه کرد: «همچنین میزان زمان کاشت تا برداشت برنج هم حدود ۲۰ درصد کاهش می‌یابد و در میزان بهره‌برداری از واحد سطح هم با افزایش مناسبی روبه‌رو خواهیم بود.» حق شناس بیان کرد: «هم اینک میزان برداشت شلتوک در هر هکتار حدود ۴ تن است که این رقم در کشورهای تولیدکننده برنج حدود ۲ برابر این میزان است. در واقع با استفاده از شیوه و تکنولوژی نو می‌توانیم میزان تولید برنج را افزایش دهیم تا نیاز به واردات نداشته باشیم.»

رهاسازی آب از سد مارون برای نخیلات

اهواز- به دستور استاندار خوزستان، ۳۶ میلیون مترمکعب آب از سد مارون به مدت ۶ روز و با دبی ۸۰ مترمکعب بر ثانیه به سمت نخیلات شادگان و ماهشهر رهاسازی شد.

«محمدرضا موالی‌زاده» استاندار خوزستان اظهار کرد: «این تصمیم در پی جلسات متعدد کارگروه مقابله با تنش آبی خوزستان اجرایی شده و بر این اساس از ۱۴ مردادماه به مدت ۶ روز، عملیات رهاسازی آب از سد مارون برای آبیاری و احیای نخیلات مناطق پایین‌دست شامل شادگان و ماهشهر آغاز شده است.» وی ادامه داد: «بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، این اقدام به مدیریت بهینه منابع آبی استان در فصل کشاورزی جاری کمک شایانی خواهد کرد و مانع از خسارات ناشی از کم‌آبی به نخلستان‌ها می‌شود.» موالی‌زاده با اشاره به حساسیت این موضوع خاطرنشان کرد: «این رهاسازی با نظارت مستمر بر الگوی مصرف و جلوگیری از هر گونه انحراف و هدررفت آب همراه خواهد بود تا بتوانیم حداکثر بهره‌وری را در بخش کشاورزی شاهد باشیم.»

توسعه انرژی‌های نو در خراسان جنوبی

بیرجند- ۲۵۰ نیروگاه کوچک خورشیدی در خراسان جنوبی وارد مدار برق شد.

«مهدی هنری»، مسئول بسیج سازندگی خراسان جنوبی با اعلام این خبر اظهار کرد: «این نیروگاه‌ها در حال حاضر وارد مدار شده و ۵۰ نیروگاه دیگر نیز در مراحل اجرایی قرار دارد.»

وی ادامه داد: «بسیج سازندگی خراسان جنوبی با هدف توسعه بهره‌برداری از انرژی‌های تجدیدپذیر، اجرای ۳۰۰ پروژه نیروگاه کوچک را در دستور کار قرار داده است.» وی ادامه داد: «در حوزه تجهیز چاه‌های کشاورزی نیز با بهره‌گیری از منابع تسهیلاتی تلاش می‌کنیم حمایت از پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر را در سال جاری افزایش دهیم.»

مرز مهران رکورد زد؛ عبور بیش از یک میلیون زائر از گذرگاه عشق

ظرفیت همه نهادها در خدمت زائران اربعین

گزارش خبری

گروه ایران‌زمین- با نزدیک شدن به اربعین و در فاصله هفت روز مانده به این رویداد بزرگ مذهبی، مرزهای شش‌گانه کشور شاهد حضور پرشور میلیون‌ها زائر عاشق اباعبدالله‌الحسین(ع) است که با شور و شعور معنوی، عزم وصال به کربلای معلا دارند. طبق گفته فرمانده قرارگاه اربعین فراجا، تاکنون بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر برای حضور در مراسم اربعین نام‌نویسی کرده‌اند و مرز مهران همچنان پرتقاضاترین گذرگاه خروجی زائران محسوب می‌شود. بر اساس آمار منتشر شده از سوی استاندار ایلام، از ابتدای ماه صفر تا صبح روز گذشته (چهارشنبه)، تردد زائران اربعین از پایانه مهران از مرز یک میلیون نفر عبور کرده است و این گذرگاه مرزی همچنان پرترددترین مسیر زائران اربعین حسینی به شمار می‌رود.

«احمد کرمی» استاندار ایلام با اشاره به افزایش چشمگیر ترددها در روزهای اخیر می‌گوید: «مرز مهران همچنان پرترددترین گذرگاه زائران اربعین حسینی است و با توجه به زیرساخت‌های ایجاد شده، مشکلی برای تردد روان زوار وجود ندارد.»

آماده‌باش دستگاه‌های اجرایی و خدماتی

استاندار ایلام یادآور شد: «تمام دستگاه‌های اجرایی و خدماتی مستقر در مرز مهران به صورت ۲۴ ساعته نسبت به ارائه خدمات به زائران فعال هستند و امنیت و تسهیلات لازم برای رفت‌وآمد زوار تأمین شده است.» کرمی همچنین از زائران درخواست کرد با توجه به حجم بالای تردد و گرمای هوا، زمان تردد و حضور خود را در پایانه مرزی مهران مدیریت و در ساعت‌های خنک شبانه‌روز از مرز تردد کنند. استاندار ایلام با اشاره به برگزاری نشستی با سپهبد ریاض الخیگانی، رئیس ستاد اربعین کشور عراق و مجموعه همکاران جهت انجام هماهنگی‌های لازم برای تسهیل تردد و عبور پیک جمعیت گفت: «استمرار خدمات‌رسانی موکب‌ها، قرارگاه آب، حمل‌ونقل و سایر بخش‌ها از ضروریات اجتناب‌ناپذیر است.» کرمی تأکید کرد: «پس از اتخاذ هر تصمیم، بنده و همکاران به صورت میدانی در محل حضور پیدا کرده و روند اجرای مصوبات را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.» استاندار ایلام به ایرنا گفت: «خوشبختانه تاکنون خدمات و امکانات ارائه شده مورد رضایت زائران بوده است و تلاش داریم این روند در روزهای آینده و ایام بازگشت زوار نیز ادامه یابد.» کرمی ابراز امیدواری کرد، دغدغه‌ها و مشکلات زائران در بخش‌های مختلف با اجرایی شدن مصوبات ستاد اربعین برطرف شود و تسهیل در ترددها، رضایت عمومی را به همراه داشته باشد که رضایت خداوند متعال را نیز در پی خواهد داشت.

«ایلام» سنگر سلامت زائران

این روزها ایلام به «سنگر سلامت» میلیون‌ها انسان عاشق تبدیل شده؛ استانی که با وحدت، انسجام و روحیه جهادی دستگاه‌های مختلف، تمام‌قد در میدان خدمت ایستاده؛ خدمتی بی‌ادعا که از ماه‌ها پیش آغاز شده و حالا به نقطه اوج خود رسیده است. از درمانگاه‌های مرزی گرفته تا بیمارستان‌های صحرایی، پایگاه‌های اورژانس، ایستگاه‌های غربالگری و نیروهای بهداشت محیط ایلام، همگی در آماده‌باش کامل به سر می‌برند تا مسافران کربلا با آرامش و سلامت، مسیر عشق را طی کنند. طی این مدت، دانشگاه علوم پزشکی، سپاه، ارتش، هلال احمر، تأمین اجتماعی، مرزبانی ایلام و... دستان خود را در هم گره زده‌اند تا با هم‌افزایی کم‌نظیر، مأموریتی ملی را به انجام برسانند؛ مأموریتی با محوریت «سلامت» برای زائرانی که در مسیر معنویت نیازمند امنیت جسم و جان هستند. طبق گفته «عباس قیصوری» رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایلام نیز از شش ماه گذشته تاکنون فرآیند آماده‌سازی خدمات درمانی برای اربعین آغاز شده و همه دستگاه‌ها در هماهنگی کامل، برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داده‌اند و همچنین خدمات سلامت به زائران اربعین در سه محور کلیدی شامل بهداشت عمومی، درمان و فوریت‌های پزشکی دنبال می‌شود.

هفت هزار نیروی سلامت در مهران

در مرز مهران، ایستگاه‌های غربالگری شبانه‌روزی فعال هستند و زائرانی که نشانه بیماری داشته باشند، شناسایی، آموزش و در صورت نیاز درمان می‌شوند. همچنین تیم‌های بهداشت محیط با پایش دقیق آب آشامیدنی، غذای موکب‌ها و رعایت استانداردهای بهداشتی، در تلاشند تا سلامت زائران به خطر نیفتد. «عباس قیصوری» رئیس کمیته سلامت اربعین ایلام اعلام کرد: «۱۲۵ پایگاه اورژانس، ۱۲۵ دستگاه آمبولانس، ۱۶ دستگاه اتوبوس‌آمبولانس، ۱۲ موتورلانس، دو درمانگاه سیار و پنج فروند بالگرد و هواپیمای اورژانس در استان برای مأموریت‌های پزشکی اربعین مستقر شده‌اند.» وی افزود: «پوشش اورژانسی، سراسر مسیرهای منتهی به مرز مهران را شامل می‌شود و مأموریت این پایگاه‌ها ارائه خدمات فوری در کمترین زمان ممکن به زائران نیازمند کمک پزشکی و درمانی است. در حال حاضر در مرز مهران سه درمانگاه اصلی شامل درمانگاه شهید سلیمانی (با ظرفیت ۱۰۰ تخت)، درمانگاه تأمین اجتماعی در پایانه برکت و درمانگاه مرزبانی (با ظرفیت ۱۰ تخت) به صورت شبانه‌روزی فعالیت دارند. همچنین سه بیمارستان صحرایی با مجموع ظرفیت ۹۵ تخت مجهز به داروخانه، آزمایشگاه و امکانات تشخیصی به صورت کامل در آماده‌باش هستند.» قیصوری با بیان اینکه در مجموع هفت هزار نیروی سلامت در ایام اربعین در ایلام فعالیت دارند، افزود: «از این تعداد ۶ هزار نفر از نیروهای دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ۸۰۰ نفر نیروهای اعزامی از دیگر استان‌ها و ۲۰۰ نفر از بیمارستان‌های غیردانشگاهی هستند.» رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایلام، تأمین سلامت زائران را مسئولیتی خطیر دانست و تأکید کرد: «هدف ما این است که هیچ زائری بدون دریافت خدمات بهداشتی و درمانی از مرز عبور نکند.»

استاندار ایلام: مجموعه دستگاه‌های اجرایی و خدماتی مستقر در مرز مهران به صورت ۲۴ ساعته نسبت به ارائه خدمات به زائران فعال بوده و امنیت و تسهیلات لازم برای رفت‌وآمد زوار تأمین شده است

زائران در امنیت کامل قرار دارند

طبق گفته سردار «محمد شرفی» فرمانده قرارگاه اربعین فراجا نیز تاکنون بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در سامانه سماح نام‌نویسی کرده‌اند و از این تعداد حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از مرزهای چهارگانه کشور خارج شده‌اند. همچنین ۴۵۰ هزار نفر از زائران به کشور بازگشته‌اند. سردار شرفی همچنین با اشاره به وضعیت جای پارک خودروها در مهران اعلام کرد: «با یک پایش هوایی، وضعیت پارکینگ‌های سطح شهر مهران را بررسی کردیم که بر اساس آن، ظرفیت پارکینگ اربعین به طور کامل تکمیل شده و پارکینگ‌های شهری نیز حدود ۷۰ درصد ظرفیت خود را پر کرده و پارکینگ میدان اربعین هم با حدود ۸۵ درصد ظرفیت به زودی تکمیل خواهد شد.» وی اظهار کرد: «با توجه به پیش‌بینی افزایش موج خروج زائران در روزهای جمعه و شنبه آینده، لازم است آمادگی کامل برای ساماندهی خودروهای شخصی فراهم شود و در کنار آن، ناوگان حمل‌ونقل عمومی نیز برای بازگشت زائران در روزهای پیش رو آماده باشد.» سردار شرفی با اشاره به وضعیت امنیتی مسیرها افزود: «خوشبختانه زائران تا این لحظه در امنیت کامل سفر خود را انجام داده‌اند و تاکنون مورد خاص انتظامی و امنیتی گزارش نشده است.»

خدمت‌رسانی به زائران اربعین در کرمانشاه

«منوچهر حبیبی» استاندار کرمانشاه نیز با اعلام تردد ۱۵۵ هزار نفری زائران اربعین از مرز خسروی اظهار کرد: «تمام ظرفیت‌های کرمانشاه برای خدمات‌رسانی به زائران اربعین پای کار است.» وی با تأکید بر اینکه با اجرای دقیق طرح‌ها، رفاه و امنیت زائران تأمین شده است، گفت: «همکاری نهادهای ایرانی و عراقی در حوزه‌های نظامی، انتظامی و اجرایی در سطح عالی است و در حال حاضر زائران با امنیت کامل و آرامش خاطر از مرز عبور می‌کنند.» استاندار کرمانشاه با اشاره به برنامه‌ریزی دقیق در حوزه‌های حمل‌ونقل، پارکینگ و زیرساخت افزود: «از آنجایی که پیش‌بینی می‌شود پیک تردد زوار ادامه دارد، لازم است همه دستگاه‌ها آماده باشند.» حبیبی بر ذخیره‌سازی یخ و آب در سردخانه پایانه مرز خسروی تأکید و اظهار کرد: «لازم است ذخیره کافی داشته باشیم تا در صورت بروز ترافیک، خدمات فوری در دسترس باشد. همچنین تأمین نیازهای موکب‌های بزرگ و ارتباط مستمر نمایندگان آنها با ستاد اربعین برای خدمات بهتر نیز مورد توجه قرار گیرد.» وی با بیان اینکه کاهش ۳۰ درصدی نرخ کرایه خودروها نسبت به سال گذشته به مدیریت بهتر هزینه‌های زائران کمک کرده است، افزود: «در حال حاضر مدیریت جدی نرخ کرایه‌های برگشتی و ادامه تعامل با مسئولان عراقی در حال انجام است.» حبیبی عنوان کرد: «با توجه به دمای بالای هوا، تأمین سیستم‌های سرمایشی، بهداشت، تغذیه، نظافت محیط و جمع‌آوری به‌موقع زباله‌ها بسیار حائزاهمیت است.»

خسروی، قدیمی‌ترین مرز برای زوار اربعین

«محمد شفیعی»، فرماندار قصرشیرین نیز در این زمینه اظهار کرد: «با توسعه زیرساخت‌ها و افزایش ظرفیت گیت‌های گذرنامه، مرز خسروی به عنوان قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین مرز با عراق توان پذیرش روزانه ۲۰۰ هزار زائر را دارد.» وی با اشاره به توسعه ۱۳۰هکتاری ظرفیت پارکینگ‌های اربعین در قصرشیرین و مرز خسروی اظهار کرد: «در حال حاضر ۳۰۰ هکتار پارکینگ برای رفاه زائران در نزدیک‌ترین فاصله به پایانه مرزی تعبیه شده و لازم است زوار بدانند فاصله انتهای پایانه تا نقطه صفر مرزی و خروج از مرز نهایتاً یک کیلومتر است.» فرماندار قصرشیرین با تأکید بر اینکه کاهش دما در این منطقه نسبت به دیگر مرزها نقش مؤثری در رفاه حال زائران دارد، افزود: «علاوه بر این، فضای پایانه مجهز به سایبان‌های گسترده با مه‌پاش در کاهش گرما برای زائران نقش مؤثری دارد.» شفیعی همچنین به حضور گسترده ۳۰۰ موکب مردمی در مسیر کرمانشاه تا پایانه مرزی اشاره کرد و گفت: «این موکب‌ها با تلاش خادمان و مردم متدین خدمات رفاهی، پذیرایی و کمک‌رسانی متعددی به زائران ارائه می‌دهند.» وی درباره حمل‌ونقل زائران در نقطه صفر مرزی توضیح داد: «اتوبوس‌هایی در آن سوی مرز خسروی مستقر هستند تا خدمات انتقال زوار را به پایانه منذریه جهت عزیمت به شهرهای زیارتی به صورت رایگان فراهم کنند.» فرماندار قصرشیرین با تأکید بر ایمنی بالای جاده‌های منتهی به مرز اظهار کرد: «تمامی دستگاه‌های مسئول، هماهنگی لازم را برای فراهم آوردن شرایط بهینه خدمات‌رسانی انجام داده‌اند و زیرساخت‌های رفاهی، بهداشتی و امنیتی مرز در بالاترین سطح آماده پذیرش زوار است.»

خدمات رایگان به زائران اربعین در خوزستان

«حجت‌الاسلام سید محمود موسوی»، رئیس ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات خوزستان نیز در این زمینه اظهار کرد: «ظرفیت اسکان ۳۰ هزار زائر در شهرهای مختلف خوزستان، ۱۰ هزار نفر در پایانه مرزی چذابه و ۱۵ هزار نفر در پایانه مرزی شلمچه ایجاد شده است.» وی ادامه داد: «ارائه خدمات موکب‌ها به زائران اربعین در خوزستان تا ۲۵ صفر به طور شبانه‌روزی در ورودی‌های خوزستان، مسیرهای ارتباطی و در پایانه‌های مرزی شلمچه و چذابه ادامه دارد.» رئیس ستاد عتبات عالیات خوزستان با بیان اینکه موکب‌های اربعین مردمی هستند و مردمی نیز اداره می‌شوند، گفت: «مشکلی برای اسکان زائران در خوزستان وجود ندارد و تمام ظرفیت استان برای اسکان زائران اربعین آماده شده است.» وی با اشاره به ظرفیت پخت ۱۳۰ هزار پرس غذای گرم در هر وعده در خوزستان ادامه داد: «هیچ مشکلی برای پذیرایی از زائران اربعین حسینی در سه وعده غذایی در خوزستان وجود ندارد.» حجت‌الاسلام موسوی اظهار کرد: «اگرچه تمام استان‌های کشور برای ارائه خدمات به زائران حسینی پای کار هستند ولی خوزستان تنها استانی است که تمام خدمات به زائران اربعین در آن به صورت رایگان ارائه می‌شود.»

ارائه اینترنت رایگان در مرزهای شلمچه و چذابه

«رحیم فلاح‌زاده»، مدیر مخابرات منطقه خوزستان نیز گفت: «امکان استفاده از اینترنت رایگان روزانه با یک گیگابایت ترافیک از طریق بستر Public Wi-Fi برای زائران حسینی در ۲ پایانه مرزی شلمچه و چذابه فراهم شده است.» این مقام مسئول با بیان اینکه این طرح از روز یکشنبه ۱۲ مردادماه آغاز شده و تا روز شنبه اول شهریورماه ادامه دارد، افزود: «این خدمت در مناطق منتخب، بویژه مراکز مرزی تحت پوشش در مسیر تردد زائران اربعین ارائه می‌شود.» فلاح‌زاده در ادامه با اشاره به نحوه استفاده از این سرویس گفت: «زائران می‌توانند با مراجعه به آدرس اینترنتی hotspot.tci.ir و اجرای مراحل ثبت‌نام موقت، به راحتی از این خدمت بهره‌مند شوند.»

مرز خسروی به عنوان قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین مرز با عراق، توان پذیرش روزانه ۲۰۰ هزار زائر را دارد

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۴ شماره ۸۸۰۷
irannewspaper irannewspapper

گفت‌وگو

سینا حسینی
دبیر گروه ورزش

استیلی: برای ساختن به پرسپولیس آمدم نه برای جنگیدن

باشگاه‌ها اسم‌شان حرفه‌ای است کارشان آماتور

وقتی حمایت نمی‌شوید باید محترمانه کنار بروید

ورود حمید استیلی به چرخه مدیریتی باشگاه پرسپولیس به اندازه‌ای بی‌سر و صدا بود که هیچ کس متوجه انتخاب وی به عنوان مشاور ویژه رضا درویش نشد. استیلی اما در طول مدت حضورش در ساختار مدیریتی پرسپولیس تلاش کرد بدون حاشیه فعالیت کند تا شاید بتواند در چرخه مدیریتی پرسپولیس تأثیرگذار ظاهر شود. اما پس از مدتی مشاور رضا درویش متوجه شد برخلاف وعده‌های روز اول خبری از حمایت تمام قد مدیریت از ایده‌های او نیست به همین خاطر مثل روزی که بی‌سر و صدا به پرسپولیس آمد، بدون جار و جنجال از تیم مورد علاقه‌اش جدا شد. برای مرور آنچه در این مدت برای حمید استیلی در حوزه مدیریت پرسپولیس رخ داد، با وی به گفت‌وگو پرداختیم که حاصل این گفت‌وگو پیش روی شما قرار دارد.

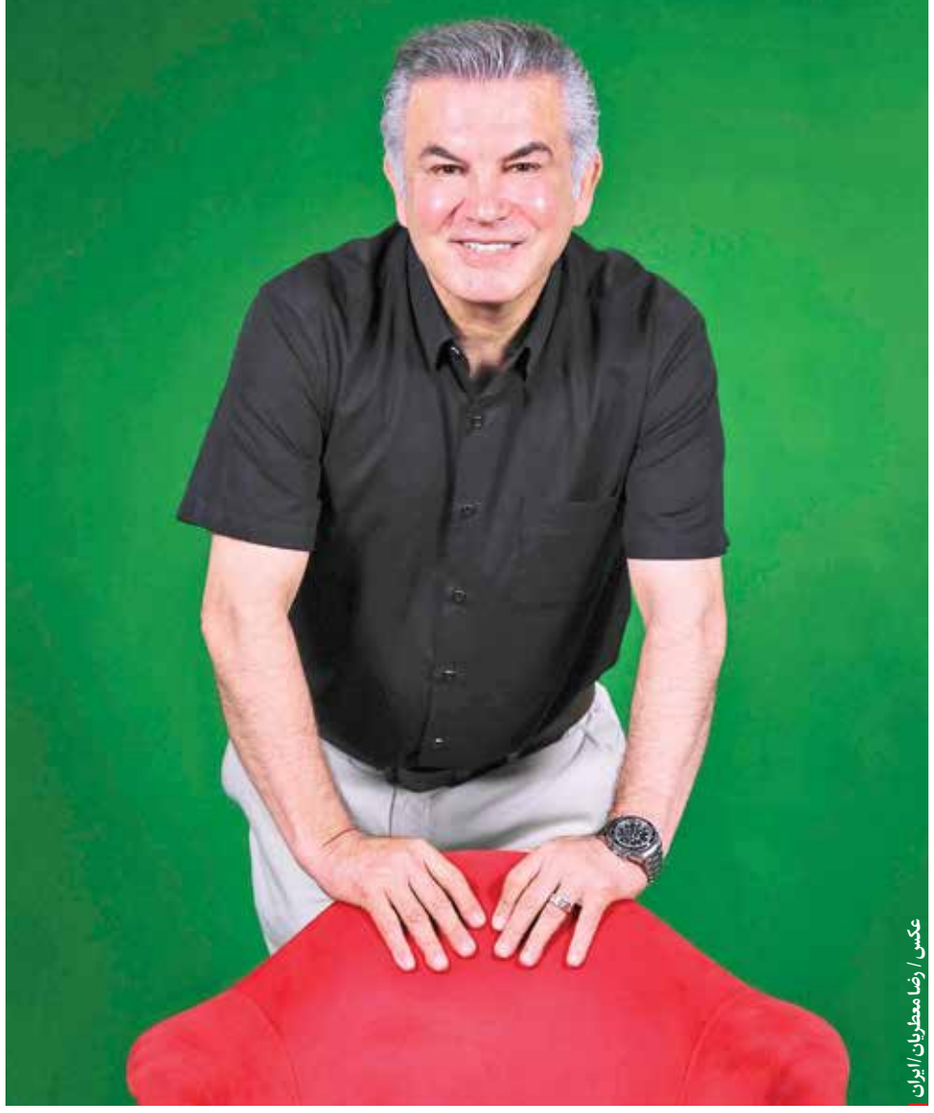

عکس / رضا معطریان / ایران

بازگشت شما به پرسپولیس برای هواداران امیدبخش بود، اما این حضور خیلی زود به پایان رسید. دلیل جدایی‌تان چه بود؟

سلام و عرض ادب دارم خدمت شما و همکاران محترم‌تان در روزنامه ایران. بسیار خوشحالم که بعد از مدت‌ها در این رسانه قدیمی و ارزشمند حضور پیدا می‌کنم. در این سال‌ها ارتباط غیرمستقیمی با پرسپولیس داشتم؛ از طریق تماس با مدیران، بازیکنان و مربیان. از مسئولان باشگاه که همیشه لطف داشتند و پیشنهاد همکاری دادند، تشکر می‌کنم. حتی یک‌بار پیشنهاد مدیرعاملی هم داشتم که نپذیرفتم.

وقتی وارد پرسپولیس شدم، هدفم ایجاد زیرساخت بود. با آقای درویش برای ساخت زمین‌های فوتبال توافق کردیم، چون مدیران قبلی به دلیل مشغله‌کاری فرصت رسیدگی به زیرساخت‌ها را نداشتند. خوشبختانه با حمایت مالی اخیر، فرصت اجرای پروژه‌های زیرساختی فراهم شده بود. بعد از ورودم، در تصمیمات فنی هم مشورت می‌دادم؛ همزمان با جدایی گاریدو و انتخاب موقت کریم باقری. اما با توجه به سابقه ناموفق گاریدو و تغییرات سریع در تیم‌های قبلی او، تأکید داشتم قبل از انتخاب مربی جدید، رزومه کاندیداهای مربیگری پرسپولیس دقیق بررسی شوند.

در نهایت با همکاری باشگاه تصمیم گرفتیم مربی باکیفیتی انتخاب کنیم و من هم در این جلسات همراهی‌شان کردم تا بهترین گزینه انتخاب شود.

شما به موضوع مهم زیرساخت در فوتبال ایران اشاره کردید که اغلب نادیده گرفته می‌شود. در حالی که بیشتر افراد دنبال نتیجه فوری هستند، شما بر توسعه زیرساخت‌های حرفه‌ای تأکید دارید. به نظر شما، این هدف دست‌یافتنی است یا فقط یک آرزوی دور؟

قطعاً شدنی است و هیچ دلیلی برای نشدنی بودن آن وجود ندارد. ما با آقای احمدی صحبت‌هایی داشتیم و حتی برنامه‌ای را تدوین کردیم تا با وزیر ورزش نیز در این مورد صحبت کنیم. آقای احمدی حتی گفتند که خودشان زمین و امکانات لازم را برای ساخت استادیوم و کمپ تمرینی در اختیار دارند. این موضوع مستلزم آن است که ما کار را شروع کنیم. من به ایشان گفتم اگر مردم ببینند که شما با صداقت کار می‌کنید و راست می‌گویید، خودشان به صحنه خواهند آمد. هواداران میلیونی پشتوانه تیم پرسپولیس هستند. اگر هوادار احساس کند که به او راست گفته می‌شود و با آنها صادق هستند، ما می‌توانیم از خود مردم کمک بگیریم و این زمین‌ها و استادیوم‌ها را بسازیم. ما باید یک سیستم مدیریتی حرفه‌ای را حاکم کنیم که از این روش سنتی خارج شویم و به سمت حرفه‌ای‌گری واقعی برویم. اسم ما حرفه‌ای است، اما کارهایمان همه سنتی و آماتوری است.

آیا همین موضوع باعث شد که شما به سراغ مربیانی مانند ماتزاری بروید که علاوه بر داشتن کارنامه، به بحث زیرساخت و توسعه فوتبال اهمیت می‌دادند؟ یعنی نگاه مربیگری در فوتبال ایران به سمت توجه به زیرساخت‌ها حرکت کند؟

بله، دقیقاً همین‌طور بود. آقای درویش با من تماس گرفتند و گفتند به ترکیه برویم تا با آقای ماتزاری مذاکره کنیم. ما قبل از اینکه نام ایشان برای نیمکت استقلال مطرح شود، به سراغشان رفتیم. در ترکیه با ایشان و تیم‌شان دیدار کردیم. گرچه ماتزاری محدودیت‌هایی داشت، اما تفکرات فنی و توجه به آکادمی و تیم‌های پایه ما را به هم نزدیک می‌کرد. ما معتقدیم که مربیان خارجی باید نقش فعال‌تری در نظارت بر تیم‌های پایه و استفاده از کمک‌مربی‌ها داشته باشند تا استعدادها بهتر پرورش یابند. برای نمونه یعقوب براجعه بازیکن فوق‌العاده‌ای است که روند پیشرفت او با نظارت بهتر قابل توجه‌تر هم خواهد شد. در نهایت، به دلیل برخی معذوریت‌ها، حضور ماتزاری در پرسپولیس میسر نشد و هیأت مدیره به این جمع‌بندی رسید که ایشان نمی‌تواند به تیم اضافه شود.

پس میل‌تان به استخدام ماتزاری برای پرسپولیس بود، درست است؟

بله. قبل از صحبت با آقای کارتال، ابتدا با آقای ماتزاری در ترکیه صحبت کردیم و با توجه به شرایط موجود، دو روز آنجا بودیم. بعد دیدیم که نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود به سراغ گزینه بعدی یعنی آقای کارتال رفتیم که قبلاً مدیرعامل با مدیر برنامه‌های او مذاکراتی را انجام داده بود. زمانی که ما در ترکیه بودیم، صحبت‌هایی هم با آقای کارتال انجام شد و با ایشان دیدار کردیم. پس از آن، وارد مذاکره با وی شدیم که در نهایت با وی به جمع بندی کامل رسیدیم و پیش از بازی با تراکتور او به عنوان سرمربی معرفی شد. آقای کارتال فوق‌العاده انسان خوبی بود و ظرف چند ساعت با ایشان به توافق رسیدیم.

پس از مذاکرات شما و آقای درویش با آقای کارتال، هواداران پرسپولیس امیدوار شدند که با حضور مربی بزرگ ترکیه‌ای و حمایت هواداران پرشور، تیم به موفقیت‌های سریالی بازگردد. آیا شما هم چنین انتظاری داشتید؟

ببینید، نمی‌توان گفت با آمدن ایشان فوراً چنین اتفاقی می‌افتاد. آن زمان نیم‌فصل بود و تیم نیاز به بررسی داشت. خود آقای کارتال قول داده بودند برای فصل بعد تیمی قوی بسازند. اما فقط سرمربی مهم نیست؛ عوامل دیگری مثل مدیرعامل و هیأت مدیره هم نقش اساسی دارند. آنها برنامه‌ریزی و استراتژی را تعیین می‌کنند و مشخص می‌شود بودجه و نیازهای تیم چیست. سپس مسائل فنی و کمیته فنی وارد می‌شوند تا تغییرات لازم انجام شود. همه اینها مانند حلقه‌های یک زنجیر به هم وابسته‌اند و باشگاه باید استراتژی و نقشه راه داشته باشد.

آیا این نقشه راه وجود داشت؟

نقشه راه تا حدودی وجود داشت، اما نمی‌توانیم خودمان را گول بزنیم. باشگاه‌های ما در حال حاضر با مشکل زمین فوتبال مواجه هستند. شما ببینید، باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال استادیوم اختصاصی ندارند که بتوانند از آن درآمدزایی کنند. یکی از راه‌های کسب درآمد داشتن استادیوم است. چرا گفته می‌شود که باید در تختی یا شهر قدس بازی کنیم؟ ما باید استادیوم‌ها را درست کنیم. اگر بخواهیم تیمی حرفه‌ای داشته باشیم، مهم‌ترین مسأله این است که زمین مناسب داشته باشیم.

خنده‌دار نیست که بعد از بیست و پنج دوره لیگ برتر، هنوز با ابتدایی‌ترین مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنیم؟

واقعیت این است که ما هنوز زیرساخت مناسب نداریم. برخی باشگاه‌ها مثل سپاهان و فولاد خوزستان به دلیل ثبات مدیریتی و حمایت مالی توانسته‌اند زمین‌ها و امکانات تمرینی استاندارد بسازند، اما ما که چنین ثباتی نداریم. با این که هواداران زیادی هم داریم، اما هنوز از این نعمت بی‌بهره‌ایم. نبود زمین مناسب برای تیم‌های پایه باعث شده آنها نتوانند بازیکنان خوبی پرورش دهند. تیم‌هایی که مجبورند روی چمن مصنوعی بازی کنند، نمی‌توانند بازیکنان مستعد و موفق تربیت کنند. به همین دلیل، تیم ما در برخی بازی‌ها موفق است اما در بسیاری دچار نوسان می‌شود. آقای کارتال هم به همین دلیل به کیفیت زمین‌های تمرینی حساس بودند. زمین‌های شماره دو و سه آزادی کیفیت پایینی داشتند و باعث می‌شد تمرین سخت شود. با این حال، پیمانکار خوبی گرفته شد و این زمین‌ها اکنون کیفیت بسیار خوبی دارند.

جدایی ناگهانی کارتال از پرسپولیس پس از نیم‌فصل، سؤالات زیادی به وجود آورد. نظر شما درباره عملکرد ایشان در این مدت کوتاه چیست؟

به نظرم کارتال حتی در همین نیم‌فصل کوتاه، برنامه‌ریزی و شناخت خوبی از تیم پیدا کرد. مسیر تیم در لیگ برتر و جام حذفی هم قابل قبول بود و می‌شد انتظار داشت در فصل بعد، تیمی هماهنگ‌تر و منطبق با تفکرات او بسازیم. ثبات کادر فنی مهم است و او فرصت پیدا کرد تا بازیکنان، کادر فنی و مدیریت باشگاه را بهتر بشناسد که می‌توانست به پیشرفت تیم کمک کند.

اما جدایی ناگهانی کارتال رخ داد. آیا این موضوع فقط به مسائل منطقه‌ای مربوط می‌شود یا عوامل دیگری هم دخیل بودند؟ آیا دلیل فوتبالی هم وجود داشت؟

آقای کارتال قرارداد یک و نیم ساله داشتند، اما در قراردادشان بند «فورس ماژور» وجود داشت که در صورت بروز حوادث غیرمنتظره مثل جنگ یا بلایای طبیعی، امکان فسخ یک‌طرفه قرارداد قید شده بود. اتفاقات اخیر در کشور ما یکی از دلایل او بود. همچنین در صحبت‌های تلفنی متوجه شدم مشکلات خانوادگی هم در این جدایی نقش داشت، اما این به تنهایی نمی‌توانست باعث جدایی شود چون قرارداد پابرجا بود.

خود شما چقدر معتقد بودید که آقای کارتال در صورت ادامه حضور در پرسپولیس، می‌توانست موفقیتی بزرگ کسب کند؟

من واقعاً معتقد بودم که اگر آقای کارتال می‌ماند، می‌توانست موفق باشد. ایشان در نیم‌فصل شناخت خوبی از تیم و باشگاه پیدا کرده بود، ارتباط خوبی با بازیکنان و مدیریت داشت و باشگاه هم زودتر از همیشه، روند جذب بازیکن را آغاز کرد که اینها همه عوامل مثبتی بودند. به‌خصوص تأکید داشتیم که تعادل در تیم حفظ شود و هر فرد در جایگاه خودش قرار بگیرد. وقتی ببینم که ممکن است از من در نقش‌هایی استفاده شود که ارتباطی با من ندارد یا بخواهند تصمیم‌هایی را به من نسبت دهند که نقشی در آن نداشتم، ترجیح می‌دهم کنار بکشم. برای همین هم کمیته فنی را راه‌اندازی کردم تا هم بازیکن و هم مربی از این مسیر عبور کنند. از آقای پیروانی با توجه به تجربه و مدرکش دعوت کردم، همچنین آقایان شاهرودی، باقری، بادامکی و حتی آقای انصاری هم حضور داشتند. آقای درویش هم موافق بود. وجود کمیته فنی، در همه دنیا یک اصل است، حتی برای گرفتن مجوز حرفه‌ای باشگاه. اما متأسفانه اینجا به آن توجه نشد و به دلیل همین مسائل، من احساس کردم که ممکن است به تیم آسیب برسد و به راحتی از باشگاه جدا شدم.

حالا برگردیم به نکته‌ای که هنوز برای هواداران پرسپولیس سؤال است. شما به دعوت آقای درویش به باشگاه آمدید و پست‌هایی مانند معاون ورزشی، رئیس آکادمی و عضو هیأت مدیره به شما پیشنهاد شد. چرا هیچ کدام را نپذیرفتید؟ آیا احساس می‌کردید حمایت لازم از شما نمی‌شود؟

من فقط آمده بودم تا روی ایجاد زیرساخت‌ها کار کنم. به نظرم حمایتی که مدیر باید از انتخاب خودش داشته باشد، از من نشد. البته آقای درویش و باشگاه احترام زیادی به من گذاشتند و من هیچ قراردادی نداشتم و همه کارها را بدون دستمزد انجام دادم. ایشان در مواردی با من مشورت می‌کردند و به نظراتم اهمیت می‌دادند. در مدت حضورم، توانستیم مربیان آکادمی و پیشکسوتان را به باشگاه بازگردانیم، چون معتقدم آنها سرمایه‌های باشگاه هستند. اما باور دارم هر کس باید در جایگاه خودش کار کند و نباید در امور دیگران دخالت کرد. من هرگز وارد مسائل مالی بازیکنان نشدم و فقط در مسائل فنی نظر می‌دادم.

این ایده ایجاد زیرساخت در آکادمی از کجا آمد؟ آیا ریشه در همکاری شما با آقای اسکوچیچ در تیم ملی دارد؟

بله، تا حدی. تجربیات مربیگری و مدیریتی من نشان داد فوتبال ما به طور جدی به زیرساخت نیاز دارد. هدف ما کمک به پرسپولیس بود که خانه خودمان است. همیشه با پیشکسوتان باشگاه مشورت می‌کنیم چون احترام به بزرگان و پیشکسوتان، از اصول جهانی است و باید در رأس کار باشد. همچنین باور دارم که با برنامه‌ریزی و سیستم منسجم می‌توان پیشرفت کرد، اما این نیازمند مدیریت خوب است. مثلاً امروز باشگاه النصر عربستان، علاوه بر جذب بازیکنان حرفه‌ای، یک مدیر حرفه‌ای از بارسلونا استخدام کرده که نشان می‌دهد آنها در مدیریت نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بانگاهی به گذشته، می‌بینیم که نهایت اوقات آزاد و فراغت یک فوتبالیست رفتن به میهمانی یا کشیدن قلیان بود، اما امروز آسیب‌های اجتماعی جدی‌تری فوتبال ما را تهدید می‌کند. نظر شما در این باره چیست؟

متأسفانه ما هنوز هیچ برنامه مشخصی برای مدیریت این تهدیدها نداریم. وقتی از «مدیریت» صحبت می‌کنم، منظورم نقش حیاتی هیأت‌مدیره و تیم حقوقی باشگاه‌هاست. باید این مسائل را در قراردادها لحاظ کنیم و از تیم‌های حقوقی قوی بهره بگیریم تا در صورت بروز چنین مواردی، واکنش مناسب و بازدارنده‌ای داشته باشند. واقعیت این است که در سال‌های اخیر، قهرمانی‌های پیاپی پرسپولیس بیشتر حاصل « شخصیت بالغ و مدیریت فردی» بازیکنان بود تا مبتنی بر ساختار مدیریتی باشگاه. بازیکنان باتجربه به سطحی از بلوغ رسیده بودند که خودشان روی رفتار و عملکردشان نظارت داشتند. اما امروز شرایط فرق کرده؛ بازیکنان جوان وارد تیم می‌شوند و لازم است آموزش ببینند که چگونه زندگی‌شان خارج از زمین تمرین را مدیریت کنند. این موضوع، بخشی جدی از حرفه‌ای‌گری در فوتبال است.

آیا واقعاً بازیکن ایرانی به سطح حرفه‌ای مورد انتظار رسیده است؟

با شرایط فعلی فوتبال، بازیکنان باید بدانند که درآمدی که در این حرفه وجود دارد، در کمتر شغلی در کشور قابل دسترس است. دوران بازیگری کوتاه است و اگر از این فرصت درست استفاده نکنند، به راحتی از صحنه محو می‌شوند؛ همان‌طور که نمونه‌های زیادی داشته‌ایم. میانگین سنی لیگ و تیم ملی ما بالاست چون بازیکنان باتجربه توانسته‌اند خود را حفظ کنند، اما بازیکنان جوان نیاز به مدیریت، آموزش و مراقبت دارند. ما از نظر نیروی انسانی پتانسیل بالایی داریم، اما زیرساخت‌ها، از جمله زمین‌های مناسب و سیستم شناسایی استعداد، ضعیف است. مثلاً تیم نوجوانان فعلی با زحمات آقای حسین عبدی شکل گرفت. ایشان به‌تنهایی بسیاری از استعدادها را شناسایی کرد و حالا این وظیفه باشگاه‌هاست که این بازیکنان را جذب و پرورش دهند. خود من زمانی که در پرسپولیس بودم، مرتب تمرین تیم‌های پایه را می‌دیدم و به آقای کارتال هم گفتم که این بچه‌ها نابغه‌اند. حتی یک بار در گرم‌دره، پسری ۹ ساله از زنجان دیدم که فوق‌العاده بود. ما سیستم درستی برای کشف، آموزش و پرورش این استعدادها نداریم. باید بازیکنان را نه‌تنها از نظر فنی، بلکه از نظر سبک زندگی هم آموزش دهیم. اینکه بعد از تمرین چگونه زندگی کنند تا سالم بمانند، بخشی از حرفه‌ای‌گری است که هنوز در فوتبال ما جدی گرفته نمی‌شود.

> آقای درویش با من تماس گرفتند و گفتند به ترکیه برویم تا با آقای ماتزاری مذاکره کنیم. ما قبل از اینکه نام ایشان در استقلال مطرح شود به سراغشان رفتیم. در ترکیه با ایشان و تیم‌شان دیدار کردیم. گرچه ماتزاری محدودیت‌هایی داشت، اما تفکرات فنی و توجه به آکادمی و تیم‌های پایه ما را به هم نزدیک می‌کرد

آیا فکر نمی‌کردید روزی در فوتبال ایران شاهد افزایش این چنینی و سرسام‌آور در مبلغ قراردادها باشیم؟ آن هم با توجه به اینکه سطح کیفی فوتبال ما کاملاً بی‌عیب و نقص نیست و نوسان دارد.

دقیقاً مسأله همین جاست. افزایش این چنینی قراردادها بدون داشتن زیرساخت مناسب، نگران‌کننده است. باید رشد مالی با رشد فنی و ساختاری هم‌سو باشد، اما در حال حاضر چنین نیست. امروز فاصله زیادی بین تیم‌های بالای جدول و پایین جدول دیده می‌شود. تیم‌های بالایی تا هزار میلیارد هزینه می‌کنند، اما تیم‌های پایین‌تر شاید ۲۰۰ یا ۳۰۰ میلیارد هم نداشته باشند. در فوتبال اروپا هم اختلاف بودجه بین تیم‌ها هست، اما آنها ساختار دارند، آکادمی دارند و بازیکن‌سازی می‌کنند. ما فقط اعداد را بالا برده‌ایم، بدون اینکه پایه‌ها را تقویت کنیم. تا زمانی که این دو بخش یعنی هزینه و زیرساخت با هم رشد نکنند، پیشرفت واقعی در فوتبال ایران رقم نخواهد خورد.

آیا فکر نمی‌کنید این اتفاقات باعث گارد گرفتن مردم نسبت به فوتبال شود؟ مثلاً وقتی می‌بینند یک فوتبالیست بیشتر از آن که تمرکزش روی تمرینات باشد، در فضای مجازی فعالیت می‌کند.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که متأسفانه مردم با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. ما باید به مردم‌مان بیشتر از اینها احترام بگذاریم. درست است که در همه جای دنیا، حقوق یک بازیکن فوتبال با سایر افراد جامعه فاصله دارد، اما باید به کیفیت هم توجه کنیم. ما همان کیفیت را می‌خواهیم، همان استادیوم‌ها را می‌خواهیم و همان زمین‌های تمرین مناسب را نیاز داریم.

همان‌طور که اشاره کردید، تماشاگری که می‌خواهد به استادیوم بیاید، حداقل باید جای مناسبی برای نشستن داشته باشد. چرا حتی در ساخت استادیوم هم با مشکل مواجه هستیم؟

متأسفانه این یکی از تلخ‌ترین واقعیت‌های فوتبال ماست. در کشوری به بزرگی ایران، با منابع فراوان، هنوز نتوانسته‌ایم استادیوم‌هایی در شأن تماشاگر فوتبال‌دوست ایرانی بسازیم. این مقایسه با کشوری مثل قطر که به اندازه یکی از شهرهای ماست، واقعاً ناراحت‌کننده است. ما در ایران استعدادهای فوق‌العاده‌ای داریم، اما این استعدادها یا نادیده گرفته می‌شوند یا اصلاً بستری برای رشدشان فراهم نیست. کشورهای دیگر بازیکن از آفریقا و برزیل جذب می‌کنند و برای‌شان تابعیت می‌گیرند، اما ما در همین کشور استعدادهای نابی داریم که یا مهاجرت می‌کنند یا در گمنامی از فوتبال حذف می‌شوند. مشکل اصلی اینجاست که نه سیستم درستی برای شناسایی این بازیکنان داریم، نه فضای مناسبی برای پرورش‌شان.

> نمی‌توان گفت با آمدن ایشان فوراً چنین اتفاقی می‌افتاد. آن زمان نیم‌فصل بود و تیم نیاز به بررسی داشت. خود آقای کارتال قول داده بودند برای فصل بعد تیمی قوی بسازند. اما فقط سرمربی مهم نیست عوامل دیگری مثل مدیرعامل و هیأت مدیره هم نقش اساسی دارند

با این همه دغدغه، چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟ آیا فکر می‌کنید می‌توانید به اوج آرزوهای خودتان برسید و حداقل کمکی در بحث استراتژی و زیرساخت فوتبال کشور انجام دهید؟

من خودم سعی می‌کنم تا جایی که در توانم است، تأثیرگذار باشم. حتی اگر این تأثیرگذاری خیلی کم باشد، باز هم نور امیدی هست. من با اینکه مخالفت‌هایی وجود دارد، کار خودم را انجام می‌دهم و به هر کسی که می‌بینم، پیشنهاد همکاری می‌دهم. قبل از جام جهانی در اردوی کیش، خیلی تأکید داشتیم که زمین فوتبال بسازیم تا تیم‌ها برای اردو به این جزیره بیایند. حتی آقای مهاجرانی را از دوبی به کیش آوردیم تا از این فرصت استفاده کنیم و بتوانیم ۱۰ زمین فوتبال در کیش ایجاد کنیم. هدف این بود که بعد از جام جهانی هم این زمین‌ها باقی بمانند و تیم‌ها به جای ترکیه و دوبی، در کیش اردو بزنند و با هم بازی کنند. در آن صورت، هم هتل‌های ما رونق پیدا می‌کردند و هم از خروج ارز جلوگیری می‌شد. با کمک دوستان در آن مقطع و مدیریت آقای پورزاد، چهار، پنج زمین در کیش ساخته شد و سال گذشته در نیم‌فصل، پنج، شش تیم لیگ برتری برای اردو به آنجا رفتند. الان هم می‌شود مثلاً در ماکو که منطقه آزاد است، زمین درست کرد تا تیم‌ها به جای ترکیه، به آنجا بروند. متأسفانه وقتی هم که درست می‌کنیم، بعد رهایش می‌کنیم. ما چند تا استادیوم پانزده هزار نفری درست کردیم، اما بعد از مدتی آنها را به حال خود رها کردیم و همه مستهلک شدند. نظارتی بر کار پیمانکار وجود ندارد. پیمانکار استادیوم را درست می‌کند، اما بعد از یک سال خراب می‌شود و هیچ تعهدی از پیمانکار گرفته نمی‌شود که این استادیوم باید بیست سال دوام داشته باشد. فقط می‌گوییم بیا درست کن!

به نظر می‌رسد لیگ برتر ایران بیش از آنکه یک لیگ ملی باشد، به لیگ برتر تهران تبدیل شده است. برخی منتقدان حتی می‌گویند باید نام آن را لیگ برتر تهران گذاشت، چرا که هفت یا هشت تیم در تهران بازی می‌کنند. نظر شما چیست؟

بله، متأسفانه این وضعیت وجود دارد، اما خوشبختانه امسال برخی تیم‌ها مثل نساجی که تمریناتش را به شهر خودش برگردانده و مس رفسنجان که به شهر خود بازگشته، تصمیمات خوبی گرفته‌اند. تیم‌ها باید به شهرهای خود برگردند و برای آنجا هویت‌سازی کنند. وقتی تیم در شهر خودش تمرین و بازی کند، بازیکنان و مردم ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند و این به هویت تیم و فوتبال شهر کمک می‌کند. این حرکت بسیار مثبت است و امیدواریم ادامه پیدا کند.

اما تیم‌هایی مانند چادرملو فجرسپاسی به دلیل آماده نبودن ورزشگاه‌هایشان مجبورند در تهران بازی کنند.

متأسفانه در کشور ما همیشه این طور بوده که بعد از وقوع مشکل به فکر حل آن می‌افتیم. باید کمی تحت فشار باشیم تا به فکر چاره بیفتیم. شما ببینید، مشکل آب تهران را هشت سال پیش گوشزد می‌کردند. به دلیل سوءمدیریت، امروز با این مشکل مواجه هستیم. اگر هشت سال پیش تحت فشار بودیم، الان مشکل آب نداشتیم. یقه مدیری را که این مشکل را ایجاد کرده، باید گرفت. چرا باید در این زمان به بی‌آبی و بی‌برقی برسیم؟ این به دلیل نبود برنامه‌ریزی و سوءمدیریت است و هیچ دلیل دیگری ندارد. اگر هشت سال پیش نیروگاه شهید رجایی را اورهال می‌کردیم و آن را به روز نگه می‌داشتیم، امروز نیازی نبود هزینه‌های سنگین برای تعمیر آن بپردازیم. خشکسالی در همه جا وجود دارد، اما باید به فکر چاره باشیم. این اتفاقات در شأن مردم ما نیست.

اگر نکته‌ای باقی مانده که بیان آن را ضروری می‌دانید، بفرمایید.

واقعاً لازم می‌دانم از این فرصت استفاده و تأکید کنم که نقش مربی و معلم در فوتبال بسیار مهم است. حرف زدن، نقد کردن و گفت‌وگو، بخش جدانشدنی پیشرفت است، اما باید یاد بگیریم با احترام متقابل سخن بگوییم. نقد با انتقاد همراه با نیت منفی تفاوت دارد، هرچند بعضاً مرزشان باریک است. نقد باید محترمانه باشد، بدون آنکه به شخصیت افراد توهین شود. این نقدها لازم است تا ما بفهمیم چه کنیم تا بهتر شویم و چه کنیم که اوضاع بدتر نشود. همیشه معتقدم نشستن دور هم، گفت‌وگو و تعامل، بسیاری از مشکلات را حل می‌کند. متأسفانه در جامعه ما و بویژه در فوتبال، یکی از مشکلات اصلی، نبود شفافیت است. مثلاً در مواردی که رأی پرونده بازیکن صادر نمی‌شود، چرا باید این قدر تعلل شود؟ شفافیت نه کار پیچیده‌ای است و نه هزینه‌ای دارد؛ تنها نیازمند صداقت است.

حمیدخان، فکر می‌کنید روزی برسد که شفافیت در فوتبال ایران حرف اول را بزند؟

قطعاً می‌رسد، به شرط آنکه افراد شایسته در جایگاه‌های درست قرار بگیرند. ما در کشورمان مدیران توانمند کم نداریم، فقط باید فرصت را به آنها داد و دست از جناح‌بندی‌ها و روابط شخصی برداشت. نباید ملاک انتخاب، «رفاقت» یا «هم‌جناحی بودن» باشد، بلکه باید افراد متخصص و درستکار را به کار گماشت. عمر کوتاه است و فرصت اندک. باور کنید مادرم وقتی از دنیا رفت، بیشتر از هر زمان دیگری این را حس کردم که باید کاری کنیم اثری از خودمان بماند. ما می‌آییم و می‌رویم، اما آنچه باقی می‌ماند، همان اثری است که در مسیر خدمت و صداقت به جا می‌گذاریم.

برای دیدن این گفت‌وگو بارکد را اسکن کنید.

برش

آقای استیلی، به عنوان جمع بندی، فکر می‌کنید آیا مدیریتی در فوتبال ایران وجود دارد که حاضر باشد حرف‌های مطرح شده امروز را بشنود و به آنها عمل کند؟

قطعاً این حرف‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد، اما نقش نهادهای نظارتی بسیار حیاتی است. بیشتر تیم‌های ما دولتی یا شبه‌دولتی هستند و نهادهای نظارتی باید با دقت عملکرد مدیران را زیر نظر داشته باشند. اگر مدیری بدون برنامه یا حتی با آسیب عمدی به تیم پیش برود، باید پاسخگو باشد. نبود نظارت باعث می‌شود مدیران بدون مسئولیت‌پذیری عمل کنند و مشکلات تکرار شود. مدیران باید بدانند هر قراردادی که می‌بندند، باید پاسخگو باشند و متخصصان را به کار بگیرند. بدون نظارت و پاسخگویی، این مشکلات نه فقط در فوتبال، بلکه در همه حوزه‌ها از صنعت تا کشاورزی ادامه خواهد داشت. پاسخگویی کلید حل مشکلات است.

چرا باید در اجرای مصوبه شورای عالی اداری بازنگری کرد؟

بهای سنگین حذف سازمان منابع طبیعی

برش

غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی در شبکه ایکس نوشت: «مصوبه شورای عالی اداری در مورد ساختار وزارت جهاد کشاورزی برخلاف نظر مشورتی وزارتخانه و توافق فی مابین در جلسات متعدد و مکاتبات انجام شده با سازمان اداری و استخدامی است و دستور رئیس جمهور محترم و الزامات اساسی بخش کشاورزی نادیده گرفته شده است. اینجانب پیگیر اصلاح مصوبه خواهم بود.»

مقاله وارده

فرود شریفی
رئیس سابق سازمان جنگل‌ها منابع طبیعی و آبخیزداری

امنیت غذایی و تولید پایدار غذا از جمله موضوعات حیاتی و راهبردی در سطح جهانی است که امروزه مورد تأکید کارشناسان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) نیز بارها بر اهمیت آن تأکید کرده است. بروز پدیده‌هایی مانند خشکسالی، بیماری‌های واگیر، حوادث غیرمترقبه، جنگ، افزایش جمعیت و استفاده از غذا به عنوان ابزار سلطه توسط قدرت‌های استکباری، بر اهمیت روزافزون امنیت غذایی افزوده است.

در برنامه هفتم توسعه، اهدافی همچون خودکفایی ۹۰ درصدی در تولید گندم و جو و حدود ۴۰ درصدی در تولید دانه‌های روغنی و ذرت به عنوان تکالیف قانونی تعیین شده‌اند. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۹، توجه ویژه‌ای به بخش کشاورزی معطوف شد. در این دوره، وزارت کشاورزی مسئول تولید کمی و کیفی محصولات کشاورزی بود و جهاد سازندگی متولی توسعه روستایی و رفع محرومیت از مناطق محروم محسوب می‌شد.

ادغام وزارتخانه‌ها و پیامدهای آن

در سال ۱۳۸۰، به موجب مصوبه شورای عالی اداری، دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی منحل و در قالب وزارت جهاد کشاورزی ادغام شدند. این تصمیم که با هدف چابک‌سازی ساختار اجرایی اتخاذ شد، در عمل موجب کاهش شتاب توسعه روستایی، تضعیف مشارکت مردمی و کند شدن فعالیت‌های آبخیزداری در کنترل بحران آب شد. با گذشت زمان، بسیاری از مسئولان به اشتباه بودن این ادغام اذعان کرده‌اند و ضرورت احیای نهادهای جهادی در قالبی نوین را مطرح ساخته‌اند؛ اما واقعیت آن است که «آب رفته به جوی باز نمی‌گردد».

امروز که کشور در شرایط تحریم قرار دارد و بیش از هر زمان به ثبات، همدلی و امنیت غذایی نیازمند است، انتظار می‌رفت با اصلاح ناترازی میان بخش‌های مختلف، زمینه برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و افزایش بهره‌وری فراهم شود. اما شورای عالی اداری با اقدامی بدون ارزیابی دقیق کارشناسی، مصوبه‌ای را تصویب کرده که از نظر حقوقی، ساختاری و اجرایی دچار نارسایی‌های جدی است و تهدیدی مستقیم برای امنیت غذایی کشور محسوب می‌شود. این مصوبه، بدون درک عمیق از ماهیت پیچیده و تخصصی بخش کشاورزی، وظایف نهادهای حاکمیتی را به ستاد وزارتخانه تفویض و سازمان‌های متعددی را منحل کرده است. ادغام سازمان‌های تخصصی مانند منابع طبیعی و آبخیزداری، حفظ نباتات، دامپزشکی، شیلات و امور عشایر بدون مشورت با متخصصان و ارزیابی فنی، اقدامی غیرکارشناسی تلقی می‌شود. واکنش‌های گسترده کارشناسان ناشی از نگرانی نسبت به آثار بلندمدت این تصمیم بر منابع طبیعی، امنیت غذایی، انسجام اجتماعی و حاکمیت علمی کشور است. در واقع، این تصمیم نه‌تنها کارآمدی مأموریت‌های تخصصی نهادهای مذکور را زیر سؤال برده، بلکه موجب تضعیف حاکمیت فنی و تخصصی در حوزه‌های راهبردی کشاورزی و منابع طبیعی شده است.

نادیده گرفتن بنیان‌های امنیت غذایی

امنیت غذایی امروزه دیگر صرفاً یک مسأله تولیدی یا اقتصادی نیست، بلکه یکی از ارکان حیاتی امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود. هرگونه تصمیم‌گیری شتابزده و غیرکارشناسی در ساختار اجرایی بخش کشاورزی، بویژه حذف یا تضعیف نهادهای تخصصی، می‌تواند پیامدهایی جدی برای امنیت غذایی، پایداری منابع طبیعی و ثبات اجتماعی در پی داشته باشد. مصوبه اخیر شورای عالی اداری در تعارض آشکار با اهداف برنامه هفتم توسعه، سیاست‌های خودکفایی در تولید محصولات اساسی و الزامات مواجهه با مخاطرات ژئوپلیتیکی و اقلیمی قرار دارد. نادیده گرفتن ماهیت راهبردی و چندبُعدی امنیت غذایی، موجب تضعیف ظرفیت‌های زیرساختی کشور در مدیریت بحران‌های احتمالی خواهد شد.

از سوی دیگر، ریسک انحصار در بازار نهاده‌های کشاورزی نیز یکی از پیامدهای نگران‌کننده خصوصی‌سازی بدون نظارت است. واگذاری کامل یا جزئی برخی وظایف و ساختارهای دولتی به بخش خصوصی، بدون ایجاد سازوکارهای کنترل رقابت، می‌تواند منجر به ایجاد کارتل‌های اقتصادی و محدودیت دسترسی کشاورزان به نهاده‌های باکیفیت و قیمت مناسب شود. همچنین، واگذاری سازمان تعاون روستایی به عنوان یکی از نهادهای کلیدی در ارائه خدمات حمایتی و نظارتی به کشاورزان، بویژه در مناطق محروم، با خطر کاهش کیفیت خدمات عمومی، تضعیف نظارت بر تعاونی‌ها و حذف حمایت از تولیدکنندگان خرد مواجه است.

پیامدهای ساختاری

این مصوبه، تضعیف نهادهای تخصصی و اختلال در وظایف حاکمیتی را در پی دارد. واگذاری مأموریت‌های تخصصی به نهادهای غیرمرتبط یا فاقد زیرساخت‌های جایگزین، موجب تضعیف ساختارهای تخصصی، از بین رفتن حافظه نهادی، کاهش کارآمدی نظارت و انفعال حاکمیتی خواهد شد. از جمله چالش‌های مهم در این زمینه، فقدان زیرساخت‌های استانی است. انتقال وظایف حساس و تخصصی به سطوح استانی، بدون تأمین منابع مالی، انسانی و فنی لازم، عملاً موجب ناکارآمدی و تضعیف عملکرد اجرایی در استان‌ها خواهد شد. زمان‌بندی این مصوبه غیرواقعی است. اجرای چنین تحول ساختاری در بازه زمانی شش‌ماهه، نه‌تنها غیرواقع‌بینانه است، بلکه احتمال آشفتگی ساختاری و اجرایی را افزایش می‌دهد. به گفته کارشناسان، تحقق این امر حداقل به دو سال برنامه‌ریزی و آماده‌سازی دقیق نیاز دارد. ابهام در تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری از دیگر اشکالات این مصوبه است؛ نبود تعریف روشن از حدود و نوع وظایف حاکمیتی در مقابل تصدی‌گری، به سردرگمی مدیریتی و موازی‌کاری دامن زده است. برای نمونه، تصمیم به واگذاری صندوق بیمه کشاورزی به بخش خصوصی، با توجه به ماهیت حمایتی و حاکمیتی آن، محل تردید و نقد جدی است. این مصوبه به خلط وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری منجر می‌شود. تفکیک شعاری و ناقص میان وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری، در عمل موجب تداخل عملکردها، واگرایی ساختاری و اختلال در فرآیند تصمیم‌گیری شده است. این خلط وظایف، مانعی جدی در مسیر کارآمدی دستگاه‌های اجرایی به شمار می‌آید.

تضعیف تولید و تهدید اشتغال

جوامع عشایری، ساحلی و روستایی که ستون‌های اصلی تولید پایدار کشاورزی، دامداری و شیلات کشور محسوب می‌شوند، به واسطه تصمیمات اخیر، در معرض ناامنی اقتصادی، بی‌ثباتی معیشتی، مهاجرت اجباری و افزایش بیکاری قرار گرفته‌اند. تضعیف نهادهای حمایتی موجب گسترش فقر در این مناطق خواهد شد. کاهش حمایت‌ها از این بخش‌ها، عملاً موجب کاهش تولید ملی و تضعیف اشتغال مولد می‌شود.

تهدید منابع طبیعی

حذف یا ادغام ساختارهای تخصصی در حوزه منابع طبیعی، پیامدهای خطرناکی چون افزایش فرسایش خاک، از بین رفتن سلامت آبخیزها، تخریب میکرواقلیم‌ها و تنوع زیستی، تخریب پوشش گیاهی، تخریب و تصرف انفال، افزایش خطر سیلاب‌ها، هدررفت آب و تشدید بحران آب، تشدید پدیده زمین‌خواری و تخریب جنگل‌ها و مراتع را به دنبال دارد. این تهدیدها مستقیماً امنیت زیستی و پایداری سرزمینی کشور را هدف قرار می‌دهند.

ابهام در تفکیک وظایف

تاکنون تعریف شفاف و عملیاتی از مرز بین وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری ارائه نشده است. به عنوان نمونه، واگذاری صندوق بیمه کشاورزی به بخش خصوصی، با ماهیت حمایتی و ملی این نهاد در تعارض است و موجب نگرانی‌های جدی کارشناسان شده است.

کاهش استقلال علمی

نهادهای پژوهشی نظیر مؤسسات تحقیقات شیلات، منابع طبیعی، دامپزشکی و حفظ نباتات، بدون حمایت ساختاری و تأمین منابع پایدار، دچار افول عملکرد، کاهش استقلال علمی و توقف در تولید دانش بومی خواهند شد. این وضعیت، زنجیره پژوهش تا اجرا را مختل کرده و بر ظرفیت علمی کشور در حوزه امنیت غذایی و زیست‌محیطی تأثیر منفی خواهد گذاشت.

نقد ساختاری بر مصوبه

این مصوبه فاقد طرح تشکیلاتی شفاف است. ساختار پیشنهادی، فاقد نقشه سازمانی مشخص و تعریف روشن از سطوح ستادی، استانی و وظایف مرتبط با هر سطح است. نبود زنجیره پاسخگویی شفاف میان ستاد مرکزی، واحدهای اجرایی و مراکز استانی، عملاً موجب ابهام در مسئولیت‌ها، سردرگمی نهادی و اختلال در فرآیند تصمیم‌گیری خواهد شد.

نقض اصل تفکیک نظارت و اجرا

در ساختار جدید، نقش‌های سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت به صورت همزمان در بدنه وزارتخانه و زیرمجموعه‌های آن تجمیع شده است. چنین ترکیبی با اصول بنیادین حکمرانی خوب در تعارض است و زمینه‌ساز بروز فساد اداری، ناکارآمدی مدیریتی و شکل‌گیری رانت ساختاری خواهد بود. همچنین، ورود سازمان‌هایی نظیر حفاظت محیط زیست به حوزه‌های اجرایی، استقلال نظارتی آنان را بشدت تضعیف می‌کند.

تجمیع نهادهایی با مأموریت‌های ماهوی متضاد-مانند نهادهای حفاظتی (منابع طبیعی، حفاظت محیط زیست) در کنار سیلاب‌ها، هدررفت آب و تشدید بحران آب، تشدید پدیده زمین‌خواری و تخریب جنگل‌ها و مراتع را به دنبال دارد. این تهدیدها مستقیماً امنیت زیستی و پایداری سرزمینی کشور را هدف قرار می‌دهند.

> حذف یا ادغام ساختارهای تخصصی در حوزه منابع طبیعی، پیامدهای خطرناکی چون افزایش فرسایش خاک، از بین رفتن سلامت آبخیزها، تخریب میکرواقلیم‌ها و تنوع زیستی، تخریب پوشش گیاهی، تخریب و تصرف انفال، افزایش خطر سیلاب‌ها، هدررفت آب و تشدید بحران آب، تشدید پدیده زمین‌خواری و تخریب جنگل‌ها و مراتع را به دنبال دارد. این تهدیدها مستقیماً امنیت زیستی و پایداری سرزمینی کشور را هدف قرار می‌دهند

عکس / تسنیم

نهادهای تولیدمحور (کشاورزی، دامداری)- موجب برتری اولویت‌های اقتصادی بر ملاحظات محیط زیستی و اکولوژیکی خواهد شد. این روند، خطر تضعیف سیاست‌های حفاظتی، تشدید بهره‌برداری ناپایدار و آسیب به منابع پایه را در پی دارد و با اصول توسعه پایدار ناسازگار است.

ریشه‌یابی انگیزه‌ها و زمینه‌ها

به‌نظر می‌رسد هدف اصلی این مصوبه‌ها، نه تحقق توسعه پایدار، بلکه کوچک‌سازی ظاهری دولت تحت پوشش چابک‌سازی ساختاری بوده است. برخی تحلیلگران معتقدند که این تصمیمات نه‌تنها فاقد ارزیابی‌های جامع فنی، اقتصادی و اجتماعی هستند، بلکه از جنبه سیاسی نیز قابل تأملند. آنان این تصمیمات را ادامه روند حذف نهادهای مؤثر و مردمی نظیر جهاد سازندگی دانسته‌اند.

ایرادات حقوقی و قانونی

بررسی حقوقی مصوبه شورای عالی اداری در خصوص ادغام و واگذاری وظایف در بخش کشاورزی، منابع طبیعی و سازمان‌های تابعه، نشان‌دهنده مجموعه‌ای از مغایرت‌ها با قوانین بالادستی و اصول بنیادین حقوق عمومی است. صدور این مصوبه در اولین روز اجرای برنامه هفتم توسعه، بدون طی مراحل کارشناسی و اخذ نظر نهاد قانونگذار، با مفاد ماده ۵۰۱ این قانون در تعارض مستقیم قرار دارد. ماده مذکور بر ضرورت هماهنگی تصمیمات اجرایی با احکام برنامه تأکید دارد و اجرای چنین اصلاحات ساختاری باید در چهارچوب آن صورت گیرد. بر اساس اصل ۳۸ قانون اساسی، تفویض وظایف حاکمیتی و تعیین ساختارهای اجرایی آن، صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است. شورای عالی اداری، فاقد صلاحیت قانونی برای چنین تغییراتی در سطح ملی بوده و واگذاری گسترده وظایف حاکمیتی به ساختارهای غیرقانونی یا غیردولتی، نقض مستقیم قانون اساسی محسوب می‌شود. انتقال وظایف ملی به سطوح استانی، آن هم بدون پیش‌بینی منابع انسانی، مالی و نظارتی، فاقد مبنای قانونی مشخص است و ممکن است در فرآیند تطبیق قوانین، با ایراد شورای نگهبان یا هیأت تطبیق مصوبات مواجه شود.

تعارض با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

مصوبه مزبور با بندهای متعدد سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، در تضاد آشکار است. از جمله، تضعیف نقش دولت در امور حاکمیتی، واگذاری‌های بدون ضابطه و حذف ظرفیت‌های نظارتی، مغایر با اصول حمایت از تولید ملی، تقویت ساختارهای درون‌زا و توسعه نهادهای حاکمیتی مؤثر است.

جمع‌بندی نهایی

در شرایطی که کشور با بحران‌های چندگانه‌ای همچون کاهش شدید منابع آبی، فشارهای اقتصادی، تحریم‌های خارجی و تغییرات اقلیمی مواجه است، اتخاذ تصمیمات ساختاری بدون پشتوانه کارشناسی و اجماع نخبگانی، بیش از هر زمان دیگری می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت ملی و ثبات اقتصادی و اجتماعی کشور باشد. به جای نیل به چابک‌سازی واقعی دولت، ساختار فعلی با خلأ نهادی، تضعیف حافظه سازمانی و کاهش کارآمدی حاکمیتی روبه‌رو شده است. برای اصلاح این مسیر، اقدامات زیر ضروری است:

ارائه لایحه قانونی مشخص به مجلس شورای اسلامی جهت اخذ مجوزهای لازم برای تغییر در ساختارهای حاکمیتی و تخصصی.

تدوین دستورالعمل‌های دقیق تفکیک وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری، با مشارکت کارشناسان، متخصصان و ذی‌نفعان.

بازنگری در زمان‌بندی و تأمین الزامات زیرساختی و نیروی انسانی، بویژه در سطوح استانی.

حفظ نهادهای تخصصی موجود و تقویت آنها به جای حذف یا ادغام شتابزده.

روزنامه ایران آمادگی دارد توضیحات شورای عالی اداری یا نقطه نظرات متفاوت با این مقاله وارده را منتشر کند.

سخن پایانی

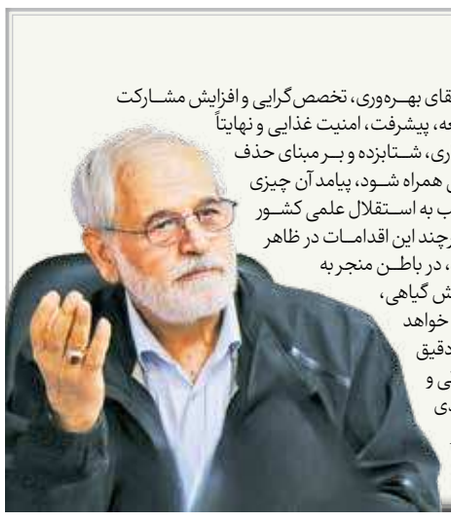

برش

اصلاحات ساختاری، اگر با رویکرد تقویت حکمرانی، ارتقای بهره‌وری، تخصص‌گرایی و افزایش مشارکت ذی‌نفعان انجام شود، می‌تواند گامی مؤثر در راستای توسعه، پیشرفت، امنیت غذایی و نهایتاً امنیت ملی باشد. اما زمانی که این تغییرات با نگاه شعاری، شتابزده و بر مبنای حذف نهادهای تخصصی و نادیده گرفتن پیچیدگی‌های اجرایی همراه شود، پیامد آن چیزی جز تضعیف امنیت غذایی، تخریب منابع طبیعی، آسیب به استقلال علمی کشور و بی‌ثباتی در تولید ملی و امنیت ملی نخواهد بود. هرچند این اقدامات در ظاهر با هدف چابک‌سازی و کاهش هزینه‌ها انجام می‌شود، در باطن منجر به تضعیف حکمرانی بر منابع پایه همچون آب، خاک و پوشش گیاهی، تزلزل در زنجیره تأمین غذا و بی‌نظمی ساختاری گسترده خواهد شد. چابک‌سازی بدون تحلیل نهادی و بدون شناخت دقیق از ساختارهای تخصصی، خود به نوعی بی‌نظمی سازمانی و ضعف حکمرانی منجر می‌شود که در نهایت نه‌تنها کارآمدی را افزایش نمی‌دهد، بلکه آسیب‌پذیری کشور را در برابر بحران‌های پیش‌رو بیشتر خواهد کرد.

تازه‌ترین آمار از زیستگاه یوز آسیایی

شمار یوزهای نرشناسنامه‌دار ایران به چهار فرد رسید

عکس / ایرنا

گزارش

گروه زیست بوم/ تعداد یوزپلنگ‌های آسیایی نر شناسنامه‌دار در طبیعت ایران به چهار فرد رسید. پیشتر سعید یوسف‌پور، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان، در گفت‌وگو با روزنامه ایران اعلام کرده بود که یوز نری به نام «فَقه» در منطقه یوزکنان حضور دارد و یوز نر دیگری با نام «فراز» در منطقه توران مشاهده شده است. کارشناسان همچنین به فردی دیگر به نام «هیوا» چشم امید بسته بودند؛ فردی که در ابتدا ماده فرض شده بود، اما برخی متخصصان، با توجه به رفتارهای او، این فرضیه را زیر سؤال بردند.

به گفته یوسف‌پور، تیمی از کارشناسان سازمان حفاظت محیط زیست و مشاوران بیرون از این مجموعه، پس از بررسی دقیق تصاویر «هیوا»، احتمال نر بودن او را مطرح کرده بودند. در آن زمان نتیجه قطعی حاصل نشد و هیوا با عنوان «جنسیت نامشخص» معرفی شد، اما همچنان کفه نر بودن او سنگین‌تر بود. دلیل اصلی احتمال نر بودن او، محدوده وسیع و پراکنده رفت‌وآمدش بود. البته یوسف‌پور توضیح داد: «در مورد یوزهای ماده هم ممکن است چنین رفتاری مشاهده شود، اما نرها معمولاً درگیرتر هستند.» اکنون، با گذشت نزدیک به دو ماه و نیم از آن گفت‌وگو، کارشناسان محیط زیست سمنان به‌طور قطعی اعلام کرده‌اند که «هیوا» و توله بازمانده یوز ماده‌ای به نام «هلیا»، هر دو نر هستند. این خبر می‌تواند تا حدودی دلنگرانی‌ها درباره کاهش تعداد یوزهای نر برای ادامه نسل یوزپلنگ در آخرین زیستگاه سریع‌ترین گربه سان جهان را کاهش دهد. ایران آخرین زیستگاه این گونه در میان ۴۴ کشور آسیایی است. یوزپلنگ سومین گونه در معرض انقراض گربه سانان ایران است.

طبیعت ایران پیش از این شیر و ببر ایرانی را از دست داده است. وضعیت پلنگ ایرانی خوب گزارش می‌شود. یوسف‌پور درباره اهمیت افزایش تعداد یوزهای نر شناسنامه‌دار می‌گوید: «تعیین دقیق جنسیت یوزها در پایش‌های بلندمدت، بویژه در مورد افراد ناشناخته یا تازه‌شناسایی‌شده، برای تحلیل ساختار جمعیتی، پیش‌بینی توان زادآوری و تدوین راهبردهای حفاظتی بسیار کلیدی است.» او همچنین می‌افزاید: «پایش مستمر و تخصصی در زیستگاه‌های اصلی یوز آسیایی در حال انجام است و اطلاعات حیاتی از جمله جنسیت، زادآوری، قلمروپذیری و وضعیت سلامت به‌طور دقیق و علمی استخراج می‌شود.» یوسف‌پور از زحمات کارشناسان، محیط بانان و تیم‌های فنی قدردانی می‌کند و می‌گوید: «این اداره‌کل با همکاری نهادهای تخصصی ملی، روند پایش علمی و مدیریت هدفمند جمعیت یوز آسیایی را با جدیت ادامه خواهد داد.» به گفته او: «پیشتر به دلیل محدودیت‌های بصری در برخی ثبت‌های قبلی، امکان تشخیص دقیق جنسیت این دو یوز وجود نداشت. در گزارش‌های اولیه، جنسیت آنها نامشخص اعلام شد، اما در تصاویر جدید، با زاویه دید مناسب و وضوح بالا، تمامی شاخص‌های آناتومیک برای تعیین جنسیت در اختیار تیم تخصصی قرار گرفت و بررسی‌ها به نتیجه قطعی رسید.»

تعداد یوزهای نر در طبیعت ایران، به گفته کارشناسان، هنوز به اندازه انگشتان یک دست هم نمی‌رسد.

دو نر تازه‌شناسایی‌شده

یوزپلنگ «هیوا» در سال ۱۳۹۸ در پارک ملی توران متولد شد. با وجود تلاش‌ها برای ثبت حضور او از طریق دوربین‌های تله‌ای، از سال ۱۳۹۹ تا بهمن ۱۴۰۲ هیچ تصویری از او به دست نیامد. در زمستان ۱۴۰۲، هیوا که فرزند یوز ماده‌ای به نام «هَرب» است، مجدداً مشاهده شد. در ابتدا تصور می‌شد که هیوا ماده و خواهر یوزهای «هلیا» و «هانا» است، اما در بررسی‌های دقیق‌تر، مشخص شد که جنسیت او نر است. یوز «هلیا» نیز فرزند یوز ماده «هَرب» است و به‌عنوان یکی از ماده‌های بالغ، دو توله به دنیا آورد. یکی از این توله‌ها که نر و کمتر از دو سال داشت، در تاریخ ششم تیر ۱۴۰۲ در پی برخورد با یک خودروی عبوری در محور تهران-مشهد تلف شد.

چرا یوز نر مهم است؟

براساس تخمین کارشناسان، جمعیت شناسایی شده یوز آسیایی در توران (واقع در شرق استان سمنان)، تنها زیستگاه این گونه در جهان، به ۲۶ فرد رسیده که از این تعداد، ۶ یوز در سایت تکثیر و ۲۰ یوز در طبیعت زندگی می‌کنند. کم بودن تعداد نرها در این جمعیت، نقش آنها را در زادآوری و بقای نسل بسیار حیاتی می‌کند.

چشم امید به یوز نروارداتی از آفریقا

با وجود شناسایی دو نر جدید، سازمان حفاظت محیط زیست همچنان گزینه واردات یوز نر از آفریقا برای ادامه طرح تکثیر در اسارت را بررسی می‌کند. یوسف‌پور در این باره به «ایران» گفته است: «تعداد یوزهای نر شناخته‌شده در طبیعت ایران آن‌قدر کم است که نمی‌توان روی زنده‌گیری نرها از طبیعت حساب باز کرد.»

در صورت رفع موانع کارشناسی و تحریمی، ورود یوز نر به پروژه تکثیر دوباره کلید خواهد خورد. این طرح که پیشتر منجر به تولد سه توله نر از جفتگیری «ایران» و «فیروز» شده بود، پس از مرگ آن توله‌ها متوقف شد. بسیاری بر این باورند که تولد زودرس این توله‌ها به‌دلیل سزارین یوز ماده (ایران) و ناهنجاری‌های مادرزادی بود، هرچند سازمان حفاظت محیط زیست این موضوع را رسماً تأیید نکرده است. با این حال، کارشناسان موفقیت در زادآوری را گام مثبتی دانسته‌اند و معتقدند باید شانس دوباره‌ای به طرح تکثیر در اسارت داده شود.

ابهامی پابرجا

زمانی که سه توله «ایران» و «فیروز» به دنیا آمدند، این نگرانی در میان کارشناسان مطرح شد که یوز آسیایی در حال نرزایی است و کاهش یوزهای ماده می‌تواند بقای این گونه را تهدید کند. اما در یکی دو سال اخیر، برعکس، نگرانی‌ها درباره کاهش تعداد نرها افزایش یافته است.

این سؤال هنوز بی‌پاسخ مانده است: آیا همه یوزهایی که در دهه اخیر قربانی تصادف با خودروها شده‌اند، ماده بوده‌اند؟ بویژه که در برخی گزارش‌ها در نیمه دوم دهه ۹۰ تعداد ماده‌ها تنها دو فرد اعلام شده بود، در حالی که بعداً مدیر پروژه بین‌المللی وقت یوزپلنگ آسیایی تعداد آنها را شش فرد اعلام کرد.

کارشناسان همواره در مقابل این آمار رسمی اعلام شده، یک واکنش ثابت داشته‌اند. آنها می‌گویند که به‌دلیل نبود پوشش دوربین در تمام زیستگاه‌ها و رفتار مخفی‌کارانه یوزها، این آمار تنها تخمینی و «کارشناسی» است. با این حال، نبود شفافیت در پاسخ به این پرسش که چرا نگرانی‌ها از کمبود ماده به کمبود نر تغییر جهت داده، همچنان یکی از نقاط مبهم مدیریت یوز در ایران باقی مانده است.

> ایران آخرین زیستگاه این گونه در میان ۴۴ کشور آسیایی است. یوزپلنگ سومین گونه در معرض انقراض گربه سانان ایران است. طبیعت ایران پیش از این شیر و ببر ایرانی را از دست داده است. وضعیت پلنگ ایرانی خوب گزارش می‌شود

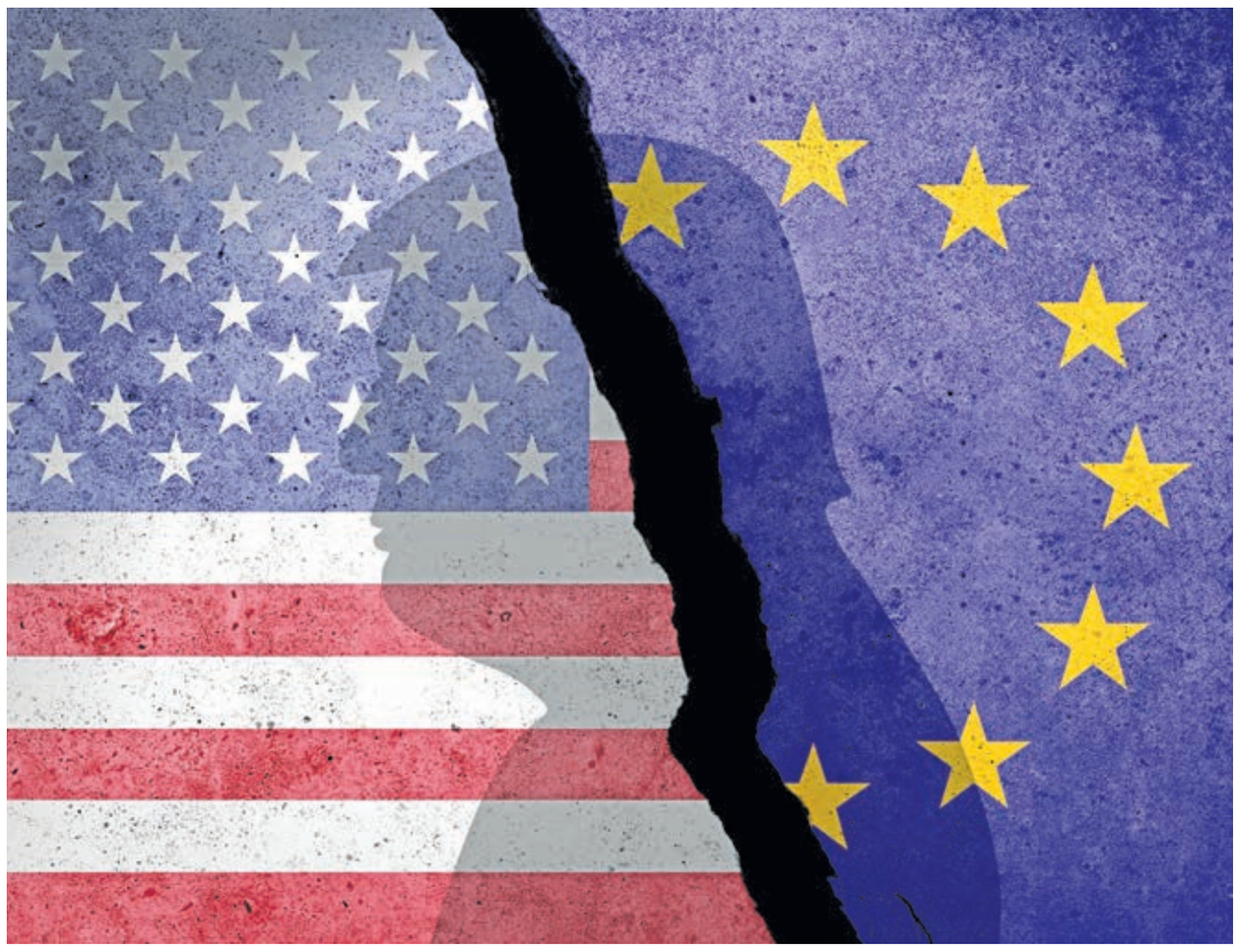

ابرشرور ضداروپایی

کریستین سنت-اتین در کتاب ترامپ و ما چگونه فرانسه و اروپا را نجات دهیم به نقد ناکارآمدی اتحادیه اروپا در مواجهه با سلطه ترامپ می‌پردازد

جهان سیاست

راضیه خوئینی
گروه کتاب

کتاب «ترامپ و ما: چگونه فرانسه و اروپا را نجات دهیم / Trump et nous: Comment sauver la France et l'Europe» اثری جسورانه و صریح از کریستین سنت-اتین است که نه‌تنها به نقد سیاست‌های خصمانه و امپریالیستی دونالد ترامپ علیه قاره سبز می‌پردازد، بلکه آینه‌ای در برابر ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های اتحادیه اروپا قرار می‌دهد. نویسنده با اتکا به سوابق علمی و اقتصادی خود، سیاست‌های ترامپ را عامل برهم زدن نظم جهانی و فرصتی برای بازاندیشی در ساختار قدرت اروپا معرفی می‌کند. این کتاب نه یك حمله شخصی به ترامپ است، نه صرفاً نقدی از بیرون به اتحادیه اروپا؛ بلکه دعوتی است به تحول داخلی، احیای سیاست صنعتی و ساختن اروپایی که بتواند در برابر تندبادهای قرن ۲۱ ایستادگی کند.

ترامپ چگونه بر همه ریاست می‌کند؟ این سؤالی است که سنت-اتین اقتصاددان برجسته فرانسوی، با ارائه تحلیلی سیاسی در کتاب جدیدش به این پرسش پاسخ داده است. این کتاب که اوایل اردیبهشت سال‌جاری منتشر شده، ترامپ، رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا را یك ابرشرور ضداروپایی و قاره سبز را چهره‌ای گم‌گشته و نیازمند به کمك معرفی می‌کند؛ به همین منظور راهنمایی جامعی برای بقای ژئوپلیتیك اروپا و فرانسه ارائه می‌دهد. این اثر با محتوایی کاملاً جدی و قلم تند و تیز نویسنده‌اش، سیاست‌های امپریالیستی و توسعه‌طلبانه ترامپ را مورد انتقاد قرار داده و بروکسل را همچون توئیت‌های اول هفته ترامپ به لرزه در آورده است.

پشت جلد این کتاب نوشته شده: «این رئیس‌جمهوری انزواطلب و مرکانتیلیست با حمایت از تولیدات داخلی و سوداگری، مسیر امپریالیسم و توسعه‌طلبی را در پیش گرفته است؛ رویکردهایی در تضاد آشکار با قاره اروپا که نظم اقتصادی و سیاسی جهان را به چالش کشیده. اما پرسش اساسی این است که کشورهای اروپایی در مواجهه با این چالش چه تدابیری باید اتخاذ کنند؟ این کتاب با ارائه راه‌حل‌هایی کاربردی و دقیق می‌کوشد تا توان سازگاری اروپا، بویژه فرانسه را با جهانی که با شتابی بی‌سابقه در حال دگرگونی و تحول است، افزایش دهد. تا آنجا که برخی مفسران این اثر را ابزاری راهبردی برای بازیابی حاکمیت و رفاه فرانسه می‌دانند.»

نویسنده با ارائه تحلیلی جامع از طرح دونالد ترامپ برای تسلط بر همه ملت‌ها، بویژه اروپائیان، زبان به انتقاد از شیوه اداره اتحادیه اروپا گشوده و این نهاد را بیش از حد بوروکراتیك و دور از تطابق با تحولات جهانی می‌شمارد. سپس راهکارهایی برای اصلاح نهادهای اروپایی پیشنهاد می‌دهد و از سرمایه‌گذاری در فناوری‌های آینده و در پیش گرفتن سیاست صنعتی‌سازی سبز، بویژه در فرانسه، حمایت می‌کند.

پروژه ترامپ

سنت-اتین در مقدمه کتابش با عنوان پروژه دونالد ترامپ بر مبنای قرار دادن ایالات متحده در رتبه اول کشورها نیست، بلکه او می‌خواهد آمریکا را در رأس همه ملت‌ها قرار دهد. او تمایلی به همکاری با سایر کشورها ندارد، بلکه می‌خواهد از آنها تابع و دست نشانده بسازد. در واقع ایالات متحده درگیر منازعه با چین برای تسلط بر جهان است و جنبه منحصر به فرد این مناقشه، فقط به برتری‌جویی در حوزه‌های نظامی، سیاسی و دیپلماتیك محدود نمی‌شود؛ بلکه در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و در بستر انقلاب نوین صنعتی، شامل انفورماتیك و هوش مصنوعی می‌شود. در این انقلاب، اروپا کاملاً جایگاه خود را از دست داده است. در حالی‌که چین و روسیه در تلاشند تا کشورهای جنوب جهان را برای ایجاد یك نظم نوین جهانی علیه نظم آمریکایی متحد کنند، اما در وهله اول این اتحاد به نفع ایالات متحده و برتری دلار تمام می‌شود. بنابراین، چین و روسیه در تلاشند تا جهان را دلارزدایی و بی‌نیاز از تجارت با ارز آمریکایی کنند. در نتیجه، می‌توان دریافت که ترامپ به دنبال اتحاد با کشورهای دموکراتیك علیه چین و روسیه است تا بر قدرت و نفوذ خود بیفزاید. اما با این کار به دیگر کشورهای دموکراتیك اهمیت و مشروعیتی می‌دهد که خودش آن را به رسمیت نمی‌شناسد. ترامپ به چندجانبه‌گرایی علاقه‌ای ندارد، زیرا مستلزم گوش دادن به متحدان، صرف نظر از وزن و اهمیت آنها برای همکاری‌های جمعی است.»

کریستین سنت-اتین، چهار محور اصلی سیاست‌های دونالد ترامپ، شامل حمایت‌گرایی، کاهش مالیات‌ها، مبارزه با مهاجرت و پایان دادن به تلاش‌های فدرال برای حمایت از محیط زیست را در کتابش تشریح کرده است. این سیاست‌ها دقیقاً در تضاد با رویکرد اتحادیه اروپاست که به عنوان یك پلتفرم تجارت آزاد عمل می‌کند. به گفته نویسنده، اتحادیه اروپا غیرمولد بوده و از کشورهای عضو مالیات دریافت می‌کند، مهاجرت را به عنوان راه‌حل قطعی کاهش زاد و ولد می‌داند و محیط زیست را استانداردی در نظر گرفته که حفاظت از آن تأثیرات منفی بر صنایع، بویژه صنعت خودروسازی می‌گذارد. سن-اتین با تمرکز بر سیاست‌های دونالد ترامپ، شرح می‌دهد که چگونه می‌توان فرانسه و اروپا را از این ورطه نجات داد.

نجات اروپا از چنگ ترامپ

کریستین سنت-اتین، اقتصاددان، در کتاب خود با عنوان «ترامپ و ما: چگونه فرانسه و اروپا را نجات دهیم» توانایی اتحادیه اروپا را در مواجهه با جهانی که به طور فزاینده تحت سلطه ایالات متحده و چین قرارگرفته، بویژه در شرایط بازگشت دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، زیر سؤال می‌برد. او ترامپ را چالشی بزرگ برای اتحادیه اروپا توصیف می‌کند و درباره سیاست‌های اروپا هشدار می‌دهد. به گفته نویسنده کتاب، ترامپ در هر دو دوره ریاست جمهوری‌اش هرگز نیت‌های اصلی و خصمانه خود را نسبت به اروپا پنهان نکرده و همیشه گفته در حال تلاش برای انحلال اتحادیه اروپا ست. سنت-اتین یادآور می‌شود در طول تاریخ، ایالات متحده اغلب با سوءظن به تشکیل اتحادیه اروپا، به عنوان «ایالات متحده اروپایی» و قدرتی برای رقابت با آمریکا، نگاه کرده است. در این چهارچوب، او معتقد است دونالد ترامپ سیاستی را به اجرا گذاشته که مشخصه آن؛ سلطه‌گری، وحشی‌گری و خودمحوری است. اتحادیه اروپا برعکس، همچنان با گام‌های کوچك وآهسته به پیشرفت ادامه می‌دهد و از یك قانون ثابت و تقدیس‌شده از نظر خودش پیروی می‌کند؛ قانونی که به زمان تأسیس آن پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. سنت-اتین این چهارچوب را ستون فقرات رقابت داخلی توصیف می‌کند که در عین حال مانع ظهور قدرت‌های بزرگ و پیشرفته‌تر می‌شود. او طی استدلال‌هایی دقیق، این امر را مانع نفوذ جهانی اتحادیه اروپا و رسیدن آن به جایگاه واقعی‌اش می‌داند.

نویسنده از نحوه تأسیس اتحادیه اروپا انتقاد می‌کند؛ چرا که معتقد است این اتحادیه ذاتاً به یك بروکراسی تبدیل شده. او می‌نویسد: «اتحادیه اروپا، بنا بر نظریه اقتصادی، به گونه‌ای بروکراتیك ساخته شده است که هرگونه هدف و چشم‌انداز را در مورد علت وجودی خود از دست داده است.» او معتقد است این سازمان بیش از حد انعطاف‌ناپذیر، مانع از آن شده که اروپا به انقلاب سوم، یعنی انقلاب نمادین و انقلاب دیجیتال روی آورد. او در کتاب دیگر خود با عنوان «نماد اقتصادی برای خروج از بحران / L'Iconomie، pour sortir de la crise» که سال ۲۰۱۳ منتشر شد، این مشکلات را کاملاً شرح داده است: «اتحادیه اروپا ذاتاً دارای ساختار بروکراسی است. بنابراین، اروپا نمی‌توانست بازیگران بزرگ دیجیتال مانند GAFAM (گوگل، آمازون، فیس‌بوك، اپل و مایکروسافت) در ایالات متحده یا DATAHC در چین را به صحنه بیاورد.» او یقین دارد که اروپائیان کاملاً از این انقلاب عقب مانده‌اند. این استاد که دارنده کرسی اقتصاد صنعتی در CNAM (هنرستان ملی هنر و صنایع دستی) است، تأکید می‌کند: «ما به یك دولت سیاسی و استراتژیك و دولتی پویا نیازمندیم.»

ترامپ تاجر

نویسنده در صفحه ۸ این کتاب آورده است: «ما با چالش‌های بزرگ جهانی روبه‌رو هستیم. او (ترامپ) از همان روز مراسم تحلیفش در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، خروج ایالات متحده از توافقنامه اقلیمی پاریس و سازمان بهداشت جهانی (WHO) را اعلام کرد. او در پی اجرای این تصمیم، در آغاز دوره ریاست جمهوری خود، دستور توقف کامل همه پروژه‌های جدید انرژی بادی؛ چه در مزارع بادی فراساحلی و چه ساحلی را به اجرا گذاشت و دستور داد که همه قراردادهای موجود در این زمینه باید با نگاهی عمیق از نظر ضرورت‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اکولوژیکی مورد بررسی و بازنگری قرار گیرند. دونالد ترامپ در روابط بین‌الملل رویکردی سوداگرایانه و معامله‌محور دارد؛ به این معنا که ایالات متحده در هر مورد، صرفاً به دنبال معامله‌ای است که منافع ملموسی برایش به همراه داشته باشد و هر بار با طرف‌های مقابل برای رسیدن به توافق مذاکره می‌کند. برای او، مسأله تغییر نظم بین‌المللی که در حال حاضر بر سر آن با چین و روسیه مناقشه دارد، به منظور ایجاد سیستمی عادلانه‌تر و بازتر برای همگان نیست؛ بلکه طبقه‌بندی او برای روابط با کشورها بر اساس وزن و سهم سیاسی یا اقتصادی آنها در قالب توافقی محدود به چند شریك صورت می‌گیرد. رویکرد ترامپ این است: «شما چه چیزی برای ارائه به من دارید و من حاضرم برای به دست آوردن آن چه چیزی را واگذار کنم؟» این دقیقاً همان رویکردی است که او بی‌پرده با بی‌رحمی در مورد کانادا، مکزیك، پاناما و به طور کلی متحدان ایالات متحده اتخاذ کرده است. در مقابل، او نسبت به دشمنان ایالات متحده، اگر قدرتمند باشند، با احترام بیشتری برخورد می‌کند که این خود گویای همه چیز درباره شخصیت اوست.»

> کریستین سنت-اتین، اقتصاددان، در کتاب خود با عنوان «ترامپ و ما: چگونه فرانسه و اروپا را نجات دهیم» ترامپ را چالشی بزرگ برای اتحادیه اروپا توصیف می‌کند و درباره سیاست‌های منفعلانه اروپا هشدار می‌دهد

> نویسنده با ارائه تحلیلی جامع از طرح دونالد ترامپ برای تسلط بر همه ملت‌ها، بویژه اروپائیان، زبان به انتقاد از شیوه اداره اتحادیه اروپا گشوده و این نهاد را بیش از حد بوروکراتیك و دور از تطابق با تحولات جهانی می‌شمارد

سنت-اتین در ادامه نوشته: «رویکرد معامله‌محور ترامپ ممکن است در روابط ایالات متحده با چین، روسیه، هند یا مکزیك به خوبی قابل اجرا باشد؛ اما برای اتحادیه اروپا که بر پایه چندجانبه‌گرایی، تجارت آزاد برای همگان و در زمان صلح بنیان‌گذاری شده، بشدت بی‌ثبات‌کننده است. در حقیقت با وجود ترامپ چندجانبه‌گرایی مرده است. دونالد ترامپ دوره ریاست جمهوری خود را در ژانویه-فوریه ۲۰۲۵ همزمان با شروع جنگی جهانی در عرصه تجارت آغاز کرد که به هفت دهه چندجانبه‌گرایی و نظم آمریکایی پایان می‌داد. در اینجا هیچ ساده‌لوحی‌ای وجود نداشت؛ این نظم آمریکایی در درجه اول در خدمت منافع ایالات متحده بود. اما سایر ملت‌ها، چه دموکراتیك و چه غیردموکراتیك، می‌توانستند در چهارچوب آن با یکدیگر تجارت کنند و گردشگران به راحتی امکان سفرکردن از کشوری به کشور دیگر را داشتند.»

سنت-اتین در صفحه ۱۷ با عنوان «پروژه دونالد ترامپ» آورده است: «اقتدار و پایداری اتحادیه اروپا طی چهار سال آینده با آزمونی بشدت دشوار مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. اگر اتحادیه اروپا نتواند از سیاست‌های مطلق خود بر پایه اصول گذشته و تجارت بین‌المللی بی‌طرف عبور کند و اگر نتواند به‌سوی سیاستی مبتنی بر قدرت حرکت کند، موجودیتش در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. اتحادیه اروپا تنها در صورتی می‌تواند در برابر ترامپ مقاومت کند که نهادها و سیاست‌های خود را بازسازی و نوآوری کند. اگرچه ترامپ در پی آن است که متحدان آمریکا را به جای همکاری با آنها، به نوعی دست‌نشانده و وابسته تبدیل کند، اما در پس این رفتار نامنظم و گاه متناقضش، الگویی هدفمند نهفته است. او سیاست را با رویکرد و نگاهی کارآفرینانه دنبال می‌کند. او در سیاست داخلی آمریکا، قصد دارد ساختارهای ناکارآمد را به چالش بکشد و خلق ثروت بی‌قید و مرز را ترویج دهد که هم موجب شکوفایی اقتصادی آمریکا شود و هم منافع شخصی خودش را به حداکثر برساند؛ همان‌طور که در ابتکارات او در دنیای تجارت، به موازات انتخابات ریاست‌جمهوری شاهد آن بودیم.»

سنت-اتین درباره سیاست خارجی ترامپ نیز نوشته است: «او به دنبال برهم‌زدن ساختارهایی است که منسوخ یا ناکارآمد به نظر می‌رسند و تلاش می‌کند با «تمرکززدایی» از روابط بین‌الملل توازن‌های جدیدی ایجاد کند. ایالات متحده که اکنون درگیر رویارویی با چین برای سلطه بر جهان است، دیگر نمی‌خواهد نقش «پلیس جهان» را ایفا کند. در عوض، ترجیح می‌دهد اروپا مسئول امنیت خودش باشد و در حل و فصل مسأله اوکراین و بازسازی آن، در صورت دستیابی به توافقی که امنیت پایدار اوکراین را تضمین کند، مشارکت داشته باشند. ترامپ می‌خواهد در جهانی که به شکل سلسله مراتبی، کشورها را بر اساس وزن و قدرتشان، طبقه‌بندی کرده، مسئولیت‌ها را به شکلی غیرمتمرکز واگذار کند تا بهترین استفاده را از منابع ببرد و آمریکا بتواند جایگاه خود را به عنوان قدرت برتر جهان مطرح کند، بدون آنکه هیچ قدرت دیگری توانایی به چالش کشیدن سلطه آمریکا را داشته باشد. اما روشن است که باقی جهان لزوماً با این رویکرد ترامپ موافق نیستند و این اختلافات زمینه‌ساز درگیری‌های جدیدی خواهد شد.»

از ستایش‌های تیزبینانه تا انتقادهای کوبنده

نظرات خوانندگان این کتاب، گویای طیفی گسترده از واکنش‌هاست؛ از ستایش‌های تیزبینانه تا انتقادهای کوبنده. یکی از خوانندگان، کتاب «ترامپ و ما» را اثری از یک روشنفکر با تعصبات ناسیونالیستی دانسته که انتقادش از اتحادیه اروپا را طبیعی و درخور توجه عنوان کرده است؛ به باور او، همین ویژگی سبب شده این کتاب مورد استقبال قرار گیرد. در مقابل، خواننده‌ای دیگر با لحنی تند، این اثر را شرم‌آور خوانده و نوشته است: «نفرت نویسنده از کمیسیون اروپا مغرضانه است؛ او از پرداختن به مسئولیت کشورهای عضو در قبال وضعیت اقتصادی قاره طفره رفته و نگاهی غیرمنصفانه دارد.» این خواننده، نوشتار سنت-اتین را دیوانه‌وار و به افسانه‌ای شبیه دانسته که یک مدیر اجرایی تکنوکرات اروپایی روایت می‌کند؛ گویی هدفش فروپاشی ملت‌هاست. اما دیدگاهی متفاوت نیز وجود دارد. خواننده‌ای دیگر، نظریه‌های نویسنده را جذاب توصیف کرده، بویژه آنچه در صفحه اول و مقدمه کتاب آمده است. وی تحلیل‌های سنت-اتین درباره جنبش‌های بزرگ اقتصادی و ژئوپلیتیکی جهانی و بویژه اهداف دولت ترامپ را جالب توجه خوانده و اگرچه آینده‌نگری نویسنده درباره اروپای فرانسوی را غیرمعمول دانسته، اما آن را نوآورانه و قابل تأمل ارزیابی کرده است. در همین راستا، جاکوب، یکی دیگر از خوانندگان، معتقد است: «سنت-اتین در کتاب خود استدلال می‌کند که در رویارویی با چالش‌هایی چون ترامپ، رقابت چین و آمریکا و مداخله‌های روسیه، نهادهای کنونی اتحادیه اروپا توانایی پاسخگویی و ارائه راه‌حلی مناسب را ندارند. هدف او روشن است؛ گریز از اروپای ایستا و احیای رشد پایدار از مسیر حمایت از استارتاپ‌ها.» خواننده‌ای دیگر اما، این اثر را کیفرخواستی علیه اتحادیه اروپا و بوروکراسی خفه‌کننده آن دانسته و عنوان کتاب را گمراه‌کننده تلقی کرده است. به باور او، در نگاه اول، کتابی درباره ترامپ به‌نظر می‌رسد، ولی در واقع نقدی مستدل و سیستماتیک از ناکارآمدی ساختار بروکراتیک اروپا و شکست‌های آن است.

رهایی از تنگنای بروکراسی

به گفته سنت-اتین، فرانسه و اتحادیه اروپا دو لایه از عملکرد بروکراتیک را نشان می‌دهند که همین مانعی وحشتناک برای توسعه کسب‌وکارها در این قاره است؛ بنابراین مدیر سابق صندوق بین‌المللی پول دو تحول اساسی را تنها راهکار مورد نیاز اتحادیه اروپا می‌داند. مورد اول تحولات نهادی؛ شامل تبدیل کمیسیون اروپا به دبیرخانه شورای اروپا، با انتخاب مستقیم اعضا. مورد دوم یک پیشنهاد اقتصادی و استراتژیک است؛ یعنی ایجاد اتحادی از شش تا ده کشور اروپایی که می‌خواهند سریع‌تر پیشرفت کنند؛ بنابراین باید حول یک «سیاست بسیار تهاجمی مطالعه شده، برای توسعه و سرمایه‌گذاری، احیا و بازیابی چشم‌اندازهای شغلی برای جوانان اروپایی» حرکت کنند. قابل توجه است که این طرز فکر نویسنده تا حدودی منعکس‌کننده مشاهدات ماریو دراگی، رئیس سابق بانک مرکزی اروپا در سال ۲۰۲۳ است. در گزارشی که به سفارش کمیسیون اروپا در مورد رقابت‌پذیری اتحادیه اروپا تهیه شده است، دراگی سه اولویت اصلی را شناسایی می‌کند: نوآوری و پر کردن شکاف فناوری؛ داشتن یک برنامه مشترک برای کربن‌زدایی همراه با رقابت‌پذیری؛ و تقویت امنیت به معنای کاهش وابستگی‌ها. بنابراین سنت-اتین تأکید می‌کند باید پایان این دولت بروکراتیک که بر پایه «گام‌های کوچک» و بر اساس قاعده‌ای ثابت اداره می‌شود را اعلام کنیم؛ چرا که ما به دولتی پویا نیازمندیم.

با این حال، چنین اصلاحاتی نیازمند اراده سیاسی کشورهای اروپایی است. کریستین سنت-اتین از چهره‌های نزدیک به میشل روکار و ریموند بار، متقاعد شده که این اصلاحات اساسی می‌تواند از طریق فرانسه‌ای که توسط چهره‌هایی در قامت ژنرال دوگل رهبری می‌شود، تحقق یابد. او بیشتر از امانوئل مکرون انتقاد دارد چرا که او را یک تاکتیک‌دان سیاسی محض، بدون بینش سیاسی و استراتژیک می‌داند و می‌افزاید: «عامل اصلی این مشکلات بیشتر مکرون است، بویژه در طول انقلاب دیجیتال». در نهایت، او خواستار بازنگری در روابط با کشورهای اروپای شرقی می‌شود و توصیه می‌کند به جای تحقیرآنان باید با آنها گفت‌وگو کرد. او می‌گوید: «ما باید با آنها صحبت کنیم تا بفهمیم چگونه می‌توانیم از آنها به عنوان اهرمی برای تغییر عملکرد اتحادیه اروپا استفاده کنیم.»

پلی میان علم و عمل

آنچه بر ارزش و اهمیت کتاب «ترامپ و ما: چگونه فرانسه و اروپا را نجات دهیم» می‌افزاید، نه‌تنها محتوای پرمایه آن، بلکه جایگاه علمی و سوابق نویسنده‌اش است. کریستین سنت-اتین، اقتصاددانی برجسته و چهره‌ای شناخته‌شده در عرصه‌های دانشگاهی و بین‌المللی، از چنان پشتوانه‌ای علمی برخوردار است که نامش به تنهایی اعتبارآفرین یک اثر است. او دارای دکترای اقتصاد و دو مدرک کارشناسی ارشد از مدرسه اقتصاد لندن و دانشگاه کارنگی ملون آمریکاست و سابقه همکاری با نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) را داشته و سال‌ها در دانشگاه‌های علوم سیاسی پاریس، دانشگاه پاریس-دوفین و کنسرواتوار ملی هنر و صنایع دستی تدریس کرده است. اکنون این اندیشمند نامی و تحلیلگر اقتصادی که در عرصه سیاسی حضوری پررنگ دارد، با نگاهی ژرف به تحولات جهان در تازه‌ترین اثر خود زنگ خطر را در مواجهه با بحران‌های مالی و اقتصادی پیاپی به صدا در آورده است.

او که عضو شورای تحلیل اقتصادی نخست‌وزیر فرانسه، عضو شورای شهر پاریس و از بنیانگذاران جنبش «آونیر دموکرات» بود، از نزدیک با بحران مالی که منطقه یورو را به لرزه درآورده، آشناست؛ همین شناخت ژرف، او را بر آن داشته تا در آثار و تحلیل‌هایش، نسبت به خطراتی که در کمین اقتصاد اروپا نشسته‌اند، هشدار دهد؛ خطراتی چون پایان یورو، تناقض‌های فرانسه و وضعیت اضطراری این کشور. سنت-اتین، نویسنده‌ای پرکار است که نزدیک به سی عنوان کتاب مستقل تألیف کرده و در نگارش ۲۴ اثر دیگر مشارکت داشته است. صدها مقاله علمی و تحلیلی در نشریات و روزنامه‌های معتبر به قلم او منتشر شده و یازده جایزه علمی را از آن خود کرده که سه‌بار آن به خاطر تألیف بهترین کتاب در حوزه اقتصاد مالی بوده است. از جمله تازه‌ترین آثارش می‌توان به کتاب «لیبرالیسم استراتژیک علیه هرج و مرج جهانی / Le libéralisme stratège contre le chaos du monde» در سپتامبر ۲۰۲۰ اشاره کرد. همچنین در نوامبر ۲۰۱۸، با انتشار کتاب «ترامپ و شی جین‌پینگ: شاگردان جادوگر / Trump et Xi Jinping: les apprentis sorciers» نگاه تحلیلی خود را به رقابت دو قدرت بزرگ برای دستیابی به سلطه جهانی معطوف ساخته است. او آثار دیگری از جمله «درگیری چین و آمریکا برای سلطه بر جهان / LE CONFLIT SINO-AMÉRICAIN POUR LA DOMINATION MONDIALE»، «سومین انقلاب صنعتی / La troisième révolution industrielle»، «اقتصاد برای خروج از بحران (علوم انسانی / Iconomie pour sortir de la crise (Sciences Humaines و پایان یورو / Lafin de l'euro را در کارنامه خود دارد.

این نویسنده چهره‌ای پررنگ در رسانه‌هاست؛ ستونی ثابت در روزنامه‌های معتبری چون لوموند، لوفیگارو و لزاکو دارد و در مقام کارشناس و سخنران، در نشست‌های اقتصادی، انجمن‌های بازرگانی و برنامه‌های تلویزیونی حضوری فعال دارد. تحلیل‌های او به مسائل مهمی چون آینده استراتژیک اروپا پس از مرکل (صدراعظم سابق آلمان)، پیامدهای رقابت چین و آمریکا روی اروپا و فرانسه، همچنین ارائه راهکارهایی برای تبدیل شدن فرانسه به یک قدرت اقتصادی، علمی و نظامی نوین اختصاص دارد. او همچنین مشاور راهبردی شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ است و در سخنرانی‌های خود، انقلاب دیجیتال و پیامدهای آن بر ساختار اقتصادی جهان را با نگاهی آینده‌نگرانه بررسی می‌کند.

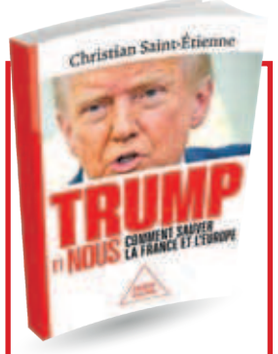

ترامپ و ما

چگونه فرانسه و اروپا را نجات بدهیم

Trump et Nous
Comment sauver la France et l'Europe

- **نویسنده: کریستین سنت-اتین**
Christian Saint-Etienne
- **انتشارات: اُدیل ژاکوب**/Odile Jacob
- **تعداد صفحه: ۲۲۴ صفحه**
- **قیمت: ۲۲،۹۰ یورو**

درباره خبرنگارانی که همیشه خواسته‌اند چشم و گوش مردم باشند

جان سخت‌ها!

گزارش خبری

نیلوفر منصوری
گروه گزارش

یکی روزنامه‌نگاری را «دردسر» می‌داند و دیگری کار روزنامه‌نگاری را به «چشم و گوش مردم بودن» تشبیه می‌کند؛ خصلتی درونی که از حس کنجکاوی و ممارست برمی‌خیزد. یکی دیگر معتقد است، روزنامه‌نگاری، «تاباندن نور بر وجوه تاریک مسائل» است. آن یکی می‌گوید: «روزنامه‌نگاری، حرفه عجیبی است اگر چشم و گوش مردم نباشیم یک دستگاه ضبط صوت و یک دستگاه تایپ توأمان هستیم که فقط حرف‌ها را ضبط و تایپ می‌کند.» روزنامه نگاری معتقد است که این ما هستیم که می‌توانیم این تغییرات را به وجود بیاوریم و گزارش‌های تحلیلی و تحقیقی ثمربخشی را در حوزه‌های مختلف به جامعه ارائه دهیم. آنها تعابیر متفاوتی از روزنامه‌نگاری دارند. اما در نهایت در یک نقطه به اشتراک می‌رسند و آن اینکه برای روزنامه‌نگار شدن باید جان‌سخت بود تا بتوان ادامه داد.

عکس: ابوالفضل نسائی/ایران

بهانه ثبت ۱۷ مرداد در تقویم خورشیدی به نام روز خبرنگار، حمله تلخ و تروریستی طالبان در سال ۱۳۷۷ به کنسولگری ایران در مزارشریف افغانستان است که به شهادت محمود صارمی، خبرنگار ایرنا منجر شد. در همین راستا، روزنامه ایران در گفت‌وگوهایی مجزا با خبرنگاران و روزنامه‌نگاران باتجربه در این عرصه، این پرسش را مطرح کرده است که روزنامه‌نگار واقعی کیست، مشکلات و دغدغه این صنف چیست و چه چشم‌اندازی به آینده حرفه‌ای این حوزه دارند.

حفظ جایگاه روزنامه‌نگاری

«آینده شغلی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران از وضع عمومی جامعه جدا نیست. خبرنگاران هم مانند کارگران و کارمندان ساده، در مضیقه معیشت هستند و مثل دیگر اقشار جامعه دغدغه عدالت اجتماعی را دارند.» این را فریدون صدیقی، روزنامه‌نگاری می‌گوید که از سال ۱۳۵۱ پا به عرصه مطبوعات گذاشت. فریدون صدیقی، برای اهالی رسانه نامی آشنا و قابل احترام است؛ کسی که در عرصه‌های مختلف روزنامه‌نگاری فعالیتی اثرگذار داشته است. این استاد روزنامه‌نگاری درباره شغل روزنامه‌نگاری و خبرنگاری به «ایران» می‌گوید: «روزنامه‌نگار کسی است که در چهارچوب منافع و مصالح ملی برای تحقق آنچه که وظیفه اوست، تلاش کند، بدون آنکه برای وظیفه قانونی و حق رسمی که دولت بر دوش او گذاشته است بجنگد، اعتراض یا تظاهرات کند. اما متأسفانه در چند سال اخیر به دلایل عدیده‌ای این موضوع نادیده گرفته شده است. در این صورت می‌توان گفت روز خبرنگار وقتی معنا دارد که خبرنگار بتواند به وظیفه‌ای که در رسانه برای او تعریف شده است عمل کند.»

او با بیان اینکه امروزه رسانه‌های ما اعم از رادیو، تلویزیون و مطبوعات مرجعیت و جایگاه خودشان را از دست داده‌اند به «ایران» می‌گوید: «زمانی که رسانه‌های ما مطالبات ۸۰ میلیون مخاطب؛ حدود ۵/۵ میلیون دانشجو، حدود ۱۱ میلیون دانش‌آموز، سه میلیون دبیر آموزش و پرورش و ۵۰۰ هزار نفر اساتید دانشگاه و دیگر طبقات اجتماعی را منعکس نکنند و بازتاب دهنده صدای مردم نباشند، به تدریج از مرجعیت آنها کاسته می‌شود و مخاطب کم‌کم به سوی رسانه‌های بیگانه کوچ می‌کند که بازتاب دهنده صدای آنهاست.»

به گفته این استاد دانشگاه، مهم‌ترین مشکلی که در حال حاضر خبرنگاران با آن روبه‌روهستند بیکاری یا دلهره از دست دادن شغلشان است، یا به عنوان کارمند فعالیت می‌کنند. به عقیده این استاد دانشگاه، مهم‌ترین وظیفه دولت بازتر کردن فضای رسانه‌ای کشور است تا کم‌کم مخاطب به رسانه‌های کشور بازگردد. او به مصداقی در جامعه امروز اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر رسانه‌های ما بموقع هشدار می‌دادند و تحلیل می‌کردند، فساد و بحران در جامعه شکل نمی‌گرفت. هشدار و اطلاع‌رسانی بموقع در زمینه حفر چاه‌ها در جای جای کشور، اکنون کشور را درگیر فرونشست زمین نمی‌کرد.»

آب در هاون کوفتن

زهرا رفیعی، روزنامه‌نگار باتجربه، عاشق کار روزنامه‌نگاری است اما بعد از ۲۵ سال فعالیت در این عرصه، به «ایران» می‌گوید، اگر به عقب برگردد شاید آن را انتخاب نکند. او که تجربه حضور در حوزه‌های مختلف اجتماعی و به خصوص حوزه محیط زیست را دارد، معتقد است: «در بسیاری از موارد نوشتن از دغدغه‌ها و مسائل جامعه «آب در هاون کوفتن» است. روزگاری گمان می‌کردم که نوشتن از مسائل و دغدغه‌های جامعه می‌تواند مفید باشد، اما گذر زمان به من ثابت کرد که یک عمر برای تغییر کافی نیست و باید سال‌ها و بلکه نسل‌ها بگذرد تا تغییرات بزرگ و خوبی اتفاق بیفتد. در حوزه محیط زیست هم همین گونه است و برای رسیدن به نقطه مطلوب راه بسیار زیادی در پیش است.»

به اعتقاد او «رسالت روزنامه‌نگاری، تاباندن نور بر وجوه تاریک مسائل است. پیدا کردن دریچه امید برای همه افراد در حوزه‌های مختلف و تلاش برای رساندن افراد جامعه به حقشان و رساندن صدای آنها بخصوص طبقه‌ای که صدایشان شنیده نمی‌شود به گوش مسئولان و همگان است. به عنوان مثال در حوزه محیط زیست آنچه که در حفاظت از تنوع زیستی می‌گوییم فقط برای مسئولان نیست برای تمام مردم است، زیرا بخشی از حفاظت از تنوع زیستی بر عهده مردم است.»

به گفته او بزرگ‌ترین مشکل این حوزه، نبود انگیزه در افراد است که به این شغل بیایند: «جای جوانان در این حوزه خیلی خالی است. به نظر می‌رسد که نحوه اطلاع‌رسانی بی‌اثر و کم‌اثر شده است و همچنین آورده مالی این شغل بسیار ضعیف و دارای تنش و استرس است. به همین دلیل از این شغل استقبالی نمی‌شود. به اعتقاد این روزنامه‌نگار، حرفه روزنامه‌نگاری تحول بسیار زیادی خواهد کرد و شاید دیگر این حرفه، از دل دانشکده‌های روزنامه‌نگاری بیرون نیاید و آینده آن از راه دیگری تأمین شود.»

رفیعی، معتقد است وجهه خبرنگاری و روزنامه‌نگاری در گذشته بهتر از امروز بود و شاید دلیل آن فراگیر نبودن و در دسترس نبودن اینترنت باشد: «با فراگیری اینترنت، مردم به صورت مستقیم خبرها را دنبال می‌کنند، اما متأسفانه بسیاری از اخبار درگیر فیک‌نیوزها و شبه‌علم‌ها هستند. این در حالی است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی نیازمند مهارت و سواد رسانه‌ای است و متأسفانه با اینکه بسیاری از مردم این مهارت‌ها را ندارند حتی این مطالب را بازنشر هم می‌کنند.»

> روزنامه‌نگار کسی است که در چهارچوب منافع و مصالح ملی برای تحقق آنچه که وظیفه اوست، تلاش کند، بدون آنکه برای وظیفه قانونی و حق رسمی که دولت بر دوش او گذاشته است بجنگد، اعتراض یا تظاهرات کند

خبرنگار چشم و گوش مردم است

سمیرا عالم پناه فارغ‌التحصیل رشته خبرنگاری و عاشق کار خبرنگاری است و بعد از ۱۴ سال کار در این عرصه، امروز با عشق از این پیشه دفاع می‌کند. او که خبرنگار حوزه سیاسی است به «ایران» می‌گوید: «کار واقعی خبرنگاری چشم و گوش بودن مردم است و باید به دور از هر شعارزدگی، گره از مشکلات مردم باز کنیم. اگر غیر از این باشد یک دستگاه تایپ هستیم که فقط حرف‌ها را تایپ می‌کند. امیدوارم که روزی این اتفاق برای خبرنگاران نیفتد.» به اعتقاد او خبرنگار دقیقاً مصداق ضرب‌المثل معروفی است که می‌گوید «سری که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند» خبرنگار همانی است که برای دنبال دردسر رفتن، به سرش دستمال می‌بندد.»

او چشم‌انداز خاصی برای آینده این حرفه متصور نیست و معتقد است که پیش‌بینی کردن آینده این حرفه به خصوص در کشور ما سخت است. عالم پناه می‌گوید: «از طرف دیگر تکنولوژی پیشرفت کرده و یکی از حرفه‌هایی که می‌گویند شاید در سال‌های آینده به واسطه هوش مصنوعی دستخوش تغییرات شود همین حرفه خبرنگاری است و چون در کشور ما آموزش برای خبرنگاران یا وجود ندارد یا همراه با پیشرفت تکنولوژی نیست خیلی نمی‌شود به آینده این شغل امیدوار بود.»

خبرنگار ورزشی و سخت جانی

مهدی همدانی، روزنامه‌نگار ۴۴ ساله، کار حرفه‌ای خود را از سال ۷۷ آغاز کرده و اکنون در روزنامه خبر ورزشی قلم می‌زند. او باور دارد که کار روزنامه‌نگاری نیاز به ممارست و پیگیری دارد، به همین دلیل به «ایران» می‌گوید: «تلاش، سخت‌کوشی و مبارزه برای کشف حقیقت است که موجب شده خودمان را به این ساختار تحمیل کنیم. اما بعد مهم‌تر از آن توانایی خبرنگار است.»

او معتقد است که بیش از ۹۰ درصد خبرنگاران ورزشی‌نویس به دلیل فضای کار، سرعت یادگیری، گستردگی و استرس کار می‌توانند در حوزه‌های دیگر و با اشخاص دولتی و خاص مصاحبه و به عنوان خبرنگار موفق می‌توانند اخبار و گزارش‌های سفرهای مقامات سیاسی را به بهترین شکل ممکن مخابره کنند. چون وقتی وارد استادیوم می‌شوند باید همزمان، نگاهشان به متن، حاشیه، صفحات روزنامه و بموقع رساندن اخبار باشد.»

او به مشکلات و دغدغه‌های این حوزه می‌پردازد و می‌گوید: «مشکلات و دغدغه‌های خبرنگاران و روزنامه‌نگاران کاملاً واضح است. یکی از مشکلات بخش خصوصی وضعیت کاغذ است. حضور بی‌ضابطه کانال‌های مختلف بدون مجوز در فضای مجازی که انواع و اقسام خبرها و گزارش‌های غیرواقعی را واقعی منعکس می‌کنند، ضربه شدیدی بر مطبوعات دارای مجوز وارد کرده است. این حرف من به معنی فیلترکردن فضای مجازی نیست، اما این موضوع به مخاطب رسانه واقعی صدمه وارد می‌کند. بسیاری مواقع پیش می‌آید که شهروند رسانه یا فیک‌نیوزها، اخبار دروغ را منتشر می‌کنند و آن خبر یا گزارش با عنوان خبر یک رسانه رسمی در فضای مجازی و جامعه دست به دست و منتشر می‌شود.»

همدانی می‌گوید: «تعدد رسانه‌ها مهم نیست. مهم این است که رسانه رسمی دارای شناسنامه و هویت باشد. کانال‌های بی‌شناسنامه و بدون مجوز به راحتی هرچه بخواهند منتشر و در اغلب موارد به رسانه‌ها توهین می‌کنند و دردسر آن دامنگیر خبرنگار واقعی می‌شود. بارها پیش آمده که اهالی فوتبال با روزنامه ما تماس گرفته و از انتشار مطالبی اظهار نارضایتی و گله‌مندی کرده‌اند و وقتی بررسی شده متوجه شده‌ایم که کانال‌ها و صفحات جعلی به اسم روزنامه ما وجود دارند که مدیران این رسانه از آن بی‌اطلاع هستند. این موضوع برای هر رسانه‌ای ممکن است پیش بیاید که موجب دردسر است.» به گفته او در حال گذراندن روزهای سختی هستیم و روزهای سختی در انتظارمان است: «به قول شاعر؛ شب‌های هجر را گذراندیم و زنده‌ایم/ ما را به سخت‌جانی خود این گمان نبود»

نفیسی؛ از تئاتر دانش‌آموزی تا سریال «سووشون»

«مک ماهون» در افزایش وزن رکورد جهانی زد

گزارش

مرجان قندی
گروه گزارش

بازیگری دنیایی پرشور و هیجان‌انگیز است؛ بخصوص که ما تنها نیمه عیان آن را می بینیم؛ گاه غافل از این که در جهان پشت هر صحنه سینمایی که مخاطب می‌بیند، چالش‌هایی نهفته است که بسیاری از آن بی‌خبرند. بازیگران برای ایفای نقش‌های‌شان گاه از منطقه امن خود خارج می‌شوند و سختی‌های جسمی و روحی بسیاری را به جان می‌خرند. نمونه‌ای بارز از این تعهد، کریستین بیل، بازیگر بریتانیایی است که به دلیل تغییرات چشمگیر جسمانی‌اش در نقش‌های مختلف شهرت دارد. او برای فیلم "The machinist" (ماشین چی) حدود ۳۰ کیلو وزن کم کرد و سپس برای ایفای نقش «بتمن» نزدیک به ۴۵ کیلو وزن اضافه کرد تا به اندام مورد نظر برای این شخصیت برسد. در سینمای ایران نیز نمونه‌هایی از این فداکاری دیده می‌شود. اخیراً علی نفیسی برای نقش «مک‌ماهون» در سریال سووشون ۶۲ کیلوگرم وزن اضافه کرد و پس از آن برای نقش «نصیر» در سریال «بامداد خمار» دوباره وزن خود را کاهش داد. طبق گزارش‌ها، این تغییر وزن رکورد جهانی افزایش وزن برای ایفای نقش را شکسته است. با این حال، نفیسی این تحول را صرفاً یک تغییر فیزیکی نمی‌داند، بلکه آن را سفری روحی برای رسیدن به عمق شخصیت می‌خواند.

ورود به نقش‌های پیچیده، تجربه احساسات شدید و گاهی دردناک، می‌تواند تأثیرات روانی عمیقی بر بازیگر بگذارد. همچنین، انتظارات بالا از سوی کارگردان، مخاطب و رسانه‌ها، فشار مضاعفی ایجاد می‌کند. سریال پر مخاطب «سووشون» اقتباسی از رمان شاخص سیمین دانشور، نه فقط یک روایت تاریخی بلکه بازتابی از پیچیدگی‌های هویت ایرانی در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی است. نفیسی که پیش‌تر در آثار سینمایی و تئاتری متعددی حضور داشته و همکاری‌های موفقی با نرگس آبیار را در کارنامه خود ثبت کرده، این بار با اضافه کردن ۶۲ کیلو وزن برای نقش «مک‌ماهون»، بدن خود را به رسانه‌ای برای تجربه و انتقال معنا تبدیل کرد؛ تجربه‌ای که از مرزهای فیزیکی عبور کرده و به درک عمیق‌تری از نقش، جامعه و خود انسان می‌رسد. او بازیگری را سفری روحانی می‌داند؛ سفری که در آن، بازیگر نه فقط نقش، بلکه خود انسان را بازآفرینی می‌کند. نفیسی که مسیر بازیگری‌اش را از جشنواره‌های تئاتر دانش‌آموزی آغاز کرده، معتقد است هیچ کاری آسان نیست و هر مسیر، سختی‌های خاص خودش را دارد. او درباره نقش «مک‌ماهون» در سریال «سووشون» می‌گوید: «کار کردن با نرگس آبیار، عضو آکادمی اسکار، اتفاق کمی نیست. وقتی قرار است یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات ایران را کار کند، پذیرفتن نقش «مک‌ماهون» برای من بیشتر شبیه استقبال از یک شانس بود تا یک تصمیم معمولی برای بازی در یک سریال.»

عکس: حسن قائدی/علی نفیسی، بازیگر نقش «مک ماهون» در نمایی از فیلم «سووشون»

یادگیری لهجه ایرلندی با همراهی متخصصان

نفیسی درباره روند یادگیری لهجه ایرلندی برای ایفای نقش «مک‌ماهون» می‌گوید: «پس از دریافت کمک‌های علمی و تخصصی از دکتر فرشته وزیری‌نسب، مونا فارسی و سکینه عرب‌نژاد که هر سه از صاحب‌نظران برجسته زبان و ادبیات در سطح ملی و بین‌المللی هستند، ترجمه و تحلیل متون ایرلندی را آغاز کردیم. در ادامه، با همراهی دوستانم الهام ملک‌احمدی، حامد راد و شهرام شهیر با دو ایرلندی دائم‌الخمر آشنا شدم و ارتباط نزدیکی برقرار کردیم. این ارتباط به من کمک کرد تا لهجه ایرلندی را نه‌فقط از منظر آوایی، بلکه از دل زندگی روزمره آنها تجربه کنم. همچنین تمریناتم تحت نظارت دکتر امین فاطمی، پژوهشگر ادبیات ایرلندی که تحصیلات خود را در ایرلند و انگلستان گذرانده، انجام شد. حضور او در کنارم باعث شد تا به ظرافت‌های فرهنگی و زبانی این لهجه بیشتر آگاه شوم و بتوانم آن را با دقت و اصالت اجرا کنم.»

بازیگر سریال «سووشون» درباره چالش‌های مسیر حرفه‌ای خود چنین می‌گوید: «هرگز لحظه‌ای نبوده که بخواهم به دلیل سختی‌ها یا چالش‌ها از کارم کنار بکشم. مسیر بازیگری برای من سفری است رو به جلو؛ سفری که فشارها و دشواری‌هایش نه‌تنها مانع نیستند، بلکه زمینه‌ساز رشد و تعالی‌اند. وقتی با چنین نگاهی پیش بروید، مقصد دیگر اولویت نیست؛ چون پاداش عشق، خود عشق است نه نتیجه آن. بنابراین، کنار آمدن با سختی‌ها نه‌تنها قابل توجه نیست، بلکه باید با آغوش باز از آنها استقبال کرد.»

او در ادامه درباره نگاهش به حرفه بازیگری می‌گوید: «پسوند حرفه‌ای برای من مقوله‌ای ثانویه است. بازیگری حرفه‌ای‌ست که تفاوتی ندارد؛ چه روی صحنه تئاتر در یک روستا باشد، چه بر پرده نقره‌ای سینما. باید سختی‌هایش را به جان بخری تا بهترین ارائه شود.»

این هنرمند درباره بازخوردهای پس از پخش «سووشون» نیز با فروتنی می‌گوید: «بازخوردهای بسیار خوبی دریافت کردم، حتی از اسطوره‌های بازیگری کشور که در ابراز عشق خسیس نبودند. در پاسخ به عشق آن‌ها، جز تشکر چیزی نداشتم. فقط توانستم بگویم؛ اگر خوب بودم، اعتبارش از لطف خدا، هدایت کارگردان و تلاش تیم بوده است.»

تجربه‌هایی ارزشمند با آبیار

نفیسی که آخرین همکاری‌اش با نرگس آبیار در سریال «بامداد خمار» بوده همکاری با این کارگردان را تجربه‌ای عمیق و تأثیرگذار می‌داند. او درباره این همکاری‌ها می‌گوید: «پس از «شیار ۱۴۳»، «نفس» و «ابلق»، «سووشون» پنجمین تجربه مشترکم با خانم آبیار بود. بعد از چند همکاری میان ما زبان ارتباطی خاصی شکل گرفته بود. او گشتالتی می‌اندیشد؛ یعنی به کلیت اثر و مناسبات میان اجزای آن توجه دارد. آثارش بن‌مایه‌ای خاص دارند و اغلب از جنبش‌های اجتماعی جلوتر حرکت می‌کنند. فکر و گوشش برای شنیدن ایده‌ها باز است و خلاقیت بازیگر را سرکوب نمی‌کند.»

این بازیگر نقش‌هایی را انتخاب می‌کند که برایش ناشناخته و چالش‌برانگیز باشند؛ نقش‌هایی که از آنچه خود می‌پندارد هست، فاصله داشته باشند تا بتواند نقاب‌های پنهان وجودش را آشکار کند.

او درباره معیارهای رد نقش می‌گوید: «هنر باید کاری برای انسان و جهانش بکند. اگر چنین نباشد، صرفاً محصولی کارخانه‌ای است. من نقش را وجب نمی‌کنم و اندازه نمی‌گیرم، چون معتقدم مناسبات میان عناصر سازنده، یک کل بزرگ‌تر را شکل می‌دهند.»

نفیسی درباره دیده‌نشدن فداکاری‌های بازیگران برای ایفای نقش‌ها می‌گوید: «دیده شدن برایم لذت دارد و آن را انکار نمی‌کنم؛ اما کشف و شهود در هنر، لذتی بالاتر دارد. حتی اگر پس از یک سال تمرین روی یک پروژه تئاتری، آن کار اجرا نشود، خودم را بازنده تلقی نمی‌کنم. بلکه آن را اندوخته‌ای برای آینده می‌دانم؛ اندوخته‌ای زیستی که روزی با یک ارزش افزوده، به کارم خواهد آمد.» او درباره تجربه‌های شخصی‌اش برای رشد در حرفه بازیگری می‌گوید: «رمان می‌خوانم، نقاشی‌های خوب می‌بینم، مدیتیشن می‌کنم، به دیسیپلین زندگی فیزیکی و روحی‌ام سخت می‌گیرم و مهم‌تر از همه، با حفظ آموزش‌پذیری، سعی در حفظ و ایجاد ارتباط و گفت‌وگو دارم. خودم را در معرض ارتباط قرار می‌دهم و همیشه به خودم یادآوری می‌کنم که تنهایی با انزوا متفاوت است. هنرمند می‌تواند تنها باشد، اما منزوی نه.»

نفیسی درباره بی‌ثباتی شغلی و رقابت شدید در این حرفه نیز چنین می‌گوید: «جواب یک کلمه است؛ عشق. انگیزه من، عشقی است که به این حرفه دارم؛ در کنار یک اجبار درونی که نمی‌دانم از کجا می‌آید. ما هنر را داریم تا حقیقت ما را از پا نیندازد.»

> طبق گزارش‌ها این تغییر وزن رکورد جهانی افزایش وزن برای ایفای نقش را شکسته است. با این حال، نفیسی این تحول را صرفاً یک تغییر فیزیکی نمی‌داند، بلکه آن را سفری روحی برای رسیدن به عمق شخصیت می‌خواند

رکوردشکنی هدفم نبود

برش

نفیسی با اشاره به تغییرات چشمگیر فیزیکی‌اش برای ایفای نقش «مک‌ماهون» در سریال سووشون می‌گوید: «برای این نقش، ۶۲ کیلو وزن اضافه کردم؛ فرآیندی که طی دو سال و با همراهی متخصصان تغذیه و سلامت انجام شد. در پروژه‌های بعدی، وقتی با همکاران که از تغییرات ظاهری من تعجب می‌کردند، صحبت می‌کردیم، فهمیدم بجز ستاره‌هایی از ایران، مثل رضا کیانیان، در هالیوود هم کریستین بیل برای ایفای نقش در فیلمی تغییر وزنی پنجاه کیلویی داشته است. مجموع اضافه وزن من شصت و دو کیلو بوده که کمی بیشتر از افزایش وزن این ستاره‌های بازیگری است و اگر این اتفاق یک رکورد باشد، خوشحالم که این رکورد از هالیوود به سینمای ایران آمده است. اما در آن زمان، اصلاً به شکستن رکورد جهانی فکر نمی‌کردم و حالا هم چنین چیزی اولویتم نیست. در جهانی چندصدایی، تمرکز صرف بر خود یا تلاش برای اول بودن، به‌نظرم سطحی و زرد است. چالش اصلی برای من، نه تغییر ظاهر بلکه ورود به دنیای درونی کاراکتری بود که از نظر فرهنگی و زبانی برایم کاملاً ناآشنا بود.»

نفیسی در نقش «مک ماهون»، سریال «سووشون»

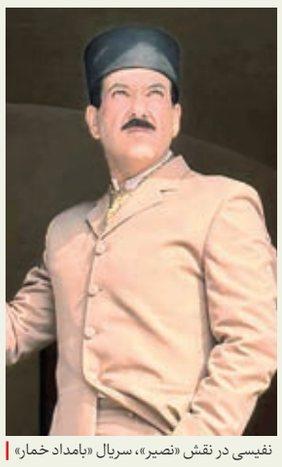
نفیسی در نقش «نصیر»، سریال «بامداد خمار»

عکس: رها احمدی

ارکستر ملی ایران تازه‌ترین اجرای خود را روی صحنه می‌برد

موسیقی با هر تفکری خوب است

گزارش

نداسیجانی
گروه فرهنگی

تازه‌ترین اجرای ارکستر ملی ایران با عنوان «گلگون»، شامگاه جمعه ۱۷ مردادماه ۱۴۰۴، در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. این کنسرت با رهبری «همایون رحیمیان» و با اجرای آثاری از آهنگسازان برجسته ایرانی از جمله «حسن ریاحی» و «همایون رحیمیان» برگزار می‌شود. نکته قابل توجه در این برنامه، حضور دو خواننده «حسین علیشاپور» و «امیرحسین سمیعی» است که ارکستر را همراهی خواهند کرد و قطعات موسیقی ملی ایران را برای مخاطبان به اجرا می‌گذارند. نکته قابل توجه اینکه، ارکستر ملی ایران طی سال‌ها فعالیت کاری خود تلاش دارد با محوریت موسیقی ملی و با بهره‌گیری از رپرتوارهای اصیل ایرانی، فرصتی دوباره برای شنیدن آثار فاخر موسیقی ایرانی را در قالب ارکسترال فراهم آورد. موضوعی که مورد توجه همایون رحیمیان، رهبر ارکستر ملی ایران قرار گرفته ایشان بزرگداشت بزرگان موسیقی ایران و شنیده شدن آوای ملی برای مردم سرزمین‌اش را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است.

موسیقی باید در زمان و مکان جاری باشد و شنیده شود

«همایون رحیمیان»، رهبر ارکستر ملی ایران، درگفت‌وگو با «ایران» درخصوص اجرای پیش روی ارکستر ملی اظهار کرد: «در این برنامه قطعات متفاوتی اجرا خواهد شد و در کنار آن سعی ما بر این بود از دو خواننده بهره ببریم که با همکاری آقای سمیعی و آقای علیشاپور این قطعات اجرا خواهند شد. امیدواریم شبی خوش و خاطره‌انگیز برای مخاطبان موسیقی ملی ایران باشد. نکته دیگر در خصوص قطعات برنامه که باید به آن اشاره کنم این است که از رپرتوارهای سنگین از نوازندگان ارکسترسمفونیک هم استفاده کرده‌ایم و نوازندگان سازهای بادی برنجی با ارکستر ملی هم همراهی می‌کنند و در کنار آن گروه کر هم حضور خواهد داشت.»

او در ادامه صحبت‌هایش درباره انتخاب عنوان این کنسرت که «گلگون» نام دارد، گفت: «در این زمینه آقای ستایشگر (معاون آفرینش‌های فرهنگی هنری بنیاد رودکی) کمک بسیاری کردند و در نامگذاری شب‌هایی که ارکستر اجرا می‌رود سلیقه بسیار خوبی دارند. درباره انتخاب قطعات هم باید بگویم با توجه به اجرای ارکستر در ماه صفر، تلاشمان این بود که قطعات متناسب با این ایام انتخاب شوند. بنابراین تعدادی از کارها به آهنگسازی خودم بوده مانند «هفت پشت عطش» باشعری از محمدعلی بهمنی و همچنین «در اوج عطش» با شعری از سهیل محمودی که وصف حال مراسم عزاداری است. همچنین قطعه «کاروان» به آهنگسازی آقای حسن ریاحی که شعر آن از سعدی است. در کنار آن قطعه «فصل باران» اثری از فراز کاویانی و حسین علیشاپور با شعری از مولانا و البته قطعه «چشم به راه» کاری از امین‌الله رشیدی که برای ارکستر تنظیم شده است.»

این آهنگساز درباره اجرای موسیقی در ایامی که کنسرت‌های موسیقی تعطیل است و اغلب موسیقی‌های مناسبتی اجرا می‌شود، اظهار کرد: «همه نوع اجرای موسیقی خوب است و برای آنکه در مناسبت‌های مختلف اجرا شود، می‌تواند در قالب‌های خاص قرار گیرد. موسیقی باید در هر زمان و مکانی جاری باشد و شنیده شود و به فعالیت خود ادامه دهد. البته برای خوب شنیده شدن آن، به حمایت مخاطب هم نیاز داریم. جامعه بویژه نسل جوان باید به موسیقی‌های ایرانی توجه بیشتری داشته باشند و جوانان از نزدیک به تماشای ارکسترها بنشینند و سختی کار نوازنده‌ها را ببینند و آنها را تشویق کنند. این نوازنده‌های جوان، آینده‌سازان موسیقی سرزمین ما هستند و اگر نگاه جدی به این گونه موسیقایی نباشد، جامعه به سوی موسیقی‌هایی می‌رود که نه شعر خوب دارد و نه ملودی خوب. بنابراین چه بهتر که نسل امروز در این اجراها شرکت کنند و موسیقی‌های فاخر گوش کنند و بدین طریق ذائقه گوش موسیقایی خود را تغییر دهند.»

تا زمانی که در ارکستر ملی هستم درِ ارکستر به روی همه باز است

این رهبر ارکستر درباره فراخوان جذب نوازنده برای ارکستر سازهای ایرانی که چند روز گذشته از سوی بنیاد رودکی منتشر شد، گفت: «این ارکستر برای همه نوازندگان خوب کشورمان است و برای عده‌ای خاص نیست و تا زمانی که من در ارکستر ملی هستم درِ ارکستر روی همه باز است. البته با توجه به شرایطی که در فراخوان آمده است در جذب نوازنده اگر کارهایی که ارائه می‌شود قابل اجرا در ارکستر باشد حتماً بهره خواهیم برد، چرا که بر این هدفیم تا رکستری داشته باشیم که آینده نوازندگان ارکستر باشد.»

بهره بردن از خوانندگان مختلف در ارکستر ملی

«امیرحسین سمیعی» از خوانندگان نام‌آشنای موسیقی ایران است و اجراهای بسیاری با ارکستر ملی ایران داشته و حتی در ایام خاص سال با دیگر گروه‌های موسیقی به روی صحنه رفته است. او در گفت‌وگو با «ایران» درباره این اجرا بیان داشت: «اجرای موسیقی‌های ارکسترال و به نوعی مفهوم گرا و با ماهیت متعالی، در سال‌های قبل هم مرسوم بوده و اجرا شده است؛ مانند اپرای «سوگ شفق» یا اجرای اثر برجسته «نی نوا» و امثال آن.»

او در ادامه صحبت‌هایش درباره فاصله‌گیری برخی از خوانندگان با ارکستر اظهار کرد: «بنده به دعوت دوستان بنیاد رودکی در این اجرا همکاری دارم، اما آنچه که طی این سال‌ها شاهد بودیم این است که بنیاد رودکی در این سال‌ها تلاش کرده در بزنگاه‌ها و موقعیت‌های مختلف از خوانندگان متفاوتی استفاده کند و این موضوع بسیار شایسته و هدفمند است و بیانگر یک برنامه‌ریزی درست است همانطور که پیش از این هم شاهد بوده‌ایم و در اجراهای مختلف از خوانندگان مختلف استفاده شده است و چنین خط مشی بسیار منطقی، درست و بجاست.

ارکستر ملی، نماد موسیقی کشورمان است

حسین علیشاپور از خوانندگان نام‌آشنای موسیقی کشورمان، قرار است در اجرای پیش رو با ارکستر ملی ایران همراهی داشته باشد. او در گفت‌وگو با «ایران» درباره فاصله برخی از خوانندگان در همکاری با ارکستر، گفت: «این ارکستر با همت بزرگانی چون فرهاد فخرالدینی، فریدون شهبازیان و همایون رحیمیان و دیگر عزیزانی که در این ارکستر بودند و فعالیت کردند به مسیر خود ادامه می‌دهد. افرادی که هیچ‌گاه نگاه مالی به ارکستر نداشتند و وقت و زندگی خود را گذاشتند تا این موسیقی در فضایی مانند ارکستر ملی که نمادی از موسیقی ایران است، بماند و رشد کند.

بنابراین هنرمندان میهمانی که با ارکستر همکاری دارند نباید صرفاً به عنوان چشمداشت مالی با ارکستر همکاری کنند و باید در برخی برهه‌های مهم تاریخی و ملی، پای انتخاب خود بایستند. ناگفته نماند برخی از خواننده‌های ما علاقه‌مند به همکاری با ارکستر ملی هستند اما باید توانایی خوانندگی آنها در ارکستر هم بررسی شود، چرا که خواندن در یک ارکستر بزرگ بسیار متفاوت‌تر از یک ارکستر کوچک است. در این ارکستر خطا وجود ندارد و همه اعضای آن باید از مهارت‌های بالایی برخوردار باشند.»

او در ادامه صحبت‌هایش بیان کرد: «بسیار خوشحالم که این کنسرت در این ایام برگزار می‌شود، به این دلیل که طی این سال‌ها اجرای موسیقی در ایام محرم و صفر محدودیت‌های خاصی داشت، مگر اینکه موضوعیت آن مرتبط با آن ایام باشد و این مسأله بسیار مهمی است. این موضوع بیانگر این است که موسیقی با هیچ چیز بد نیست و هیچ فرد و موضوعی هم نباید با موسیقی بد باشد. به باور من، رسالت مهم یک موسیقیدان، نگه داشتن موسیقی در برهه‌های مختلف تاریخی سرزمین‌اش است، حتی اگر موسیقی ممنوع باشد. ما باید از موسیقی اصیل کشورمان صیانت کنیم و میراث‌دار این فرهنگ کهن باشیم. البته در همین کنسرت پیش‌رو کارهای آیینی هم اجرا می‌شود، اما در کنار آن قطعات عارفانه، عاشقانه و نوستالژیک هم شنیده می‌شود.»

جای خالی تبلیغات شهری برای ارکستر ملی

این خواننده درباره جذب مخاطبان بیشتر جامعه برای اجرای ارکسترها گفت: «به عنوان یک مخاطب بر این نظرم که دیده شدن ارکستر نیازمند تبلیغات گسترده است و در این زمینه ضرورت دارد وزارت فرهنگ یا بنیاد رودکی تفاهمنامه‌هایی با شهرداری منعقد کنند و براساس آن تفاهمنامه‌ها بیلبوردهایی در سطح شهر درخصوص اجرای ارکسترها نصب شود یا حتی در فضای عمومی مانند متروها. به عقیده من ارکستر ملی ایران باید کمیته تبلیغات دائمی داشته باشد.

جای تأسف است که بگوییم بسیاری از مردم ما حتی نمی‌دانند ارکسترهایی مانند سمفونیک و ملی در ایران فعالیت می‌کنند! بنابراین وظیفه مسئولان است که موسیقی را به فضای شهری وارد کنند. برخی دوستان می‌گویند چرا موسیقی ایرانی شنونده ندارد؟ سؤال من از دوستان این است که از ابتدا تا پایان بزرگراه‌های شهر بیلبوردهای مختلفی وجود دارد ولی چرا جای اجراهای ارکستر ملی در فضای شهری خالی است؟! نکته دیگر درباره رپرتوارهای ارکستر است که پیشنهاد من این است از آهنگسازان شناخته‌شده مانند جهانبخش پازوکی، محمد حیدری و صادق نوجوکی کارهایی اجرا شود.

در پایان باید بگویم، نباید به ارکستر ملی به عنوان ابزاری خاص نگاه شود بلکه باید به عنوان یک دارایی ملی به آن نگاه کنیم تا خواننده‌ها و نوازنده‌های بسیاری در کنار ارکستر باشند و همکاری کنند.»

> همه نوع اجرای موسیقی خوب است و برای آنکه در مناسبت‌های مختلف اجرا شود، می‌تواند در قالب‌های خاص قرار گیرد. موسیقی باید در هر زمان و مکانی جاری باشد و شنیده شود و به فعالیت خود ادامه دهد. البته برای خوب شنیده شدن آن، به حمایت مخاطب هم نیاز داریم. جامعه بویژه نسل جوان باید به موسیقی‌های ایرانی توجه بیشتری داشته باشند و جوانان از نزدیک به تماشای ارکسترها بنشینند و سختی کار نوازنده‌ها را ببینند و آنها را تشویق کنند. این نوازنده‌های جوان، آینده‌سازان موسیقی سرزمین ما هستند

بزرگداشتی برای داریوش رفیعی و بابک بیات

برش

همایون رحیمیان، در باره برنامه‌های آتی ارکستر ملی گفت: «هدف من در برنامه‌های ارکستر، ادای احترام به بزرگان موسیقی است چنانکه قبل‌تر برای آقای محمد سریر و آقای همایون خرم برنامه‌ای دراین خصوص برگزار شد و این کار را ادامه خواهیم داد و در ادامه بزرگداشتی برای دیگر بزرگان موسیقی همچون پرویز یاحقی، داریوش رفیعی و بابک بیات خواهیم داشت.»

فرود در تقاطع زمین و زمان و بدن

تئاتر «بر زمین می‌زندش» اثر علی شمس این شب‌ها در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه می‌رود

گزارش

حسین چیانی
منتقد تئاتر

عکس: رضا معطران

نمایش «بر زمین می‌زندش» نوشته و کارگردانی علی شمس، اثری شاخص در سپهر تئاتر پست‌مدرن ایرانی است. این اجرا اجرایی است که از مرزهای رایج روایت، فرم و نشانه فراتر می‌رود و با بهره‌گیری از بدن‌مندی کامل، فرم اجرامحور و زبان چندلایه، تجربه‌ای زیست‌مند از انسان، زمان، زمین و طغیان را پیش می‌نهد. این نقد با تمرکز بر نشانه‌شناسی بدن، تحلیل اسطوره‌ای و خوانش‌های فرگشتی، روایی و زیبایی‌شناختی، سویه‌های گوناگون متن و اجرا را واکاوی می‌کند.

در آثار پست‌مدرن متأخر، بازخوانی تاریخ دیگر صرفاً تکرار روایت‌های مسلط نیست، بلکه شکلی از بازیگری و افشاگری با ساختارهای تاریخ، زبان، بدن و باور را در خود دارد. در این بستر، علی شمس در نمایش بر زمین می‌زندش نه در پی بازنمایی یا دراماتیزه کردن گذشته، بلکه در پی آفرینش جهانی اجرامحور است که در آن، نشانه و بدن وشیء به جای داستان، کنشگر اصلی‌اند.

نمایش انگار که تماشاگر را نه برای تماشا، بلکه برای بلعیده شدن می‌طلبد. بر زمین می‌زندش، بر زمین می‌زندت و سپس رهایت نمی‌کند، زیرا زمینِ این اجرا، دیگر آن زمینی نیست که از قبل می‌شناختی‌اش. این اثر تجربه‌ای‌ست آغشته به زمین، به زمان و به انسان.

نمایش با تصویر تکان‌دهنده‌ای آغاز می‌شود: گاوی سلاخی‌شده با پاهایی به سوی آسمان. این تصویر، گسستی بنیادین با نظم طبیعی و درعین حال رجعتی به اسطوره‌های زهدان‌محور و مادرسالار است. دست کردن شخصیت اصلی در شکم گاو جهت رفع نیازها، تلاش برای بازتعریف منشأ حیات در قالبی جدید است. البته حیات زیستی و بقامحور و نه آن جنبه قدسی و آرمانی. لوپ آغازین نمایش، از دل طبیعت سر برمی‌آورد و در دل طبیعت نیز دفن می‌شود.

یکی از درخشان‌ترین لایه‌های زیرین نمایش، تحلیل داروینیستی آن است. تکرار مداوم تم‌هایی چون گرسنگی، خوردن، تولید غذا، تمنای بارداری از طریق لاشه گاو و مواجهه با زهدان، مؤلفه‌هایی بنیادین برای فهم نسبت میل و معنا در این اثرند (علاوه بر بار نمادین این عناصر). اینجا خواست بقا، مقدم بر معنای زیستن قرار می‌گیرد. اینجا، آرمان‌گرایی و معناباوری به چالش کشیده می‌شوند و جای خود را به ژستی جسورانه از بدن، میل و سیری‌ناپذیری می‌دهند.

صحنه چرخان نمایش، فراتر از ترفندی بصری یا تکنیکی است و چیزی بیش از تصور سهل‌انگارانه ارعاب مخاطب. این چرخش، استعاره‌ای چندوجهی‌ست که چرخش دایره‌وار زمان، چرخ روزگار، بی‌ثباتی موقعیت انسان در تاریخ و چرخش زمین به دور خود را نشان می‌دهد. در لحظه اوج چرخش، صحنه نه فقط چشم‌انداز را تغییر می‌دهد، بلکه مخاطب را وارد تجربه‌ای هستی‌شناختی می‌کند؛ تجربه‌ای که در آن، جایگاه ناظر و نگریسته شونده فرومی‌ریزد.

این چرخش، ما را به یاد انقلاب کوپرنیکی، فروپاشی مرکزیت انسان مدرن و برهم‌خوردن اقتدار روایت‌های مسلط می‌اندازد. صحنه چرخان، بدل به ابزار نقد تاریخ، علم، فلسفه و... می‌شود.

با ورود شخصیت‌هایی چون گالیله، خواننده، ارجاع به داستان سیب و گندم آدم و حوا و اخراج از بهشت (و ورود به زمان‌مندی در این نمایش) و اشاره به تمدن سومر، نمایش عملاً ساختاری التقاطی از گفتمان‌ها خلق می‌کند اما آنچه مانع از اپیزودیک‌شدن اجرا می‌شود، انسجام استعاری میان تمام عناصر است.

حضور مردی با کلاه دایناسور که چندبار در طول نمایش ظاهر می‌شود، سایه‌ای از گذشته فرگشتی انسان است. دایناسور، مالک پیشین زمین، حالا تماشاگر خاموش و بی‌قدرت صحنه‌ای‌ست که از دستش دررفته است. این تصویر، انسان را در موقعیت ناپایدارش بر زمین نشان می‌دهد و یادآور می‌شود که تو نیز چون من خواهی افتاد. در سکانس نهایی، بازی نرد با مرگ و بازگشت شخصیت اصلی به درون شکم گاو، نمایش را به ساحت الهیات پست‌مدرن می‌برد. برخلاف اسطوره‌های دینی که مرگ پایان یا آغاز آفرینش است، اینجا مرگ نوعی بازگشت به زهدان است. در اینجا برنده بودن خدا از پیش مشخص است.

نقش اسکرین در نمایش دوگانه است. هم‌زمان، ترجمان زبان، واسط تصویری و بازتابی از زهدان است. هنگام تمیز کردن زهدان گاو توسط یک کاراکتر با دستمال، با نویز و برفک در اسکرین همراه است که نشانه‌ای بر همبستگی‌شان است و تلاقی طبیعت و تکنولوژی را نمایان می‌سازد. اینجا، بدن و تصویر، به‌مثابه منابع هم‌ارز معنا، در کنار یکدیگر عمل می‌کنند. چنان‌که بدن منبع حیات زیستی‌ست، اسکرین منبع حیات نشانه‌ای می‌شود.

زبان در نمایش، نه صرفاً ابزار گفت‌وگو، بلکه بدل به دستگاه ادراکی بدن شده است. کاراکتر اصلی با معده، غذا و زهدان وارد دیالوگ می‌شود. زبان از ذهن خارج می‌شود و در جوارح تجسم می‌یابد. این زبان، زبانِ بدن است، زبانی پساگفتمانی است که از دل تجربه زیستی بیرون می‌آید.

در ساختار کلاسیک درام، ضمیر یا وجدان مرکز کشمکش است. اما در این اثر، این جایگاه به معده واگذار شده است. معده، مرکز تصمیم‌گیری، کنش و حتی دیالوگ است. این امر بازتابی از فلسفه شوپنهاور است که میل را نیروی بنیادین جهان می‌داند. در این نمایش میل جای معنا را گرفته و بدن جای روح را.

نام نمایش، «بر زمین می‌زندش» هم خود حکایتی‌ست. زمین در اینجا فقط لوکیشن نیست. زمین به مثابه طبیعت و «بر زمین می‌زندش» استعاره‌ای است به بازگشت انسان به طبیعت پس از کنکاش مفصلش با دین و هنر و علم و فلسفه در طول سفر دور و درازش. زمین یک وضعیت وجودی است. زمین جایی‌ست که انسان پس از سرکشی، پس از پرواز، پس از عقلانیت، پس از اسطوره، دوباره به همان پرتاب می‌شود. گرانش یا جاذبه که بارها در نمایش بدان تأکید شده، یادآور سقوط است. فرگشت، یادآور اجبار بقا. و این سه عامل (زمین، جاذبه و فرگشت)، در هم می‌آمیزند تا جهانی بسازند که در آن، اجرا به‌مثابه ذات هستی‌ست و نه بازنمایی آن.

صحنه در این نمایش، نه صرفاً محمل روایت، بلکه تجسم کالبدی مفاهیم است. میز، گاو، اسکرین، میکروویو و حتی صندلی‌ها، همگی در نسبت‌های کالبدشناسانه‌ای قرار می‌گیرند که صحنه را بدل به مدل بزرگ‌شده‌ای از درون بدن می‌کنند. در این نظام، هر کنش، عملکردی فیزیولوژیک است: لقاح، هضم، زایش و دفع.

جای‌گیری بدن‌ها در نسبت با فضاهای غیرمتحرک و بویژه در صحنه‌های وارونه، نقطه اوج اجراست. بدن‌هایی که انگار جاذبه بر آنها بی‌تأثیر است، بدون مشاهده درگیری و فشار عضلانی در بازیگرها، تنها حاصل تمرین و درک عمیق از رابطه بدن با فضا هستند. در چنین اجرایی، بدن‌ها حامل معنا می‌شوند و بیش از مجری صرف دیالوگ عمل می‌کنند. اینجا بدن‌ها سوژه‌اند و نه ابزار.

متن نمایش، خود به‌مثابه بیانیه‌ای فلسفی-زیستی است. انسانی که از اخلاق و ایدئولوژی و این دست چیزها عبور کرده، حالا با معده‌اش سخن می‌گوید. در اینجا، تاریخ به اندام گوارش عقب‌نشینی کرده و بدن، زبان را بازپس گرفته است.

برخلاف بسیاری از آثار پست‌مدرن این روزها که به اسم اثر پست‌مدرن، صرفاً در دام ترفندهای فرمال (شکستن دیوار چهارم، پرش‌های روایی، گریز از واقع‌نمایی) گرفتارند، علی شمس در این اجرا به جای تکرار آن کلیشه‌ها، به جوهره پست‌مدرنیسم باز می‌گردد، یعنی مقاومت در برابر نظم‌های معنابخش، فرسایش قراردادها و بازاندیشی در مرزهای بدن، زبان و تاریخ. به همین اعتبار، این نمایش را باید نمونه‌ای از پست‌مدرنیسم اجرامحور دانست. «بر زمین می‌زندش»، تئاتری است که اجرا در آن، خودِ معناست.

سخن آخر اینکه بر زمین می‌زندش تئاتری‌ست که بیش از دیدن، برای زیستن خلق شده است. تجربه‌ای تمام‌عیار از بدن، تاریخ، علم، مرگ و میل. در جهانی که روایت‌ها فرسوده شده‌اند، این نمایش، خود روایت است؛ روایتی از انسان در تقاطع زمین، زمان و بدن.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت صنایع غذایی سکه (سهامی عام)
به‌شماره ثبت ۵۳۰۱ شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۶۴۴۶۰

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران، وکیل یا قائم‌مقام صاحب سهم و همچنین نماینده یا نمایندگان اشخاص حقوقی دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ به نشانی تهران، خیابان خیابان قائم‌مقام فراهانی، خیابان خدری، بعد از تقاطع سنایی، پلاک ۳۱، طبقه ۳، سالن همایش‌های یاس برگزار می‌گردد حضور به‌هم رسانند. ضمناً مشاهده مجمع از طریق لینک https://meet.google.com/abi-ymvd-hav امکانپذیر می‌باشد.

دستور جلسه:
- استماع گزارش هیأت‌مدیره، حسابرس و بازرس قانونی درخصوص افزایش سرمایه
- بررسی و تصمیم گیری درخصوص افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۳۸۹,۱۹۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به مبلغ ۲,۶۳۷,۷۱۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال از محل تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود
- اصلاح ماده ۵ اساسنامه درخصوص افزایش سرمایه
- سایر مواردی که اخذ تصمیم در مورد آنها در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.

از کلیه سهامداران محترم یا نمایندگان قانونی آنها تقاضا می‌شود مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷، نیم ساعت قبل از تشکیل مجمع با در دست داشتن اصل کارت ملی یا اصل وکالت‌نامه حضور به هم رسانند.

هیات‌مدیره شرکت صنایع غذایی سکه (سهامی عام)

فراخوان تجدید مناقصه عمومی
به‌شماره: ۲۰۰۴۰۰۳۰۶۶۰۰۰۰۱۵
خدمات «پیمانکاری امور خدمات عمومی مجمع فرهنگی و آموزشی رشد (سینما فلسطین)»

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی- وزارت آموزش و پرورش در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی خدمات **«پیمانکاری امور خدمات عمومی مجمع فرهنگی و آموزشی رشد (سینما فلسطین)»** به‌شماره ۲۰۰۴۰۰۳۰۶۶۰۰۰۰۱۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار فراخوان در سامانه: روز پنج‌شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۱۶
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۱
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ می‌باشد.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:
آدرس: تهران- خیابان کریمخان زند- خیابان ایرانشهر شمالی-نبش کوچه آذرفر- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - پلاک ۲۷۰
تلفن: ۸۸۳۱۶۴۳۹ آقای زمانی
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۱۴۵۶ **دفتر ثبت‌نام:** ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص صندوق بیمه کشاورزی

به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۲۸۵۵۷ و به‌شماره ثبت ۵۷۷۸۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ و مجوز شماره ۵۱۰۶ مورخ ۱۴۰۴/۳/۲۱ سازمان خصوصی‌سازی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۲ به تصویب رسید. سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت بازرس قانونی تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

۱۹۸۰۰۳۵
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص آزاد راه باغچه مشهد

به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۴۷۲۵۴ و به‌شماره ثبت ۱۴۱۷۲۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد شرکت ملی مسکن و صنایع ساختمانی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۱۵۲۰۵ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۱۱ شرکت ملی ازادراه قزوین زنجان به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۱۲۵۰۷ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۱۱ بانک ملی به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۷۷۵۴۲ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۴/۱۱ انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۹۸۰۰۲۶

irannewspaper.ir

پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۸۰۷
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۲۲ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۳ • اذان صبح فردا ۰۳/۴۳ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۱۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام حسین (ع):
از نشانه‌های دانا، نقّادی گفتار خود و آگاهی او از حقایق فنون رأی است.

گزیده تحف العقول، ص ۳۸

کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور اجرایی به اصناف

نقل قول

سیاست وزارت فرهنگ کاهش تصدی‌گری و واگذاری امور اجرایی به اصناف است. بودجه‌ها بر اساس عملکرد تخصیص می‌یابند و صنوف فعال حمایت بیشتری دریافت می‌کنند. دولت باید به سیاست‌گذاری بپردازد و امور را به اصناف توانمند بسپارد. نهادهای صنفی باید مستقل از دولت عمل کنند و دولت تنها نقش حمایتگر داشته باشد. همچنین صنوف باید مشارکت حداکثری اعضا را جلب کنند و صرفاً بر افراد خاص متمرکز نباشند. خواستار ارائه راهکارهایی از سوی اصناف برای جذب منابع مالی خارج از دولت هستیم.

بخشی از صحبت‌های نادره رضایی معاونت هنری در نشست مشترک با تعدادی از اعضای هیأت مدیره جدید خانه تئاتر و انجمن صنفی تماشاخانه‌های خصوصی

«شروین حاجی‌پور» بازیگر شد

شروین حاجی‌پور، خواننده‌ای که اولین بار در برنامه عصر جدید روی صحنه رفت و با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد، به دنیای بازیگری پیوست.
حاجی‌پور به همراه پریناز ایزدیار نقش‌های اصلی فیلم «بن سای» به کارگردانی علی بهراد را بازی می‌کنند.
بهراد که پیش از این فیلم‌های «تصور» و «تهران کنارت» را ساخته، از هفته آینده سومین فیلمش را به تهیه کنندگی رضا فتح‌الهی کلید می‌زند.

«کاپولا» در بیمارستان بستری شد

«فرانسیس فورد کاپولا»، فیلمساز مشهور که به تازگی تور سینمایی معرفی فیلم «مگاپولیس» خود را در ۶ شهر آمریکا به پایان رسانده، حالا در بیمارستانی در رم بستری شده است. کاپولا عصر سه‌شنبه در اینستاگرام خودپستی منتشر کرد و انجام این عمل قلب را تأیید کرد. وی برای حدود نیم میلیون دنبال کننده‌اش نوشت: «دَ-دَدَ (اسمی که بچه‌هایم من را صدا می‌زنند) خوب است و از فرصتی که در رم دارد استفاده می‌کند تا عمل فیبریلاسیون دهلیزی ۳۰ سال پیش را با مخترع آن، یک پزشک عالی ایتالیایی -دکتر آندره آ ناتاله- تکرار کند. من خوبم!»

بازگشت «رضا گوران» به صحنه تئاتر

رضا گوران، کارگردان شناخته‌شده تئاتر، پس از ۱۰ سال دوری از صحنه، با نمایشی تازه به مجموعه تئاتر شهر بازمی‌گردد. این اثر با عنوان «رامسس دوم» نوشته سباستین تیری، از نیمه شهریورماه ۱۴۰۴، به آهنگسازی آرش گوران و تهیه‌کنندگی محمد قدس در سالن اصلی مجموعه تئاتر روی صحنه خواهد رفت. رضا گوران پیشتر در زمستان ۱۳۹۴ با نمایش «شب آوازهایش را می‌خواند» در تماشاخانه ایرانشهر، آخرین اجرای صحنه‌ای خود را تجربه کرده بود. بازگشت او به صحنه پس از یک دهه، با حضور هنرمندان شناخته‌شده‌ای همراه است.

نگاره — هر که را افزون خبر، جانش فزون

طراح: نیکائیل چیفتچی

یادداشت

خبرنگاران؛ روایتگران عزت ملی در جنگ شناختی

قادر آشنا
مشاور وزیر و دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور

۱۷ مرداد؛ روز خبرنگار که از جوشش خون شهید صارمی و دیگر جهادگران عرصه خبر و رسانه تولد یافت، تنها یادی در تقویم نیست؛ بلکه روزی است برای تجدید میثاق با رسالتی سترگ و تاریخی. رسالتی که در بستر روایت‌سازی راستین و پاسداری از حصن فکری و فرهنگی جامعه تبلور می‌یابد و خبرنگار ایرانی را به نگهبانی بصیر و حاضر در خط مقدم جهاد تبیین بدل می‌سازد.
در کوران جنگ ترکیبی و نبردهای شناختی، بویژه در روزهای پرحرارت «جنگ ۱۲روزه»، نقش خبرنگار نه‌تنها بازتاب‌دهنده حقیقت، که همرزم و همراه رزمندگان میدان نبرد شد؛ آنان که با قلم و دوربین، دوشادوش مدافعان میهن، روایت راستین میدان را به گوش جهانیان رساندند و سنگر رسانه را در کنار سنگر نبرد، استوار نگاه داشتند. در این عرصه، حقیقت‌گویی، هزینه‌ای سترگ دارد؛ بهایی که خبرنگاران شجاع این سرزمین با ایمان و نثار جان پرداخته‌اند، تا پرچم صداقت، عزت و اعتماد، پیوسته بر فراز فرهنگ عمومی و کیان ایران عزیزمان برافراشته و تابناک باقی بماند.
امروزه نیز ایران عزیز، بیش از هر زمان، آماج جنگ ترکیبی و بی‌نظیر شناختی ـ رسانه‌ای دشمن است؛ جبهه‌ای که در آن، روایت‌های جعلی، تحریف و عملیات روانی، آرامش ذهنی جامعه را هدف گرفته‌اند. خط مقدم این نبرد، نه در میدان جنگ مسلحانه، بلکه در پایگاه‌های خبری و رسانه‌ای ما رقم می‌خورد. آنجاست که خبرنگار ایرانی، همچون افسر جهاد تبیین و نگاهبان حصار ایمان و بصیرت ملت، باید با سلاح آگاهی، تعهد و پایبندی به اصول حرفه‌ای، مانع افتراق و اضطراب اجتماعی شود.
از این رهگذر، فرهنگ خبرنگاری در جامعه انقلابی ایرانی امروز، نیازمند الگویی الهام‌بخش، مبتنی بر شجاعت، صداقت، هوشمندی و فرهنگ‌سازی است. اخبار صحیح و روایت عادلانه، کلید تلاش برای تبیین واقعیات و مقابله با موج تحریف و وارونگی واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی است. این همان جهادی است که مقام معظم رهبری در پیام اخیر خود، با هفت دستور راهبردی، بر آن تأکید مضاعف داشته‌اند؛ از جمله «حفظ عزت و آبروی کشور و ملت، تکلیف بی‌اغماض گویندگان و قلم‌زنان»؛ که مسئولیت خبرنگاران را در حساس‌ترین بزنگاه‌های تاریخی دوچندان می‌کند.
در سلسله نبردهای رسانه‌ای ـ شناختی، تقویت مهارت‌های روایت‌گری، برخورداری از فهم اجتماعی، چابکی در مقابله با هجمه‌ها و ارتقای سواد رسانه‌ای برای دفاع از مرزهای اعتقادی و فرهنگی، اصلی‌ترین سرمایه‌های حرفه خبرنگاری است. خبرنگار امروز، باید خود را نگهبان و مرزبان حقیقت بداند؛ روایتی شفاف بسازد که نه‌تنها حقیقت را روشن کند، بلکه افکار عمومی را نیز از تاریکی و تحریف برهاند.
با چنین نگاه و رسالتی، بر خود فرض می‌دانیم که در روز خبرنگار، یاد و نام شهید صارمی و همه ققنوس‌های شعله‌ور عرصه خبر را پاس بداریم؛ آنان که همچون افسران جهاد تبیین، با تعهد، صداقت و پایداری بی‌وقفه، چراغ حقیقت را فروزان نگاه داشته‌اند. بی‌تردید، پاسداری از حصن فکری و فرهنگی جامعه، رسالت سترگ هر خبرنگار دغدغه‌مند و مسئولیت‌شناسی است که اعتلای عزت و آبروی ایران را جهاد همیشگی خود می‌داند؛ عزتی که در پرتو جهاد روایت و روشنگری راستین این مجاهدان خاموش، جاودانه و سرفراز خواهد ماند. در پایان، با گرامیداشت مقام بلند خبرنگاران شریف و پرتلاش کشور، فرا رسیدن روز خبرنگار را صمیمانه تبریک می‌گویم و از درگاه خداوند متعال برای این طلایه‌داران آگاهی و حقیقت، توفیق روزافزون، عزت پایدار و سربلندی همیشگی مسألت دارم.

به بهانه نزدیک شدن به روز خبرنگار

رواداری باید جای شکایت و تنگ نظری را بگیرد

نگاه

نیکنام حسینی‌پور
مشاور وزیر و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

هفدهم مرداد، روز خبرنگار، فرصتی است برای تجلیل از حرفه‌ای شریف که بنیاد آن بر حقیقت‌جویی، روشنگری و مسئولیت اجتماعی نهاده شده است.
خبرنگار، چشم بیدار جامعه، وجدان آگاه زمانه و حلقه واسط میان مردم و مسئولان است. در جهانی که گردش اطلاعات با شتابی بی‌سابقه همراه است و مرز میان واقعیت و روایت هر روز مبهم‌تر می‌شود، نقش خبرنگار بیش از هر زمان دیگری حیاتی و تعیین‌کننده است.
خبرنگار امروز، صرفاً راوی یک رویداد نیست. او تحلیلگر، تفسیرگر، ناظر اجتماعی و گاه خود بخشی از تحولات جامعه است. او باید در میان امواج انبوه داده‌ها، دروغ‌ها و شایعات، حقیقت را دنبال کند، روایت کند و به جامعه عرضه دارد. این رسالت، نه تنها مهارت و دانش که جسارت، صداقت و تعهدی بی‌وقفه می‌طلبد. خبررسان‌ها در گذشته تنها نقش رساندن خبر به مخاطب را داشته و مسئولیتی در تولید محتوای متن پیام نداشتند، در حالی که امروز خبرنگاران نقش اصلی و بی‌بدیلی در تولید محتوای اطلاع‌رسانی دارند و با تحلیل و نقدهای خود می‌توانند انقلابی عظیم در تغییر رویکرد و نگرش حکومت‌ها و نظام‌ها داشته باشند.
در طول تاریخ معاصر ایران، خبرنگاران در بزنگاه‌های مهم و پرخطر، حضوری مؤثر و تاریخ‌ساز داشته‌اند. چه در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، چه آن زمان که در جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس جان خود را در راه ثبت حماسه‌ها فدا کردند و چه در روزهای پرالتهاب نبرد ۱۲ روزه مردم ایران در برابر رژیم صهیونیستی که با قلم و دوربین، روایتگر مقاومت شدند و صدای این تجاوز آشکار را به جهان رساندند و روایت کردند قبل از آنکه دیگران روایت خودشان را بنویسند. یاد و خاطره شهدای عرصه رسانه، از دوران دفاع مقدس تا امروز، گرامی باد.
خبرنگاران ما در موضوعات فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مبتلابه جامعه، در بزنگاه‌های انتخابات، رویدادهای ملی و بین‌المللی و... روایتگر لحظه‌ها و حامل مطالبه‌های مردم بوده‌اند. کار آنان ساده نیست؛ زیرا باید هم حقیقت را روایت کنند و هم اخلاق را پاس بدارند. هم مستقل بمانند و هم در چهارچوب قانون حرکت کنند. هم صدای مردم باشند و هم در دام فیک‌نیوزها گرفتار نشوند.
این ظرافت، خبرنگاری را به یکی از حساس‌ترین و در عین حال شریف‌ترین مشاغل تبدیل کرده است؛ البته در این میان نیز نیک می‌دانیم که این قشر زحمتکش، هر روز بیشتر در معرض چالش‌های مالی، کاری و امنیت شغلی گرفتار است. امروزه با رسانه‌ها و پیام‌رسان‌های تأثیرگذار و پرسرعتی در شبکه‌های اجتماعی نیز مواجه هستیم که گرچه گاهی برخی از اخبار و اطلاعات آن خلاف واقع است اما از نقش و جایگاه آن در سرعت اطلاع‌رسانی هم نمی‌توان غافل بود.

> خبرنگاران ما در موضوعات فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مبتلابه جامعه، در بزنگاه‌های انتخابات، رویدادهای ملی و بین‌المللی و... روایتگر لحظه‌ها و حامل مطالبه‌های مردم بوده‌اند. کار آنان ساده نیست؛ زیرا باید هم حقیقت را روایت کنند و هم اخلاق را پاس بدارند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به‌عنوان متولی حوزه رسانه در کشور، خود را موظف می‌داند از شأن، امنیت و استقلال خبرنگاران صیانت کند. ما بر این باوریم که خبرنگار، سرمایه‌ای اجتماعی است و بی‌اعتمادی به خبرنگار، آغاز گسست میان دولت و ملت خواهد بود.
رسانه، وقتی قابل اعتماد باشد، می‌تواند سازنده باشد و خبرنگار، وقتی مورد اعتماد جامعه قرار گیرد، می‌تواند چرخه اصلاح را به حرکت درآورد. بنابراین اگر می‌خواهیم مرجعیت رسانه‌ای را داخل مرزها نگه داریم که در زمانه جدید یکی از شقوق امنیت ملی هم تعریف می‌شود، باید پاسخگویی را سرلوحه کارها قرار دهیم. برای آنکه خبرنگار بتواند نقش واقعی خود را ایفا کند، فراهم آوردن زیست‌بومی امن، حرفه‌ای، خلاقانه و اخلاق‌محور ضروری است.
این زیست‌بوم باید بر پایه چهار اصل کلیدی بنا شود: اول، صیانت از امنیت شغلی و حرفه‌ای خبرنگاران: هیچ خبرنگاری نباید به دلیل پیگیری حقیقت، دغدغه امنیت یا آینده شغلی داشته باشد. برخوردهای سلیقه‌ای، فشارهای بیرونی، شکایت‌های بی‌مبنا و تنگ‌نظری‌ها باید جای خود را به فضای گفت‌وگو، نقدپذیری و رواداری بدهد. امنیت خبرنگار، امنیت اطلاع‌رسانی کشور است. دوم، توانمندسازی خبرنگاران برای مواجهه با تحولات نوین رسانه‌ای: در عصری که هوش مصنوعی، شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های بین‌المللی نظم سنتی رسانه را برهم زده‌اند، آموزش‌های حرفه‌ای، آشنایی با روزنامه‌نگاری داده‌محور، سواد رسانه‌ای، راستی‌آزمایی و اصول روایت دیجیتال ضرورتی انکارناپذیر است.
سوم، حمایت قانونی از خبرنگاران در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی: مقررات حمایتی از خبرنگاران باید به گونه‌ای تنظیم شود که استقلال حرفه‌ای آنان محفوظ بماند و در عین حال، امکان دفاع از حقوقشان در صورت تعرض فراهم باشد. ما نیازمند نهادهای داوری منصف، سازوکارهای صنفی قوی و شفافیت رویه‌های حقوقی هستیم.
چهارم، تکریم خبرنگاران متعهد در سراسر کشور، نه صرفاً چهره‌های رسانه‌ای: خبرنگار فقط کسی نیست که در قاب تلویزیون یا عکس روی جلد باشد.
هزاران خبرنگار در شهرستان‌ها، مناطق محروم، تحریریه‌های کوچک یا رسانه‌های محلی، بی‌نام و نشان، اما پرتلاش و متعهد در حال فعالیت‌اند. توجه به آنها، توجه به عدالت رسانه‌ای و تقویت جریان اطلاع‌رسانی مردمی است.
در کنار این اصول، نباید فراموش کرد که خبرنگار ایرانی، در گفتمان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، باید حامل هویت ملی، اخلاق حرفه‌ای و دغدغه‌مند ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی نیز باشد.
رسانه، فقط کانال انتقال خبر نیست؛ رسانه، ابزار شکل‌دهی به افکار عمومی و هویت جمعی است. اگر خبرنگار ما، از داشته‌های فرهنگی خود فاصله بگیرد، میدان روایت را به دیگران واگذار خواهد کرد. در این مسیر، مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خود را هم‌پیمان جامعه خبرنگاری کشور می‌داند. ما بر حمایت، تعامل و توسعه ظرفیت‌های رسانه‌ای در سراسر کشور تأکید داریم و تلاش می‌کنیم تا هم‌افزایی میان نهادهای دولتی و اصحاب رسانه، منجر به ارتقای سطح گفتمان ملی شود. در پایان، بار دیگر به همه خبرنگاران عزیز کشور، این روز پرافتخار را تبریک می‌گویم. برای آنها آرزوی توفیق، امنیت و سربلندی دارم و یاد و نام همه خبرنگارانی که در راه روشنگری و حقیقت‌گویی جان خود را تقدیم کردند، گرامی می‌دارم. راه آنها، ادامه دارد؛ چون حقیقت، هرگز خاموش نمی‌شود.

نخاله ساختمانی یا اثر هنری؟

یادداشت

سعید اسلام‌زاده
روزنامه‌نگار و منتقد تئاتر

سازمان زیباسازی شهرداری در روزهای گذشته با عنوان پرفورمنس جنگ، در ضلع شمالی تئاترشهر اثری را به صورت چیدمان انجام داده که پرسش‌های بسیاری را مطرح کرده است.
همه می‌دانیم که یادمان‌های جنگ در کشورهایی که تجربه‌های تلخ جنگ و بمباران شهرها را داشته‌اند، جایگاه مهمی در ساختار و مبلمان شهری دارد و معمولاً هنرمندان برجسته، این آثار را خلق می‌کنند. این آثار یادمانی، افزون برزنده کردن خاطرات مقاومت و دفاع، دارای فرم‌های هنری‌اند که قبل از پیاده شدن، با طراحی یک استیتمنت جامع، آن را برای مردم دنیا نیز معنامند می‌کنند. هنر معاصر به شدت فرم‌گریز و تعریف‌ناپذیر است، اما بدون مقدماتی برای ایده و اجرا، نمی‌توان از یک اثر هنری انتظار داشت تأثیری درخور داشته باشد.
سازمان زیباسازی شهرداری تهران، به واقع ایده‌ای خوب را با اجرای بد در مکانی نامناسب، هدر داده است. کسی مخالفتی با ساخت یادمان هنری و چیدمان برای جنگ ۱۲ روزه و نشان دادن عمق رذالت رژیم صهیونی در نابودی خانه‌های مردم ندارد و از آن استقبال هم می‌کند، چرا که فضای تازه‌ای برای روایت می‌سازد، اما آیا برای ساخت، طراحی و اجرای این به قول شهرداری پرفورمنس جنگ، از هنرمندان، مدیران شهری و هنری هم دعوت شده بود که برای رونمایی حضور داشته باشند؟ (حالا اینکه در چه فرآیندی کدام هنرمند برای طراحی و اجرای این اثر انتخاب شده است، موضوع بحث من نیست) اما می‌دانیم که تئاترشهر حریم دارد و برای همین است که الان برای آن حصار طراحی و ساخته می‌شود (که باز هم درست و نادرست حصار، موضوع اینجا نیست.)
حالا در جایی که به طور خودکار پر از نخاله‌های ساختمانی است چرا باید اثری را اجرا کنند که آن هم مجموعه‌ای از ویرانه‌ها و آوار ساختمانی است؟ بدون هیچ اعلام و برنامه‌ای، گذرندگان از کجا باید بدانند که ماجرا چیست؟ تئاترشهر که در حال حاضر صورتش زخمی است چرا با کاری نادرست و بدون خبرسازی، زخم دیگری بر آن اضافه می‌کنند؟
گذشته از همه اینها مگر در این مدت، مستمراً در رسانه‌ها از جنگ روایت‌ها نگفتیم؟ مگر این اثر نمی‌توانست در رسانه‌ها به بهترین شکل روایت شود و تصویر دیگری از مردم‌کشی اسرائیل را نشان دهد؟ مگر ما در اخبار از این ماجرا نمی‌گفتیم که اسرائیل دروغ می‌گوید و خانه‌های مردم را بمباران کرده است؟ خب این یک اثر هنری بود که دنیا را باخبر می‌کرد. نوع اجرای کنونی آن در سکوت خبری و بدون تصویر و عکس رسمی، نشان از کاری پنهانی دارد. پرفورمنس و اینستالیشن، بخش‌های مهم هنرهای جدید هستند که ایده تا اجرای آنها ظرفیت خلق اثر هنری ماندگار را دارد. باور کنیم در جنگ روایت‌ها با همین روایت‌هاست که نگاه دنیا را به جباریت اسرائیل معطوف می‌کنیم. روایت‌های هنری از جنگ، از اخبار رسمی جنگ، تأثیر بیشتری دارند.
امیدوارم مدیران سازمان زیباسازی شهرداری، صدای اعتراض هنرمندان تئاتر و اهالی رسانه را بشنوند که تئاترشهر مکان مهمی است و در اطراف آن نمی‌شود به راحتی هر کاری خواستند انجام دهند، حتی اگر به ظاهر در خارج از حریم آن اتفاقی بیفتد. اینجا برای مردم است. این کار به این شکل جز دشمنی با تئاترشهر معنای دیگری ندارد. ولی در صورتی که از هنرمندان دعوت و یک پروژه هنری را رونمایی می‌کردید، رسانه‌ها برای ایران و مظلومیت مردم روایت‌های متعددی خلق می‌کردند و صدای مردمی را که خانه‌هایشان آوار شده، به گوش مردم جهان می‌رساندند.
مدیران محترم سازمان زیباسازی! جای خالی روایت در پرفورمنس جنگ شما بدجور تو ذوق می‌زند؛ درست مثل کاری که با مجسمه‌های شیربچه‌های اوتیسم کردید و بی‌خبر و اطلاع از اینکه اصلاً این مجسمه‌ها را چه کسانی ساخته‌اند در خیابان‌ها نصب کردید و موجب تمسخر مردم شدید. در صورتی که اگر می‌گفتید اینها کار بچه‌های اوتیسم است، ماجرا به کلی فرق می‌کرد و نگاه هنری به آن تعریف تازه‌ای می‌یافت.

> سازمان زیباسازی شهرداری تهران، به واقع ایده‌ای خوب را با اجرای بد در مکانی نامناسب، هدر داده است. تئاترشهر که در حال حاضر صورتش زخمی است چرا با کاری نادرست و بدون خبرسازی، زخم دیگری بر آن اضافه می‌کنند؟